اعتماد

دوشنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۴
۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷
۱۳ اکتبر ۲۰۲۵
سال بیست‌وسوم
شماره ۶۱۶۲
۱۲ صفحه
۲۰۰۰۰ تومان

ETEMAD Mon □ 13 Oct 2025 □ vol. 23 □ No.6162 □ 12 Pages □ 200000 Rials

پیشخوان Pishkhan.com

۶۷۸۰۶ شهید (شامل ۲۰ هزار کودک)، ۱۷۰۰۶۹ زخمی و هزاران مفقود در جنگ غزه

قمار ترامپ با نظم خاورمیانه

AP

حدیث روشنی | امروز (دوشنبه) شرم‌الشیخ میزبان مراسم امضای رسمی توافق آتش‌بس در غزه خواهد بود؛ توافقی که با حضور دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا و به ریاست مشترک او با عبدالفتاح السیسی، رییس جمهور مصر نهایی می‌شود. اسپانیا، ژاپن، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، مجارستان، هند، السالوادور، قبرس، یونان، بحرین، کویت و کانادا جزو مدعوین واشنگتن برای حضور در شرم‌الشیخ هستند. به‌نقل از یک منبع مطلع، ایران نیز به این نشست دعوت شده است. این نشست در شرایطی برگزار می‌شود که اعضای جنبش حماس از شرکت در آن خودداری کردند و تاکید دارند که این توافق در چارچوب مذاکرات مستقیم میانجی‌گران مصری و قطری شکل گرفته است. نمایندگان اسراییل نیز به عنوان طرف دیگر توافق، در این نشست حضور ندارند. گفتنی است در دهم اکتبر، برقراری آتش‌بس در غزه به‌طور رسمی اعلام شد. با این حال تحلیلگران و نشریات جهان همچنان گمانه‌زنی‌های متفاوتی را درباره آثار آنچه «طرح صلح» ترامپ نامیده می‌شود، مطرح کرده‌اند. با وجود اعلام زمان و مکان امضای توافق صلح، به نظر می‌رسد ناظران هنوز درباره جزییات توافق و آینده آن تردید دارند. در همین راستا گروهی از تحلیلگران با اشاره به رهبری این توافق صلح توسط واشنگتن و نقش پررنگ جرد کوشنر و استیو ویتکاف، به عنوان نمادهای تصمیم‌گیر مستقیم دونالد ترامپ، چنین صلحی را به پشتوانه تلاش‌های امریکا پایدار قلمداد می‌کنند. همزمان، گروهی دیگر از زاویه‌ای متفاوت، این توافق را مورد ارزیابی قرار داده و بر این باورند که در شرایط متزلزل خاورمیانه و پیچیدگی معادلات منطقه‌ای طی سال‌های اخیر...

صفحه ۴ را بخوانید

«اعتماد» در گفت‌وگو با فعالان حوزه زنان از چرایی مسکوت ماندن لایحه منع خشونت علیه زنان گزارش می‌دهد

رخت نو بر تن قانون کهنه حجاب

معصومه ابتکار و شهیندخت مولاوردی: رییس جمهور از ابزار استرداد لایحه، به نفع زنان و خانواده بهره گیرد

مریم باقی: دستورالعمل‌هایی برای پوشش زنان در لایحه منع خشونت قرار داده شده است

زهرا نژادبهرام: لایحه منع خشونت علیه زنان پشت درهای بسته برخی کمیسیون‌های مجلس بایکوت شده

۲

سرمایه‌های خرد برای حفظ ارزش به بازار طلا می‌روند

✓ پول داغ در بازار مذاب

۳

چگونه آثار هنری روایتگر زمان و مکان هستند؟

✓ بازتاب تاریخ از سپیده‌دم تمدن تا جهان معاصر

۷

گفت‌وگو با لاسلو کراسناهورکایی، برنده نوبل ادبیات ۲۰۲۵

✓ فقط انسان معمولی وجود دارد و او مقدس است

۶

یادداشت‌ها

۱ عباس عبدی
معنای یک دروغ

۱ مریم انجم‌روز
علل اصلی افت تحصیلی در مدارس ایران

۱ حمید روشنایی
سیاست «هوشمندانه»

۱ محمد ملاکی
سکوت دانشگاه و جامعه بلاتکلیف

۳ انوشیروان محسنی‌بندپی
ضرورت تغییر پارادایم در گردشگری ایران

۹ سیدمرتضی افقه
FATF قربانی وقت‌کشی سیاسی

۱۰ قادر باستانی تبریزی
آرامش در سایه عقل

۸ پیمان مولوی
هزینه سنگین تاخیر در تصمیم‌گیری با چه کسی است؟

۱۲ نیوشا طبیبی
راهی به جز جلو رفتن نداریم

سلام بر آینده

معنای یک دروغ

عباس عبدی

دو روز بعد از پایان انتخابات سال گذشته، یکی از منسوبین به گروه‌های تندرو نوشت که: «اگر پزشکیان را انتخاب کنید، حق اعتراض ندارید.» بلافاصله در پاسخ نوشتم که: «پزشکیان را انتخاب می‌کنیم تا حق اعتراض ملت به رسمیت شناخته شود.» در واقع این یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز تندروها با دیگران است، چون آنان نگاه فرقه‌ای به سیاست دارند و تا آخرین نفس از هر کاری که نامزد انتخاب شده خود انجام بدهد، دفاع و حق اعتراض را از خود سلب می‌کنند و با این شرط وارد سیاست فرقه‌ای می‌شوند. در نقطه مقابل یک نیروی مستقل و آزاد و مردمی، نه تنها چنین نمی‌کند بلکه مهم‌ترین معیار او برای رأی دادن به یک نامزد این است که ببیند آن فرد در صورت انتخاب شدن تا چه اندازه حرمت و احترام آزادی بیان و نقد را پاس می‌دارد. از این نظر باید انصاف داشت و گفت که آقای پزشکیان نمره بالایی دارد. به راحتی می‌توانید حرف انتقادی خود را در حضورش بزنید. حتی ممکن است لحن انتقادی هم تند باشد. تاکنون نشنیده‌ام که از کسی به دلیل انتقادهایش ناراحت شده باشد یا داوری او درباره افراد، تحت تأثیر نقد یا مجیزگویی آنان باشد. بنابراین اگر یک مقام مسوول همین یک ویژگی خوب را داشته باشد، همه را امیدوار می‌کند که خطاهای جاری اصلاح شود. در این یادداشت می‌خواهم یکی از برنامه‌های وی را نقد کنم. برنامه ساخت مدرسه بدون بودجه‌های دولتی و با کمک مردم که آغاز آن نیز با مشارکت عملی در ساخت دیوار مدرسه‌ای در خوزستان بود و پایان مرحله اولش هم دیروز بود که ذیل شعار عدالت آموزشی و به طور همزمان چندین هزار پروژه آموزشی را در کشور افتتاح کردند. آقای پزشکیان هم ضمن سخنان خیلی خوبی که درباره آموزش زدند، گفتند دولت پول ندارد؛ مردم که می‌توانند کمک کنند. من ضمن ابراز خوشحالی از ساخت این تعداد واحد آموزشی همین رویکرد را نقد خواهم کرد. زیرا موجب عدم توجه به امور اساسی‌تر دولت خواهد شد. به نظر می‌رسد که کمبود مدرسه قطعا مشکل مهمی است. به همین علت نیز بسیاری از نیکوکاران ترجیح می‌دهند پول خود را در این زمینه صرف کنند که باید از آنان به نحو شایسته تقدیر شود. ولی کار داوطلبانه و نیکوکاری وظیفه دولت نیست، ضمن اینکه مساله اصلی آموزش و پرورش نیز کمبود کلاس درس نیست.

ادامه در صفحه ۱۱

آموزش و پرورش

علل اصلی افت تحصیلی در مدارس ایران

مریم انجم‌روز

آموزش و پرورش، ستون توسعه هر کشوری است و کیفیت آن نقش مهمی در شکل‌گیری آینده نسل‌ها دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که نظام آموزشی ایران با آن روبه‌رو است، افت تحصیلی دانش‌آموزان است؛ پدیده‌ای که به کاهش سطح یادگیری، علاقه‌مندی و موفقیت دانش‌آموزان در مدرسه منجر می‌شود. شناخت علل این افت، اولین گام برای پیشگیری و اصلاح آن است. یکی از مهم‌ترین عوامل افت تحصیلی، عدم جذابیت و کارآمدی محتوای درسی است. کتاب‌های درسی معمولا سنگین، پرحجم و بر پایه حفظیات هستند نه درک عمیق یا یادگیری مهارت‌های زندگی. همچنین روش‌های تدریس سنتی و غیرتعاملی باعث می‌شوند دانش‌آموزان علاقه خود را به درس‌ها از دست بدهند. محیط خانوادگی تاثیر عمیقی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموز دارد. خانواده‌هایی که درگیر مشکلات اقتصادی هستند یا از سواد کافی برخوردار نیستند، معمولا نمی‌توانند حمایت آموزشی لازم را از فرزندان خود داشته باشند. از سوی دیگر، اختلافات خانوادگی، طلاق، اعتیاد و نبود نظارت کافی والدین می‌تواند به افت تمرکز و انگیزه در دانش‌آموز منجر شود. بسیاری از دانش‌آموزان با اضطراب امتحان، کمبود اعتماد به نفس، افسردگی یا احساس بی‌انگیزگی مواجهند. این مسائل روانی، در اغلب موارد توسط نظام آموزشی یا خانواده‌ها نادیده گرفته می‌شود. همچنین نداشتن مهارت مدیریت استرس یا ناتوانی در برقراری ارتباط موثر با معلمان و همسالان باعث تضعیف روحیه دانش‌آموز و دور شدن او از یادگیری می‌شود. معلمان نقش اساسی در پیشرفت تحصیلی دارند، اما در بسیاری از مناطق ایران، معلمان با مشکلاتی چون حقوق پایین، فشار کاری زیاد و کمبود امکانات آموزشی روبه‌رو هستند. این عوامل بر انگیزه و کیفیت تدریس آنها تاثیر منفی می‌گذارد. همچنین تراکم بالای کلاس‌ها، کمبود تجهیزات آموزشی و فضای فیزیکی نامناسب مدارس از دیگر عوامل مهم افت تحصیلی است.

ادامه در صفحه ۲

تیتر اول

جایزه صلح جایزه جنگ

جعفر گلابی

ماجرای غم‌انگیز غزه برای غرب بیش از آنکه تصور می‌رود گران شد و تبعات سنگین آن به سادگی دامنشان را رها نخواهد کرد. سوگلیشان در یکی از مهم‌ترین مناطق جهان بیش از ۷۰ هزار نفر غیرنظامی را کشت که فقط ۲۰ هزار نفر آنها کودک بودند. تا همین چندوقت پیش، پیش از توفانی شدن عکس‌العمل افکار عمومی جهان دولت‌های غربی شعار کهنه حق دفاع از خویش را فرو نمی‌گذاشتند و کمک‌های نظامی سیل آسایشان به اسراییل قطع نشد. ولی کمیت و چگونگی یکی از بزرگ‌ترین کشتارهای هدفمند تاریخ چیزی نیست که در عصر ارتباطات قابل مخفی کردن یا عبور از آن امکان‌پذیر باشد. اکنون این سوال هزاران متفکر و ناظر و فیلسوف و جهان‌پژوه را جدا به خود مشغول می‌کند که غرب با کدام معیار انسانی و اخلاقی و عرفی چنین موجودی را در غرب آسیا تعبیه کرده و حدود ۸۰ سال از آن بی‌دریغ حمایت می‌کند؟ سوال مقدر و رو به فربه شدن دیگر این است که نکند در بقیه مناقشه‌های جهانی هم راه و رسم غربی همین است و قدرت پول و رسانه است که بر آنها سرپوش می‌گذارد؟ حالا غرب‌دوستان منصف غیرغربی هم سر به زیر افکنده‌اند و توجیهی برای آن همه احترام و اکرام به یک فرهنگ مدعی انسان‌دوستی را ندارند. اگر نبودند وجدان‌های بیدار مردمی و دانشجویی که سراسیمه با جمعیت‌های ده‌ها هزارنفری به خیابان‌های اروپایی و امریکا ریختند و بعضا کتک‌ها خوردند و زندان‌ها رفتند آبرویی برای غرب باقی نمی‌ماند. البته دولتمردان اروپاسیاستمداران قابلی هستند و خطر را حس کردند، لذا دولت فلسطین را به رسمیت شناختند تا از توفان تناقض‌های حیثیتی و فکری بکاهند. البته این خوابیده پاس دادن کار شاق و مشعشعی نیست و از روی لطف و کرامت صورت نگرفته است. یک مانور سیاسی است که اگر جوانب عملی پیدا نکند و حقی از انبوه حقوق فلسطینیان را برآورده نسازد خون‌بهای یک کودک غزه‌ای هم نمی‌شود. صداقت غرب در رفتار آتی آنان نسبت به مساله فلسطین نمایان خواهد شد. آنان هنوز با شعبده‌ای تبلیغاتی سیاست‌های اصلی خود در خاورمیانه را پی می‌گیرند و در صددند تا این چالش عمیق را هم رفع و رجوع کنند. شاهد ماجرا در داستان جایزه صلح نوبل به‌خوبی خود را نشان می‌دهد. در جایی به مدت دو سال دو میلیون و چهارصد هزار نفر روزانه شکنجه شدند، آواره شدند، کشته دادند، زخمی‌ها بدون درمان زجر کشیدند، خانه‌هایشان خراب شد، کودکان گرسنه ماندند، گم شدند و اغلب تا سرحد مرگ ترسیدند، ولی جایزه صلح نوبل در این داستان کم‌نظیر تاریخی سکوت اختیار کرد. جایزه صلح را طی دو سال گذشته به کسانی دادند که آشکارا مدافع مبانی غربی و حتی منافع غربیند! همان‌ها که قاعدتا باید از این همه خشونت و قصابی به فریاد و فغان بیایند ولی با سکوت و سخن مدافع دخالت بیگانه در امور داخلی خود شدند! دخالتی که هم مرز با جنگ است و بی‌گناهان را زیر بمب و موشک برده و می‌برد. چه تلخ و واقع‌گرایانه گفته‌اند که فاجعه بزرگ جهانی تهی شدن مفاهیم بلند از معانی درست خود است. امریکا چند کشتی را فقط به اتهام قاچاق منفجر می‌کند و خدمه بیگناه و باگناه را به قعر دریا می‌فرستد بدون اینکه بازرسی انجام بشود و...

ادامه در صفحه ۲

تیتر اول

سیاست هوشمندانه

حمید روشنایی

پس از قبول آتش‌بس و طرح صلح آقای ترامپ توسط حماس و گروه‌های فلسطینی، روزنامه‌های اصولگرا به ناگاه صحبت از اقدام هوشمندانه حماس نمودند!!! اینکه فلسطینیان برای سرنوشت خودشان چه تصمیمی می‌گیرند، با مردم و رهبران فلسطین است اما اینکه عده‌ای تندرو در کشور ما پاسخ دادن به طرح صلح امریکایی را هوشمندی می‌دانند، نزدیک به یک معجزه است. شاید برخی مدعی شوند که گروه‌های فلسطینی در شرایط دشواری این تصمیم را گرفته‌اند. سئوال اینجاست که یک سیاست هوشمندانه چگونه است که در برخی مواقع مورد پسند قرار می‌گیرد و در شرایطی دیگر خیر؟! مثلا اگر دولت جمهوری اسلامی ایران به درخواست امریکا برای هرگونه آشتی جواب مثبت بدهد، هوشمندانه است یا خیر؟ دشواری شرایط باید چگونه باشد تا آقایان رضایت بدهند به اقدامی هوشمندانه؟! در اینجا تلاش می‌شود تا تصمیم هوشمندانه (در شرایط واقعی و نه ذهنی) مورد بررسی قرار گیرد. تصمیم‌گیری هوشمندانه یک فرآیند ساختاریافته است که شانس افراد و کشورها را برای دستیابی به نتایج مطلوب افزایش می‌دهد. این فرآیند اغلب شامل ترکیبی از منطق، داده‌ها و درک عمیق از اهداف است. فراهم آوردن یک شرایط خوب برای تصمیم‌گیری هوشمندانه به ۳ عامل مهم بستگی دارد: اول محیطی آرام و پر از داده‌های معتبر، دوم ذهنیتی باز و هوشیار، و سوم فرآیندی سیستماتیک و منطقی برای تصمیم‌گیری. برای اجرای یک سیاست هوشمندانه در کشور ما، نیاز به زمینه‌سازی‌هایی هست:

اولا وجود تصمیم‌گیران نخبه و دارای تخصص و تعهد: مطمئنا با مسوولانی که در زمینه کاری خودشان بیگانه هستند نمی‌توان به یک تصمیم صحیح رسید. داشتن تخصص، اولین شرط مدیریت خوب است و پس از آن تعهد به درستی کار و داشتن خلاقیت، اهمیت زیادی دارد.

ثانیا درک درست واقعیت‌ها: نمی‌توان پای میز مذاکره رفت و به درکی درست از شرایط، داشته‌های خود و طرف‌های مقابل و...

ادامه در صفحه ۲

جامعه

سکوت دانشگاه و جامعه بلاتکلیف

محمد ملاکی

جامعه ایرانی در یک نقطه عطف تاریخی و مفهومی قرار گرفته؛ نقطه‌ای که مشخصه اصلی آن «تردید» است. این تردید، ریشه در فقدان اجماع بر سر اهداف کلان، اولویت‌های استراتژیک و حتی فهم مشترک از مسائل بنیادین دارد. این وضعیت را می‌توان «جامعه بلاتکلیف» نامید: جامعه‌ای که در مواجهه با مشکلات ساختاری و بحران‌های هویتی، نه قادر به بسیج شدن حول یک گفتمان معتبر است و نه می‌تواند مسیر روشنی را برای خود ترسیم کند. در مقابل این وضعیت، دانشگاه تنها نهادی است که انتظار می‌رود منبع اصلی روشنگری و ایجاد اجماع فکری باشد. دانشگاه، در بهترین حالت خود، نهاد حافظ نظم نیست، بلکه نهاد کاوشگر حقیقت و ناقد وضع موجود است. وظیفه اصلی آن، تولید دانش اصیل، شفاف‌سازی مفاهیم مبهم، نقد ساختارهای قدرت و روشنگری عمومی است. در جامعه‌ای که نیازمند تحلیل عمیق علل شکست‌ها و ترسیم مسیرهای جایگزین است، انتظار می‌رود دانشگاه صدای رسا و مستقلی باشد. با این حال، سکوت کنونی دانشگاه محصول ترکیبی پیچیده‌ای از عوامل ساختاری و محیطی است: مهم‌ترین عامل، تعلیق یا تضعیف استقلال نهادی دانشگاه است. ترس از عواقب سیاسی و نظارت مستقیم بر خروجی‌های فکری، منجر به اعمال یک «سانسور درونی» شده است. این امر در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی شدیدتر است، جایی که تحلیل انتقادی ریشه‌ای‌تر است. اساتید ناچارند میان وظیفه روشنفکرانه خود و حفظ امنیت شغلی و ادامه حیات نهادی، یکی را انتخاب کنند. بخشی دیگر از دانشگاه، تحت تاثیر جهانی‌سازی و تمرکز بر رتبه‌بندی‌های بین‌المللی، به سمت تبدیل شدن به یک سازمان صرفا فنی و تولیدکننده مدارک حرکت کرده است. گرایش به رشته‌های «مفید بازار» (مانند مهندسی و مدیریت کاربردی) و تضعیف علوم انسانی انتقادی باعث شده است تا دانشگاه توانایی زبانی و مفهومی لازم برای مشارکت در مباحث کلان اجتماعی را از دست بدهد. مقالات آکادمیک در مجلات خارجی جایگزین وظیفه روشنگری ملی شده‌اند. زمانی که گفتمان عمومی به شدت قطبی و پاسخ‌ها به تحلیل‌های عمیق، واکنشی تند و غیرمنطقی است...

ادامه در صفحه ۲

برادر گرامی
جناب آقای دهقان
مصیبت درگذشت برادر گرامی‌تان را تسلیت گفته، برای آن مرحوم غفران و آمرزش الهی و برای شما و سایر بازماندگان صبر و سلامتی آرزومندم.
الیاس حضرتی

اگر از مسوولان یا ادارات و سازمان‌های کشور سوال دارید به این شماره پیامک کنید
شماره پیامکی ۱۰۰۰۹۱۲۱۲۵۳۳۳۲
ایمیل etemaddaily@hotmail.com
اگر در محل کار خود یا در ارتباط با کارهایتان در سازمان‌های مختلف با مشکل روبه‌رو شده‌اید گلایه‌های خود را در اینجا مطرح کنید. روزنامه اعتماد در خدمت مردم عزیز ایران است، ما را یاری کنید که بیشتر پرسشگر باشیم.

آدرس وب سایت‌ها گروه رسانه‌ای «اعتماد»
سایت جنایی | سینما اعتماد | اعتماد آنلاین | روزنامه تعادل | روزنامه اعتماد

نیم‌نگاه

نیچیروان بارزانی: پس از دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای کیفیت روابط ایران و اقلیم کردستان بهبود یافت

منصور جهانی | «نیچیروان بارزانی»، رییس اقلیم کردستان عراق در مورد روابط اقلیم کردستان با ایران گفت: پس از سفرهایم به ایران و بعد از دیداری که با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری ایران داشتیم، معتقدم که نوع، کیفیت و ماهیت روابط میان ایران و اقلیم کردستان، به‌طور قابل توجهی بهبود یافته و دستخوش تغییرات مثبتی شده است.

«نیچیروان بارزانی»، رییس اقلیم کردستان عراق، در پنل کنفرانس سالانه انستیتوی پژوهشی خاورمیانه با عنوان «میری» The Middle East Research Institute (MERI) با موضوع و محوریت «شکل‌دهی آینده و چشم‌اندازهایی برای صلح و رفاه» در شهر اربیل، درباره وضعیت فعلی روابط اقلیم کردستان با ایران و چگونگی تقویت هر چه بیشتر آن گفت: دو جنبه کلیدی در مورد ایران وجود دارد، اول اینکه ایران همسایه مهمی برای ماست؛ ما مرزهای مشترک و طولانی با ایران داریم؛ هرگز نخواسته‌ایم و به دنبال آن هم نیستیم که هیچ اختلالی در روابط ما با ایران ایجاد شود. در عین حال، ما منشا هیچ تهدیدی برای ایران نیستیم.

ما نمی‌خواهیم که به هیچ شیوه‌ای از خاک اقلیم کردستان، هیچ‌گونه تقابلی علیه هیچ کدام از همسایگانمان صورت بگیرد. ایران، جزو آن کشورهایی است که هرگز نمی‌خواهیم منبع تهدید برای آن باشیم. این اصل، در سیاست اقلیم کردستان محوریت دارد. ما می‌خواهیم عامل امنیت و ثبات در منطقه باشیم، نه عامل بی‌ثباتی و برهم‌زننده امنیت و آسایش در منطقه. در حقیقت، این مهم؛ همچنان سیاست واقعی اقلیم کردستان است.

مبادلات تجاری ما با ایران

بارزانی در مورد سفر سال گذشته خود به ایران و دیدار با مقامات عالیرتبه کشور گفت: از نظر اقتصادی، مبادلات تجاری ما با ایران، تقریبا ۱۱ میلیارد دلار در سال است. سال گذشته به ایران سفر کردم و بعد از این سفر بود که صفحه جدیدی در روابط بین اقلیم کردستان و ایران گشوده شد. رییس جمهور اسلامی ایران به اربیل سفر کرد و من معتقدم که این اتفاقات؛ تغییرات مثبتی در روابط ما و ایران به وجود آورد. من دوباره تاکید می‌کنم که ایران، کشور مهمی است؛ ما می‌خواهیم روابط کنونی خود را از این سطح هم بیشتر توسعه دهیم و اقلیم کردستان هرگز به منبع تهدیدی برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل نخواهد شد. ایران، در دوران سخت گذشته؛ از اقلیم کردستان حمایت، پشتیبانی و همکاری کرده است و ما از آنها به خاطر این موضوع سپاسگزاریم. ایران، همسایه مهمی است و ما خواهان روابط قوی و مستحکم با آنها هستیم. پس از سفرهایم به ایران و بعد از دیدار و جلسه‌ای که با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری جمهوری اسلامی ایران داشتیم، معتقدم که نوع، کیفیت و ماهیت روابط میان ایران و اقلیم کردستان، به‌طور قابل توجهی بهبود یافته و دستخوش تغییرات مثبتی شده است.

ادامه از صفحه اول

سکوت دانشگاه و جامعه بلاتکلیف

بسیاری از اندیشمندان ترجیح می‌دهند در دالان‌های تخصصی خود باقی بمانند. این «خودسانسوری» به یک مکانیسم دفاعی تبدیل می‌شود. در نتیجه، خروجی دانشگاه به جای اینکه بحث‌برانگیز و روشنگر باشد، «بی‌خطر» و آکادمی نمایانه باقی می‌ماند. جامعه بلاتکلیف، وضعیتی است که در آن بنیان‌های شناختی لازم برای حرکت جمعی متلاشی شده‌اند. این وضعیت خود را در چند حوزه کلیدی نشان می‌دهد: در فقدان یک صدای معتبر، مستقل و تحلیلی، اعتماد عمومی به نهادهای رسمی و همچنین دانش تخصصی مبتنی بر شواهد از بین می‌رود. جامعه به جای رجوع به تحلیل‌های ساختاریافته، به سمت شبکه‌های غیررسمی، اطلاعات سطحی و روایت‌های احساسی گرایش پیدا می‌کند. این امر منجر به ظهور پدیده‌ای می‌شود که در آن، نظر هر فردی به اندازه نظر کارشناس وزن پیدا می‌کند. بلاتکلیفی اجتماعی، به‌معنای ناتوانی در فرموله کردن اهداف بلندمدت و استراتژیک است. هر حرکت یا واکنشی صرفا واکنشی به رویداد لحظه‌ای است، نه یک راهبرد محاسبه شده. این امر باعث می‌شود جامعه به‌طور مداوم در چرخه‌هایی از اعتراضات، بازگشت به وضعیت پیشین و سرخوردگی مجدد گرفتار شود. فاقد بودن بینش‌های تحلیلی عمیق، جامعه را به بازیگرانی تبدیل می‌کند که صرفا به دنبال «مسکن‌های فوری» هستند. وقتی هیچ صدای میانی و تحلیلی وجود ندارد که بتواند چارچوبی مشترک برای بحث فراهم آورد، گفتمان عمومی سریع به سمت دو قطب افراطی کشیده می‌شود. هر دو طرف، استدلال‌های خودرانه بر پایه تحلیل واقعیت، بلکه بر اساس هویت و وفاداری گروهی بنا می‌نهند. در این فضا، تحلیل عینی و بی‌طرفانه (که محصول اصلی دانشگاه است) به عنوان یک «خیانت» یا «جانبداری پنهان» تلقی شده و از بین می‌رود. رابطه میان سکوت دانشگاه و بلاتکلیفی جامعه یک رابطه خطی نیست، بلکه یک حلقه بازخورد مثبت است که هر دو عنصر را تقویت می‌کند: زمانی که دانشگاه به دلایل ذکر شده سکوت می‌کند، فضای تحلیلی و نقادانه جامعه خالی می‌ماند. این خلأ موجب سردرگمی بیشتر، نبود راهکارهای علمی و تکیه بر منابع غیرموثق در جامعه می‌شود. بلاتکلیفی به عنوان یک وضعیت سیال و پرفشار گسترش می‌یابد. سپس، جامعه بلاتکلیف و ناآرام، تبدیل به فضایی می‌شود که ریسک ورود به آن برای دانشگاهیان بیش از حد بالاست. واکنش‌های تند و غیرمنطقی به اندیشه‌های پیچیده، اساتید را متقاعد می‌سازد که ورود به عرصه عمومی نه تنها مفید نیست، بلکه می‌تواند منجر به تنبیه یا طرد شدن شود. این امر موجب افزایش مجدد انزوا و سکوت دانشگاه می‌شود. از منظر جامعه‌شناسی دانش، این چرخه به «بی‌ربط شدن» دانشگاه می‌انجامد. اگر نهاد دانشگاهی از پرداختن به مسائل حیاتی روزمره و بنیادین جامعه سرباز زند، به تدریج از حافظه جمعی و اهمیت راهبردی خود ساقط می‌شود. دانشگاه تبدیل به جزیره‌ای می‌شود که منابع عظیمی را مصرف می‌کند، بدون اینکه خروجی مرتبطی برای حل مسائل داشته باشد. پیوند ناگسستنی میان سلامت ساختار دانشگاه و کیفیت تصمیم‌گیری جامعه، یک اصل اساسی در جامعه‌شناسی مدرن است. در شرایط کنونی، قرارداد اجتماعی میان دانشگاه و جامعه آسیب‌دیده است. دانشگاه به عنوان قلب تپنده تفکر انتقادی، از ایفای نقش خود باز مانده و این انفعال، به جامعه اجازه داده است تا در چرخه‌های مکرر تردید، خطا و سرخوردگی گرفتار آید. رهایی از بلاتکلیفی اجتماعی، مستلزم بازپس‌گیری نقش دانشگاه به مثابه «آینه انتقادی» و منبع رهبری فکری مستقل است. این امر نیازمند دو گام اساسی است: اول بازسازی استقلال نهادی؛ دانشگاه باید با استفاده از تمام توان علمی و اخلاقی خود، فضایی امن برای نقدسازنده و عمیق، حتی اگر تلخ باشد، فراهم آورد و در برابر فشارهای بیرونی مقاومت کند. دانش باید دوباره به عاملی برای پرسشگری تبدیل شود، نه تایید وضع موجود و گام دوم؛ تعهد به گفت‌وگوی عمومی؛ اساتید باید مجددا شجاعت لازم برای ورود به میدان گفتمان عمومی را کسب کنند. این به معنای پرهیز از زبان تخصصی محض نیست، بلکه به‌معنای ترجمه تحلیل‌های پیچیده به زبانی است که برای جامعه قابل فهم باشد و بتواند به عنوان بستری برای اجماع تحلیلی عمل کند. در نهایت تا زمانی که دانشگاه به جای تحلیل، سکوت را انتخاب کند، جامعه محکوم به تکرار اشتباهات خود در یک سردرگمی مداوم خواهد بود. شفافیت اجتماعی (رهایی از بلاتکلیفی) نه از طریق اجبار، بلکه از طریق روشنگری عمیق و مستمر فکری میسر می‌شود و این امر بدون دانشگاهی فعال و جسور غیرممکن است.

پژوهشگر و تحلیلگر مسائل ایران

جایزه صلح جایزه جنگ

یک مقام قضایی مستقل به اتهامات اعلام شده رسیدگی کند، ارتش ایالات متحده ظاهرا برای حمله به کشور مستقل ونزوئلا آماده می‌شود و درست در همین زمان جایزه صلح به کسی داده می‌شود که از این تجاوز احتمالی در پوست خود نمی‌گنجد و هدیه خوش خدمتی خود را به رییس جمهور امریکا تقدیم می‌کند! لابد پیکر آقای نوبل در گور در حال لرزش است که جایزه‌اش تمهید یک جنگ شود که خدا می‌داند چه تعداد انسان بیگناه کشته شوند! آری تا هژمونی یک‌طرفه غربی با انواع امکانات و ابزارها در جهان حکم می‌راند داستان غزه و غزه‌ها استمرار دارد، داستان مظلومیت مردم ایران که قریب ۲۰ سال است تحت شدیدترین تحریم‌ها هستند و دولت‌های غربی با انواع دسیسه‌ها و سیاست‌کاری‌ها حتی با یک توافق اساسی حاضر نشدند ستم زشت تحریم را از سر مردم بی‌گناه بردارند. لذا جهان تا رسیدن به یک صلح فراگیر و پایدار فاصله‌ای به اندازه سال‌های نوری دارد و اگر جایزه صلح روزی به جایزه جنگ معنا شود فقط کمی اغراق شده است و تعجب زیادی برنمی‌انگیزاند. جایزه‌ای که روزی شخصیت‌های بزرگی چون هانری دونان، نلسون ماندلا، مارتین لوتر کینگ، مادر ترزا به آن اعتبار دادند حالا اسیر سیاست شده است و به کار صلح و برادری ملت‌ها و کم کردن ارتش‌ها که وصیت آقای نوبل بود نمی‌آید. جایزه صلح چه می‌کند در جهانی که بزرگ‌ترین ارتش دنیا نامش را از وزارت دفاع به وزارت جنگ تبدیل می‌کند و تازه فرمانده‌اش مدعی این جایزه می‌شود! چون آقای ترامپ هم خوب می‌داند و اعلام هم کرده است که این جایزه سیاسی است.

علل اصلی افت تحصیلی در مدارس ایران

نظام آموزشی ایران به شدت امتحان‌محور و کنکورمحور است. این ساختار، فشار زیادی را به دانش‌آموزان وارد می‌کند و یادگیری را از یک فرآیند پویا و لذت‌بخش به یک رقابت استرس‌زا تبدیل کرده است. در چنین فضایی، هدف بسیاری از دانش‌آموزان صرفا گرفتن نمره یا قبولی در کنکور است، نه درک واقعی مفاهیم درسی. در نهایت افت تحصیلی در مدارس ایران، نتیجه مجموعه‌ای از عوامل در هم تنیده است؛ از ساختار نظام آموزشی گرفته تا شرایط روانی دانش‌آموز، وضعیت اقتصادی خانواده و کیفیت تدریس. مقابله با این پدیده نیازمند برنامه‌ریزی کلان، آموزش خانواده‌ها، توانمندسازی معلمان و اصلاح محتوای درسی است. تا زمانی که آموزش به عنوان یک فرآیند انسانی، نه صرفا نمره‌محور، در نظر گرفته نشود، افت تحصیلی ادامه خواهد داشت. آینده آموزش و پرورش ایران، در گرو توجه به این چالش‌ها و اقدام عملی برای رفع آنهاست.

رو در رو با سوژه

«اعتماد» در گفت‌وگو با فعالان حوزه زنان از چرایی مسکوت ماندن لایحه منع خشونت علیه زنان گزارش می‌دهد

رخت نو بر تن قانون کهنه حجاب

مهدی بیک‌اوغلی

«برخی نمایندگان رادیکال به دنبال وارد کردن مفاد قانون حجاب و عفاف در لایحه منع خشونت علیه زنان هستند!!!» این عباراتی که برخی فعالان حوزه زنان آن را به کار می‌گیرند تا به جامعه و دولت نسبت به برخی تحرکات رادیکال تذکار دهند. هر چند شاید باور کردن آن دشوار باشد، اما پیگیری‌های «اعتماد» از راهروهای بهارستان گویای این واقعیت است که برخی نمایندگان رادیکال مجلس زمانی که از اجرای قانون حجاب و عفاف ناامید شده‌اند، به هر ترفندی کمر همت بسته‌اند تا محتوای سلبی مورد نظر خود که با تصمیم شعام در قانون حجاب و عفاف تعلیق شده را در قالب تازه‌ای در لایحه منع خشونت علیه زنان بازآفرینی کنند! استفاده از عباراتی چون «اولویت زیست غیرتمندانه مردان» و گنجاندن بحث پوشش زنان در لایحه‌ای که توسط معاونت زنان دولت سیزدهم اجرایی شده، بخشی از مصادیقی است که از قانون حجاب و عفاف وارد لایحه منع خشونت علیه زنان شده است. این در حالی است که رییس جمهور پزشکیان و معاونت امور زنانش بارها خواستار استرداد لایحه و اصلاح آن شده‌اند. اما برخی طیف‌ها در مجلس به دنبال استفاده ابزاری از موضوع منع خشونت از زنان برای پیگیری طرح‌های سلبی خود هستند.

دیروز اما معصومه ابتکار و شهیندخت مولاوردی دو معاون اسبق امور زنان و خانواده در دولت‌های یازدهم و دوازدهم طی نامه‌ای خطاب به پزشکیان خواستار توجه دولت به برخی تغییرات شکلی و ماهوی لایحه منع خشونت و ضرورت اصلاح آن شدند. این نامه که به امضای شهیندخت مولاوردی و معصومه ابتکار، معاونان رییس‌جمهور در دولت‌های یازدهم و دوازدهم رسیده، نسبت به حذف سازوکارهای بازدارنده و حمایتی از زنان و خانواده در برابر خشونت، هشدار داده و آن را عامل دامن زدن به شکاف‌ها و تهدیدی برای انسجام اجتماعی قلمداد کرده است. «اعتماد» برای بررسی این موضوع گفت‌وگوهایی را با مریم باقی و زهرا نژادبهرام ۲ فعال حوزه زنان انجام داده تا درباره تلاش برخی طیف‌ها برای استحاله لایحه منع خشونت علیه زنان بحث و تبادل نظر کند.

مریم باقی: دستورالعمل‌هایی برای پوشش زنان در لایحه منع خشونت قرار داده شده است

مریم باقی دانش‌آموخته حقوق و فعال مدنی در زمینه حقوق زنان در گفت‌وگو با «اعتماد» درباره چرایی تاخیر در اصلاح و تصویب لایحه‌ای که قرار است از زنان در برابر نمودهای خشونت حمایت کند، می‌گوید: «۱۴ سال است که لایحه منع خشونت علیه زنان در مسیر پاستور به بهارستان و بالعکس در رفت و آمد است. فعالان حوزه زنان، جامعه مدنی و بسیاری از زنان آسیب‌دیده در انتظار تصویب این لایحه هستند تا یک ساختار حقوقی و قانونی برای حمایت از زنان در برابر خشونت ایجاد شود. پس از رفت و آمدهای فراوان انتظار این بود که لایحه با توافق دولت و مجلس نهایی شود. اما اتفاق بدتری رخ داد و لایحه به اندازه‌ای در کمیسیون اجتماعی مجلس دچار تغییرات بنیادین شد که ماهیت آن تغییر کرد.» باقی ادامه می‌دهد: «کار به جایی رسید که دولت چهاردهم اعلام کرد لایحه را پس می‌گیرد تا با انجام اصلاحات مورد نظر، لایحه دوباره راهی بهارستان شود. طیف‌های خاصی در مجلس بلافاصله پس از آگاهی از نیت دولت برای به روزآوری لایحه در راستای مطالبات زنان و جامعه مدنی تصمیم گرفتند، لایحه را بر اساس نقشه راه دولت سیزدهم و بدون انجام اصلاحات مورد نظر دولت چهاردهم تصویب کنند! لایحه دولت سیزدهم به گونه‌ای است که حتی عنوان خشونت علیه زنان بر بلندای لایحه قرار نگرفته است. تلاش برخی طیف‌ها در مجلس پیگیری لایحه در سکوت است.» او یادآور می‌شود: «برخی پیگیری‌ها حاکی از آن است آن دسته از نمایندگانی که ایده‌پرداز اصلی لایحه حجاب و عفاف بوده‌اند پس از تعلیق این قانون، تصمیم گرفته‌اند، بخشی از محتوای لایحه حجاب و عفاف را در قالب لایحه منع خشونت علیه زنان دوباره مطرح کنند. این لایحه برای جلوگیری از اعمال موارد متعدد خشونت علیه زنان تدوین و طراحی شده است. اما دولت سیزدهم و مجلس یازدهم حتی حاضر نشده‌اند از عبارت خشونت در خصوص موضوع استفاده کنند. بنابراین لایحه با تغییرات ماهوی و شکلی در دولت سیزدهم دوباره بازنویسی شده تا از اهداف اصلی‌اش که منع خشونت علیه زنان است، تهی شود.» باقی در پاسخ به پرسش «اعتماد» که مصادیقی که برخی نمایندگان مبتنی بر آن تلاش کرده‌اند بخشی از محتوای قانون حجاب و عفاف را در لایحه منع خشونت علیه زنان قرار دهند، چه مواردی است؟ می‌گوید: «موضوع اول این است که لایحه منع خشونت علیه زنان بود که گزاره خشونت از بطن آن بیرون آمده است. محتوای لایحه قرار بود از منع خشونت دفاع کند، اما تعاریف کاملا دچار استحاله شده‌اند. وقتی نتوان خشونت را تعریف کرد، چطور می‌توان مصادیق آن را مشخص کرد و زنان را در برابر گونه‌های مختلف خشونت مورد حمایت قرار داد. هر جا که واژه خشونت قرار داشت، به سوءرفتار تبدیل شده است. سوءرفتار زمین تا آسمان با خشونت تفاوت می‌کند.» این فعال حوزه زنان با اشاره به اینکه مساله بعدی در حوزه جرم‌انگاری‌هاست، می‌گوید: «در این زمینه نه تنها ساز و کارهای حمایتی و پیشگیرانه از زنان حذف و تضعیف شده، بلکه در برخی موارد زمینه‌های اعمال آن در شرایط خاص قرار داده شده است. جرم‌انگاری از تشکیل و ترغیب و الزام عدم تشکیل خانواده در لایحه وجود دارد. یعنی اگر زنی درباره تجرد خود صحبت کند تا ابعاد گوناگون آن را شرح دهد به عنوان تشویق به تجرد در نظر گرفته شده و برای آن جرم‌انگاری شده است! قرار داده شدن عباراتی چون «اولویت زیست عفیفانه و غیرتمندانه مردان» از جمله مواردی است که به نظر می‌رسد از قانون حجاب و عفاف وارد این لایحه شده باشد. چه بسا غیرتمندی مردان یکی از نمادهای اعمال خشونت علیه زنان باشد. در واقع اگر مردی احساس کند که زیست عفیفانه و غیرتمندانه‌اش دچار اخلال شده است، می‌تواند اقدام به اعمال خشونت کند!» او می‌گوید: «همچنین دستورالعمل‌هایی برای پوشش زنان در لایحه منع خشونت قرار داده شده که به هیچ‌وجه با شرایط فعلی داخل کشور و فضای بین‌المللی سازگار نیست. مثلا دستورالعمل برای پوشش کارکنان درمان و زنانی که به مراکز درمانی مراجعه می‌کنند در این لایحه قرار داده شده است. استفاده از پزشک زن برای زنان و پزشک مرد برای مردان از دیگر مصادیقی است که به نظر می‌رسد از قانون تعلیق شده حجاب و عفاف وارد این حوزه شده است.» باقی در پایان با اشاره به اینکه یکی از ایرادات لوایح و طرح‌های حقوقی این است که موضوع با افکار عمومی و تحلیلگران مطرح نمی‌شود، می‌گوید: «سوال این است چرا برخی نمایندگان نگران انتشار مفاد لایحه منع خشونت (یا حفظ کرامت زنان) هستند؟ لایحه‌ای که نیمی از جمعیت ایرانیان به‌طور مستقیم تحت تاثیر آن قرار دارند باید پیش روی افکار عمومی و تحلیلگران قرار گیرد تا نظرات کارشناسی اخذ شود. اگر لایحه مشکلی ندارد و در راستای تسهیل زندگی بهتر برای مردم و منع خشونت علیه زنان است، دلیلی ندارد، اعلام عمومی نشود. این نگرانی‌ها این روزها وجود دارد و لازم است، آقای رییس جمهور، معاونت امور زنان دولت چهاردهم و دلسوزان کشور نسبت به آن واکنش‌های لازم را صورت دهند.»

- **معصومه ابتکار و شهیندخت مولاوردی: رییس جمهور از ابزار استرداد لایحه، به نفع زنان و خانواده بهره گیرد**
- **مریم باقی: دستورالعمل‌هایی برای پوشش زنان در لایحه منع خشونت قرار داده شده است**
- **زهرا نژادبهرام: لایحه منع خشونت علیه زنان پشت درهای بسته برخی کمیسیون‌های مجلس بایکوت شده**

زهرا نژادبهرام: لایحه منع خشونت علیه زنان پشت درهای بسته برخی کمیسیون‌های مجلس بایکوت شده

زهرا نژادبهرام دیگر فعال حوزه زنان است که به بحث ورود کرده و در گفت‌وگو با «اعتماد» درباره تبعات تاخیر در اصلاح و تصویب این لایحه می‌گوید: «وقتی لایحه ارسالی دولت روحانی در مجلس یازدهم با تغییرات ماهوی و جدی مواجه شد و مفهومی به عنوان خشونت که اساس لایحه منع خشونت علیه زنان بود از بطن آن خارج و ادبیات تازه‌ای وارد آن شد، دولت چهاردهم اعلام کرد، قصد پس گرفتن لایحه را دارد، چرا که با رویکردهای دولت مستقر فاصله بسیار دارد. ولی متاسفانه به رغم انتشار این خبر، هنوز این فرآیند اجرایی نشده است. آخرین شنیده‌ها حاکی است که مجلس دوازدهم به فرم توافقی که با دولت چهاردهم داشت تا نظر دولت را درباره نفی خشونت علیه زنان در خانه و جامعه در لایحه اعمال کند، در حال تلاش برای تصویب لایحه‌ای است که دولت سیزدهم راهی مجلس کرده بود.» او ادامه می‌دهد: «قالب لایحه فعلی قالبی است که نه نیازهای جامعه را تامین می‌کند و نه بستر مناسبی برای طرح مسائل زنان ایجاد می‌کند. از این منظر، فکر می‌کنم با توجه به تحولات داخلی کشور و تحولات بین‌المللی در حوزه مسائل زنان، ایجاب می‌کند که دولت در استرداد لایحه پافشاری کرده، لایحه را باز گرداند و مقاومت کند. مساله اصلی منع خشونت علیه زنان است. موضوعی که در جامعه آسیب‌های بسیاری را ایجاد کرده است. هفته گذشته باز هم یک استاد دانشگاه توسط همسر خود کشته شد و یک بار دیگر خلأ قانونی برای حفاظت از زنان ایرانی احساس شد. البته این خشونت‌ها مختص زنان ایرانی نیست و در همه جوامع سابقه دارد.» نژادبهرام با طرح این پرسش که مشخص نیست چرا برخی نمایندگان مجلس در برابر چنین ضرورت روشنی برای حفاظت از زنان ایرانی در برابر خشونت مقاومت می‌کنند؟ یادآور می‌شود: «در همه جهان تلاش می‌کنند از طریق مصوبات حقوق، زمینه حفاظت بیشتر از زنان را در برابر نمادهای خشونت فراهم کند. اساسا این وظیفه مجلس است که امنیت و عدالت را برای آحاد جامعه به خصوص اقشاری که در خطر خشونت‌های جدی قرار دارند، فراهم کند. این مقاومت برخی نمایندگان را متوجه نمی‌شوم، مگر اینکه موضوع بی‌توجهی به زنان و دیدن زنان به عنوان جنس دوم برای این دست از نمایندگان مطرح باشد. مساله این است که جامعه ایرانی بسیار سریع‌تر و جلوتر از قانونگذاران حرکت کرده و خود را به روزآوری می‌کند.» او می‌گوید: «اگر قانونگذار نسبت به تحولات درونی جامعه بی‌توجه باشد، یقینا اعتماد عمومی به قانون کاهش پیدا می‌کند. نمی‌توان همه مسوولیت تامین امنیت جامعه را به دوش زنان انداخت و گفت این زنان هستند که باید امنیت خانواده و جامعه را تامین کنند. تمام اعضای جامعه باید نسبت به امنیت اقشار مختلف حساس باشند. گزاره‌ای که می‌تواند امنیت جامعه را نمایان کند، قانون است. زنان در این بخش، نیازمند حمایت‌های حقوقی و قانونی بیشتری هستند و قرار است قانون منع خشونت علیه زنان بخشی از این امنیت را فراهم کند. اما این ضرورت حقوقی پشت درهای بسته برخی کمیسیون‌های مجلس بایکوت شده و مشخص نیست چرا برخی افراد و جریانات در برابر این نیاز قانونی مانع تراشی می‌کنند.» نژادبهرام یادآور می‌شود: «اگر قرار است لایحه منع خشونت علیه زنان تنها به بخشی از آرمان‌ها، آرزوها و ایده‌آل‌ها بپردازد، زنان به حال خود واگذار شوند و موضوع به کدخدامنشی سپرده شود، باز هم مشکلات قبلی ظهور و بروز می‌یابد. رهبر انقلاب بارها از معاونان رییس جمهور در حوزه زنان خواسته‌اند که این موضوع را دنبال و مساله خشونت علیه زنان را در یک بستر قانونی حل و فصل کنند. اما مشخص نیست چرا نمایندگان مجلس به رغم رهنمودهای روشن رهبری، موضوع را به شکل و شمایلی متفاوت پیگیری کرده و مقوله خشونت علیه زنان را به موضوعاتی سطحی و آرمانی تنزل می‌دهند.»

دریچه

از ابزار قانونی استرداد لایحه به نفع زنان و خانواده بهره بگیرید

معاونان اسبق رییس جمهور در امور زنان و خانواده در نامه‌ای به رییس جمهور پزشکیان، مطرح کردند که نظر به تغییرات ماهوی لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت در متن اخیر مصوب کمیسیون اجتماعی مجلس، ضروری است دولت از ابزار قانونی استرداد لایحه در عمل بهره بگیرد. این نامه که به امضای شهیندخت مولاوردی و معصومه ابتکار معاونان رییس جمهور در دولت‌های یازدهم و دوازدهم رسیده، نسبت به حذف ساز و کارهای بازدارنده و حمایتی از زنان و خانواده در برابر خشونت، هشدار داده و آن را عامل دامن زدن به شکاف‌ها و تهدیدی برای انسجام اجتماعی قلمداد کرده است.

در این نامه آمده است:

با عنایت به درخواست جنابعالی در تاریخ هفتم آذرماه ۱۴۰۳ مبنی بر اولویت بررسی و تصویب لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» (۱۳۹۹) که پیش‌تر با همکاری دولت و اجماع با قوه قضاییه و به امضای شهید آیت‌الله رییسی به دولت ارسال و با امضای دکتر روحانی به مجلس شورای اسلامی ارائه شده بود، نکاتی در خصوص متن مصوب اخیر کمیسیون اجتماعی مجلس تحت عنوان «لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان و خانواده» (۱۴۰۴) به استحضار می‌رسد.

بررسی تطبیقی دو متن نشان می‌دهد که تغییرات اعمال شده در مجلس، انحرافات اساسی از اهداف اولیه لایحه را رقم زده است. لایحه دولت در سال ۱۳۹۹ بر حمایت موثر از زنان خشونت‌دیده، ایجاد ساز و کارهای حمایتی فوری، پیش‌بینی صندوق‌های جبرانی، تأسیس خانه‌های امن و دادرسی تخصصی تمرکز داشت. حال آنکه در متن مصوب کمیسیون اجتماعی مجلس (۱۴۰۴)، این محورهای اصلی حذف یا به طور جدی تضعیف شده و جای خود را به تکالیف فرهنگی و هنجاری داده است که یا ارتباط مستقیمی با موضوع خشونت ندارند یا در قوانین دیگر پیش‌بینی شده‌اند. از منظر کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه زنان، این تغییر رویکرد به معنای استحاله ماهوی لایحه و دور شدن از فلسفه وجودی آن است. در شرایط خطیر کشور و در حالی که جامعه به تازگی از بحران جنگ ۱۲ روزه عبور کرده و ضرورت ایجاد انسجام، همبستگی و تعلق ملی میان همه گروه‌ها ـ به‌ویژه زنان ـ بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود، تصویب قانونی که مغایر با روح اولیه لایحه باشد می‌تواند زمینه سوءاستفاده‌های احتمالی و افزایش شکاف‌های اجتماعی را فراهم آورد. غفلت از این ضرورت و جایگزینی آن با احکام غیرمرتبط و فاقد اثربخشی، نه تنها به حل معضل کمک نخواهد کرد، بلکه می‌تواند نارضایتی اجتماعی و اعتراضات عمومی را تشدید کند. نظر به این تغییرات بنیادین و استحاله محتوایی، ضروری است دولت از ابزار قانونی استرداد لایحه در عمل بهره بگیرد و بر مبنای درخواست جنابعالی در سال ۱۴۰۳، لایحه مصوب دولت در سال ۱۳۹۹ را به عنوان مبنا و مرجع بررسی مجدد قرار بدهد. بدیهی است این امر می‌تواند با تأکید بر روح وفاق و همکاری میان دولت، مجلس و قوه قضاییه پیگیری شود تا از تصویب متنی که با اهداف اولیه دولت و مسیر طی شده در تعامل با قوه قضاییه منطبق نیست، جلوگیری گردد. هرگونه اصلاح و بازنگری نیز می‌بایست در چارچوب همان لایحه با حفظ محورهای حمایتی اصلی و تقویت سازوکارهای پیشگیری و بازدارندگی نسبت به جرایم خشونت‌آمیز علیه زنان و خانواده صورت پذیرد.

ادامه از صفحه اول

سیاست «هوشمندانه»

نظام جهانی واقف نبود. در تصمیم‌گیری‌های درست، شناخت واقعیت‌ها و داشتن داده‌های صحیح حرف اول را می‌زند یعنی اگر مانند پهلوان پنبه ارزیابی اشتباهی از دشمن و حقایق روبه‌رو داشته باشیم با شکست مواجه می‌شویم و زمان و منابع را از دست می‌دهیم و فقط هزینه‌ها را می‌افزاییم. ثالثا محیط آرام و مناسب: در فضای آلوده به افترا و تهمت و دروغ و در یک سیستم نامناسب، امکان فعالیت فرد هر چند متخصص امکان‌پذیر نیست. تجربه به ما ثابت کرده است که در شرایط نامناسب، هر ایده خوبی نیز به سرعت نابود می‌شود. رابعا آزادی در عمل: قدرت و امکان تصمیم‌گیری یک مدیر به میزان آزادی در هنگام کاربستگی دارد. این آزادی عمل به قبل، حین کار و بعد از آن منوط می‌باشد. یعنی مدیران برای یافتن جسارت کاری، می‌بایست از مقامات مافوق خود اجازه و حق عمل داشته باشند و پس از کار نیز مورد حمایت آنها قرار گیرند. اگر مدیری با اجازه مافوق دست به اقدامی زد و پس از کار، مسوولان بالاتر از او حمایت نکردند، چیزی جز محافظه‌کاری سایر مدیران به همراه نخواهد داشت. خامسا حمایت سیستماتیک: هیچ تصمیم‌گیری درست بدون حمایت بدنه سیستم امکان‌پذیر نیست مانند آنکه یک مغز سالم زمانی می‌تواند توانمندی‌های خود را به نمایش بگذارد که سیستم عصبی، عضله‌ها، استخوان‌ها و... به خوبی کار کنند و تحرک و اقدامی صورت پذیرد و گرنه در حد یک ایده و آرزو باقی می‌ماند. شرایط جهانی به ما این واقعیت‌ها را تحمیل می‌کند که اگر به سرعت و دقت وارد یک سیاست هوشمندانه نشویم و منتظر معجزه برای خودمان باشیم، ممکن است آینده را هرگز شاهد نباشیم. تصور کنید اگر گروه‌های فلسطینی می‌خواستند منتظر معجزه باشند و وعده‌های توخالی به خودشان بدهند و پای میز مذاکره نروند و ترس از گفت‌وگو داشته باشند، بیش از آنچه امروز ویرانی و قتل و خسارت دیده‌اند، باید تجربه می‌کردند تا دوباره فرصتی و زمانی برای آنها زاده شود. اینکه این مذاکرات به نتیجه خواهد رسید یا خیر؟ آیا آتش بس پس از تحویل گروگان‌ها باقی خواهد ماند یا خیر؟ بحث دیگری است اما شجاعت حماس و گروه‌های فلسطینی در این است که سرنوشت مردمشان را به آینده خودشان گره نزدند و در انتخابی سخت، اعتماد به مذاکره را برگزیدند.

نگاه

از مدیریت واکنشی تا مدیریت آینده‌نگر

ضرورت تغییر پارادایم در گردشگری ایران

انوشیروان محسنی‌بندپی

در سال‌های اخیر جهان شاهد بحران‌های متعددی بوده است؛ از جنگ‌ها و تنش‌های ژئوپلیتیکی گرفته تا پاندمی‌ها، تغییرات اقلیمی و تحولات رسانه‌ای که هر یک به نوعی بر صنعت گردشگری اثر گذاشته‌اند. در چنین شرایطی دیگر نمی‌توان با الگوهای سنتی و واکنشی به مدیریت این حوزه پرداخت. معتقدم که دوران مدیریت منفعل به سر آمده‌است؛ بایداز «مدیریت بحران» به‌سوی «مدیریت در بطن بحران» حرکت کنیم؛ مدیریتی که تحلیلگر، تاکتیکی و آینده‌نگر باشد. صنعت گردشگری به‌واسطه پیوند مستقیم با ذهنیت عمومی، بیش از سایر بخش‌ها از تحولات محیطی تاثیر می‌پذیرد. کافی است چند خبر منفی درباره ایران در رسانه‌های خارجی منتشر شود تا تصویر ذهنی بسیاری از گردشگران نسبت به کشور تغییر کند. اما در همین شرایط نیز می‌توان کنشگر بود. من در نشست اخیر «تغییر رویکردهای مدیریت در مواجهه با بحران‌های گردشگری» بر همین نکته تاکید کردم: نباید در برابر بحران‌ها منفعل باشیم. انفعال به معنای پذیرش حاشیه‌نشینی است. ما باید شرایط را درست تحلیل کنیم، تاکتیک‌ها را تغییر دهیم و مسیرهای تازه‌ای را برای جذب گردشگر فعال کنیم. جهان فقط اروپا نیست. زمانی که یک بازار به دلیل تحولات سیاسی یا رسانه‌ای محدود می‌شود، می‌توان بازارهای جدیدی را در حوزه گردشگری سلامت، گردشگری مذهبی یا گردشگری منطقه‌ای فعال کرد. تجربه نشان داده که انعطاف‌پذیری در سیاستگذاری و هوشمندی در تحلیل شرایط، ضامن پایداری صنعت گردشگری است.

یکی از مولفه‌های کلیدی در مدیریت نوین گردشگری، ایجاد احساس امنیت است. امنیت فقط در مرزها و خیابان‌ها معنا ندارد؛ در ذهن گردشگر نیز باید احساس آرامش شکل گیرد. وقتی این احساس تقویت شود، مسیر بازگشت گردشگران خارجی به کشور هموار خواهد شد. در همین راستا، دیپلماسی گردشگری را یکی از ابزارهای مهم برای مقابله با جریان ایران‌هراسی می‌دانم. باید در نمایشگاه‌های بین‌المللی حضوری فعال داشته باشیم و از ظرفیت بخش خصوصی برای معرفی ایران بهره بگیریم. ایران با داشتن ۱۳ اقلیم از ۱۱ اقلیم شناخته شده جهان، کشوری با تنوع زیستی و فرهنگی کم‌نظیر است. حتی اقلیم خشک ایران که گاه به عنوان محدودیت از آن یاد می‌شود، خود یک جاذبه طبیعی و منحصربه‌فرد است.

اما تحقق این اهداف، بدون بازنگری در ساختارها ممکن نیست. من بارها تاکید کرده‌ام که بازتعریف ساختار سازمانی گردشگری و استقلال مالی آن یک ضرورت است. چابکی در تصمیم‌گیری و سرعت عمل در اجرای سیاست‌ها زمانی محقق می‌شود که ساختار اداری ما متناسب با ماموریت‌های جدید تعریف شود. در کنار ساختار، سرمایه انسانی نیز نقشی تعیین کننده دارد. کشورهایی چون ترکیه با آموزش هدفمند نیروی انسانی در همه سطوح، از مدیران تا راهنمایان تور، توانسته‌اند قدرت رقابت‌پذیری خود را افزایش دهند. ما نیز باید چنین کنیم. آموزش، تنها انتقال مهارت نیست؛ ایجاد نگرش حرفه‌ای و بین‌المللی در بدنه گردشگری است. از دیگر پایه‌های مدیریت آینده‌نگر، داده و آمار دقیق است. بدون داده، مدیریت ممکن نیست. هم‌اکنون با همکاری سازمان برنامه و بودجه و مرکز آمار ایران، در حال تعریف شاخص‌های دقیق برای سنجش سهم واقعی گردشگری در اقتصاد ملی هستیم. باید بتوانیم با مستندات علمی و آماری نشان دهیم که گردشگری چه نقشی در اشتغال، تولید ناخالص داخلی و تعاملات فرهنگی ایفا می‌کند. اگر نتوانیم اندازه‌گیری کنیم، نمی‌توانیم مدیریت کنیم. یکی از اقدامات تازه معاونت گردشگری، راه‌اندازی سامانه جامع گردشگری سلامت است که با همکاری وزارت بهداشت طراحی شده و در استان‌های تهران، فارس و خراسان رضوی به صورت پایلوت در حال اجراست. این سامانه مسیر ارایه خدمات درمانی به گردشگران خارجی را شفاف و رسمی می‌کند و می‌تواند به ایران جایگاهی ممتاز در گردشگری سلامت منطقه بدهد. در کنار این اقدامات، اعتمادسازی میان ایرانیان خارج از کشور برای من از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حدود هفت تا هشت میلیون ایرانی در خارج از کشور زندگی می‌کنند؛ اگر آنان احساس امنیت و اعتماد کنند، خود بهترین سفیران فرهنگی ما خواهند بود. تسهیل سفر برای این گروه نه فقط اقدامی اقتصادی، بلکه گامی فرهنگی و هویتی است. آینده صنعت گردشگری ایران در گروی تغییر پارادایم مدیریتی است؛ از تصمیم‌های کوتاه‌مدت و واکنشی به سمت سیاست‌های پایدار، سناریومحور و مبتنی بر داده. در جهانی که بحران‌ها زنجیره‌ای و پیش‌بینی‌ناپذیرند، مدیر موفق کسی است که پیش از وقوع بحران، مسیر واکنش را طراحی کرده باشد. ما باید یاد بگیریم در دل بحران، فرصت ببینیم؛ باید جسارت بازاندیشی در سیاست‌ها و انعطاف در تصمیم‌گیری‌ها را داشته باشیم. آینده گردشگری ایران در گروی همین تغییر نگاه است: از مدیریت سنتی به مدیریت خلاق، داده‌محور و انسانی. امروز بیش از هر زمان دیگر به هم‌افزایی میان دانش، تجربه و ابتکار نیاز داریم تا صنعت گردشگری کشور از یک حوزه حاشیه‌ای به جایگاهی مرکزی در نظام حکمرانی و توسعه ملی ارتقا یابد. اگر چنین شود، می‌توانیم نه‌تنها از بحران‌ها عبور کنیم، بلکه آنها را به فرصت‌های تازه‌ای برای معرفی ایران، افزایش تعامل فرهنگی و رشد اقتصادی تبدیل کنیم.

معاون گردشگری کشور

گزارش

سرمایه‌های خرد برای حفظ ارزش به بازار طلا می‌روند

پول داغ در بازار مذاب

فاطمه کریم‌خان

«اینها قبلا خرید نوزادی بود، الان خرید همه است.» این را یک طلافروش محلی در مورد سینی بزرگ پلاک‌های ۳۰۰ تا ۶۰۰ سوتی می‌گوید. «فقط هم اینها نیست. پیرسینگ گوش و بینی، گوشواره، زیر یک گرم خیلی چیزهای متنوعی داریم؛ حتی سنجاق طلا. البته بیشتر مردم سکه‌های سوتی می‌برند تا این چیزها را. سکه‌های سوتی قیمت مشخصی دارد، اجرت هم ندارد و تنها مالیات و رقم ناچیزی سود معامله به آنها اضافه می‌شود. برای همین بیشتر مردم ترجیح می‌دهند آنها را ببرند.» این خلاصه کوتاهی از وضعیت بازار طلای محلی است. نه اینکه مردم دیگر توان خریدن چند گرم طلا، طلای تزیینی یا سکه و نیم‌سکه را نداشته باشند، این خریدها هم هنوز ادامه دارد، بسته به آن چیزی که کاسب‌ها به آن «پاخور محله و مغازه» می‌گویند، هنوز بسیاری از طلافروش‌ها این شانس را دارند که رقم‌های بالا حتی تا چند میلیارد تومان در روز معامله کنند. برای طلافروشی‌های محلی البته داستان کمی متفاوت است.

فروشنده یک طلافروشی در پاساژی در محله جیحون می‌گوید: «روزها اغلب هیچ کس خرید نمی‌کند. ما هم آن بنیه مالی را نداریم که از کسی بخریم. بیشتر خرید و فروش‌ها غروب‌ها انجام می‌شود. خیلی از مردم دنبال طلای شکسته هستند. مردم دیگر حتی به خرید طلای مستعمل و دست دوم هم اعتقاد ندارند و می‌خواهند مستقیم طلای شکسته بخرند. با اینکه طلای شکسته را نمی‌شود استفاده کرد و خطرش هم بیشتر است، چون در صورتی که آن را از شما بدزدند، خیلی راحت‌تر می‌شود معامله‌اش کرد، اما باز هم در بین مردم این طور جا افتاده که خرید طلای شکسته سود بیشتر و ضرر کمتری دارد. آنجاهایی که بنیه مردم کم است و مردم طلا را بیشتر برای پس‌انداز می‌خرند، طلا را می‌خرند که ارزش پولشان را حفظ کنند به همین دلیل هم بیشتر دنبال طلای شکسته هستند تا طلای کارکرده، خیلی خیلی کم پیش می‌آید که طلای نو در این محله‌ها بخرند.»

سبک‌های مختلف، نیت‌های یکسان

طلافروش‌ها می‌گویند حالا دیگر می‌توان خریداران طلا را به چند قسمت تقسیم کرد؛ آنهایی که طلای آب‌شده می‌خرند، امیدوار هستند که با همان سرمایه اندکی که دارند، کار کنند. اینها کسانی هستند که به سود بازار اعتمادی ندارند و به جای آن در بازار طلا سرمایه‌گذاری می‌کنند. خیلی‌هایشان زن‌های خانه‌داری هستند که ارث یا سرمایه کوچکی به دست آورده‌اند و می‌خواهند از این طریق درآمد ثابتی داشته باشند، هرچند که درآمدشان آنچنان هم بالا نباشد. کسانی که طلای شکسته می‌خرند، سرمایه کمتری دارند، آنها هم می‌خواهند در عمل از افزایش تورم ضرر کمتر بکنند همین طور ارزش سرمایه‌شان را نگه دارند. این هم یک نوعی از بازی کردن با سرمایه است که البته از آن درآمد ثابتی به دست نمی‌آید و معمولا سال‌ها طول می‌کشد تا سوددهی داشته باشد. اما نباید از یاد ببریم که به هر حال سرمایه را بند می‌کند و ارزش آن را نگه می‌دارد. کسانی که طلای دست دوم می‌خرند، معمولا این طلا را برای استفاده می‌برند، اما چون فکر می‌کنند هزینه‌های خرید طلا زیاد است، ترجیح می‌دهند با قیمت اقتصادی‌تری طلا بخرند، برای همین دنبال خرید طلای دست دوم هستند. خرید طلای دست دوم خطرهایی هم دارد. گاهی اوقات تمام وزن آن طلا واقعا طلا نیست و در آن چیزهای دیگری هم قاطی شده است که باعث می‌شود آدم‌ها ضرر کنند، اما در خیلی از مواقع چون اجرت ساخت آن بسیار کمتر از طلای نو است، مردم فکر می‌کنند که خرید این طلا به نفع آنهاست. در نهایت کسانی هم هستند که طلای نو می‌خرند. آنها کسانی هستند که آنقدری دست و بالشان تنگ نیست و مشکلی با پرداخت اجرت ساخت و باقی هزینه‌های خرید طلا ندارند. قبلا این طور بود که معمولا برای هدیه یا عروس طلای نو می‌خریدند، ولی الان حتی آنها هم اول سینی طلاهای دست دوم را نگاه می‌کنند، بعد سراغ طلاهای نو می‌روند.

یک طلافروش در بازاری محلی در خیابان انقلاب می‌گوید: «طلای نو و کهنه نداریم؛ طلا طلاست و همیشه سرمایه‌گذاری خوبی محسوب می‌شود. حالا بعضی‌ها نمی‌خواهند پول اجرت و طلاساز بدهند، این هم خیلی به توان مالی آنها مربوط نیست. بیشتر کسانی که طلا را برای سرمایه‌گذاری می‌خرند - که تقریبا الان دیگر همه مردم را شامل می‌شود - اول به این فکر می‌کنند که وقتی این طلا را بفروشند چطور پولشان برمی‌گردد و بر این اساس تصمیم می‌گیرند که چطور طلا بخرند و چه چیزی بخرند. الان که قیمت‌ها این طور به ساعت افزایش پیدا می‌کند، مردم از ترس اینکه همین که دارند را فردا نتوانند بخرند، همان ساعتی که پول به دستشان می‌رسد، می‌آیند و آن را به کالا تبدیل می‌کنند. اگر این کالا سرمایه‌ای باشد که چه بهتر. البته باید این را هم بگویم که الان دیگر همه کالاها سرمایه‌ای است، چون اگر پهن هم بخرید سال بعد قیمتش از آن چیزی که خریده‌اید، گران‌تر می‌شود.»

پول داغ داخلی در بازار مذاب طلا

وضعیتی که این طلافروش به آن اشاره می‌کند، وضعیتی است که در اقتصاد به آن «پول داغ داخلی» می‌گویند. شرایطی که رشد تورم چنان سریع و تغییر قیمت‌ها چنان غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل کنترل است که مردم در آن ترجیح می‌دهند در هیچ شرایطی پول را به صورت نقد نگه ندارند و به محض اینکه پولی به دست می‌آورند، آن را به کالا تبدیل کنند. طبق گزارش مرکز آمار ایران، تورم در دوازده ماه گذشته هرگز پایین‌تر از ۳۰ درصد نبوده است. طبق گزارش بانک مرکزی، تورم در دوازده ماه گذشته معمولا بالای ۳۵ درصد نوسان داشته است. در همین زمان، سود سپرده یکساله، حدود ۲۰ درصد و سود سپرده‌های بلندمدت‌تر، برای مثال سه ساله، ۲۲ تا ۲۵ درصد تعیین شده که حدود ۳۰ درصد کمتر از نرخ تورم است. همین مساله باعث می‌شود سپردن سرمایه‌های خرد به بانک‌ها عملا از میان گزینه‌های موجود برای سرمایه‌گذاری خط بخورد. بازارهای جایگزین دیگری که وجود دارد، بازار مسکن، خودرو، بورس، ارز و البته طلاست. مساله بازار مسکن و خودرو این است که جاذب سرمایه‌های اندک نیست. وقتی یک متر آپارتمان بیشتر از ۱۰ برابر حداقل حقوق تعیین شده برای سال جاری قیمت دارد، غیرقابل پیش‌بینی نیست که سرمایه‌های اندک به سمت این بازار حرکت نمی‌کند. بازار خودرو هم دست کمی از این وضعیت ندارد. پراید نو که از ابتدای تاسیس خط تولیدش به خودرو اقتصادی برای طبقات محروم مشهور شده بود، اخیرا سقف قیمت ۵۰۰ میلیون تومانی را به دست آورده است که نشان می‌دهد این گزینه هم برای سرمایه‌های خرد دور از دسترس است. بازار سهام با بالا و پایین‌های مدام و شهرتی که از باب نقره داغ کردن سرمایه‌داران خرد به دست آورده، موقعیت خود را برای جذب سرمایه‌های اندک از دست داده است. شرایطی که باعث می‌شود ارز و طلا بر سر جذب سرمایه‌های خرد با هم رقابت کنند.

آخرین سنگر سرمایه‌های خرد

«فایزه» زن کارمند جوانی که در یک طلافروشی محلی مشغول خرید است، می‌گوید: «من همیشه ۳۰ درصد حقوقم را برای پس‌انداز می‌گذاشتم و معمولا هم با آن طلا می‌خریدم، امیدوار بودم که با این شکل پس‌انداز کردن بالاخره بتوانم یک روزی قدمی برای زندگی‌ام بردارم و ماشینی یا آپارتمان کوچک بدون سندی یا چیزی مثل این برای خودم بخرم. تا همین دو، سه سال پیش می‌توانستم با ۳۰ درصد حقوقم انگشتر یا گوشواره بخرم، هر چند وقت یک بار هم طلاهای کوچک و چند گرم و مختصرم را به طلافروشی آشنایی می‌آوردم و به جای آن طلای بزرگ‌تری برمی‌داشتم که وسوسه‌ام برای فروش و تبدیل به پول کردن آن کمتر شد. همین اسفند سال قبل با ۳۰ درصد حقوقم هنوز می‌شد یک گرم طلای نو خرید؛ الان نهایتا بتوانم یک سکه سوتی یا یک تکه طلای شکسته بخرم. قیمت‌ها واقعا بالا رفته است و پولمان هر روز بی‌ارزش‌تر می‌شود. این استرس و اضطراب برای پولی که اول ماه می‌گیریم تا آخر ماه چطور آب می‌شود و دیگر هیچ قدرت خریدی ندارد، آنقدر من را آزار می‌دهد که نمی‌توانم صبر کنم پولم به اندازه یکی، دو گرم طلا جمع شود. برای همین بلافاصله که پولی به دستم می‌آید، شده طلای نوزادی یا حتی سنجاق می‌خرم و یک گوشه می‌اندازم. این طوری احساس می‌کنم که کمی پس‌انداز کرده‌ام و اگر خرج پیش‌بینی نشده‌ای پیش بیاید، می‌توانم روی آن حساب کنم.»

«زهرا» زن خانه‌دار دیگری است که در طلافروشی مشغول خرید سکه سوتی است. او هم حرف‌های مشابهی می‌زند: «قبلا به خودم می‌گفتم باید همیشه مقداری پول نقد در دستم باشد تا اگر بچه‌ام مریض شد یا یک دفعه مهمان ناخوانده‌ای از راه رسید یا خرجی پیش آمد، لنگ نمانم. الان دیگر این طور فکر نمی‌کنم و هیچ پولی در دستم نگه نمی‌دارم، همین قدر که مخارج روزمره را سامان می‌دهم بلافاصله باقی پول را به طلا تبدیل می‌کنم. فوق فوقش اگر لازم شد هزینه‌ای بکنیم یک تکه طلا می‌فروشیم. اول این تابستان طلا گرمی ۶ میلیون تومان هم شد. بعد یک‌باره از ۱۰ میلیون تومان هم رد شد و حالا که به ۱۱ میلیون تومان هم رسیده است. خب من اگر پول در دستم نگه می‌داشتم از آن وقت تا حالا اندازه ۵۰۰ سوت طلا ضرر کرده بودم. حالا هم همین است، بعضی‌ها می‌گویند نخرید چون ارزان می‌شود، من می‌گویم کی در این مملکت چیزی گران شده که بعد دوباره ارزان شده باشد؟ آدم اگر خودش پس دست را نداشته باشد، کلاهش پس معرکه است.»

هجوم سرمایه‌های خرد به بازار طلا، تنها فروشنده‌های محلی را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد. حالا دیگر اغلب صفحات اینستاگرامی فروش طلا هم بخش ویژه‌ای برای فروش طلای زیر یک گرم دارند که نشان می‌دهد بازار طلاهای کوچک و کم‌قیمت گردش مالی بسیار قابل ملاحظه‌ای دارد. شبکه‌های آنلاین فروش طلا که تا همین دو، سه سال پیش محدود به تنها یکی، دو سایت نه چندان شناخته شده بودند که اغلب در شهرستان‌های کوچک فعالیت می‌کردند و جذب سرمایه اندکی داشتند، به خصوص در یکی، دو سال اخیر از نظر تعداد و حجم سرمایه‌های کوچک، رشد کرده‌اند. نگرانی مدام از باب از دست دادن قدرت خرید سرمایه‌های کوچک، نه تنها جلوی سر جمع شدن این سرمایه‌ها برای سرمایه‌گذاری آنها در پروژه‌های زیربنایی تضمین شده را می‌گیرد، بلکه همچنین امنیت روانی جامعه را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد.

عیب و هنر به هم آمیخته

هجوم سرمایه‌های خرد به بازار طلا، مختص فروشنده‌های محلی نیست، حالا دیگر اغلب صفحات اینستاگرامی فروش طلا هم بخش ویژه‌ای برای فروش طلای زیر یک گرم دارند که نشان می‌دهد بازار طلاهای کوچک و کم‌قیمت، گردش مالی بسیار قابل ملاحظه‌ای دارد. اما تنها طلاسازها نیستند که از این وضعیت منتفع می‌شوند. شبکه‌های آنلاین فروش طلا - که تا همین دو، سه سال پیش محدود به تنها یکی، دو سایت نه چندان شناخته شده بودند که اغلب در شهرستان‌های کوچک فعالیت می‌کردند و جذب سرمایه اندکی داشتند - به‌خصوص در یکی، دو سال اخیر چنان از نظر تعداد و حجم سرمایه‌هایی که جذب کرده‌اند، رشد کرده‌اند که پلیس مبارزه با مفاسد اقتصادی و همین طور فتا را مجبور کرده‌اند که بارها در مورد آنها هشدارهای علنی صادر کنند. سکوهای فروش آنلاین طلا ادعا می‌کنند که مردم می‌توانند با هر مقدار سرمایه‌ای که در اختیار دارند به قیمت روز طلا بخرند. این طلا معمولا به صورت فیزیکی به خریداران تحویل داده نمی‌شود، بلکه به صورت اعتباری در نزد سکوهای فروش طلا باقی می‌ماند و گاهی با افزایش قیمت منجر به سود هم می‌شود، هر چند بیشتر مسیری برای پس‌انداز با ثبات به نظر می‌رسد. برخی از این سکوها از کاربران خود می‌خواهند که به سکو اجازه بدهند ماهانه مبلغ معینی از حساب آنها برداشت کند و آن را در بازار طلا سرمایه‌گذاری کند. مسیری که به نظر می‌رسد برای بسیاری از مردم جذابیت دارد و بازاری برای افزایش روزافزون تعداد سکوهای فروش طلا به این طریق فراهم کرده است. با وجود هشدارهای مکرر مقامات قضایی و پلیس و همسان‌سازی سکوهای فروش طلا و شرکت‌های هرمی که در نهایت به مالباختگی تعداد قابل ملاحظه‌ای از مردم منجر شد و با وجود تلاش مکرر پلیس و بانک مرکزی و نهادهای دیگر برای ساماندهی به فروش طلای آنلاین، ادامه تبلیغ و جذب سرمایه توسط این سکوها نشان می‌دهد که ترس از دست دادن قدرت خرید ریال، از ترس از دست دادن کل پولی که در معامله‌ای می‌تواند مشکوک باشد، بیشتر است و ایده پس‌انداز کردن با طلا هنوز می‌تواند بر تمام ترس‌های دیگری که اطراف معاملات خرد طلا وجود دارد، ترس‌هایی از قبیل اینکه شاید در زمان درخواست سکو نتواند طلای خریداری شده را تحویل بدهد یا اینکه شاید در طلای شکسته‌ای که خریده می‌شود ناخالصی وجود داشته باشد یا در طلای آب شده یا دست دوم مفتول وجود داشته باشد، می‌چربد. نگرانی مدام از باب از دست دادن قدرت خرید سرمایه‌های کوچک، نه تنها جلوی سر جمع شدن این سرمایه‌ها برای سرمایه‌گذاری آنها در پروژه‌های زیربنایی تضمین شده را می‌گیرد، بلکه همچنین امنیت روانی جامعه را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد. «زری» زن جوان پرستاری که دو کودک خردسال دارد در این مورد می‌گوید: «آن وقت که بانک‌ها حراج سکه گذاشتند، من مقداری پول قرض کردم و سکه خریدم و سود بسیار خوبی کردم. از آن وقت به بعد دیگر مدام درگیر قیمت‌های طلا هستم. استرس اینکه اگر الان نخرم فردا هیچ چیزی نتوانم بخرم، راحتم نمی‌گذارد. اجاره خانه‌ای که ما در آن ساکن هستیم، در یک سال از ۱۰ میلیون به ۱۸ میلیون رسیده است. ما آنقدر پول در نمی‌آوریم که بتوانیم خرج زندگی در آرامش را بدهیم. فکر نکنید که چیز خیلی زیادی می‌خواهیم؛ ما از وقتی دو تا بچه‌مان به دنیا آمده‌اند یک بار هم یک مسافرت نرفته‌ایم، یک شمال هم نرفته‌ایم. اول برج را نمی‌توانیم به آخر برج برسانیم. اگر همین ۳۰۰ سوت، ۵۰۰ سوت‌ها را هم نخریم، هیچ وقت نمی‌توانیم از جایمان تکان بخوریم. اینکه آدم چقدر اضطراب می‌کشد که هر روز نگاهش به قیمت‌ها باشد یک طرف، اینکه آدم چقدر از داشتن این دو زار و ده شاهی در خانه خودش عصبی می‌شود یک طرف دیگر. چند وقت پیش بچه‌ام پلاکش را که زیر یک گرم بود پاره کرد و زمین انداخت، جارو برقی پلاک را خورد و پدرم درآمد تا تمام کسیه را بگردم به امید اینکه شاید آن پلاک را بتوانم پیدا کنم و آخر هم نتوانستم گیرش بیاورم به همین راحتی چند میلیون پول از دستمان رفت. از آن طرف یک دقیقه نمی‌توانم خانه را خالی بگذارم. وقتی می‌شنوم که خانه همسایه‌هایمان را چقدر راحت خالی کرده‌اند، تمام وجودم پر از اضطراب می‌شود که اگر این اتفاق برای من بیفتد، تمام زندگی‌ام در یک لحظه از دستم می‌رود. این شده است روزگار جوانی ما که فکر می‌کردیم چه کارها در آن خواهیم کرد. آن کارها که می‌خواستیم بکنیم شده است روز را به شب دوختن و درز را با نخ گرفتن و ۳۰۰ سوت را ۴۰۰ سوت کردن که فقط از زندگی عقب نیفتیم.»

دیدگاه

عدالت آموزشی در ایران از شعار تا ساختار

بابک کاظمی

عدالت آموزشی یکی از بنیادی‌ترین آرمان‌های نظام تعلیم و تربیت است؛ آرمانی که بدون تحقق آن نه عدالت اجتماعی شکل می‌گیرد، نه توسعه پایدار و نه اعتماد عمومی به کارآمدی دولت‌ها. در واقع عدالت آموزشی نقطه آغاز عدالت اجتماعی است؛ جایی که جامعه می‌آموزد فرصت‌ها را نه بر اساس ثروت و طبقه، بلکه بر مبنای استعداد و شایستگی توزیع کند. در ایران، عدالت آموزشی طی سال‌های گذشته همواره در اسناد بالادستی همچون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سیاست‌های کلی علم و فناوری و برنامه‌های توسعه کشور تکرار شده است، اما همچنان میان شعارهای زیبا و واقعیت میدانی مدارس فاصله‌ای عمیق وجود دارد. مدارس ما، به‌ویژه در مناطق محروم، گواه زنده‌ای از شکاف میان نیت و ساختارند. اگر به چهره واقعی مدارس در نقاط مختلف کشور نگاه کنیم، نابرابری‌ها آشکار است: کلاس‌های پرجمعیت در حاشیه شهرها در برابر مدارس هوشمند در مراکز برخوردار، معلمان چندپایه و بی‌ثبات در روستاها در برابر دبیران باسابقه و توانمند در مدارس خاص و دانش‌آموزانی که برای دسترسی به اینترنت و امکانات آموزشی دچار مشکلند در برابر کسانی که از آموزش خصوصی و کلاس‌های تقویتی بهره‌مندند. این تفاوت‌ها نه تنها ناعادلانه، بلکه باز تولیدکننده نابرابری اجتماعی است. کودکی که در منطقه‌ای محروم رشد می‌کند، عملا از همان ابتدا از چرخه رقابت تحصیلی و اجتماعی کنار گذاشته می‌شود. نابرابری آموزشی در ایران تنها نتیجه فقر یا کمبود منابع نیست؛ بلکه محصول مستقیم سیاستگذاری‌های متمرکز، غیرمنعطف و گاه ناکارآمد است. ساختار شدیدا متمرکز آموزش و پرورش سبب شده تصمیم‌گیری‌ها از واقعیت‌های محلی فاصله بگیرند. مدیر مدرسه، معلم و حتی اولیا نقشی جدی در سیاست‌های مدرسه ندارند و این تمرکزگرایی، یکی از اصلی‌ترین موانع عدالت آموزشی است. در چنین ساختاری، عدالت آموزشی تنها در حد توزیع بودجه یا ساخت چند مدرسه در مناطق محروم باقی می‌ماند، در حالی که عدالت واقعی مستلزم باز توزیع فرصت‌ها، کیفیت برابر و مشارکت اجتماعی است. بسیاری از سیاست‌های آموزشی در ایران به اشتباه عدالت را با مساوات یکی می‌دانند؛ یعنی توزیع برابر منابع میان مناطق مختلف. اما عدالت آموزشی فراتر از مساوات است. هدف آن برابری در نتایج یادگیری و کیفیت آموزشی است. این یعنی نظام آموزشی باید متناسب با نیاز هر منطقه، حمایت ویژه را به دهد تا فرصت یادگیری با کیفیت برای همه فراهم شود. به عنوان مثال، اگر منطقه‌ای محروم از معلم متخصص یا امکانات آموزشی است، سیاستگذار باید با مداخله هدفمند، کیفیت را به آن منطقه تزریق کند، نه اینکه تنها بودجه‌ای مساوی با مناطق برخوردار تخصیص دهد. از سوی دیگر، عدالت آموزشی تنها به دانش‌آموز محدود نمی‌شود. معلمان نیز قربانی نابرابری در انگیزش و پاداشند. نظام انگیزشی آموزش و پرورش به جای ارتقای کیفیت و ایجاد حس تعلق، در بسیاری از موارد موجب بی‌انگیزگی و فرسودگی شغلی شده است. در حالی که هیچ اصلاح آموزشی بدون معلم با انگیزه به نتیجه نخواهد رسید. برای تحقق عدالت آموزشی، باید عدالت انگیزشی را نیز در دستور کار قرار داد؛ یعنی نظامی که در آن معلم توانمند، خلاق و مسوول، احساس دیده شدن و ارزشمندی کند. حرکت از شعار عدالت آموزشی به ساختار عدالت‌محور نیازمند تغییر در نگاه حکمرانی آموزشی است. این تغییر باید بر پایه تمرکززدایی و مشارکت محلی، باز توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع و توانمندسازی معلمان و مدیران مدارس استوار باشد. مدرسه باید به واحد تصمیم‌گیر تبدیل شود، نه مجری صرف بخشنامه‌ها. منابع باید بر اساس نیاز واقعی مناطق تخصیص یابد، نه صرفا بر پایه جمعیت. سرمایه انسانی با کیفیت، شرط لازم تحقق عدالت آموزشی است. عدالت آموزشی تنها یک آرمان اخلاقی نیست؛ بلکه پیش‌شرط توسعه ملی و انسجام اجتماعی است. کشوری که در آموزش نابرابر باشد، در عدالت اجتماعی، در اقتصاد و حتی در امنیت نیز نابرابر خواهد بود. امروز، بیش از هر زمان دیگر، جامعه ایران نیازمند بازتعریف سیاست‌های آموزشی بر پایه عدالت است؛ عدالتی که نه در شعار، بلکه در ساختارها و فرآیندهای تصمیم‌گیری متجلی شود. تحقق عدالت آموزشی به اراده‌ای فراتر از بخشنامه و بودجه نیاز دارد؛ به باوری عمیق به انسان، ایمانی به برابری فرصت‌ها و شجاعتی برای اصلاح ساختارها.

دکترای سیاستگذاری عمومی

خبر

چمران: تراکم‌فروشی در هیچ جای تهران نداریم

ایلنا | رییس شورای اسلامی شهر تهران در مورد اظهارات معاون اول رییس جمهور در رابطه با نظارت بر تاکسی‌های اینترنتی یادآور شد: هنوز نظارت شهرداری بر تاکسی‌های اینترنتی اجرایی نشده است. باید شرایط ساماندهی شود و اینکه افراد از شهرستان به تهران بیایند و مسافرکشی کنند و برای خود، خانواده و شهروندان مشکل ایجاد کنند، درست نیست. تاکسی اینترنتی بسیار خوب است؛ اما باید به درستی اجرایی شود. مهدی چمران در رابطه با وضعیت حریم تهران نیز گفت: حریم پیش از تصویب در جایی باید در شورای شهر تصویب می‌شد؛ اما در استانداری و وزارت راه و شهرسازی با شرایط خاصی به تصویب رسید. حتی به نماینده شهرداری اجازه صحبت کامل داده نشد. من توضیحاتی دادم اما حریم را تصویب کردند. اولین بند قانون این است که اصلاحات صورت بگیرد. قرار شد مجلس طرحی را برای اصلاح تهیه کند که انجام داده و به وزارت راه اعلام کرده که حریم را ابلاغ نکنند تا اصلاحات تمام شود. دلالان و افراد بساز و بفروش در حال حاضر در حال سوءاستفاده هستند. باید ساخت و سازهای غیرمجاز در حریم تخریب و در رسانه ملی نیز اطلاع‌رسانی شود. دوستان نادانسته آب بر هاون آنها می‌ریزند.

پشخوان
Pishkhan.com

نگاه

از مدیریت واکنشی تا مدیریت آینده‌نگر

ضرورت تغییر پارادایم در گردشگری ایران

انوشیروان محسنی‌بندپی

در سال‌های اخیر جهان شاهد بحران‌های متعددی بوده است؛ از جنگ‌ها و تنش‌های ژئوپلیتیکی گرفته تا پاندمی‌ها، تغییرات اقلیمی و تحولات رسانه‌ای که هر یک به نوعی بر صنعت گردشگری اثر گذاشته‌اند. در چنین شرایطی دیگر نمی‌توان با الگوهای سنتی و واکنشی به مدیریت این حوزه پرداخت. معتقدم که دوران مدیریت منفعل به سر آمده‌است؛ بایداز «مدیریت بحران» به‌سوی «مدیریت در بطن بحران» حرکت کنیم؛ مدیریتی که تحلیلگر، تاکتیکی و آینده‌نگر باشد. صنعت گردشگری به‌واسطه پیوند مستقیم با ذهنیت عمومی، بیش از سایر بخش‌ها از تحولات محیطی تاثیر می‌پذیرد. کافی است چند خبر منفی درباره ایران در رسانه‌های خارجی منتشر شود تا تصویر ذهنی بسیاری از گردشگران نسبت به کشور تغییر کند. اما در همین شرایط نیز می‌توان کنشگر بود. من در نشست اخیر «تغییر رویکردهای مدیریت در مواجهه با بحران‌های گردشگری» بر همین نکته تاکید کردم: نباید در برابر بحران‌ها منفعل باشیم. انفعال به معنای پذیرش حاشیه‌نشینی است. ما باید شرایط را درست تحلیل کنیم، تاکتیک‌ها را تغییر دهیم و مسیرهای تازه‌ای را برای جذب گردشگر فعال کنیم. جهان فقط اروپا نیست. زمانی که یک بازار به دلیل تحولات سیاسی یا رسانه‌ای محدود می‌شود، می‌توان بازارهای جدیدی را در حوزه گردشگری سلامت، گردشگری مذهبی یا گردشگری منطقه‌ای فعال کرد. تجربه نشان داده که انعطاف‌پذیری در سیاستگذاری و هوشمندی در تحلیل شرایط، ضامن پایداری صنعت گردشگری است.

یکی از مولفه‌های کلیدی در مدیریت نوین گردشگری، ایجاد احساس امنیت است. امنیت فقط در مرزها و خیابان‌ها معنا ندارد؛ در ذهن گردشگر نیز باید احساس آرامش شکل گیرد. وقتی این احساس تقویت شود، مسیر بازگشت گردشگران خارجی به کشور هموار خواهد شد. در همین راستا، دیپلماسی گردشگری را یکی از ابزارهای مهم برای مقابله با جریان ایران‌هراسی می‌دانم. باید در نمایشگاه‌های بین‌المللی حضوری فعال داشته باشیم و از ظرفیت بخش خصوصی برای معرفی ایران بهره بگیریم. ایران با داشتن ۱۳ اقلیم از ۱۱ اقلیم شناخته شده جهان، کشوری با تنوع زیستی و فرهنگی کم‌نظیر است. حتی اقلیم خشک ایران که گاه به عنوان محدودیت از آن یاد می‌شود، خود یک جاذبه طبیعی و منحصربه‌فرد است.

اما تحقق این اهداف، بدون بازنگری در ساختارها ممکن نیست. من بارها تاکید کرده‌ام که بازتعریف ساختار سازمانی گردشگری و استقلال مالی آن یک ضرورت است. چابکی در تصمیم‌گیری و سرعت عمل در اجرای سیاست‌ها زمانی محقق می‌شود که ساختار اداری ما متناسب با ماموریت‌های جدید تعریف شود. در کنار ساختار، سرمایه انسانی نیز نقشی تعیین‌کننده دارد. کشورهایی چون ترکیه با آموزش هدفمند نیروی انسانی در همه سطوح، از مدیران تا راهنمایان تور، توانسته‌اند قدرت رقابت‌پذیری خود را افزایش دهند. ما نیز باید چنین کنیم. آموزش، تنها انتقال مهارت نیست؛ ایجاد نگرش حرفه‌ای و بین‌المللی در بدنه گردشگری است. از دیگر پایه‌های مدیریت آینده‌نگر، داده و آمار دقیق است. بدون داده، مدیریت ممکن نیست. هم‌اکنون با همکاری سازمان برنامه و بودجه و مرکز آمار ایران، در حال تعریف شاخص‌های دقیق برای سنجش سهم واقعی گردشگری در اقتصاد ملی هستیم. باید بتوانیم با مستندات علمی و آماری نشان دهیم که گردشگری چه نقشی در اشتغال، تولید ناخالص داخلی و تعاملات فرهنگی ایفا می‌کند. اگر نتوانیم اندازه‌گیری کنیم، نمی‌توانیم مدیریت کنیم. یکی از اقدامات تازه معاونت گردشگری، راه‌اندازی سامانه جامع گردشگری سلامت است که با همکاری وزارت بهداشت طراحی شده و در استان‌های تهران، فارس و خراسان رضوی به صورت پایلوت در حال اجراست. این سامانه مسیر ارایه خدمات درمانی به گردشگران خارجی را شفاف و رسمی می‌کند و می‌تواند به ایران جایگاهی ممتاز در گردشگری سلامت منطقه بدهد. در کنار این اقدامات، اعتمادسازی میان ایرانیان خارج از کشور برای من از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حدود هفت تا هشت میلیون ایرانی در خارج از کشور زندگی می‌کنند؛ اگر آنان احساس امنیت و اعتماد کنند، خود بهترین سفیران فرهنگی ما خواهند بود. تسهیل سفر برای این گروه نه فقط اقدامی اقتصادی، بلکه گامی فرهنگی و هویتی است. آینده صنعت گردشگری ایران در گروی تغییر پارادایم مدیریتی است؛ از تصمیم‌های کوتاه‌مدت و واکنشی به سمت سیاست‌های پایدار، سناریومحور و مبتنی بر داده. در جهانی که بحران‌ها زنجیره‌ای و پیش‌بینی‌ناپذیرند، مدیر موفق کسی است که پیش از وقوع بحران، مسیر واکنش را طراحی کرده باشد. ما باید یاد بگیریم در دل بحران، فرصت ببینیم؛ باید جسارت بازاندیشی در سیاست‌ها و انعطاف در تصمیم‌گیری‌ها را داشته باشیم. آینده گردشگری ایران در گروی همین تغییر نگاه است: از مدیریت سنتی به مدیریت خلاق، داده‌محور و انسانی. امروز بیش از هر زمان دیگر به هم‌افزایی میان دانش، تجربه و ابتکار نیاز داریم تا صنعت گردشگری کشور از یک حوزه حاشیه‌ای به جایگاهی مرکزی در نظام حکمرانی و توسعه ملی ارتقا یابد. اگر چنین شود، می‌توانیم نه‌تنها از بحران‌ها عبور کنیم، بلکه آنها را به فرصت‌های تازه‌ای برای معرفی ایران، افزایش تعامل فرهنگی و رشد اقتصادی تبدیل کنیم.

معاون گردشگری کشور

گزارش

سرمایه‌های خرد برای حفظ ارزش به بازار طلا می‌روند

پول داغ در بازار مذاب

فاطمه کریم‌خان

«اینها قبلا خرید نوزادی بود، الان خرید همه است.» این را یک طلافروش محلی در مورد سینی بزرگ پلاک‌های ۳۰۰ تا ۶۰۰ سوتی می‌گوید. «فقط هم اینها نیست. پیرسینگ گوش و بینی، گوشواره، زیر یک گرم خیلی چیزهای متنوعی داریم؛ حتی سنجاق طلا. البته بیشتر مردم سکه‌های سوتی می‌برند تا این چیزها را. سکه‌های سوتی قیمت مشخصی دارد، اجرت هم ندارد و تنها مالیات و رقم ناچیزی سود معامله به آنها اضافه می‌شود. برای همین بیشتر مردم ترجیح می‌دهند آنها را ببرند.» این خلاصه کوتاهی از وضعیت بازار طلای محلی است. نه اینکه مردم دیگر توان خریدن چند گرم طلا، طلای تزیینی یا سکه و نیم‌سکه را نداشته باشند، این خریدها هم هنوز ادامه دارد، بسته به آن چیزی که کاسب‌ها به آن «پاخور محله و مغازه» می‌گویند، هنوز بسیاری از طلافروش‌ها این شانس را دارند که رقم‌های بالا حتی تا چند میلیارد تومان در روز معامله کنند. برای طلافروشی‌های محلی البته داستان کمی متفاوت است.

فروشنده یک طلافروشی در پاساژی در محله جیحون می‌گوید: «روزها اغلب هیچ کس خرید نمی‌کند. ما هم آن بنیه مالی را نداریم که از کسی بخریم. بیشتر خرید و فروش‌ها غروب‌ها انجام می‌شود. خیلی از مردم دنبال طلای شکسته هستند. مردم دیگر حتی به خرید طلای مستعمل و دست دوم هم اعتقاد ندارند و می‌خواهند مستقیم طلای شکسته بخرند. با اینکه طلای شکسته را نمی‌شود استفاده کرد و خطرش هم بیشتر است، چون در صورتی که آن را از شما بدزدند، خیلی راحت‌تر می‌شود معامله‌اش کرد، اما باز هم در بین مردم این طور جا افتاده که خرید طلای شکسته سود بیشتر و ضرر کمتری دارد. آنجاهایی که بنیه مردم کم است و مردم طلا را بیشتر برای پس‌انداز می‌خرند، طلا را می‌خرند که ارزش پولشان را حفظ کنند به همین دلیل هم بیشتر دنبال طلای شکسته هستند تا طلای کارکرده، خیلی خیلی کم پیش می‌آید که طلای نو در این محله‌ها بخرند.»

سبک‌های مختلف، نیت‌های یکسان

طلافروش‌ها می‌گویند حالا دیگر می‌توان خریداران طلا را به چند قسمت تقسیم کرد؛ آنهایی که طلای آب‌شده می‌خرند، امیدوار هستند که با همان سرمایه اندکی که دارند، کار کنند. اینها کسانی هستند که به سود بازار اعتمادی ندارند و به جای آن در بازار طلا سرمایه‌گذاری می‌کنند. خیلی‌هایشان زن‌های خانه‌داری هستند که ارث یا سرمایه کوچکی به دست آورده‌اند و می‌خواهند از این طریق درآمد ثابتی داشته باشند، هرچند که درآمدشان آنچنان هم بالا نباشد. کسانی که طلای شکسته می‌خرند، سرمایه کمتری دارند، آنها هم می‌خواهند در عمل از افزایش تورم ضرر کمتر بکنند همین طور ارزش سرمایه‌شان را نگه دارند. این هم یک نوعی از بازی کردن با سرمایه است که البته از آن درآمد ثابتی به دست نمی‌آید و معمولا سال‌ها طول می‌کشد تا سوددهی داشته باشد. اما نباید از یاد ببریم که به هر حال سرمایه را بند می‌کند و ارزش آن را نگه می‌دارد. کسانی که طلای دست دوم می‌خرند، معمولا این طلا را برای استفاده می‌برند، اما چون فکر می‌کنند هزینه‌های خرید طلا زیاد است، ترجیح می‌دهند با قیمت اقتصادی‌تری طلا بخرند، برای همین دنبال خرید طلای دست دوم هستند. خرید طلای دست دوم خطرهایی هم دارد. گاهی اوقات تمام وزن آن طلا واقعا طلا نیست و در آن چیزهای دیگری هم قاطی شده است که باعث می‌شود آدم‌ها ضرر کنند، اما در خیلی از مواقع چون اجرت ساخت آن بسیار کمتر از طلای نو است، مردم فکر می‌کنند که خرید این طلا به نفع آنهاست. در نهایت کسانی هم هستند که طلای نو می‌خرند. آنها کسانی هستند که آنقدری دست و بالشان تنگ نیست و مشکلی با پرداخت اجرت ساخت و باقی هزینه‌های خرید طلا ندارند. قبلا این طور بود که معمولا برای هدیه یا عروس طلای نو می‌خریدند، ولی الان حتی آنها هم اول سینی طلاهای دست دوم را نگاه می‌کنند، بعد سراغ طلاهای نو می‌روند.

یک طلافروش در بازاری محلی در خیابان انقلاب می‌گوید: «طلای نو و کهنه نداریم؛ طلا طلاست و همیشه سرمایه‌گذاری خوبی محسوب می‌شود. حالا بعضی‌ها نمی‌خواهند پول اجرت و طلاساز بدهند، این هم خیلی به توان مالی آنها مربوط نیست. بیشتر کسانی که طلا را برای سرمایه‌گذاری می‌خرند - که تقریبا الان دیگر همه مردم را شامل می‌شود - اول به این فکر می‌کنند که وقتی این طلا را بفروشند چطور پولشان برمی‌گردد و بر این اساس تصمیم می‌گیرند که چطور طلا بخرند و چه چیزی بخرند. الان که قیمت‌ها این طور به ساعت افزایش پیدا می‌کند، مردم از ترس اینکه همین که دارند را فردا نتوانند بخرند، همان ساعتی که پول به دستشان می‌رسد، می‌آیند و آن را به کالا تبدیل می‌کنند. اگر این کالا سرمایه‌ای باشد که چه بهتر. البته باید این راهم بگویم که الان دیگر همه کالاها سرمایه‌ای است، چون اگر پهن هم بخرید سال بعد قیمتش از آن چیزی که خریده‌اید، گران‌تر می‌شود.»

پول داغ داخلی در بازار مذاب طلا

وضعیتی که این طلافروش به آن اشاره می‌کند، وضعیتی است که در اقتصاد به آن «پول داغ داخلی» می‌گویند. شرایطی که رشد تورم چنان سریع و تغییر قیمت‌ها چنان غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل کنترل است که مردم در آن ترجیح می‌دهند در هیچ شرایطی پول را به صورت نقد نگه ندارند و به محض اینکه پولی به دست می‌آورند، آن را به کالا تبدیل کنند. طبق گزارش مرکز آمار ایران، تورم در دوازده ماه گذشته هرگز پایین‌تر از ۳۰ درصد نبوده است. طبق گزارش بانک مرکزی، تورم در دوازده ماه گذشته معمولا بالای ۳۵ درصد نوسان داشته است. در همین زمان، سود سپرده یکساله، حدود ۲۰ درصد و سود سپرده‌های بلندمدت‌تر، برای مثال سه ساله، ۲۲ تا ۲۵ درصد تعیین شده که حدود ۳۰ درصد کمتر از نرخ تورم است. همین مساله باعث می‌شود سپردن سرمایه‌های خرد به بانک‌ها عملا از میان گزینه‌های موجود برای سرمایه‌گذاری خط بخورد. بازارهای جایگزین دیگری که وجود دارد، بازار مسکن، خودرو، بورس، ارز و البته طلاست. مساله بازار مسکن و خودرو این است که جاذب سرمایه‌های اندک نیست. وقتی یک متر آپارتمان بیشتر از ۱۰ برابر حداقل حقوق تعیین شده برای سال جاری قیمت دارد، غیرقابل پیش‌بینی نیست که سرمایه‌های اندک به سمت این بازار حرکت نمی‌کند. بازار خودرو هم دست کمی از این وضعیت ندارد. پراید نو که از ابتدای تاسیس خط تولیدش به خودرو اقتصادی برای طبقات محروم مشهور شده بود، اخیرا سقف قیمت ۵۰۰ میلیون تومانی را به دست آورده است که نشان می‌دهد این گزینه هم برای سرمایه‌های خرد دور از دسترس است. بازار سهام با بالا و پایین‌های مدام و شهرتی که از باب نقره داغ کردن سرمایه‌داران خرد به دست آورده، موقعیت خود را برای جذب سرمایه‌های اندک از دست داده است. شرایطی که باعث می‌شود ارز و طلا بر سر جذب سرمایه‌های خرد باهم رقابت کنند.

آخرین سنگر سرمایه‌های خرد

«فایزه» زن کارمند جوانی که در یک طلافروشی محلی مشغول خرید است، می‌گوید: «من همیشه ۳۰ درصد حقوقم را برای پس‌انداز می‌گذاشتم و معمولا هم با آن طلا می‌خریدم، امیدوار بودم که با این شکل پس‌انداز کردن بالاخره بتوانم یک روزی قدمی برای زندگی‌ام بردارم و ماشینی یا آپارتمان کوچک بدون سندی یا چیزی مثل این برای خودم بخرم. تا همین دو، سه سال پیش می‌توانستم با ۳۰ درصد حقوقم انگشتر یا گوشواره بخرم، هر چند وقت یک بار هم طلاهای کوچک و چند گرم و مختصرم را به طلافروشی آشنایی می‌آوردم و به جای آن طلای بزرگ‌تری برمی‌داشتم که وسوسه‌ام برای فروش و تبدیل به پول کردن آن کمتر شد. همین اسفند سال قبل با ۳۰ درصد حقوقم هنوز می‌شد یک گرم طلای نو خرید؛ الان نهایتا بتوانم یک سکه سوتی یا یک تکه طلای شکسته بخرم. قیمت‌ها واقعا بالا رفته است و پولمان هر روز بی‌ارزش‌تر می‌شود. این استرس و اضطراب برای پولی که اول ماه می‌گیریم تا آخر ماه چطور آب می‌شود و دیگر هیچ قدرت خریدی ندارد، آنقدر من را آزار می‌دهد که نمی‌توانم صبر کنم پولم به اندازه یکی، دو گرم طلا جمع شود. برای همین بلافاصله که پولی به دستم می‌آید، شده طلای نوزادی یا حتی سنجاق می‌خرم و یک گوشه می‌اندازم. این طوری احساس می‌کنم که کمی پس‌انداز کرده‌ام و اگر خرج پیش‌بینی نشده‌ای پیش بیاید، می‌توانم روی آن حساب کنم.»

«زهرا» زن خانه‌دار دیگری است که در طلافروشی مشغول خرید سکه سوتی است. او هم حرف‌های مشابهی می‌زند: «قبلا به خودم می‌گفتم باید همیشه مقداری پول نقد در دستم باشد تا اگر بچه‌ام مریض شد یا یک دفعه مهمان ناخوانده‌ای از راه رسید یا خرجی پیش آمد، لنگ نمانم. الان دیگر این طور فکر نمی‌کنم و هیچ پولی در دستم نگه نمی‌دارم، همین قدر که مخارج روزمره را سامان می‌دهم بلافاصله باقی پول را به طلا تبدیل می‌کنم. فوق فوقش اگر لازم شد هزینه‌ای بکنیم یک تکه طلا می‌فروشیم. اول این تابستان طلا گرمی ۶ میلیون تومان هم شد. بعد یک‌باره از ۱۰ میلیون تومان هم رد شد و حالا که به ۱۱ میلیون تومان هم رسیده است. خب من اگر پول در دستم نگه می‌داشتم از آن وقت تا حالا اندازه ۵۰۰ سوت طلا ضرر کرده بودم. حالا هم همین است، بعضی‌ها می‌گویند نخرید چون ارزان می‌شود، من می‌گویم کی در این مملکت چیزی گران شده که بعد دوباره ارزان شده باشد؟ آدم اگر خودش پس دست را نداشته باشد، کلاهش پس معرکه است.»

هجوم سرمایه‌های خرد به بازار طلا، تنها فروشنده‌های محلی را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد. حالا دیگر اغلب صفحات اینستاگرامی فروش طلا هم بخش ویژه‌ای برای فروش طلای زیر یک گرم دارند که نشان می‌دهد بازار طلاهای کوچک و کم‌قیمت گردش مالی بسیار قابل ملاحظه‌ای دارد. شبکه‌های آنلاین فروش طلا که تا همین دو، سه سال پیش محدود به تنها یکی، دو سایت نه چندان شناخته‌شده بودند که اغلب در شهرستان‌های کوچک فعالیت می‌کردند و جذب سرمایه اندکی داشتند، به خصوص در یکی، دو سال اخیر از نظر تعداد و حجم سرمایه‌هایی که جذب کرده‌اند، رشد کرده‌اند. نگرانی مدام از باب از دست دادن قدرت خرید سرمایه‌های کوچک، نه تنها جلوی سر جمع شدن این سرمایه‌ها برای سرمایه‌گذاری آنها در پروژه‌های زیربنایی تضمین شده را می‌گیرد، بلکه همچنین امنیت روانی جامعه را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد.

عیب و هنر به هم آمیخته

هجوم سرمایه‌های خرد به بازار طلا، مختص فروشنده‌های محلی نیست، حالا دیگر اغلب صفحات اینستاگرامی فروش طلا هم بخش ویژه‌ای برای فروش طلای زیر یک گرم دارند که نشان می‌دهد بازار طلاهای کوچک و کم‌قیمت، گردش مالی بسیار قابل ملاحظه‌ای دارد. اما تنها طلاسازها نیستند که از این وضعیت منتفع می‌شوند. شبکه‌های آنلاین فروش طلا - که تا همین دو، سه سال پیش محدود به تنها یکی، دو سایت نه چندان شناخته شده بودند که اغلب در شهرستان‌های کوچک فعالیت می‌کردند و جذب سرمایه اندکی داشتند - به‌خصوص در یکی، دو سال اخیر چنان از نظر تعداد و حجم سرمایه‌هایی که جذب کرده‌اند، رشد کرده‌اند که پلیس مبارزه با مفاسد اقتصادی و همین طور فتا را مجبور کرده‌اند که بارها در مورد آنها هشدارهای علنی صادر کنند. سکوهای فروش آنلاین طلا ادعا می‌کنند که مردم می‌توانند با هر مقدار سرمایه‌ای که در اختیار دارند به قیمت روز طلا بخرند. این طلا معمولا به صورت فیزیکی به خریداران تحویل داده نمی‌شود، بلکه به صورت اعتباری در نزد سکوهای فروش طلا باقی می‌ماند و گاهی با افزایش قیمت منجر به سود هم می‌شود، هر چند بیشتر مسیری برای پس‌انداز با ثبات به نظر می‌رسد. برخی از این سکوها از کاربران خود می‌خواهند که به سکو اجازه بدهند ماهانه مبلغ معینی از حساب آنها برداشت کند و آن را در بازار طلا سرمایه‌گذاری کند. مسیری که به نظر می‌رسد برای بسیاری از مردم جذابیت دارد و بازاری برای افزایش روزافزون تعداد سکوهای فروش طلا به این طریق فراهم کرده است. با وجود هشدارهای مکرر مقامات قضایی و پلیس و همسان‌سازی سکوهای فروش طلا و شرکت‌های هرمی که در نهایت به مالباختگی تعداد قابل ملاحظه‌ای از مردم منجر شد و با وجود تلاش مکرر پلیس و بانک مرکزی و نهادهای دیگر برای ساماندهی به فروش طلای آنلاین، ادامه تبلیغ و جذب سرمایه توسط این سکوها نشان می‌دهد که ترس از دست دادن قدرت خرید ریال، از ترس از دست دادن کل پولی که در معامله‌ای می‌تواند مشکوک باشد، بیشتر است و ایده پس‌انداز کردن با طلا هنوز می‌تواند بر تمام ترس‌های دیگری که اطراف معاملات خرد طلا وجود دارد، ترس‌هایی از قبیل اینکه شاید در زمان درخواست سکو نتواند طلای خریداری شده را تحویل بدهد یا اینکه شاید در طلای شکسته‌ای که خریده می‌شود ناخالصی وجود داشته باشد یا در طلای آب شده یا دست دوم مفتول وجود داشته باشد، می‌چربد. نگرانی مدام از باب از دست دادن قدرت خرید سرمایه‌های کوچک، نه تنها جلوی سر جمع شدن این سرمایه‌ها برای سرمایه‌گذاری آنها در پروژه‌های زیربنایی تضمین شده را می‌گیرد، بلکه همچنین امنیت روانی جامعه را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد. «زری» زن جوان پرستاری که دو کودک خردسال دارد در این مورد می‌گوید: «آن وقت که بانک‌ها حراج سکه گذاشتند، من مقداری پول قرض کردم و سکه خریدم و سود بسیار خوبی کردم. از آن وقت به بعد دیگر مدام درگیر قیمت‌های طلا هستم. استرس اینکه اگر الان نخرم فردا هیچ چیزی نتوانم بخرم، راحتم نمی‌گذارد. اجاره خانه‌ای که ما در آن ساکن هستیم، در یک سال از ۱۰ میلیون به ۱۸ میلیون رسیده است. ما آنقدر پول در نمی‌آوریم که بتوانیم خرج زندگی در آرامش را بدهیم. فکر نکنید که چیز خیلی زیادی می‌خواهیم؛ ما از وقتی دو تا بچه‌مان به دنیا آمده‌اند یک بار هم یک مسافرت نرفته‌ایم، یک شمال هم نرفته‌ایم. اول برج را نمی‌توانیم به آخر برج برسانیم. اگر همین ۳۰۰ سوت، ۵۰۰ سوت‌ها را هم نخریم، هیچ وقت نمی‌توانیم از جایمان تکان بخوریم. اینکه آدم چقدر اضطراب می‌کشد که هر روز نگاهش به قیمت‌ها باشد یک طرف، اینکه آدم چقدر از داشتن این دو زار و ده شاهی در خانه خودش عصبی می‌شود یک طرف دیگر. چند وقت پیش بچه‌ام پلاکش را که زیر یک گرم بود پاره کرد و زمین انداخت، جارو برقی پلاک را خورد و پدرم درآمد تا تمام کسیه را بگردم به امید اینکه شاید آن پلاک را بتوانم پیدا کنم و آخر هم نتوانستم گیرش بیاورم به همین راحتی چند میلیون پول از دستمان رفت. از آن طرف یک دقیقه نمی‌توانم خانه را خالی بگذارم. وقتی می‌شنوم که خانه همسایه‌هایمان را چقدر راحت خالی کرده‌اند، تمام وجودم پر از اضطراب می‌شود که اگر این اتفاق برای من بیفتد، تمام زندگی‌ام در یک لحظه از دستم می‌رود. این شده است روزگار جوانی ما که فکر می‌کردیم چه کارها در آن خواهیم کرد. آن کارها که می‌خواستیم بکنیم شده است روز را به شب دوختن و درز را با نخ گرفتن و ۳۰۰ سوت را ۴۰۰ سوت کردن که فقط از زندگی عقب نیفتیم.»

دیدگاه

عدالت آموزشی در ایران از شعار تا ساختار

بابک کاظمی

پیشخوان Pishkhan.com

عدالت آموزشی یکی از بنیادی‌ترین آرمان‌های نظام تعلیم و تربیت است؛ آرمانی که بدون تحقق آن نه عدالت اجتماعی شکل می‌گیرد، نه توسعه پایدار و نه اعتماد عمومی به کارآمدی دولت‌ها. در واقع عدالت آموزشی نقطه آغاز عدالت اجتماعی است؛ جایی که جامعه می‌آموزد فرصت‌ها را نه بر اساس ثروت و طبقه، بلکه بر مبنای استعداد و شایستگی توزیع کند. در ایران، عدالت آموزشی طی سال‌های گذشته همواره در اسناد بالادستی همچون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سیاست‌های کلی علم و فناوری و برنامه‌های توسعه کشور تکرار شده است، اما همچنان میان شعارهای زیبا و واقعیت میدانی مدارس فاصله‌ای عمیق وجود دارد. مدارس ما، به‌ویژه در مناطق محروم، گواه زنده‌ای از شکاف میان نیت و ساختارند. اگر به چهره واقعی مدارس در نقاط مختلف کشور نگاه کنیم، نابرابری‌ها آشکار است: کلاس‌های پرجمعیت در حاشیه شهرها در برابر مدارس هوشمند در مراکز برخوردار، معلمان چندپایه و بی‌ثبات در روستاها در برابر دبیران باسابقه و توانمند در مدارس خاص و دانش‌آموزانی که برای دسترسی به اینترنت و امکانات آموزشی دچار مشکلند در برابر کسانی که از آموزش خصوصی و کلاس‌های تقویتی بهره‌مندند. این تفاوت‌ها نه تنها ناعادلانه بلکه باز تولیدکننده نابرابری اجتماعی است. کودکی که در منطقه‌ای محروم رشد می‌کند، عملا از همان ابتدا از چرخه رقابت تحصیلی و اجتماعی کنار گذاشته می‌شود. نابرابری آموزشی در ایران تنها نتیجه فقر یا کمبود منابع نیست؛ بلکه محصول مستقیم سیاستگذاری‌های متمرکز، غیرمنعطف و گاه ناکارآمد است. ساختار شدیدا متمرکز آموزش و پرورش سبب شده تصمیم‌گیری‌ها از واقعیت‌های محلی فاصله بگیرند. مدیر مدرسه، معلم و حتی اولیا نقشی جدی در سیاست‌های مدرسه ندارند و این تمرکزگرایی، یکی از اصلی‌ترین موانع عدالت آموزشی است. در چنین ساختاری، عدالت آموزشی تنها در حد توزیع بودجه یا ساخت چند مدرسه در مناطق محروم باقی می‌ماند، در حالی که عدالت واقعی مستلزم باز توزیع فرصت‌ها، کیفیت برابر و مشارکت اجتماعی است. بسیاری از سیاست‌های آموزشی در ایران به اشتباه عدالت را با مساوات یکی می‌دانند؛ یعنی توزیع برابر منابع میان مناطق مختلف. اما عدالت آموزشی فراتر از مساوات است. هدف آن برابری در نتایج یادگیری و کیفیت آموزشی است. این یعنی نظام آموزشی باید متناسب با نیاز هر منطقه، حمایت ویژه را به دهد تا فرصت یادگیری با کیفیت برای همه فراهم شود. به عنوان مثال، اگر منطقه‌ای محروم از معلم متخصص یا امکانات آموزشی است، سیاستگذار باید با مداخله هدفمند، کیفیت را به آن منطقه تزریق کند، نه اینکه تنها بودجه‌ای مساوی با مناطق برخوردار تخصیص دهد. از سوی دیگر، عدالت آموزشی تنها به دانش‌آموز محدود نمی‌شود. معلمان نیز قربانی نابرابری در انگیزش و پاداشند. نظام انگیزشی آموزش و پرورش به جای ارتقای کیفیت و ایجاد حس تعلق، در بسیاری از موارد موجب بی‌انگیزگی و فرسودگی شغلی شده است. در حالی که هیچ اصلاح آموزشی بدون معلم بانگیزه به نتیجه نخواهد رسید. برای تحقق عدالت آموزشی، باید عدالت انگیزشی را نیز در دستور کار قرار داد؛ یعنی نظامی که در آن معلم توانمند، خلاق و مسوول، احساس دیده شدن و ارزشمندی کند. حرکت از شعار عدالت آموزشی به ساختار عدالت‌محور نیازمند تغییر در نگاه حکمرانی آموزشی است. این تغییر باید بر پایه تمرکززدایی و مشارکت محلی، باز توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع و توانمندسازی معلمان و مدیران مدارس استوار باشد. مدرسه باید به واحد تصمیم‌گیر تبدیل شود، نه مجری صرف بخشنامه‌ها. منابع باید بر اساس نیاز واقعی مناطق تخصیص یابد، نه صرفا بر پایه جمعیت. سرمایه انسانی با کیفیت، شرط لازم تحقق عدالت آموزشی است. عدالت آموزشی تنها یک آرمان اخلاقی نیست؛ بلکه پیش‌شرط توسعه ملی و انسجام اجتماعی است. کشوری که در آموزش نابرابر باشد، در عدالت اجتماعی، در اقتصاد و حتی در امنیت نیز نابرابر خواهد بود. امروز، بیش از هر زمان دیگر، جامعه ایران نیازمند بازتعریف سیاست‌های آموزشی بر پایه عدالت است؛ عدالتی که نه در شعار، بلکه در ساختارها و فرآیندهای تصمیم‌گیری متجلی شود. تحقق عدالت آموزشی به اراده‌ای فراتر از بخشنامه و بودجه نیاز دارد؛ به باوری عمیق به انسان، ایمانی به برابری فرصت‌ها و شجاعتی برای اصلاح ساختارها.

دکترای سیاستگذاری عمومی

خبر

چمران: تراکم‌فروشی در هیچ جای تهران نداریم

ایلنا | رییس شورای اسلامی شهر تهران در مورد اظهارات معاون اول رییس جمهور در رابطه با نظارت بر تاکسی‌های اینترنتی یادآور شد: هنوز نظارت شهرداری بر تاکسی‌های اینترنتی اجرایی نشده است. باید شرایط ساماندهی شود و اینکه افراد از شهرستان به تهران بیایند و مسافرکشی کنند و برای خود، خانواده و شهروندان مشکل ایجاد کنند، درست نیست. تاکسی اینترنتی بسیار خوب است؛ اما باید به درستی اجرایی شود. مهدی چمران در رابطه با وضعیت حریم تهران نیز گفت: حریم پیش از تصویب در جایی باید در شورای شهر تصویب می‌شد؛ اما در استانداری و وزارت راه و شهرسازی با شرایط خاصی به تصویب رسید. حتی به نماینده شهرداری اجازه صحبت کامل داده نشد. من توضیحاتی دادم اما حریم را تصویب کردند. اولین بند قانون این است که اصلاحات صورت بگیرد. قرار شد مجلس طرحی را برای اصلاح تهیه کند که انجام داده و به وزارت راه اعلام کرده که حریم را ابلاغ نکنند تا اصلاحات تمام شود. دلالان و افراد بساز و بفروش در حال حاضر در حال سوءاستفاده هستند. باید ساخت و سازهای غیرمجاز در حریم تخریب و در رسانه ملی نیز اطلاع‌رسانی شود. دوستان نادانسته آب بر هاون آنها می‌ریزند.

گفت‌وگو

«اعتماد» در گفت‌وگوی اختصاصی با کارشناسان بررسی می‌کند

قمار ترامپ با نظم خاورمیانه

▪ کوروش احمدی: حمایت کشورهای خاورمیانه از طرح صلح ترامپ محصول محدودیت‌ها و فقدان گزینه جایگزین است

▪ حسین ربیعی: سرنوشت توافق صلح غزه به رفتار امریکا، رویکرد اسراییل و حماس و مدیریت دوران گذار بستگی دارد

GettyImages

حدیث روشنی

امروز (دوشنبه) شرم‌الشیخ میزبان مراسم امضای رسمی توافق آتش‌بس در غزه خواهد بود؛ توافقی که با حضور دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا و به ریاست مشترک او با عبدالفتاح السیسی، رییس جمهور مصر نهایی می‌شود. اسپانیا، ژاپن، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، مجارستان، هند، السالوادور، قبرس، یونان، بحرین، کویت و کانادا جزو مدعوین واشنگتن برای حضور در شرم‌الشیخ هستند. به نقل از یک منبع مطلع، ایران نیز به این نشست دعوت شده است. این نشست در شرایطی برگزار می‌شود که اعضای جنبش حماس از شرکت در آن خودداری کردند و تاکید دارند که این توافق در چارچوب مذاکرات مستقیم میانجی‌گران مصری و قطری شکل گرفته است. نمایندگان اسراییل نیز به عنوان طرف دیگر توافق، در این نشست حضور ندارند. گفتنی است در دهم اکتبر، برقراری آتش‌بس در غزه به‌طور رسمی اعلام شد. با این حال تحلیلگران و نشریات جهان همچنان گمانه‌زنی‌های متفاوتی را درباره آثار آنچه «طرح صلح» ترامپ نامیده می‌شود، مطرح کرده‌اند. با وجود اعلام زمان و مکان امضای توافق صلح، به نظر می‌رسد ناظران هنوز درباره جزییات توافق و آینده آن تردید دارند. در همین راستا گروهی از تحلیلگران با اشاره به رهبری این توافق صلح توسط واشنگتن و نقش پررنگ جرد کوشنر و استیو ویتکاف، به عنوان نمادهای تصمیم‌گیر مستقیم دونالد ترامپ، چنین صلحی را به پشتوانه تلاش‌های امریکا پایدار قلمداد می‌کنند. همزمان، گروهی دیگر از زاویه‌ای متفاوت، این توافق را مورد ارزیابی قرار داده و بر این باورند که در شرایط متزلزل خاورمیانه و پیچیدگی معادلات منطقه‌ای طی سال‌های اخیر، کشورهای عربی به واسطه مراودات خود با واشنگتن، با تمام توان در تلاشند تا با برقراری آتش‌بس پایدار در غزه، بحران نسل‌کشی در این باریکه به پایان برسد و همزمان، منافع استراتژیک خود را با ایالات متحده هماهنگ کنند. تلاش‌هایی که به ادعای ناظران، می‌تواند بخشی از طرح ادعایی گسترده‌تر ترامپ برای ایجاد «نظم جدید خاورمیانه» تعبیر شود؛ فرآیندی که در آن احتمالا دیپلماسی، فشار و همگرایی منطقه‌ای همزمان به کار گرفته می‌شود. در همین راستا روزنامه «اعتماد» با هدف ارزیابی سناریوهای احتمالی در دوران پساصلح در غزه با کارشناسان گفت‌وگو کرده است. کوروش احمدی دیپلمات پیشین کشورمان در گفت‌وگوی خود با «اعتماد» ضمن اشاره به اینکه طرح صلح غزه و تحولات اخیر منطقه نشان می‌دهد امریکا با نفوذ مستقیم بر اسراییل و حمایت نسبی کشورهای عربی، بازیگر اصلی مدیریت بحران خاورمیانه است، همزمان تاکید کرد در این معادله اعراب عملا گزینه‌ای جز همکاری با واشنگتن ندارند. این در حالی است که ربیعی در گفت‌وگو با «اعتماد» ضمن تاکید بر اینکه توافق فعلی میان حماس و اسراییل به‌طور موقت پایدار است، همزمان بر این باور است که آینده آن بستگی کامل به رفتار اسراییل دارد و حماس نیز ممکن است در صورت نقض تعهدات اسراییل دوباره عملیات نظامی را از سر بگیرد، ضمن اینکه نقش کشورهای عربی و اسلامی در کنترل یا اصلاح این وضعیت محدود خواهد بود.

مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

کوروش احمدی: جنگ دوساله اسراییل با حمایت‌های واشنگتن، زمینه را برای افزایش نفوذ امریکا در خاورمیانه فراهم کرد

کوروش احمدی دیپلمات پیشین کشورمان در پاسخ به پرسش «اعتماد» در خصوص ارزیابی‌اش از رویکرد خاورمیانه‌ای ترامپ با تمرکز بر صلح غزه تشریح کرد: مساله فلسطین طی هفت تا هشت دهه گذشته همواره یکی از موضوعات حاد روابط بین‌الملل بوده و همواره در دستور کار جامعه بین‌المللی از جمله سازمان ملل، کشورهای اروپایی، امریکا و همچنین دولت‌های عربی و اسلامی قرار داشته است. چرا که به واقع جنگ‌های متعددی بر سر این مساله رخ داده است و منشأ بی‌ثباتی‌های مزمن و طولانی‌مدت در خاورمیانه بوده و در دو سال گذشته، به‌ویژه پس از رویداد هفتم اکتبر و حملات گسترده رژیم اسراییل به نوار غزه و رقم خوردن فاجعه نسل‌کشی توسط این رژیم، این موضوع همیشه در صدر دستور کار سیاسی و رسانه‌ای جهان قرار داشته است. به باور احمدی طبیعی است که در چنین شرایطی، اغلب دولت‌ها به‌ویژه کشورهایی که از نفوذ یا توان میانجی‌گری برخوردارند، خود را ناگزیر به مداخله و تلاش برای مدیریت این بحران دیده‌اند. با این حال، تجربه این دو سال گذشته نشان داد که این تنها ایالات متحده بود که نفوذ واقعی و تعیین‌کننده بر اسراییل دارد. در گذشته نیز روشن بود و اکنون واضح‌تر است که حتی کشورهای اروپایی نیز نفوذ چندانی بر تل‌آویو ندارند. در نتیجه، نقش امریکا به‌طور طبیعی و خودکار در این قضیه پررنگ‌تر شد و این کشور در صف نخست ابتکارهای دیپلماتیک برای مهار بحران و تنش قرار گرفت. این دیپلمات پیشین کشورمان در ادامه به «اعتماد» گفت: البته این وضعیت بی‌سابقه نیست؛ در بحران‌های مشابه بین‌المللی نظیر بوسنی و کوزوو که در حیاط خلوت اروپا جریان داشت، نیز نهایتا این ایالات متحده بود که با اتکا بر قدرت نظامی و اقتصادی خود ابتکار عمل را به دست گرفت و نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد. در پرونده غزه نیز واشنگتن تلاش کرد همان الگو را تکرار کند و نوعی صلح امریکایی برقرار سازد؛ صلحی که در چارچوب قواعد و ضوابط مطلوب ایالات متحده تعریف شده باشد و هدف نهایی آن، حفظ و گسترش نفوذ واشنگتن در خاورمیانه است. احمدی همچنین در ادامه با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی دونالد ترامپ گفت: ترامپ همواره در صدد بوده است خود را به عنوان عامل برقراری صلح معرفی کند و همزمان کوشیده است خود را به عنوان سیاستمداری به نمایش بگذارد که در پی پایان دادن به جنگ‌های بی‌پایان و خودداری از ورود به جنگ جدید است. هرچند بسیاری از این ادعاها بیش از آنکه بر واقعیت استوار باشند، رنگ تبلیغاتی دارند. با این همه تبلیغات نیز مزید بر علت بوده تا این بازیگر بر برقراری صلح در غزه متمرکز شود.

احمدی در پاسخ به دیگر پرسش «اعتماد» در زمینه ادعای شکل‌گیری خاورمیانه جدید به عنوان کلان استراتژی دونالد ترامپ در منطقه توضیح داد: توجه داشته باشیم که امروز ایالات متحده نسبت به سایر بازیگران بین‌المللی در خاورمیانه موقعیت برتری دارد. روسیه نیز به عنوان رقیب امریکا در پی تحولات سوریه، آخرین پایگاه نفوذ خود در خاورمیانه را از دست داد؛ هر چند هنوز دو پایگاه نظامی‌اش در سوریه را از دست نداده است. همزمان چین نیز روابط خود با خاورمیانه را عمدتا بر پایه مناسبات اقتصادی با ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس و تأمین نیاز نفتی‌اش و برخی سرمایه‌گذاری متقابل شکل داده و حضور نظامی قابل توجهی در منطقه ندارد. شاید غیر از تاسیساتی محدود که در جیبوتی دارد، اما در مقایسه با تعدد پایگاه‌های نظامی امریکا و گستردگی کمک‌های نظامی واشنگتن به کشورهای منطقه، نفوذ چین عملا قابل مقایسه نیست. به گفته این کارشناس مسائل سیاست خارجی، بنابراین قدرت‌های رقیب امریکا امروزه حضور ملموس و اثرگذار و موثری مشابه دوره شوروی سابق در خاورمیانه ندارند؛ می‌دانیم که در گذشته بلوک شرق حضور اقتصادی، نظامی و سیاسی گسترده‌ای در منطقه داشت. احمدی همچنین اضافه کرد: افزایش نفوذ اسراییل در منطقه به واسطه تحرکات این رژیم طی دو سال اخیر و بالاخص بعد از ۷ اکتبر نیز به تقویت موقعیت امریکا کمک کرده است. ضربه‌هایی که گروه‌های محور مقاومت طی دو سال گذشته متحمل شدند، محدود شدن فعالیت‌های برخی از این گروه‌ها و فروپاشی دولت اسد در سوریه، همه به ایجاد فضای بیشتری برای واشنگتن برای پیشبرد اهدافش در منطقه کمک کرده است. اسراییل نیز با لحاظ کردن این تحولات به عنوان متحد اصلی امریکا و نقطه اتکای استراتژیک آن کشور، نقش کلیدی در این فرآیند داشته است. به گفته احمدی در حوزه دیپلماسی نیز تحولات قابل توجهی رخ داده است. دونالد ترامپ توانست در جریان سفر به نیویورک و شرکت در نشست اخیر سازمان ملل ملاقات مهمی با مقامات ۸ کشور عربی و اسلامی داشته باشد که بسیار مهم بود. در این ملاقات بود که زمینه‌هایی برای هماهنگی و در مورد طرح آتش‌بس در غزه ایجاد شد. صدور فوری بیانیه‌ای در استقبال از طرح غزه بلافاصله بعد از اعلام آن از سوی این کشورها، نشان‌دهنده آمادگی این کشورها و هم‌آهنگی قبلی برای حرکت در مدار واشنگتن بود. در مورد اینکه چرا این ۸ کشور به‌رغم تحفظ‌ها و ملاحظات در مجموع با امریکا همکاری کردند می‌توان به ملاحظات و نیازهای این کشورها در حوزه‌هایی مانند ثبات منطقه، مشروعیت داخلی دولت‌های این ۸ کشور، دستور کار اقتصادی و دیپلماتیک آنها، محدود کردن جنگ‌افروزی‌های مستمر اسراییل و افزایش سطح تنش و جنگ در منطقه، فراهم کردن امکان کمک به مردم غزه و جلوگیری از ادامه نسل‌کشی و داشتن درصدی نفوذ و حضور در روندهای سیاسی بعد از آتش‌بس اشاره کرد. مضاف بر آن این دولت‌ها به کمک‌های نظامی و اطلاعاتی و تضمین امنیت‌شان توسط امریکا و نیز کمک‌های اقتصادی امریکا نیاز دارند و رد آشکار طرح ترامپ می‌توانست برای آنها بسیار پرهزینه باشد. به هر حال این تحول به ویژه نشان داد که موقعیت امریکا در منطقه در حال حاضر به نحو محسوسی بهتر از موقعیت آن کشور در دوره قبل از اتفاق هفتم اکتبر است.

احمدی در پاسخ به دیگر پرسش «اعتماد» درباره آینده مراودات متحدان عربی ترامپ در دوران پساصلح غزه گفت: طرح صلح کنونی را می‌توان خروجی وضعیت موجود خاورمیانه به شمار آورد. طی دو سال گذشته، نفوذ بخشی از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کاهش یافته است: حضور چین و روسیه در خاورمیانه محدود شده، نفوذ ایران و محور مقاومت نیز تحت تاثیر قرار گرفته و در مقابل، فشار اسراییل و ایالات متحده افزایش یافته است. به باور احمدی این تحولات موجب شده تا کشورهای منطقه تصور کنند که گزینه‌های اندک و محدودی در اختیار دارند و عملا چاره‌ای جز قرار گرفتن در مسیر اصلی که همان مسیر همکاری با واشنگتن است را ندارند. این وضعیت به‌ویژه در ارتباط با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مشهود است. سفر دونالد ترامپ به این کشورها به عنوان نخستین سفر خارجی بعد از ورود به کاخ سفید نشان‌دهنده اهمیت اقتصادی، نظامی و سیاسی واشنگتن برای این کشورها است؛ حضور پایگاه‌های نظامی امریکا، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و چتر دفاعی واشنگتن، همگی باعث شده‌اند این کشورها به‌نوعی در مدار امریکا قرار بگیرند. هرچند روابط اقتصادی و سیاسی آنها با کشورهای اروپایی و چین و روسیه نیز اهمیت دارد، اما در مقایسه با مناسبات آنها با امریکا، به مراتب محدودتر است. دیپلمات پیشین کشورمان در ادامه گفت‌وگویش با «اعتماد» خاطرنشان کرد: در این چارچوب، اسراییل بسان قبل بیشترین امتیاز را از نزدیکی با شخص ترامپ به دست آورده و از این وضعیت برای تقویت موقعیت خود نهایت بهره‌برداری را کرده است. سایر بازیگران منطقه‌ای نظیر ترکیه و قطر و مصر نیز عملا گزینه دیگری نداشتند و ناچار بودند که با طرح صلح ترامپ همسو شوند. لذا حمایت این کشورها از ابتکار ترامپ بیش از آنکه ناشی از تمایل واقعی آنها باشد، محصول محدودیت‌های موجود و فقدان مسیر جایگزین برای مدیریت بحران‌ها در خاورمیانه است. پیش فرض این کشورها این است که نتانیاهو و رژیم اسراییل از هیچ کشور دیگری حرف‌شنوی ندارند و تعامل با امریکا تنها مسیر عملی برای برقراری صلح در غزه بود.

حسین ربیعی: اسراییل ممکن است پس از تضعیف توان نظامی حماس، مفاد توافق صلح غزه را نقض کند

حسین ربیعی، تحلیلگر مسائل خاورمیانه در پاسخ به پرسش «اعتماد» در رابطه با ارزیابی‌اش از گام بعدی حماس در نهایی شدن توافق صلح با اسراییل تشریح کرد: تا این مرحله، حماس عملا با طرح صلح همکاری کرده و به توافق اولیه پایبند بوده است، هرچند تا اجرایی شدن کامل این طرح هنوز فاصله وجود دارد. مساله اصلی، تحقق تعهدات هر دو طرف است؛ چرا که اسراییل حتی بعد از نهایی شدن طرح آتش‌بس نیز اهدافی در نوار غزه را بمباران کرده است. به باور ربیعی اگرچه فاز نخست توافق عملیاتی شده و عقب‌نشینی نسبی رخ داده، اما تجربه رفتار سیاسی اسراییل نشان می‌دهد که این رژیم به تعهدات خود پایبند نیست و بارها پیمان‌ها و توافقات را نقض کرده است. به‌طور نمونه با وجود مغایرت با طرح صلح‌های پیشین و مخالفت نهادهای بین‌المللی، شهرک‌سازی در کرانه باختری را ادامه می‌دهد. بنابراین، در این مورد نیز اجرایی شدن کامل توافق، تضمین‌شده نیست. پس از تبادل اجساد و اسرا و آزادی اسرای اسراییلی، این احتمال وجود دارد که اسراییل با تجدید قوا و به بهانه‌های مختلف نقض عهد کند. این استاد دانشگاه در ادامه و در رابطه با موضوع خلع سلاح به عنوان یکی از چالش‌های مهم طرح صلح غزه تاکید کرد: در صورت نقض عهد اسراییل تضمینی برای سکوت حماس و پایبندی به خلع سلاح وجود ندارد و احتمالا حماس نیز از پذیرش کامل خلع سلاح خودداری خواهد کرد و مجددا به عملیات نظامی روی خواهد آورد. چرا که هم‌اکنون نیز صداهای متفاوتی از رهبران این گروه شنیده می‌شود و برخی مخالف خلع سلاح هستند. به این ترتیب، موفقیت نهایی و مراحل بعدی مذاکرات صلح از جمله مساله خلع سلاح حماس به میزان پایبندی طرفین به تعهداتشان بستگی دارد.

این استاد دانشگاه در ادامه و در پاسخ به دیگر سوال «اعتماد» درباره ارزیابی‌اش از رویکرد راست افراطی در اسراییل در قبال چنین توافقی گفت: در مرحله فعلی، به نظر می‌رسد عقب‌نشینی جزیی در بخش‌هایی از نوار غزه توسط اسراییل پذیرفته شده است، ولی مخالفت‌هایی جدی در داخل کابینه و میان جریان‌های راست افراطی اسراییل وجود دارد. بسیاری از این افراد، مخالف پذیرش شرایط کنونی و خواهان نابودی کامل حماس و الحاق غزه به اسراییل هستند. به گفته ربیعی، با این حال در شرایط فعلی، طولانی شدن جنگ و واکنش‌های منفی افکار عمومی جهان باعث شده است که مرحله نخست توافق در اسراییل پذیرفته شود. اما پیش‌بینی می‌شود که در ماه‌های آینده و با فروکش کردن گرد و غبار موقت این توافق، جریان‌های افراطی و تمامیت‌خواه اسراییلی تلاش کنند تا کنترل کامل غزه و را مجددا در دست گیرند یا آن را به اسراییل الحاق کنند. لذا سرنوشت نهایی توافق، تا حد زیادی به رفتار امریکا در تعامل با اسراییل و حماس و مدیریت دوران گذار بستگی دارد. این کارشناس مسائل خاورمیانه همچنین به «اعتماد» گفت: با این همه احتمال نقض کامل پیمان صلح وجود دارد، زیرا در هر توافقی اگر هر دو طرف درصدد باشند که به منافع حداکثری خود برسند و خواسته‌های طرف مقابل را نادیده بگیرند، ثبات توافق قابل تردید خواهد بود.

در همین راستا در صورت تلاش اسراییل برای تصرف غزه، گروه‌های مقاومت و حماس قطعا سکوت نخواهند کرد. از سوی دیگر، اگر حماس به هیچ امتیازی دست پیدا نکند، این جنبش نیز ممکن است مجددا عملیات نظامی خود را آغاز کند.

این استاد دانشگاه در ادامه و درباره حیات سیاسی نتانیاهو متاثر از چنین توافق صلحی خاطرنشان کرد: از دیدگاه تحلیلگران، بنیامین نتانیاهو در دو سال گذشته و به ویژه پس از عملیات هفتم اکتبر، دستاوردهای قابل توجهی برای اسراییل به دست آورده است. این موفقیت‌های ادعایی شامل محدودسازی گروه‌های مقاومت، از بین بردن بخش قابل توجهی از رهبران حماس و حزب‌الله و همچنین اعمال فشارهایی به ایران بوده است. لذا در حال حاضر، رقبای نتانیاهو در عرصه سیاسی و نظامی اسراییل، توانایی همپایی با او را ندارند. به گفته ربیعی جایگاه سیاسی نتانیاهو به واسطه اقدامات اخیرش باعث شده که جایگاه او در داخل اسراییل تقویت شود. علاوه بر این، رابطه نزدیک نتانیاهو با دونالد ترامپ و حمایت مستمر ایالات متحده نیز جایگاه او را در سطح داخلی و منطقه‌ای مستحکم کرده است. با توجه به این عوامل، انتظار نمی‌رود که نتانیاهو در آینده نزدیک، دست‌کم طی یک تا دو سال آینده، جایگاه خود را میان احزاب و جریان‌های سیاسی اسراییل از دست بدهد. این تحلیلگر مسائل خاورمیانه در ادامه گفت‌وگویش با «اعتماد» تشریح کرد: با این همه حتی در صورت برگزاری انتخابات، بعید است که او موقعیت خود را به‌طور جدی تهدید شده ببیند. بنابراین فروپاشی کابینه اسراییل در کوتاه‌مدت چندان محتمل به نظر نمی‌رسد و صداهای مخالف صلح و انتقاداتی که طی دو سال گذشته علیه نتانیاهو مطرح شده، تهدید جدی علیه موقعیت او نیست. بنابراین، بعید است که کابینه دچار فروپاشی شود هر چند، امکان تغییراتی محدود در ترکیب کابینه وجود دارد، اما این تغییرات، جایگاه سیاسی نتانیاهو را به خطر نخواهد انداخت.

ربیعی در پاسخ به دیگر پرسش «اعتماد» درباره نقش کشورهای عربی و اسلامی به عنوان پایه‌های مهم شکل‌گیری طرح صلح غزه گفت: در زمینه اجرایی شدن توافق صلح توسط دیگر بازیگران، دو نکته وجود دارد: مسائل امنیتی و نظامی، و بازسازی و سرمایه‌گذاری اقتصادی در نوار غزه. در حوزه امنیتی و نظامی، قرار است نیرویی متشکل از کشورهای منطقه تحت فرماندهی مستقیم ایالات متحده، اجرای توافق صلح در غزه را مدیریت کند. این نیروها مسوولیت نظارت بر روند اجرای توافق و تضمین اجرای تعهدات طرفین را بر عهده خواهند داشت. این اقدامات نظارتی احتمالا شامل تأمین نفرات، تجهیزات و پشتیبانی مالی می‌شود که امریکا برای آن حساب ویژه‌ای باز کرده است و به‌احتمال زیاد، کشورهای متحد این بازیگر از جمله قطر، ترکیه و مصر نیز نقش مهمی در این بخش خواهند داشت. در حوزه اقتصادی، بازسازی غزه و سرمایه‌گذاری‌های آتی تصور می‌کنم عمدتا تحت هدایت سرمایه‌های غربی و کشورهای اروپایی انجام خواهد شد. هدف از این سرمایه‌گذاری‌ها، نه تنها بازسازی زیرساخت‌ها، بلکه تغییر ماهیت و چهره اسلامی نوار غزه است. در این بخش، به احتمال زیاد کشورهای خاورمیانه و مسلمان نقش محدودی خواهند داشت و مانور سیاسی یا اقتصادی آنها محدود خواهد بود. به گفته این استاد دانشگاه به این ترتیب، دوره گذار صلح، ترکیبی از مدیریت امنیتی توسط نیروهای امریکایی و شرکای محدود منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری اقتصادی توسط غربی‌ها خواهد بود؛ وضعیتی که نقشی محوری برای ایالات متحده و کشورهای اروپایی در شکل‌دهی آینده غزه تعریف می‌کند و احتمالا نفوذ بازیگران منطقه‌ای را محدود می‌سازد.

این تحلیلگر مسائل خاورمیانه در ادامه و درباره پیش‌بینی‌اش از آینده توافق آتش‌بس اسراییل و حماس خاطرنشان کرد: در این زمینه شاید بتوان مشابهت‌هایی میان این طرح صلح و «ابتکار ابراهیم» مشاهده کرد؛ توافقی که با نقش‌آفرینی و حمایت ایالات متحده و شخص ترامپ و مشارکت کشورهایی مانند بحرین و امارات شکل گرفت و پایدار شد. در طرح صلح کنونی نیز اگر واشنگتن نقش خود در حمایت از آتش‌بس و گردآوری بازیگران منطقه‌ای پیرامون میز مذاکره را حفظ کند، به احتمال زیاد توافق فعلی نیز با ثبات نسبی ادامه می‌یابد مگر اینکه اتفاق پیش‌بینی نشده‌ای در درون اسراییل رخ دهد. به گفته ربیعی کشورهای مداخله‌کننده از جمله ایالات متحده و کشورهایی که پیرامون فلسطین هستند و همزمان متحد واشنگتن تلقی می‌شوند از جمله ترکیه، عربستان، قطر، مصر دلیلی برای نقض احتمالی این آتش‌بس نخواهند داشت و نقض آن بستگی خیلی زیادی به رفتار اسراییل دارد. این استاد دانشگاه در ادامه به «اعتماد» گفت: در این مورد یعنی نقض احتمالی توافق باید توجه داشت که به دلیل دامنه‌دار شدن جنگ غزه و ایجاد چالش‌هایی برای اسراییل، در کوتاه‌مدت آتش‌بس نقض نخواهد شد. اما احتمالا پس از دوره‌ای از تجدید قوا و بازآرایی نیروها زمینه برای تجاوزات سرشتی اسراییل و نقض آتش‌بس فراهم خواهد شد. با این همه سناریوی محتمل این است که تل‌آویو پس از کسب اطمینان از نابودی یا ضعف توان نظامی حماس از جمله پاک‌سازی تونل‌ها و از بین بردن ساختار و توان نظامی کامل حماس و در صورتی که واکنش شدیدی از سوی این گروه متصور نباشد، این رژیم در پی تحقق ایده ادعایی اسراییل بزرگ که پیشتر مطرح کرده بود، بخواهد غزه را به صورت کامل تصرف کند یعنی مشابه آنچه در ۱۹۶۷ درباره بلندی‌های جولان و کرانه باختری اتفاق افتاد، این محدوده را نیز به اسراییل الحاق کند. اما این امر به‌احتمال زیاد در کوتاه‌مدت رخ نخواهد داد و نیازمند زمان برای بازسازی وجهه و قدرت نظامی - سیاسی اسراییل است.

پیشخوان Pishkhan.com

گزارش

تنش‌های مرزی میان افغانستان و پاکستان بالا گرفت

هوای توفانی دیورند

صبح روز یکشنبه منابع امنیتی پاکستان اعلام کردند که عملیات انتقام‌جویانه از طالبان افغانستان با قدرت تمام ادامه دارد و نیروهای پاکستانی ضمن تصرف ۱۹ پایگاه نظامی طالبان توانستند یک پایگاه کلیدی آنان را نیز منهدم کنند. همزمان شبکه‌های خبری پاکستان به نقل از منابع امنیتی گزارش دادند که پایگاه «منوجبا» که محل استقرار گردانی از نیروهای طالبان افغانستان بود، با موفقیت منهدم شده است؛ جایی که گفته می‌شود افغانستان و عناصر تحریک طالبان افغانستان از این مواضع به پاکستان حمله می‌کردند. همزمان به گفته مقامات ارشد طالبان افغانستان نیز در چندین استان، آنها موفق به تصرف دو پاسگاه مرزی پاکستان در استان جنوبی هلمند شده‌اند؛ موضوعی که توسط مقامات محلی نیز تایید شد. در عین حال مقامات امنیتی پاکستان نیز وقوع درگیری در چندین نقطه مرزی را تایید کرده و اعلام کردند که با قدرت پاسخ داده‌اند. در عین حال پیش‌تر نیز مسوولان حکومت سرپرست افغانستان از حملات هوایی پاکستان به کابل و چند نقطه دیگر آن کشور خبر دادند، اما ارتش پاکستان صحت این اتهامات را تایید یا تکذیب نکرد. این منابع افغان مدعی شدند که حملات پاکستان برای هدف قرار دادن عناصر کلیدی گروه تحریک طالبان پاکستان به ویژه سرکرده آن «مفتی نور ولی محسود» صورت گرفته است. با این همه همچنان به‌طور قطعی معلوم نیست که او زنده است یا کشته شده. رسانه‌های طالبان اما احتمال کشته شدن او را بیشتر می‌دانند. فاز جدید تنش‌های دیپلماتیک و نظامی میان افغانستان و پاکستان در حالی آغاز شده است که شدت حملات تروریستی به نیروهای پاکستانی طی ۲ هفته گذشته تلفات سنگین را بر این کشور وارد کرده و اسلام‌آباد از حملات به این کشور از خاک افغانستان خشمگین است. با این همه و به باور ناظران تشدید تنش‌ها در مقطع کنونی مناقشات دیرینه میان دو کشور همسایه را به حد بی‌سابقه‌ای رسانده و واکنش‌های گسترده‌ای را در سطح رهبران سیاسی و نهادهای امنیتی افغانستان به دنبال داشته است. در همین رابطه مایکل کوگلمان، تحلیلگر جنوب آسیا در واشنگتن دی‌سی به گاردین گفت: «حملات متقابل شدید طالبان به نیروهای پاکستانی، حملات غیرمعمول شدید پاکستان در افغانستان و واکنش‌های طالبان، یک وضعیت بحرانی کامل ایجاد کرده است. وقتی به این موضوع اضافه کنید که افغانستان مرز را به رسمیت نمی‌شناسد و همزمان اطلاعات نادرست درباره بحران منتشر می‌شود، همه اینها وضعیت را بسیار شکننده می‌کند.» با این همه اگرچه پاکستان مسوولیت حملاتش به افغانستان را به‌طور صریح بر عهده نگرفته، اما از کابل خواسته تا از پناه دادن به گروه «تحریک طالبان پاکستان (TTP)» دست بکشد؛ گروهی که از سال ۲۰۲۱ صدها سرباز پاکستانی را کشته و گفته می‌شود در افغانستان آموزش نظامی دیده و با طالبان افغان پیوند ایدئولوژیک دارد.»

به گفته کوگلمان اما به نظر می‌رسد این بحران، هر چند جدی است، اما احتمالا زودتر از آنچه تصور می‌شود کاهش خواهد یافت، چرا که طالبان توان مقابله مستقیم با ارتش پاکستان را ندارند و احتمالا عقب‌نشینی خواهند کرد. همزمان امتیاز گل، تحلیلگر امنیتی مستقر در اسلام‌آباد می‌گوید: «به نظر می‌رسد آنچه طی چند ساعت گذشته شاهد آن بودیم، نتیجه منطقی تنش‌هایی است که بین دو کشور در حال انباشته شدن بود، به‌ویژه پس از حملات مستقیم به مخفیگاه‌های طالبان پاکستان و همزمان امتناع مداوم افغانستان از اقدام قاطع علیه این گروه که رهبری حملات تروریستی در پاکستان را بر عهده دارد.» گفتنی است روابط افغانستان و پاکستان طی ماه‌های اخیر به دلیل اتهامات اسلام‌آباد مبنی بر پناه دادن کابل به طالبان پاکستان دچار تنش شده است. کوگلمان در ادامه گفت‌وگویش با گاردین معتقد است برای پاکستان خطر این است که حملات اخیرش در افغانستان انگیزه‌ای برای طالبان این کشور ایجاد کند تا ناگزیر به تلافی‌جویی شود و این مقابله احتمالا منجر به عملیات‌های شدیدتر پاکستان در خاک افغانستان خواهد شد و سپس این چرخه دوباره تکرار خواهد شد. در حالی که در این وضعیت هیچ برنده‌ای وجود ندارد و راه‌حل‌های بلندمدت ساده‌ای هم نیست. پاکستان و افغانستان مرزی تقریبا ۲۶۰۰ کیلومتری (۱۶۰۰ مایل) و صعب‌العبور دارند که به «خط دیورند» معروف است. امتیاز گل، تحلیلگر امنیتی مستقر در اسلام‌آباد در این رابطه می‌گوید: «به باور من صبر پاکستان رو به پایان بود و به همین دلیل نیز آنها تصمیم گرفتند خودشان مستقیما علیه رهبران طالبان پاکستان اقدام کنند. هر چند که به نظر می‌رسد طالبان چنین اقدامی را بدون پاسخ نخواهد گذاشت.»

گفت‌وگو

«اعتماد» در گفت‌وگوی اختصاصی با کارشناسان بررسی می‌کند

قمار ترامپ با نظم خاورمیانه

■ کوروش احمدی: حمایت کشورهای خاورمیانه از طرح صلح ترامپ محصول محدودیت‌ها و فقدان گزینه جایگزین است

■ حسین ربیعی: سرنوشت توافق صلح غزه به رفتار امریکا، رویکرد اسراییل و حماس و مدیریت دوران گذار بستگی دارد

GettyImages

حدیث روشنی

امروز (دوشنبه) شرم‌الشیخ میزبان مراسم امضای رسمی توافق آتش‌بس در غزه خواهد بود؛ توافقی که با حضور دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا و به ریاست مشترک او با عبدالفتاح السیسی، رییس جمهور مصر نهایی می‌شود. اسپانیا، ژاپن، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، مجارستان، هند، السالوادور، قبرس، یونان، بحرین، کویت و کانادا جزو مدعوین واشنگتن برای حضور در شرم‌الشیخ هستند. به نقل از یک منبع مطلع، ایران نیز به این نشست دعوت شده است. این نشست در شرایطی برگزار می‌شود که اعضای جنبش حماس از شرکت در آن خودداری کردند و تاکید دارند که این توافق در چارچوب مذاکرات مستقیم میانجی‌گران مصری و قطری شکل گرفته است. نمایندگان اسراییل نیز به عنوان طرف دیگر توافق، در این نشست حضور ندارند. گفتنی است در دهم اکتبر، برقراری آتش‌بس در غزه به‌طور رسمی اعلام شد. با این حال تحلیلگران و نشریات جهان همچنان گمانه‌زنی‌های متفاوتی را درباره آثار آنچه «طرح صلح» ترامپ نامیده می‌شود، مطرح کرده‌اند. با وجود اعلام زمان و مکان امضای توافق صلح، به نظر می‌رسد ناظران هنوز درباره جزییات توافق و آینده آن تردید دارند. در همین راستا گروهی از تحلیلگران با اشاره به رهبری این توافق صلح توسط واشنگتن و نقش پررنگ جرد کوشنر و استیو ویتکاف، به عنوان نمادهای تصمیم‌گیر مستقیم دونالد ترامپ، چنین صلحی را به پشتوانه تلاش‌های امریکا پایدار قلمداد می‌کنند. همزمان، گروهی دیگر از زاویه‌ای متفاوت، این توافق را مورد ارزیابی قرار داده و بر این باورند که در شرایط متزلزل خاورمیانه و پیچیدگی معادلات منطقه‌ای طی سال‌های اخیر، کشورهای عربی به واسطه مراودات خود با واشنگتن، با تمام توان در تلاشند تا با برقراری آتش‌بسی پایدار در غزه، بحران نسل‌کشی در این باریکه به پایان برسد و همزمان، منافع استراتژیک خود را با ایالات متحده هماهنگ کنند. تلاش‌هایی که به ادعای ناظران، می‌تواند بخشی از طرح ادعایی گسترده‌تر ترامپ برای ایجاد «نظم جدید خاورمیانه» تعبیر شود؛ فرآیندی که در آن احتمالا دیپلماسی، فشار و همگرایی منطقه‌ای همزمان به کار گرفته می‌شود. در همین راستا روزنامه «اعتماد» با هدف ارزیابی سناریوهای احتمالی در دوران پساصلح در غزه با کارشناسان گفت‌وگو کرده است. کوروش احمدی دیپلمات پیشین کشورمان در گفت‌وگوی خود با «اعتماد» ضمن اشاره به اینکه طرح صلح غزه و تحولات اخیر منطقه نشان می‌دهد امریکا با نفوذ مستقیم بر اسراییل و حمایت نسبی کشورهای عربی، بازیگر اصلی مدیریت بحران خاورمیانه است، همزمان تاکید کرد در این معادله اعراب عملا گزینه‌ای جز همکاری با واشنگتن ندارند. این در حالی است که ربیعی در گفت‌وگو با «اعتماد» ضمن تاکید بر اینکه توافق فعلی میان حماس و اسراییل به‌طور موقت پایدار است، همزمان بر این باور است که آینده آن بستگی کامل به رفتار اسراییل دارد و حماس نیز ممکن است در صورت نقض تعهدات اسراییل دوباره عملیات نظامی را از سر بگیرد، ضمن اینکه نقش کشورهای عربی و اسلامی در کنترل یا اصلاح این وضعیت محدود خواهد بود.

مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

کوروش احمدی: جنگ دوساله اسراییل با حمایت‌های واشنگتن، زمینه را برای افزایش نفوذ امریکا در خاورمیانه فراهم کرد

کوروش احمدی دیپلمات پیشین کشورمان در پاسخ به پرسش «اعتماد» در خصوص ارزیابی‌اش از رویکرد خاورمیانه‌ای ترامپ با تمرکز بر صلح غزه تشریح کرد: مساله فلسطین طی هفت تا هشت دهه گذشته همواره یکی از موضوعات حاد روابط بین‌الملل بوده و همواره در دستور کار جامعه بین‌المللی از جمله سازمان ملل، کشورهای اروپایی، امریکا و همچنین دولت‌های عربی و اسلامی قرار داشته است. چرا که به واقع جنگ‌های متعددی بر سر این مساله رخ داده است و منشأ بی‌ثباتی‌های مزمن و طولانی‌مدت در خاورمیانه بوده و در دو سال گذشته، به‌ویژه پس از رویداد هفتم اکتبر و حملات گسترده رژیم اسراییل به نوار غزه و رقم خوردن فاجعه نسل‌کشی توسط این رژیم، این موضوع همیشه در صدر دستور کار سیاسی و رسانه‌ای جهان قرار داشته است. به باور احمدی طبیعی است که در چنین شرایطی، اغلب دولت‌ها به‌ویژه کشورهایی که از نفوذ یا توان میانجی‌گری برخوردارند، خود را ناگزیر به مداخله و تلاش برای مدیریت این بحران دیده‌اند. با این حال، تجربه این دو سال گذشته نشان داد که این تنها ایالات متحده بود که نفوذ واقعی و تعیین‌کننده بر اسراییل دارد. در گذشته نیز روشن بود و اکنون واضح‌تر است که حتی کشورهای اروپایی نیز نفوذ چندانی بر تل‌آویو ندارند. در نتیجه، نقش امریکا به‌طور طبیعی و خودکار در این قضیه پررنگ‌تر شد و این کشور در صف نخست ابتکارهای دیپلماتیک برای مهار بحران و تنش قرار گرفت. این دیپلمات پیشین کشورمان در ادامه به «اعتماد» گفت: البته این وضعیت بی‌سابقه نیست؛ در بحران‌های مشابه بین‌المللی نظیر بوسنی و کوزوو که در حیاط خلوت اروپا جریان داشت، نیز نهایتا این ایالات متحده بود که با اتکا بر قدرت نظامی و اقتصادی خود ابتکار عمل را به دست گرفت و نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد. در پرونده غزه نیز واشنگتن تلاش کرد همان الگو را تکرار کند و نوعی صلح امریکایی برقرار سازد؛ صلحی که در چارچوب قواعد و ضوابط مطلوب ایالات متحده تعریف شده باشد و هدف نهایی آن، حفظ و گسترش نفوذ واشنگتن در خاورمیانه است. احمدی همچنین در ادامه با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی دونالد ترامپ گفت: ترامپ همواره در صدد بوده است خود را به عنوان عامل برقراری صلح معرفی کند و همزمان کوشیده است خود را به عنوان سیاستمداری به نمایش بگذارد که در پی پایان دادن به جنگ‌های بی‌پایان و خودداری از ورود به جنگ جدید است. هرچند بسیاری از این ادعاها بیش از آنکه بر واقعیت استوار باشند، رنگ تبلیغاتی دارند. با این همه تبلیغات نیز مزید بر علت بوده تا این بازیگر بر برقراری صلح در غزه متمرکز شود.

احمدی در پاسخ به دیگر پرسش «اعتماد» در زمینه ادعای شکل‌گیری خاورمیانه جدید به عنوان کلان استراتژی دونالد ترامپ در منطقه توضیح داد: توجه داشته باشیم که امروز ایالات متحده نسبت به سایر بازیگران بین‌المللی در خاورمیانه موقعیت برتری دارد. روسیه نیز به عنوان رقیب امریکا در پی تحولات سوریه، آخرین پایگاه نفوذ خود در خاورمیانه را از دست داد؛ هر چند هنوز دو پایگاه نظامی‌اش در سوریه را از دست نداده است. همزمان چین نیز روابط خود با خاورمیانه را عمدتا بر پایه مناسبات اقتصادی با ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس و تأمین نیاز نفتی‌اش و برخی سرمایه‌گذاری متقابل شکل داده و حضور نظامی قابل توجهی در منطقه ندارد. شاید غیر از تاسیساتی محدود که در جیبوتی دارد، اما در مقایسه با تعدد پایگاه‌های نظامی امریکا و گستردگی کمک‌های نظامی واشنگتن به کشورهای منطقه، نفوذ چین عملا قابل مقایسه نیست. به گفته این کارشناس مسائل سیاست خارجی، بنابراین قدرت‌های رقیب امریکا امروزه حضور ملموس و اثرگذار و موثری مشابه دوره شوروی سابق در خاورمیانه ندارند؛ می‌دانیم که در گذشته بلوک شرق حضور اقتصادی، نظامی و سیاسی گسترده‌ای در منطقه داشت. احمدی همچنین اضافه کرد: افزایش نفوذ اسراییل در منطقه به واسطه تحرکات این رژیم طی دو سال اخیر و بالاخص بعد از ۷ اکتبر نیز به تقویت موقعیت امریکا کمک کرده است. ضربه‌هایی که گروه‌های محور مقاومت طی دو سال گذشته متحمل شدند، محدود شدن فعالیت‌های برخی از این گروه‌ها و فروپاشی دولت اسد در سوریه، همه به ایجاد فضای بیشتری برای واشنگتن برای پیشبرد اهدافش در منطقه کمک کرده است. اسراییل نیز با لحاظ کردن این تحولات به عنوان متحد اصلی امریکا و نقطه اتکای استراتژیک آن کشور، نقش کلیدی در این فرآیند داشته است. به گفته احمدی در حوزه دیپلماسی نیز تحولات قابل توجهی رخ داده است. دونالد ترامپ توانست در جریان سفر به نیویورک و شرکت در نشست اخیر سازمان ملل ملاقات مهمی با مقامات ۸ کشور عربی و اسلامی داشته باشد که بسیار مهم بود. در این ملاقات بود که زمینه‌هایی برای هماهنگی و در مورد طرح آتش‌بس در غزه ایجاد شد. صدور فوری بیانیه‌ای در استقبال از طرح غزه بلافاصله بعد از اعلام آن از سوی این کشورها، نشان‌دهنده آمادگی این کشورها و هم‌آهنگی قبلی برای حرکت در مدار واشنگتن بود. در مورد اینکه چرا این ۸ کشور به‌رغم تحفظ‌ها و ملاحظات در مجموع با امریکا همکاری کردند می‌توان به ملاحظات و نیازهای این کشورها در حوزه‌هایی مانند ثبات منطقه، مشروعیت داخلی دولت‌های این ۸ کشور، دستور کار اقتصادی و دیپلماتیک آنها، محدود کردن جنگ‌افروزی‌های مستمر اسراییل و افزایش سطح تنش و جنگ در منطقه، فراهم کردن امکان کمک به مردم غزه و جلوگیری از ادامه نسل‌کشی و داشتن درصدی نفوذ و حضور در روندهای سیاسی بعد از آتش‌بس اشاره کرد. مضاف بر آن این دولت‌ها به کمک‌های نظامی و اطلاعاتی و تضمین امنیت‌شان توسط امریکا و نیز کمک‌های اقتصادی امریکا نیاز دارند و رد آشکار طرح ترامپ می‌توانست برای آنها بسیار پرهزینه باشد. به هر حال این تحول به ویژه نشان داد که موقعیت امریکا در منطقه در حال حاضر به نحو محسوسی بهتر از موقعیت آن کشور در دوره قبل از اتفاق هفتم اکتبر است.

احمدی در پاسخ به دیگر پرسش «اعتماد» درباره آینده مراودات متحدان عربی ترامپ در دوران پساصلح غزه گفت: طرح صلح کنونی را می‌توان خروجی وضعیت موجود خاورمیانه به شمار آورد. طی دو سال گذشته، نفوذ بخشی از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کاهش یافته است: حضور چین و روسیه در خاورمیانه محدود شده، نفوذ ایران و محور مقاومت نیز تحت تاثیر قرار گرفته و در مقابل، فشار اسراییل و ایالات متحده افزایش یافته است. به باور احمدی این تحولات موجب شده تا کشورهای منطقه تصور کنند که گزینه‌های اندک و محدودی در اختیار دارند و عملا چاره‌ای جز قرار گرفتن در مسیر اصلی که همان مسیر همکاری با واشنگتن است را ندارند. این وضعیت به‌ویژه در ارتباط با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مشهود است. سفر دونالد ترامپ به این کشورها به عنوان نخستین سفر خارجی بعد از ورود به کاخ سفید نشان‌دهنده اهمیت اقتصادی، نظامی و سیاسی واشنگتن برای این کشورها است؛ حضور پایگاه‌های نظامی امریکا، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و چتر دفاعی واشنگتن، همگی باعث شده‌اند این کشورها به‌نوعی در مدار امریکا قرار بگیرند. هرچند روابط اقتصادی و سیاسی آنها با کشورهای اروپایی و چین و روسیه نیز اهمیت دارد، اما در مقایسه با مناسبات آنها با امریکا، به مراتب محدودتر است. دیپلمات پیشین کشورمان در ادامه گفت‌وگویش با «اعتماد» خاطرنشان کرد: در این چارچوب، اسراییل بسان قبل بیشترین امتیاز را از نزدیکی با شخص ترامپ به دست آورده و از این وضعیت برای تقویت موقعیت خود نهایت بهره‌برداری را کرده است. سایر بازیگران منطقه‌ای نظیر ترکیه و قطر و مصر نیز عملا گزینه دیگری نداشتند و ناچار بودند که با طرح صلح ترامپ همسو شوند. لذا حمایت این کشورها از ابتکار ترامپ بیش از آنکه ناشی از تمایل واقعی آنها باشد، محصول محدودیت‌های موجود و فقدان مسیر جایگزین برای مدیریت بحران‌ها در خاورمیانه است. پیش فرض این کشورها این است که نتانیاهو و رژیم اسراییل از هیچ کشور دیگری حرف‌شنوی ندارند و تعامل با امریکا تنها مسیر عملی برای برقراری صلح در غزه بود.

حسین ربیعی: اسراییل ممکن است پس از تضعیف توان نظامی حماس، مفاد توافق صلح غزه را نقض کند

حسین ربیعی، تحلیلگر مسائل خاورمیانه در پاسخ به پرسش «اعتماد» در رابطه با ارزیابی‌اش از گام بعدی حماس در نهایی شدن توافق صلح با اسراییل تشریح کرد: تا این مرحله، حماس عملا با طرح صلح همکاری کرده و به توافق اولیه پایبند بوده است، هرچند تا اجرایی شدن کامل این طرح هنوز فاصله وجود دارد. مساله اصلی، تحقق تعهدات هر دو طرف است؛ چرا که اسراییل حتی بعد از نهایی شدن طرح آتش‌بس نیز اهدافی در نوار غزه را بمباران کرده است. به باور ربیعی اگرچه فاز نخست توافق عملیاتی شده و عقب‌نشینی نسبی رخ داده، اما تجربه رفتار سیاسی اسراییل نشان می‌دهد که این رژیم به تعهدات خود پایبند نیست و بارها پیمان‌ها و توافقات را نقض کرده است. به‌طور نمونه با وجود مغایرت با طرح صلح‌های پیشین و مخالفت نهادهای بین‌المللی، شهرک‌سازی در کرانه باختری را ادامه می‌دهد. بنابراین، در این مورد نیز اجرایی شدن کامل توافق، تضمین‌شده نیست. پس از تبادل اجساد و اسرا و آزادی اسرای اسراییلی، این احتمال وجود دارد که اسراییل با تجدید قوا و به بهانه‌های مختلف نقض عهد کند. این استاد دانشگاه در ادامه و در رابطه با موضوع خلع سلاح به عنوان یکی از چالش‌های مهم طرح صلح غزه تاکید کرد: در صورت نقض عهد اسراییل تضمینی برای سکوت حماس و پایبندی به خلع سلاح وجود ندارد و احتمالا حماس نیز از پذیرش کامل خلع سلاح خودداری خواهد کرد و مجددا به عملیات نظامی روی خواهد آورد. چرا که هم‌اکنون نیز صداهای متفاوتی از رهبران این گروه شنیده می‌شود و برخی مخالف خلع سلاح هستند. به این ترتیب، موفقیت نهایی و مراحل بعدی مذاکرات صلح از جمله مساله خلع سلاح حماس به میزان پایبندی طرفین به تعهداتشان بستگی دارد.

این استاد دانشگاه در ادامه و در پاسخ به دیگر سوال «اعتماد» درباره ارزیابی‌اش از رویکرد راست افراطی در اسراییل در قبال چنین توافقی گفت: در مرحله فعلی، به نظر می‌رسد عقب‌نشینی جزیی در بخش‌هایی از نوار غزه توسط اسراییل پذیرفته شده است، ولی مخالفت‌هایی جدی در داخل کابینه و میان جریان‌های راست افراطی اسراییل وجود دارد. بسیاری از این افراد، مخالف پذیرش شرایط کنونی و خواهان نابودی کامل حماس و الحاق غزه به اسراییل هستند. به گفته ربیعی، با این حال در شرایط فعلی، طولانی شدن جنگ و واکنش‌های منفی افکار عمومی جهان باعث شده است که مرحله نخست توافق در اسراییل پذیرفته شود. اما پیش‌بینی می‌شود که در ماه‌های آینده و با فروکش کردن گرد و غبار موقت این توافق، جریان‌های افراطی و تمامیت‌خواه اسراییلی تلاش کنند تا کنترل کامل غزه و را مجددا در دست گیرند یا آن را به اسراییل الحاق کنند. لذا سرنوشت نهایی توافق، تا حد زیادی به رفتار امریکا در تعامل با اسراییل و حماس و مدیریت دوران گذار بستگی دارد. این کارشناس مسائل خاورمیانه همچنین به «اعتماد» گفت: با این همه احتمال نقض کامل پیمان صلح وجود دارد، زیرا در هر توافقی اگر هر دو طرف درصدد باشند که به منافع حداکثری خود برسند و خواسته‌های طرف مقابل را نادیده بگیرند، ثبات توافق قابل تردید خواهد بود.

در همین راستا در صورت تلاش اسراییل برای تصرف غزه، گروه‌های مقاومت و حماس قطعا سکوت نخواهند کرد. از سوی دیگر، اگر حماس به هیچ امتیازی دست پیدا نکند، این جنبش نیز ممکن است مجددا عملیات نظامی خود را آغاز کند.

این استاد دانشگاه در ادامه و درباره حیات سیاسی نتانیاهو متاثر از چنین توافق صلحی خاطرنشان کرد: از دیدگاه تحلیلگران، بنیامین نتانیاهو در دو سال گذشته و به ویژه پس از عملیات هفتم اکتبر، دستاوردهای قابل توجهی برای اسراییل به دست آورده است. این موفقیت‌های ادعایی شامل محدودسازی گروه‌های مقاومت، از بین بردن بخش قابل توجهی از رهبران حماس و حزب‌الله و همچنین اعمال فشارهایی به ایران بوده است. لذا در حال حاضر، رقبای نتانیاهو در عرصه سیاسی و نظامی اسراییل، توانایی همپایی با او را ندارند. به گفته ربیعی جایگاه سیاسی نتانیاهو به واسطه اقدامات اخیرش باعث شده که جایگاه او در داخل اسراییل تقویت شود. علاوه بر این، رابطه نزدیک نتانیاهو با دونالد ترامپ و حمایت مستمر ایالات متحده نیز جایگاه او را در سطح داخلی و منطقه‌ای مستحکم کرده است. با توجه به این عوامل، انتظار نمی‌رود که نتانیاهو در آینده نزدیک، دست‌کم طی یک تا دو سال آینده، جایگاه خود را میان احزاب و جریان‌های سیاسی اسراییل از دست بدهد. این تحلیلگر مسائل خاورمیانه در ادامه گفت‌وگویش با «اعتماد» تشریح کرد: با این همه حتی در صورت برگزاری انتخابات، بعید است که او موقعیت خود را به‌طور جدی تهدید شده ببیند. بنابراین فروپاشی کابینه اسراییل در کوتاه‌مدت چندان محتمل به نظر نمی‌رسد و صداهای مخالف صلح و انتقاداتی که طی دو سال گذشته علیه نتانیاهو مطرح شده، تهدید جدی علیه موقعیت او نیست. بنابراین، بعید است که کابینه دچار فروپاشی شود هر چند، امکان تغییراتی محدود در ترکیب کابینه وجود دارد، اما این تغییرات، جایگاه سیاسی نتانیاهو را به خطر نخواهد انداخت.

ربیعی در پاسخ به دیگر پرسش «اعتماد» درباره نقش کشورهای عربی و اسلامی به عنوان پایه‌های مهم شکل‌گیری طرح صلح غزه گفت: در زمینه اجرایی شدن توافق صلح توسط دیگر بازیگران، دو نکته وجود دارد: مسائل امنیتی و نظامی، و بازسازی و سرمایه‌گذاری اقتصادی در نوار غزه. در حوزه امنیتی و نظامی، قرار است نیرویی متشکل از کشورهای منطقه تحت فرماندهی مستقیم ایالات متحده، اجرای توافق صلح در غزه را مدیریت کند. این نیروها مسوولیت نظارت بر روند اجرای توافق و تضمین اجرای تعهدات طرفین را بر عهده خواهند داشت. این اقدامات نظارتی احتمالا شامل تأمین نفرات، تجهیزات و پشتیبانی مالی می‌شود که امریکا برای آن حساب ویژه‌ای باز کرده است و به‌احتمال زیاد، کشورهای متحد این بازیگر از جمله قطر، ترکیه و مصر نیز نقش مهمی در این بخش خواهند داشت. در حوزه اقتصادی، بازسازی غزه و سرمایه‌گذاری‌های آتی تصور می‌کنم عمدتا تحت هدایت سرمایه‌های غربی و کشورهای اروپایی انجام خواهد شد. هدف از این سرمایه‌گذاری‌ها، نه تنها بازسازی زیرساخت‌ها، بلکه تغییر ماهیت و چهره اسلامی نوار غزه است. در این بخش، به احتمال زیاد کشورهای خاورمیانه و مسلمان نقش محدودی خواهند داشت و مانور سیاسی یا اقتصادی آنها محدود خواهد بود. به گفته این استاد دانشگاه این ترتیب، دوره گذار صلح، ترکیبی از مدیریت امنیتی توسط نیروهای امریکایی و شرکای محدود منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری اقتصادی توسط غربی‌ها خواهد بود؛ وضعیتی که نقشی محوری برای ایالات متحده و کشورهای اروپایی در شکل‌دهی آینده غزه تعریف می‌کند و احتمالا نفوذ بازیگران منطقه‌ای را محدود می‌سازد.

این تحلیلگر مسائل خاورمیانه در ادامه و درباره پیش‌بینی‌اش از آینده توافق آتش‌بس اسراییل و حماس خاطرنشان کرد: در این زمینه شاید بتوان مشابهت‌هایی میان این طرح صلح و «ابتکار ابراهیم» مشاهده کرد؛ توافقی که با نقش‌آفرینی و حمایت ایالات متحده و شخص ترامپ و مشارکت کشورهایی مانند بحرین و امارات شکل گرفت و پایدار شد. در طرح صلح کنونی نیز اگر واشنگتن نقش خود در حمایت از آتش‌بس و گردآوری بازیگران منطقه‌ای پیرامون میز مذاکره را حفظ کند، به احتمال زیاد توافق فعلی نیز با ثبات نسبی ادامه می‌یابد مگر اینکه اتفاق پیش‌بینی نشده‌ای در درون اسراییل رخ دهد. به گفته ربیعی کشورهای مداخله‌کننده از جمله ایالات متحده و کشورهایی که پیرامون فلسطین هستند و همزمان متحد واشنگتن تلقی می‌شوند از جمله ترکیه، عربستان، قطر، مصر دلیلی برای نقض احتمالی این آتش‌بس نخواهند داشت و نقض آن بستگی خیلی زیادی به رفتار اسراییل دارد. این استاد دانشگاه در ادامه به «اعتماد» گفت: در این مورد یعنی نقض احتمالی توافق باید توجه داشت که به دلیل دامنه‌دار شدن جنگ غزه و ایجاد چالش‌هایی برای اسراییل، در کوتاه‌مدت آتش‌بس نقض نخواهد شد. اما احتمالا پس از دوره‌ای از تجدید قوا و بازآرایی نیروها زمینه برای تجاوزات سرشتی اسراییل و نقض آتش‌بس فراهم خواهد شد. با این همه سناریوی محتمل این است که تل‌آویو پس از کسب اطمینان از نابودی یا ضعف توان نظامی حماس از جمله پاک‌سازی تونل‌ها و از بین بردن ساختار و توان نظامی کامل حماس و در صورتی که واکنش شدیدی از سوی این گروه متصور نباشد، این رژیم در پی تحقق ایده ادعایی اسراییل بزرگ که پیشتر مطرح کرده بود، بخواهد غزه را به صورت کامل تصرف کند یعنی مشابه آنچه در ۱۹۶۷ درباره بلندی‌های جولان و کرانه باختری اتفاق افتاد، این محدوده را نیز به اسراییل الحاق کند. اما این امر به‌احتمال زیاد در کوتاه‌مدت رخ نخواهد داد و نیازمند زمان برای بازسازی وجهه و قدرت نظامی - سیاسی اسراییل است.

پیشخوان Pishkhan.com

گزارش

تنش‌های مرزی میان افغانستان و پاکستان بالا گرفت

هوای توفانی دیورند

صبح روز یکشنبه منابع امنیتی پاکستان اعلام کردند که عملیات انتقام‌جویانه از طالبان افغانستان با قدرت تمام ادامه دارد و نیروهای پاکستانی ضمن تصرف ۱۹ پایگاه نظامی طالبان توانستند یک پایگاه کلیدی آنان را نیز منهدم کنند. همزمان شبکه‌های خبری پاکستان به نقل از منابع امنیتی گزارش دادند که پایگاه «منوجبا» که محل استقرار گردانی از نیروهای طالبان افغانستان بود، با موفقیت منهدم شده است؛ جایی که گفته می‌شود افغانستان و عناصر تحریک طالبان افغانستان از این مواضع به پاکستان حمله می‌کردند. همزمان به گفته مقامات ارشد طالبان افغانستان نیز در چندین استان، آنها موفق به تصرف دو پاسگاه مرزی پاکستان در استان جنوبی هلمند شده‌اند؛ موضوعی که توسط مقامات محلی نیز تایید شد. در عین حال مقامات امنیتی پاکستان نیز وقوع درگیری در چندین نقطه مرزی را تایید کرده و اعلام کردند که با قدرت پاسخ داده‌اند. در عین حال پیش‌تر نیز مسوولان حکومت سرپرست افغانستان از حملات هوایی پاکستان به کابل و چند نقطه دیگر آن کشور خبر دادند، اما ارتش پاکستان صحت این اتهامات را تایید یا تکذیب نکرد. این منابع افغان مدعی شدند که حملات پاکستان برای هدف قرار دادن عناصر کلیدی گروه تحریک طالبان پاکستان به ویژه سرکرده آن «مفتی نور ولی محسود» صورت گرفته است. با این همه همچنان به‌طور قطعی معلوم نیست که او زنده است یا کشته شده. رسانه‌های طالبان اما احتمال کشته شدن او را بیشتر می‌دانند. فاز جدید تنش‌های دیپلماتیک و نظامی میان افغانستان و پاکستان در حالی آغاز شده است که شدت حملات تروریستی به نیروهای پاکستانی طی ۲ هفته گذشته تلفات سنگین را بر این کشور وارد کرده و اسلام‌آباد از حملات به این کشور از خاک افغانستان خشمگین است. با این همه و به باور ناظران تشدید تنش‌ها در مقطع کنونی مناقشات دیرینه میان دو کشور همسایه را به حد بی‌سابقه‌ای رسانده و واکنش‌های گسترده‌ای را در سطح رهبران سیاسی و نهادهای امنیتی افغانستان به دنبال داشته است. در همین رابطه مایکل کوگلمان، تحلیلگر جنوب آسیا در واشنگتن دی‌سی به گاردین گفت: «حملات متقابل شدید طالبان به نیروهای پاکستانی، حملات غیرمعمول شدید پاکستان در افغانستان و واکنش‌های طالبان، یک وضعیت بحرانی کامل ایجاد کرده است. وقتی به این موضوع اضافه کنید که افغانستان مرز را به رسمیت نمی‌شناسد و همزمان اطلاعات نادرست درباره بحران منتشر می‌شود، همه اینها وضعیت را بسیار شکننده می‌کند.» با این همه اگرچه پاکستان مسوولیت حملاتش به افغانستان را به‌طور صریح بر عهده نگرفته، اما از کابل خواسته تا از پناه دادن به گروه «تحریک طالبان پاکستان (TTP)» دست بکشد؛ گروهی که از سال ۲۰۲۱ صدها سرباز پاکستانی را کشته و گفته می‌شود در افغانستان آموزش نظامی دیده و با طالبان افغان پیوند ایدئولوژیک دارد.»

به گفته کوگلمان اما به نظر می‌رسد این بحران، هر چند جدی است، اما احتمالا زودتر از آنچه تصور می‌شود کاهش خواهد یافت، چرا که طالبان توان مقابله مستقیم با ارتش پاکستان را ندارند و احتمالا عقب‌نشینی خواهند کرد. همزمان امتیاز گل، تحلیلگر امنیتی مستقر در اسلام‌آباد می‌گوید: «به نظر می‌رسد آنچه طی چند ساعت گذشته شاهد آن بودیم، نتیجه منطقی تنش‌هایی است که بین دو کشور در حال انباشته شدن بود، به‌ویژه پس از حملات مستقیم به مخفیگاه‌های طالبان پاکستان و همزمان امتناع مداوم افغانستان از اقدام قاطع علیه این گروه که رهبری حملات تروریستی در پاکستان را بر عهده دارد.» گفتنی است روابط افغانستان و پاکستان طی ماه‌های اخیر به دلیل اتهامات اسلام‌آباد مبنی بر پناه دادن کابل به طالبان پاکستان دچار تنش شده است. کوگلمان در ادامه گفت‌وگویش با گاردین معتقد است برای پاکستان خطر این است که حملات اخیرش در افغانستان انگیزه‌ای برای طالبان این کشور ایجاد کند تا ناگزیر به تلافی‌جویی شود و این مقابله احتمالا منجر به عملیات‌های شدیدتر پاکستان در خاک افغانستان خواهد شد و سپس این چرخه دوباره تکرار خواهد شد. در حالی که در این وضعیت هیچ برنده‌ای وجود ندارد و راه‌حل‌های بلندمدت ساده‌ای هم نیست. پاکستان و افغانستان مرزی تقریبا ۲۶۰۰ کیلومتری (۱۶۰۰ مایل) و صعب‌العبور دارند که به «خط دیورند» معروف است. امتیاز گل، تحلیلگر امنیتی مستقر در اسلام‌آباد در این رابطه می‌گوید: «به باور من صبر پاکستان رو به پایان بود و به همین دلیل نیز آنها تصمیم گرفتند خودشان مستقیما علیه رهبران طالبان پاکستان اقدام کنند. هر چند که به نظر می‌رسد طالبان چنین اقدامی را بدون پاسخ نخواهد گذاشت.»

گزارش

از دهمی در جدول مدالی تا رو کردن چند آس!

سایه روشن‌های قهرمانی ایران در وزنه‌برداری جهان

گروه ورزش

مسابقات وزنه‌برداری قهرمانی جهان ۲۰۲۵ امسال در نروژ برگزار شد و تیم مردان ایران در رده‌بندی امتیازی با کسب ۳۸۷ امتیاز عنوان نخست را از آن خود کرد. هرچند وزنه‌برداران کشورمان در جدول توزیع مدال در جایگاه نازل دهمی قرار گرفت. همین تفاوت محل بحث بسیاری از کارشناسان و علاقه‌مندان به وزنه‌برداری طی یک روز گذشته شده است. به گزارش «اعتماد» تیم وزنه‌برداری ایران با ۸ وزنه‌بردار مرد و با سرمربیگری بهداد سلیمی در مسابقات جهانی ۲۰۲۵ نروژ شرکت کرد و توانست با ۳۸۷ امتیاز قهرمان شود. ایران پس از ۸ سال مجددا عنوان قهرمانی جهان را به دست آورد. این دومین قهرمانی وزنه‌برداران کشورمان در جهان به حساب می‌آید.

آخرین بار در قهرمانی جهان ۲۰۱۷ امریکا قهرمان شده بود که خود بهداد سلیمی هم عضو تیم ملی بود.

نتایج وزنه‌برداران ایران در جهانی نروژ

در مجموع ۸ ورزشکار کشورمان در نروژ به روی تخته رفتند که نتایج آنها به شرح زیر است:

دسته ۷۹ کیلوگرم: عبدالله بیرانوند نهم جهان شد. دسته ۸۸ کیلوگرم: ایلیا صالحی‌پور ششم جهان شد. دسته ۹۴ کیلوگرم: علیرضا معینی با یک طلا و یک نقره نایب قهرمان جهان شد، علی عالیپور با یک مدال نقره چهارم جهان شد. دسته ۱۱۰ کیلوگرم: علیرضا نصیری: با دو مدال نقره نایب قهرمان جهان شد، ابوالفضل زارع دوازدهم جهان شد. دسته ۱۱۰+ کیلوگرم: علی داوودی با یک مدال برنز اوت کرد، آیت شریفی وزنه نزد. در مجموع حضور برخی وزنه‌برداران که مدال کسب نکردند، اما روی سکوهای ششمی و هفتمی و... قرار گرفتند از لحاظ امتیازی به ایران کمک کردند تا قهرمان شود.

ایران یکی از جوان‌ترین تیم‌ها

بهداد سلیمی تیمی را در این دوره در اختیار داشت که با میانگین سنی ۲۲ سال و ۲ ماه به روی تخته رفت. کاروان ایران با ترکیب عبدالله بیرانوند، ایلیا صالحی‌پور، علیرضا نصیری، علی عالی‌پور، علیرضا معینی، آیت شریفی، ابوالفضل زارع و علی داوودی به نرژو اعزام شد. در بین این نفرات ابوالفضل زارع با ۱۹ سال و ۱۵ روز جوان‌ترین و علی داوودی با ۲۶ سال و ۶ ماه و ۹ روز باتجربه‌ترین ورزشکار کشورمان بودند. میانگین سنی پایین این تیم امیدواری به درخشش آنها در المپیک ۲۰۲۸ را افزایش می‌دهد.

رتبه ضعیف ایران در جدول مدالی بدون طلای مجموع

وزنه‌برداری رشته‌ای است که در المپیک نه به یک ضرب مدال می‌دهد و نه دو ضرب و تنها مجموع حرکات یک ضرب و دو ضرب است که به مدال می‌رسد. ایران در نروژ هیچ مدال طلایی در مجموع کسب نکرد. کارشناسان معتقدند اگرچه حضور تیمی ۸ نفره از ایران اتفاق قابل توجهی است، اما نباید فراموش کرد تیم‌های دیگر با نفرات بسیار کمتر حضور پیدا کردند و مدال‌های مرغوب‌تری برنده شدند. در این دوره از مسابقات شاهد پوست‌اندازی برخی کشورهای مدعی یا حضور آنها با تعداد نفرات کم بودیم. نمونه این مساله اعزام فقط ۲ وزنه‌بردار ازبکستانی و حضور چهره‌های جدید در تیم چین بود. خبرگزاری تسنیم در این رابطه نوشت: «قهرمانی تیمی ایران که برای دومین بار رقم خورد نتیجه‌ای قابل اعتنا و مورد توجه است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت، با این حال نکته مهم این است که در بازی‌های آسیایی و المپیک، قهرمانی تیمی وجود ندارد. آنچه در این گونه رویدادها اهمیت دارد، مدال مجموع است که هیچ کدام از ورزشکاران ایران به طلای مجموع نرسیدند.»

جنجال انتخاب وزنه علی داوودی

نایب قهرمان المپیک توکیو که امید زیادی می‌رفت در نروژ طلای مجموع را برای ایران به دست آورد، علی داوودی بود. مخصوصا که امسال دیگر خبری از تالاخدازه غول گرجستانی نبود. داوودی قبل از اعزام فیلمی منتشر کرد که در آن به صورت غیر رسمی رکورد دنیا را شکسته. با این حال شنبه شب این وزنه‌بردار سنگین‌وزن به سختی در یک ضرب برنز کسب کرد و در دو ضرب با سه خطا از جدول اوت شد! داوودی در یک ضرب در همان حرکت اول روی وزنه ۱۹۶ کیلوگرم نشان داد که وزنه‌بردار همیشگی نیست و مشکل دارد. او در حرکت دوم وزنه ۱۹۶ کیلوگرم را ثبت و مدال برنز یک ضرب خود را قطعی کرد. در حرکت سوم هم وزنه ۲۰۲ کیلوگرم را نتوانست بزند. او در حرکت دو ضرب هم کارش را با وزنه ۲۴۳ کیلوگرم شروع کرد که البته آن را بالای سر برد، اما به دلیل خطا، دو چراغ قرمز و یک سفید دریافت کرد و وزنه مورد قبول واقع نشد. داوودی در حرکت دوم، وزنه ۲۴۴ کیلوگرم را نتوانست بزند و در حرکت سوم هم وزنه ۲۴۶ کیلوگرم را بالای سر برد که این بار داوران پذیرفتند، اما هیات ژوری رد کرد. این شرایط در حالی رقم خورد که اگر علی داوودی حرکت دوضرب را با وزنه سبک‌تر مثلا ۲۳۰ یا ۲۳۵ هم کیلوگرم شروع می‌کرد، مدال برنز مجموع او قطعی بود، اما شروع او با ۲۴۳ شرایط را سخت کرد. در نهایت اینکه چه اتفاقی برای او افتاد که نتوانست این وزنه را بدون خطا مهار کند، خودش بهتر از هر کسی می‌تواند پاسخ بدهد.

بازی‌های آسیایی و المپیک را دریابیم

به هر حال عنوان قهرمانی امتیازی وزنه‌برداری جهان برای ایران مقام بسیار ارزشمندی است. مقامات سیاسی کشور از جمله رییس جمهور، رییس مجلس، معاون رییس جمهور و سایرین هم این قهرمانی را تبریک گفتند. با این وجود خود مدیران وزنه‌برداری بهتر از هر کسی می‌دانند که نباید در باد قهرمانی امتیازی و این تبریک‌ها بخوابند. نگاه آنها باید بیشتر به جدول مدالی مسابقات باشد. بازی‌های آسیایی و المپیک در پیش هستند و وزنه‌برداران کشورمان باید در مسیری قرار بگیرند که مدال مجموع کسب کنند. در این دوره از رقابت‌ها چند چهره درخشان در وزنه‌برداری کشورمان معرفی شدند که هر کدام می‌توانند در آسیا و المپیک بدرخشند.

گفت‌وگو

بررسی عملکرد تیم ملی وزنه‌برداری در مسابقات قهرمانی جهان با حسین مقامی

تیم ما در حد و اندازه‌های خودش ظاهر نشد

در وزنه‌برداری مدال مهم است نه امتیاز

روزبه دلاور

تیم ملی وزنه‌برداری کشورمان در رقابت‌های قهرمانی جهان برای دومین بار در تاریخ این مسابقات به مقام قهرمانی دست یافت. این مسابقات به میزبانی کشور نروژ برگزار شد. اما کسب قهرمانی امتیازی و عنوان دهمی در جدول مدالی این مسابقات حاشیه‌هایی را به وجود آورد. در این مسابقات رقبا برعکس تیم ملی کشورمان برای عناوین انفرادی نماینده‌های خود را به مسابقات اعزام کرده بودند. برای بررسی بیشتر با حسین مقامی یکی از پیشکسوتان این رشته تماس گرفتیم. مقامی در ابتدای صحبت‌هایش با خبرنگار «اعتماد» درباره عملکرد تیم ملی گفت: ابتدا به بچه‌های تیم ملی خسته نباشید می‌گویم که زحمت خود را کشیدند و هر کدام به اندازه توان خود، وزنه زدند. یک خداقوت ویژه به علیرضا معینی می‌گویم که واقعا خوش درخشید همین‌طور نصیری و عالی‌پور، همین‌طور به علی داودی ورزشکار با اخلاق مان. اگرچه داودی در این مسابقات موفق نبود، اما چیزی از ارزش‌های این جوان و خوب با اخلاق کم نمی‌کند. این کارشناس وزنه‌برداری ادامه داد: تمام آنهایی که دستی بر آتش دارند، می‌دانند که تیم ما در حد و اندازه‌های خودش ظاهر نشد. درست که به لحاظ امتیازی قهرمان شدیم، اما حتی برای یک‌بار هم در آنجا پرچم ما برافراشته و سرود ملی کشور نواخته نشد. در دنیا همه به دنبال این هستند که پرچم‌شان در بالاترین سطح به اهتزاز دربیاید و سرود ملی کشورشان در مسابقات مختلف، مکرر نواخته شود. این عزیزان در فدراسیون از دوستانم هستند و می‌توانم بگویم طرفدار این فدراسیون هستم، اما طرفداری که واقع‌بینانه صحبت می‌کند نه اینکه بخواهم سر کسی را کلاه بگذارم یا به خودم دروغ بگویم.

مقامی تصریح کرد: در مجموع نتایج ما افتخار تیمی نداشتیم و پس از اختتامیه به‌طور سمبلیک یک آماری را ارائه می‌دهند. می‌دانیم که چین یک ابرقدرت در دنیای وزنه‌برداری است، اما چرا مثلا با پنج ورزشکار شرکت می‌کند؟ چون برای آنها مدال مهم است. به‌رغم اینکه اقتصادشان، اقتصاد یک در دنیاست اما حاضر نیست که تیمی ۸ نفره مثل ما با دلار صدهزار تومانی اعزام کند تا در آنجا به دنبال جمع کردن خرده امتیاز باشیم تا مثلا برویم تیمی مقام بیاوریم. مقامی در خصوص اینکه آیا کسب عنوان قهرمانی امتیازی و تیمی برای وزنه‌برداری امتیاز مهمی محسوب می‌شود، پاسخ داد: نه! وقتی ما در داخل کشور به لحاظ امتیازی قهرمان می‌شویم جوایز قابل توجهی به مربیان و سرپرستان می‌دهند. بخواهیم به دو رویدادی که در چند روز گذشته اتفاق افتاد، نگاه کنیم مثلا کشتی فرنگی ما قهرمان جهان شد و تیم وزنه‌برداری، دیگر همه می‌دانند که آنها با چند تا ورزشکار شرکت کردند، چند تا مدال گرفتند و ما با این تعداد وزنه‌بردار شرکت کردیم چند تا مدال گرفتیم! این مثل خیلی چیزهای دیگر بازخورد داخلی برای ما دارد و گرنه خود آقایان که همه از قهرمانان جهان و المپیک بودند، می‌دانند که این افتخاری برای وزنه‌برداری کشورمان نیست. ما مکرر می‌شنیدیم طی سه، چهار سال گذشته از زبان کسانی که سکان وزنه‌برداری در دست گرفتند که در سال ۲۰۲۵، سال نتیجه‌گیری وزنه‌برداری در دوبخش پسران و دختران است. این مسابقات هم که در نروژ برگزار شد عالی‌ترین سطح مسابقات در طول یک سال غیر از المپیک است. خب ببینید به لحاظ کسب مدال چه دستاوردی داشتیم، ضمن اینکه من به همه آقایان درس پس می‌دهم، اما در این رشته مدال مهم است و اصلا امتیاز مهم نیست. خود انوشیروانی هم امتیازی نه، بلکه رنکینگ مدال را در رقابت‌های داخلی قبول دارد آن وقت چطور می‌توانید در جهان به این بسنده کنید که ما قهرمان شدیم؟ در جایگاه مدالی در همین مسابقات ما دهم شدیم. دبیر پیشین فدراسیون ادامه داد: در نود دوره گذشته کی کره شمالی توانسته تا این سطح بالا بیاید؟ آنها همیشه با تعدادی وزنه‌بردار سبک وزن آمدند و تعدادی مدال درو کردند و رفتند. مقامی در خصوص اینکه در سنگین‌وزن یک وزنه‌بردار ما (شریفی) درخواست وزنه می‌داد تا داودی استراحت بیشتری کند استراتژی مرسوم است یا خیر، گفت: تا الان چنین اتفاقی نیفتاده و من در ۲۵، ۲۶ سال گذشته که وزنه‌برداری را دنبال می‌کنم چنین رسمی نداشتیم و تاثیری هم ندارد. ما با این ترفند جلو رفتیم، اما ورزشکاران ارمنی که اول و دوم شدند خودشان پشت سر هم وزنه می‌زدند مگر در عملکردشان تاثیری داشت؟ این بیشتر یک بازی بود تا بخواهند بگویند ما تاکتیکی داشتیم! من که تا الان ندیده بودم و بعید می‌دانستم کمیته برگزاری مسابقات هم با این شرایط موافقت کند. وقتی در یک ضرب وزنه‌ای را ثبت نمی‌کنید در دو ضرب نمی‌توانید وارد مسابقه شوید. حالا به چه قوانینی این‌طور جلو رفتند یا تغییراتی صورت گرفته، اما این اتفاق رخ داد که تاثیری در روند وزنه زدن علی داودی به وجود نیامد. این کارشناس خاطرنشان کرد: اشتباه بزرگ آقایان این بود که دیدید چند روز قبل از اعزام تیم، دبیر کل کمیته ملی المپیک در اردوی تیم ملی حضور پیدا کرد، هم شریفی را بردند هم نمایشی قبل از اعزام از علی داودی خواستند وزنه سنگین بزند که ضعف عملکردشان در قبل از اعزام را با نمایشی خواستند جبران کنند که آسیب زیادی به ورزشکاران زد. ورزشکاران مدعی مدال بودند، اما آقایان مدعی بودند بعد از چند سال سکوی سنگین وزن را به ایران برمی‌گردانیم، اما دیدیم که رخ نداد و متاسفانه برای ما این‌طور پیش آمد که ورزشکار کره‌ای در مجموع سوم شد و از اتفاقات نادر در این سطح از مسابقات بود.

مقامی در خصوص عملکرد درخشان معینی گفت: واقعا معینی خوب ظاهر شد و همه دیدند که فراتر از انتظارات وزنه زد و حقش هم بود که مدال باارزش را مقابل ورزشکاری مثل حریف بلغاری کسب کند که جزو شگفتی‌های ما بود. خداقوت به خودش و هم پدر بزرگوارش که از مربیان سازنده استان اصفهان است.

چهره

هت‌تریک گرگ پارسی در نایب‌قهرمانی مستر المپیا

هادی چوپان دل مردم را برد

رقابت‌های نهایی شصت و یکمین دوره از معتبرترین مسابقات پرورش اندام جهان، یعنی مستر المپیا، صبح یکشنبه (به وقت تهران) در شهر لاس وگاس امریکا به پایان رسید. این دوره شاهد حضور پرشور و رقابتی نزدیک ورزشکاران برتر جهان بود اما در نهایت - گرگ پارسی ایران - هادی چوپان با نمایشی خیره‌کننده، موفق شد جایگاه خود را به عنوان یکی از برترین‌های این رشته تثبیت کند و مدال ارزشمند نقره را بر گردن بیاویزد. این سومین عنوان نایب‌قهرمانی ورزشکار پرافتخار کشورمان در این تورنمنت جذاب به حساب می‌آید. بامداد شنبه مرحله مقدماتی مسابقات برگزار شد. در مرحله مقدماتی، بدن خشک هادی خیره‌کننده بود و تفکیک عضلاتش همه را غافلگیر کرد. فرم بدنی‌اش نسبت به سال گذشته به‌وضوح آپدیت شده بود و به نظر می‌رسید همانطور که خودش گفته بود هیچ کس شانسی برای رقابت با او ندارد. در نهایت چهار نفر راهی دور فینال شدند. در این دور بهروز تابانی دیگر نماینده شایسته ایران که نخستین تجربه حضورش در مستر المپیا را از سر می‌گذارند از صعود به دور پایانی باز ماند. فینال این دوره مملو از تقابل‌های سنگین بود. هادی چوپان در مراحل پایانی با رقبای قدرتمندی همچون سامسون دائودا، مدافع عنوان قهرمانی دوره قبل، درک لانسفورد و همچنین آندرو جیکد به رقابت پرداخت. طبق برنامه از حدود ساعت ۷ صبح روز گذشته هادی چوپان و رقبایش روی استیج رفتند و فیگورهای انفرادی گرفته شد، بدن فوق‌العاده هادی باعث شده تا در رسانه‌های خارجی مقایسه بین او و درک لانسفورد را انجام دادند و همه معتقد بودند به احتمال زیاد رقابت ساندو ۲۰۲۵ بین آنها خواهد بود. در نهایت پس از ارزیابی‌های دقیق داوران، این رقابت نزدیک با برتری درک لانسفورد به پایان رسید که موفق شد نشان طلا و جایزه بزرگ ۶۰۰ هزار دلاری این دوره را از آن خود کند. در این میان، عملکرد فنی و فیزیک بی‌نقص هادی سبب شد تا داوران او را شایسته کسب مقام نایب قهرمانی بدانند و مدال نقره را به او اهدا کنند. برعکس سال گذشته که هادی بعد از کسب عنوان دومی لب به اعتراض گشود و روی سن عصبانیت خود را نشان داد، امسال تنها به سر تکان دادن و سکوت بسنده کرد. گرچه از زبان بدن او می‌شد به خوبی فهمید که احساس می‌کند در حقش کم‌لطفی شده اما قهرمانی رقیب را تبریک گفت و مدال نقره را بر گردن آویخت. این کسب مقام دوم، دستاورد بزرگی برای ورزش ایران محسوب می‌شود هرچند که هادی چوپان پیش از مسابقات با اطمینان اعلام کرده بود که تا زمانی که او در صحنه حضور دارد، سایرین باید برای کسب جایگاه دوم مبارزه کنند. اظهارنظری که نشان از عزم راسخ او برای تکرار قهرمانی سال ۲۰۲۲ داشت. لازم به ذکر است که پیش از اعلام برنده نهایی هادی چوپان برنده جایزه جذاب مردمی شد. این دومین بار است که هادی چوپان جایزه - قهرمان مردمی - (People'sChamp) را در مستر المپیا کسب می‌کند. او این عنوان را پیش از این در سال ۲۰۱۹ و در اولین حضور خود در این رقابت‌ها نیز به دست آورده بود که نشان‌دهنده محبوبیت و ارتباط عمیق او با تماشاگران است. کارنامه هادی چوپان در مستر المپیا از زمان اولین حضور در سال ۲۰۱۹، مجموعه‌ای از افتخارات متوالی است. این ورزشکار ایرانی تا به امروز موفق به کسب یک مدال طلا (۲۰۲۲)، سه مدال نقره (شامل این دوره) یک مدال برنز و یک مقام چهارمی شده است. نایب قهرمانی هادی چوپان بار دیگر نام ایران را بر سکوهای جهانی پرورش اندام طنین‌انداز کرد و امیدها را برای قهرمانی در سال‌های آتی زنده نگه داشت. این مدال نقره، مهری بر درخشش مستمر چوپان در سطح اول این رشته ورزشی بود. بعد از مسابقه بسیاری از ورزشکاران با ارسال پیام‌هایی برای هادی چوپان ضمن تبریک نایب قهرمانی حمایت خود را از گرگ پارسی نشان دادند.

فوتبال اروپا

جام جهانی باشگاه‌ها بازیکنان را مصدوم کرد؟

معضل بزرگ برای تیم‌های بزرگ!

تنها سه ماه پس از پیروزی ۳-۰ چلسی مقابل پاری‌سن‌ژرمن در فینال جام جهانی باشگاه‌ها، این تیم اکنون نمی‌تواند از چندین بازیکنی که نقش کلیدی در آن قهرمانی داشتند، استفاده کند. درست مثل وضعیتی که PSG و چند تیم دیگر دارند.

به گزارش اتلتیک، کول پالمر - که در مسیر قهرمانی چلسی سه گل و دو پاس گل داده بود - حالا به دلیل مصدومیت کشاله ران تا ماه نوامبر نمی‌تواند بازی کند. لوی کول‌ویل، که در پنج مسابقه از هفت بازی چلسی در ایالات متحده به میدان رفت، در اولین جلسه تمرینی پیش‌فصل دچار پارگی رباط صلیبی زانو شد. لیام دلاپ، خرید جدید باشگاه که شش بار در جام جهانی باشگاه‌ها بازی کرد، در ماه آگوست دچار مصدومیت همسترینگ شد و احتمالا تا اواسط نوامبر غایب خواهد بود.

داریو اسوگو، آندری سانتوس و توزین آدارابیو هم مصدومند و ریس جیمز نیز در ابتدای پنجره فعلی بازی‌های ملی از اردوی تیم ملی انگلیس جدا شد. ژوائو پدرو و مویسس کایسدو نیز با وجود مصدومیت‌های جزیی به بازی ادامه می‌دهند و چلسی تنها تیمی نیست که چنین وضعیتی دارد؛ پاری‌سن‌ژرمن، نایب‌قهرمان جام جهانی باشگاه‌ها، هم با مصدومیت‌هایی از جمله مارکینیوس، عثمان دمبله، خویچا کوارا تسخلیا و دزیره دوه مواجه است.

پیش از پیروزی ۲-۱ چلسی مقابل لیورپول در لیگ برتر، انزو مارسکا، سرمربی چلسی، گفته بود تیمش برای آن دیدار «هفت یا هشت» بازیکن مصدوم دارد و خودش هم احتمال داده بود که این موضوع ممکن است به جام جهانی باشگاه‌ها مربوط باشد.

او گفت: «اگر هم چلسی و هم پاری‌سن‌ژرمن این همه مصدوم دارند، احتمالا نتیجه‌ای از جام جهانی باشگاه‌هاست. اما نمی‌توان با قطعیت گفت صد در صد همین دلیل است.»

بن دینری، تحلیلگر مصدومیت‌ها و بنیانگذار پایگاه Premier Injuries می‌گوید: «این موضوع چندوجهی است. اگر قرار بود فقط یک عامل باشد، باشگاه‌ها همان را برطرف می‌کردند. اما مجموعه‌ای از عوامل است که با هم تلاقی می‌کنند و نوعی توفان کامل می‌سازند.»

طبق داده‌های Premier Injuries هر دو تیم منچسترسیتی (که تا مرحله یک‌هشتم نهایی جام جهانی باشگاه‌ها پیش رفت و چهار بازی انجام داد) و چلسی در شش هفته ابتدایی لیگ برتر نسبت به سال‌های گذشته کمی مصدومیت بیشتری داشته‌اند، اما افزایش چشمگیری مشاهده نشده است.

اما در بخش مصدومیت‌های بافت نرم (عضلانی و تاندونی) آمار چلسی نگران‌کننده‌تر است. تیم مارسکا در شش هفته نخست لیگ برتر شش مصدومیت از نوع بافت نرم داشته به اندازه مجموع سه فصل گذشته در همین بازه. بیشتر این موارد شامل کشیدگی یا پارگی عضلات است.

دینری هشدار می‌دهد که این می‌تواند یک مورد استثنایی باشد: «این نخستین جام جهانی باشگاه‌ها در این قالب و در این زمان از سال است، بنابراین داده تاریخی کافی برای مقایسه نداریم.»

به همین دلیل، نتیجه‌گیری قطعی فعلا ممکن نیست. تنها با گذشت یک دوره از جام جهانی باشگاه‌ها در قالب جدید (تابستان نیمکره شمالی) نمی‌توان قاطعانه گفت که این تورنمنت موجب افزایش مصدومیت‌ها شده است. با این حال، مشکلات چلسی و پاری‌سن‌ژرمن پس از مسابقات، بحث درباره درس‌هایی که باشگاه‌ها می‌توانند برای آینده بگیرند را ضروری کرده است.

فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) که برگزارکننده این مسابقات است، فعلا تمایلی به کاهش تقویم شلوغ فوتبال ندارد. برعکس، گزارش‌ها حاکی از آن است که فیفا قصد دارد مسابقات را حتی گسترش بدهد چه از نظر تعداد تیم‌ها (بیش از ۳۲ تیم) و چه از نظر دفعات برگزاری (بیش از هر چهار سال یک‌بار). پرسش اصلی این است که باشگاه‌ها چگونه می‌توانند خود را با این وضعیت وفق بدهند؟

رابین تورپ، مدیر سابق عملکرد در گروه ردبول و عضو پیشین کادر فنی منچستریونایتد، می‌گوید:

«ما تا به حال چنین فشاری را روی بازیکنان نخبه تجربه نکرده‌ایم. سوال بزرگ این است که چطور باید بازیکنان را طوری مدیریت کرد که نه فقط در یک فصل، بلکه در بلندمدت بتوانند دوام بیاورند.»

موضوع دیگر، فشردگی تقویم است که باعث کوتاه شدن دوران استراحت و پیش‌فصل تیم‌ها شده است. طبق گزارش اتحادیه جهانی بازیکنان (FIFPro) هیچ یک از تیم‌های حاضر در جام جهانی باشگاه‌ها نتوانستند به بازیکنان خود حداقل ۲۸ روز استراحت میان پایان فصل ۲۰۲۴-۲۵ و آغاز فصل بعدی بدهند و بیشترشان حتی پیش‌فصل ۲۸ روزه توصیه شده را نیز نداشتند.

یک کارشناس می‌گوید: «داشتن فاصله کافی بین پایان یک فصل و شروع بعدی، کلید موفقیت در آینده است. مدت زمان استراحت بین فصول احتمالا یکی از عوامل مهم در عملکرد و خطر مصدومیت است.»

او بازیابی بدن را به شارژ کردن چند باتری تشبیه می‌کند از جمله سیستم عصبی، خستگی عضلانی و تمرکز ذهنی: «وقتی جام جهانی باشگاه‌ها در تقویم جا داده می‌شود و بازیکنان فرصت استراحت ندارند، ممکن است این فرآیند بازیابی دچار اختلال شود. در نتیجه، بدن در فصل بعد به همان اندازه شارژ نخواهد شد.»

با وجود همه این چالش‌ها، چلسی تمایل خود را برای دفاع از عنوان قهرمانی در آینده پنهان نمی‌کند. مارسکا هفته گذشته گفت: «قطعا می‌خواهیم در جام جهانی باشگاه‌های بعدی حضور داشته باشیم، اما باید شرایط را به درستی مدیریت کنیم.»

چلسی، تابستان امسال از قهرمانی در امریکا حدود ۱۱۴۶ میلیون دلار (معادل ۸۶.۲ میلیون پوند) درآمد داشت؛ مبلغی که هیچ باشگاهی از آن چشم‌پوشی نمی‌کند. به نظر می‌رسد بهترین استفاده از این درآمد، سرمایه‌گذاری در بازیکنان و سیستم‌هایی است که بتوانند با فشار چنین رقابت‌هایی کنار بیایند.

پیشخوان
Pishkhan.com

گزارش

از دهمی در جدول مدالی تا رو کردن چند آس!

سایه روشن‌های قهرمانی ایران در وزنه‌برداری جهان

گروه ورزش

مسابقات وزنه‌برداری قهرمانی جهان ۲۰۲۵ امسال در نروژ برگزار شد و تیم مردان ایران در رده‌بندی امتیازی با کسب ۳۸۷ امتیاز عنوان نخست را از آن خود کرد. هرچند وزنه‌برداران کشورمان در جدول توزیع مدال در جایگاه نازل دهمی قرار گرفت. همین تفاوت محل بحث بسیاری از کارشناسان و علاقه‌مندان به وزنه‌برداری طی یک روز گذشته شده است. به گزارش «اعتماد» تیم وزنه‌برداری ایران با ۸ وزنه‌بردار مرد و با سرمربیگری بهداد سلیمی در مسابقات جهانی ۲۰۲۵ نروژ شرکت کرد و توانست با ۳۸۷ امتیاز قهرمان شود. ایران پس از ۸ سال مجددا عنوان قهرمانی جهان را به دست آورد. این دومین قهرمانی وزنه‌برداران کشورمان در جهان به حساب می‌آید.

آخرین بار در قهرمانی جهان ۲۰۱۷ امریکا قهرمان شده بود که خود بهداد سلیمی هم عضو تیم ملی بود.

نتایج وزنه‌برداران ایران در جهانی نروژ

در مجموع ۸ ورزشکار کشورمان در نروژ به روی تخته رفتند که نتایج آنها به شرح زیر است:

دسته ۷۹ کیلوگرم: عبدالله بیرانوند نهم جهان شد. دسته ۸۸ کیلوگرم: ایلیا صالحی‌پور ششم جهان شد. دسته ۹۴ کیلوگرم: علیرضا معینی با یک طلا و یک نقره نایب قهرمان جهان شد، علی عالیپور با یک مدال نقره چهارم جهان شد. دسته ۱۱۰ کیلوگرم: علیرضا نصیری: با دو مدال نقره نایب قهرمان جهان شد، ابوالفضل زارع دوازدهم جهان شد. دسته ۱۱۰+ کیلوگرم: علی داوودی با یک مدال برنز اوت کرد، آیت شریفی وزنه نزد. در مجموع حضور برخی وزنه‌برداران که مدال کسب نکردند، اما روی سکوهای ششمی و هفتمی و... قرار گرفتند از لحاظ امتیازی به ایران کمک کردند تا قهرمان شود.

ایران یکی از جوان‌ترین تیم‌ها

بهداد سلیمی تیمی را در این دوره در اختیار داشت که با میانگین سنی ۲۲ سال و ۲ ماه به روی تخته رفت. کاروان ایران با ترکیب عبدالله بیرانوند، ایلیا صالحی‌پور، علیرضا نصیری، علی عالی‌پور، علیرضا معینی، آیت شریفی، ابوالفضل زارع و علی داوودی به نرژو اعزام شد. در بین این نفرات ابوالفضل زارع با ۱۹ سال و ۱۵ روز جوان‌ترین و علی داوودی با ۲۶ سال و ۶ ماه و ۹ روز باتجربه‌ترین ورزشکار کشورمان بودند. میانگین سنی پایین این تیم امیدواری به درخشش آنها در المپیک ۲۰۲۸ را افزایش می‌دهد.

رتبه ضعیف ایران در جدول مدالی بدون طلای مجموع

وزنه‌برداری رشته‌ای است که در المپیک نه به یک ضرب مدال می‌دهد و نه دو ضرب و تنها مجموع حرکات یک ضرب و دو ضرب است که به مدال می‌رسد. ایران در نروژ هیچ مدال طلایی در مجموع کسب نکرد. کارشناسان معتقدند اگرچه حضور تیمی ۸ نفره از ایران اتفاق قابل توجهی است، اما نباید فراموش کرد تیم‌های دیگر با نفرات بسیار کمتر حضور پیدا کردند و مدال‌های مرغوب‌تری برنده شدند. در این دوره از مسابقات شاهد پوست‌اندازی برخی کشورهای مدعی یا حضور آنها با تعداد نفرات کم بودیم. نمونه این مساله اعزام فقط ۲ وزنه‌بردار ازبکستانی و حضور چهره‌های جدید در تیم چین بود. خبرگزاری تسنیم در این رابطه نوشت: «قهرمانی تیمی ایران که برای دومین بار رقم خورد نتیجه‌ای قابل اعتنا و مورد توجه است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت، با این حال نکته مهم این است که در بازی‌های آسیایی و المپیک، قهرمانی تیمی وجود ندارد. آنچه در این گونه رویدادها اهمیت دارد، مدال مجموع است که هیچ کدام از ورزشکاران ایران به طلای مجموع نرسیدند.»

جنجال انتخاب وزنه علی داوودی

نایب قهرمان المپیک توکیو که امید زیادی می‌رفت در نروژ طلای مجموع را برای ایران به دست آورد، علی داوودی بود. مخصوصا که امسال دیگر خبری از تالاخدازه غول گرجستانی نبود. داوودی قبل از اعزام فیلمی منتشر کرد که در آن به صورت غیر رسمی رکورد دنیا را شکسته. با این حال شنبه شب این وزنه‌بردار سنگین‌وزن به سختی در یک ضرب برنز کسب کرد و در دو ضرب با سه خطا از جدول اوت شد! داوودی در یک ضرب در همان حرکت اول روی وزنه ۱۹۶ کیلوگرم نشان داد که وزنه‌بردار همیشگی نیست و مشکل دارد. او در حرکت دوم وزنه ۱۹۶ کیلوگرم را ثبت و مدال برنز یک ضرب خود را قطعی کرد. در حرکت سوم هم وزنه ۲۰۲ کیلوگرم را نتوانست بزند. او در حرکت دو ضرب هم کارش را با وزنه ۲۴۳ کیلوگرم شروع کرد که البته آن را بالای سر برد، اما به دلیل خطا، دو چراغ قرمز و یک سفید دریافت کرد و وزنه مورد قبول واقع نشد. داوودی در حرکت دوم، وزنه ۲۴۴ کیلوگرم را نتوانست بزند و در حرکت سوم هم وزنه ۲۴۶ کیلوگرم را بالای سر برد که این بار داوران پذیرفتند، اما هیات ژوری رد کرد. این شرایط در حالی رقم خورد که اگر علی داوودی حرکت دوضرب را با وزنه سبک‌تر مثلا ۲۳۰ یا ۲۳۵ هم کیلوگرم شروع می‌کرد، مدال برنز مجموع او قطعی بود، اما شروع او با ۲۴۳ شرایط را سخت کرد. در نهایت اینکه چه اتفاقی برای او افتاد که نتوانست این وزنه را بدون خطا مهار کند، خودش بهتر از هر کسی می‌تواند پاسخ بدهد.

بازی‌های آسیایی و المپیک را دریابیم

به هر حال عنوان قهرمانی امتیازی وزنه‌برداری جهان برای ایران مقام بسیار ارزشمندی است. مقامات سیاسی کشور از جمله رییس جمهور، رییس مجلس، معاون رییس جمهور و سایرین هم این قهرمانی را تبریک گفتند. با این وجود خود مدیران وزنه‌برداری بهتر از هر کسی می‌دانند که نباید در باد قهرمانی امتیازی و این تبریک‌ها بخوابند. نگاه آنها باید بیشتر به جدول مدالی مسابقات باشد. بازی‌های آسیایی و المپیک در پیش هستند و وزنه‌برداران کشورمان باید در مسیری قرار بگیرند که مدال مجموع کسب کنند. در این دوره از رقابت‌ها چند چهره درخشان در وزنه‌برداری کشورمان معرفی شدند که هر کدام می‌توانند در آسیا و المپیک بدرخشند.

گفت‌وگو

بررسی عملکرد تیم ملی وزنه‌برداری در مسابقات قهرمانی جهان با حسین مقامی

تیم ما در حد و اندازه‌های خودش ظاهر نشد

در وزنه‌برداری مدال مهم است نه امتیاز

روزبه دلاور

تیم ملی وزنه‌برداری کشورمان در رقابت‌های قهرمانی جهان برای دومین بار در تاریخ این مسابقات به مقام قهرمانی دست یافت. این مسابقات به میزبانی کشور نروژ برگزار شد. اما کسب قهرمانی امتیازی و عنوان دهمی در جدول مدالی این مسابقات حاشیه‌هایی را به وجود آورد. در این مسابقات رقبا برعکس تیم ملی کشورمان برای عناوین انفرادی نماینده‌های خود را به مسابقات اعزام کرده بودند. برای بررسی بیشتر با حسین مقامی یکی از پیشکسوتان این رشته تماس گرفتیم. مقامی در ابتدای صحبت‌هایش با خبرنگار «اعتماد» درباره عملکرد تیم ملی گفت: ابتدا به بچه‌های تیم ملی خسته نباشید می‌گویم که زحمت خود را کشیدند و هر کدام به اندازه توان خود، وزنه زدند. یک خداقوت ویژه به علیرضا معینی می‌گویم که واقعا خوش درخشید همین‌طور نصیری و عالی‌پور، همین‌طور به علی داودی ورزشکار با اخلاق مان. اگرچه داودی در این مسابقات موفق نبود، اما چیزی از ارزش‌های این جوان و خوب با اخلاق کم نمی‌کند. این کارشناس وزنه‌برداری ادامه داد: تمام آنهایی که دستی بر آتش دارند، می‌دانند که تیم ما در حد و اندازه‌های خودش ظاهر نشد. درست که به لحاظ امتیازی قهرمان شدیم، اما حتی برای یک‌بار هم در آنجا پرچم ما برافراشته و سرود ملی کشور نواخته نشد. در دنیا همه به دنبال این هستند که پرچم‌شان در بالاترین سطح به اهتزاز دربیاید و سرود ملی کشورشان در مسابقات مختلف، مکرر نواخته شود. این عزیزان در فدراسیون از دوستانم هستند و می‌توانم بگویم طرفدار این فدراسیون هستم، اما طرفداری که واقع‌بینانه صحبت می‌کند نه اینکه بخواهم سر کسی را کلاه بگذارم یا به خودم دروغ بگویم.

مقامی تصریح کرد: در مجموع نتایج ما افتخار تیمی نداشتیم و پس از اختتامیه به‌طور سمبلیک یک آماری را ارائه می‌دهند. می‌دانیم که چین یک ابرقدرت در دنیای وزنه‌برداری است، اما چرا مثلا با پنج ورزشکار شرکت می‌کند؟ چون برای آنها مدال مهم است. به‌رغم اینکه اقتصادشان، اقتصاد یک در دنیاست اما حاضر نیست که تیمی ۸ نفره مثل ما با دلار صدهزار تومانی اعزام کند تا در آنجا به دنبال جمع کردن خرده امتیاز باشیم تا مثلا برویم تیمی مقام بیاوریم. مقامی در خصوص اینکه آیا کسب عنوان قهرمانی امتیازی و تیمی برای وزنه‌برداری امتیاز مهمی محسوب می‌شود، پاسخ داد: نه! وقتی ما در داخل کشور به لحاظ امتیازی قهرمان می‌شویم جوایز قابل توجهی به مربیان و سرپرستان می‌دهند. بخواهیم به دو رویدادی که در چند روز گذشته اتفاق افتاد، نگاه کنیم مثلا کشتی فرنگی ما قهرمان جهان شد و تیم وزنه‌برداری، دیگر همه می‌دانند که آنها با چند تا ورزشکار شرکت کردند، چند تا مدال گرفتند و ما با این تعداد وزنه‌بردار شرکت کردیم چند تا مدال گرفتیم! این مثل خیلی چیزهای دیگر بازخورد داخلی برای ما دارد و گرنه خود آقایان که همه از قهرمانان جهان و المپیک بودند، می‌دانند که این افتخاری برای وزنه‌برداری کشورمان نیست. ما مکرر می‌شنیدیم طی سه، چهار سال گذشته از زبان کسانی که سکان وزنه‌برداری در دست گرفتند که در سال ۲۰۲۵، سال نتیجه‌گیری وزنه‌برداری در دوبخش پسران و دختران است. این مسابقات هم که در نروژ برگزار شد عالی‌ترین سطح مسابقات در طول یک سال غیر از المپیک است. خب ببینید به لحاظ کسب مدال چه دستاوردی داشتیم، ضمن اینکه من به همه آقایان درس پس می‌دهم، اما در این رشته مدال مهم است و اصلا امتیاز مهم نیست. خود انوشیروانی هم امتیازی نه، بلکه رنکینگ مدال را در رقابت‌های داخلی قبول دارد آن وقت چطور می‌توانید در جهان به این بسنده کنید که ما قهرمان شدیم؟ در جایگاه مدالی در همین مسابقات ما دهم شدیم. دبیر پیشین فدراسیون ادامه داد: در نود دوره گذشته کی کره شمالی توانسته تا این سطح بالا بیاید؟ آنها همیشه با تعدادی وزنه‌بردار سبک وزن آمدند و تعدادی مدال درو کردند و رفتند. مقامی در خصوص اینکه در سنگین‌وزن یک وزنه‌بردار ما (شریفی) درخواست وزنه می‌داد تا داودی استراحت بیشتری کند استراتژی مرسوم است یا خیر، گفت: تا الان چنین اتفاقی نیفتاده و من در ۲۵، ۲۶ سال گذشته که وزنه‌برداری را دنبال می‌کنم چنین رسمی نداشتیم و تاثیری هم ندارد. ما با این ترفند جلو رفتیم، اما ورزشکاران ارمنی که اول و دوم شدند خودشان پشت سر هم وزنه می‌زدند مگر در عملکردشان تاثیری داشت؟ این بیشتر یک بازی بود تا بخواهند بگویند ما تاکتیکی داشتیم! من که تا الان ندیده بودم و بعید می‌دانستم کمیته برگزاری مسابقات هم با این شرایط موافقت کند. وقتی در یک ضرب وزنه‌ای را ثبت نمی‌کنید در دو ضرب نمی‌توانید وارد مسابقه شوید. حالا به چه قوانینی این‌طور جلو رفتند یا تغییراتی صورت گرفته، اما این اتفاق رخ داد که تاثیری در روند وزنه زدن علی داودی به وجود نیامد. این کارشناس خاطرنشان کرد: اشتباه بزرگ آقایان این بود که دیدید چند روز قبل از اعزام تیم، دبیر کل کمیته ملی المپیک در اردوی تیم ملی حضور پیدا کرد، هم شریفی را بردند هم نمایشی قبل از اعزام از علی داودی خواستند وزنه سنگین بزند که ضعف عملکردشان در قبل از اعزام را با نمایشی خواستند جبران کنند که آسیب زیادی به ورزشکاران زد. ورزشکاران مدعی مدال بودند، اما آقایان مدعی بودند بعد از چند سال سکوی سنگین وزن را به ایران برمی‌گردانیم، اما دیدیم که رخ نداد و متاسفانه برای ما این‌طور پیش آمد که ورزشکار کره‌ای در مجموع سوم شد و از اتفاقات نادر در این سطح از مسابقات بود.

مقامی در خصوص عملکرد درخشان معینی گفت: واقعا معینی خوب ظاهر شد و همه دیدند که فراتر از انتظارات وزنه زد و حقش هم بود که مدال باارزش را مقابل ورزشکاری مثل حریف بلغاری کسب کند که جزو شگفتی‌های ما بود. خداقوت به خودش و هم پدر بزرگوارش که از مربیان سازنده استان اصفهان است.

چهره

هت‌تریک گرگ پارسی در نایب‌قهرمانی مستر المپیا

هادی چوپان دل مردم را برد

رقابت‌های نهایی شصت و یکمین دوره از معتبرترین مسابقات پرورش اندام جهان، یعنی مستر المپیا، صبح یکشنبه (به وقت تهران) در شهر لاس وگاس امریکا به پایان رسید. این دوره شاهد حضور پرشور و رقابتی نزدیک ورزشکاران برتر جهان بود اما در نهایت - گرگ پارسی ایران - هادی چوپان با نمایشی خیره‌کننده، موفق شد جایگاه خود را به عنوان یکی از برترین‌های این رشته تثبیت کند و مدال ارزشمند نقره را بر گردن بیاویزد. این سومین عنوان نایب‌قهرمانی ورزشکار پرافتخار کشورمان در این تورنمنت جذاب به حساب می‌آید. بامداد شنبه مرحله مقدماتی مسابقات برگزار شد. در مرحله مقدماتی، بدن خشک هادی خیره‌کننده بود و تفکیک عضلاتش همه را غافلگیر کرد. فرم بدنی‌اش نسبت به سال گذشته به‌وضوح آپدیت شده بود و به نظر می‌رسید همانطور که خودش گفته بود هیچ کس شانسی برای رقابت با او ندارد. در نهایت چهار نفر راهی دور فینال شدند. در این دور بهروز تابانی دیگر نماینده شایسته ایران که نخستین تجربه حضورش در مستر المپیا را از سر می‌گذارند از صعود به دور پایانی باز ماند. فینال این دوره مملو از تقابل‌های سنگین بود. هادی چوپان در مراحل پایانی با رقبای قدرتمندی همچون سامسون دائودا، مدافع عنوان قهرمانی دوره قبل، درک لانسفورد و همچنین آندرو جیکد به رقابت پرداخت. طبق برنامه از حدود ساعت ۷ صبح روز گذشته هادی چوپان و رقبایش روی استیج رفتند و فیگورهای انفرادی گرفته شد، بدن فوق‌العاده هادی باعث شده تا در رسانه‌های خارجی مقایسه بین او و درک لانسفورد را انجام دادند و همه معتقد بودند به احتمال زیاد رقابت ساندو ۲۰۲۵ بین آنها خواهد بود. در نهایت پس از ارزیابی‌های دقیق داوران، این رقابت نزدیک با برتری درک لانسفورد به پایان رسید که موفق شد نشان طلا و جایزه بزرگ ۶۰۰ هزار دلاری این دوره را از آن خود کند. در این میان، عملکرد فنی و فیزیک بی‌نقص هادی سبب شد تا داوران او را شایسته کسب مقام نایب قهرمانی بدانند و مدال نقره را به او اهدا کنند. برعکس سال گذشته که هادی بعد از کسب عنوان دومی لب به اعتراض گشود و روی سن عصبانیت خود را نشان داد، امسال تنها به سر تکان دادن و سکوت بسنده کرد. گرچه از زبان بدن او می‌شد به خوبی فهمید که احساس می‌کند در حقش کم‌لطفی شده اما قهرمانی رقیب را تبریک گفت و مدال نقره را بر گردن آویخت. این کسب مقام دوم، دستاورد بزرگی برای ورزش ایران محسوب می‌شود هرچند که هادی چوپان پیش از مسابقات با اطمینان اعلام کرده بود که تا زمانی که او در صحنه حضور دارد، سایرین باید برای کسب جایگاه دوم مبارزه کنند. اظهارنظری که نشان از عزم راسخ او برای تکرار قهرمانی سال ۲۰۲۲ داشت. لازم به ذکر است که پیش از اعلام برنده نهایی هادی چوپان برنده جایزه جذاب مردمی شد. این دومین بار است که هادی چوپان جایزه - قهرمان مردمی - (People'sChamp) را در مستر المپیا کسب می‌کند. او این عنوان را پیش از این در سال ۲۰۱۹ و در اولین حضور خود در این رقابت‌ها نیز به دست آورده بود که نشان‌دهنده محبوبیت و ارتباط عمیق او با تماشاگران است. کارنامه هادی چوپان در مستر المپیا از زمان اولین حضور در سال ۲۰۱۹، مجموعه‌ای از افتخارات متوالی است. این ورزشکار ایرانی تا به امروز موفق به کسب یک مدال طلا (۲۰۲۲)، سه مدال نقره (شامل این دوره) یک مدال برنز و یک مقام چهارمی شده است. نایب قهرمانی هادی چوپان بار دیگر نام ایران را بر سکوهای جهانی پرورش اندام طنین‌انداز کرد و امیدها را برای قهرمانی در سال‌های آتی زنده نگه داشت. این مدال نقره، مهری بر درخشش مستمر چوپان در سطح اول این رشته ورزشی بود. بعد از مسابقه بسیاری از ورزشکاران با ارسال پیام‌هایی برای هادی چوپان ضمن تبریک نایب قهرمانی حمایت خود را از گرگ پارسی نشان دادند.

فوتبال اروپا

جام جهانی باشگاه‌ها بازیکنان را مصدوم کرد؟

معضل بزرگ برای تیم‌های بزرگ!

تنها سه ماه پس از پیروزی ۳-۰ چلسی مقابل پاری‌سن‌ژرمن در فینال جام جهانی باشگاه‌ها، این تیم اکنون نمی‌تواند از چندین بازیکنی که نقش کلیدی در آن قهرمانی داشتند، استفاده کند. درست مثل وضعیتی که PSG و چند تیم دیگر دارند.

به گزارش اتلتیک، کول پالمر - که در مسیر قهرمانی چلسی سه گل و دو پاس گل داده بود - حالا به دلیل مصدومیت کشاله ران تا ماه نوامبر نمی‌تواند بازی کند. لوی کول‌ویل، که در پنج مسابقه از هفت بازی چلسی در ایالات متحده به میدان رفت، در اولین جلسه تمرینی پیش‌فصل دچار پارگی رباط صلیبی زانو شد. لیام دلاپ، خرید جدید باشگاه که شش بار در جام جهانی باشگاه‌ها بازی کرد، در ماه آگوست دچار مصدومیت همسترینگ شد و احتمالا تا اواسط نوامبر غایب خواهد بود.

داریو اسوگو، آندری سانتوس و توزین آدارابیو هم مصدومند و ریس جیمز نیز در ابتدای پنجره فعلی بازی‌های ملی از اردوی تیم ملی انگلیس جدا شد. ژوائو پدرو و مویسس کایسدو نیز با وجود مصدومیت‌های جزیی به بازی ادامه می‌دهند و چلسی تنها تیمی نیست که چنین وضعیتی دارد؛ پاری‌سن‌ژرمن، نایب‌قهرمان جام جهانی باشگاه‌ها، هم با مصدومیت‌هایی از جمله مارکینیوس، عثمان دمبله، خویچا کوارا تسخلیا و دزیره دوه مواجه است.

پیش از پیروزی ۲-۱ چلسی مقابل لیورپول در لیگ برتر، انزو مارسکا، سرمربی چلسی، گفته بود تیمش برای آن دیدار «هفت یا هشت» بازیکن مصدوم دارد و خودش هم احتمال داده بود که این موضوع ممکن است به جام جهانی باشگاه‌ها مربوط باشد.

او گفت: «اگر هم چلسی و هم پاری‌سن‌ژرمن این همه مصدوم دارند، احتمالا نتیجه‌ای از جام جهانی باشگاه‌هاست. اما نمی‌توان با قطعیت گفت صد در صد همین دلیل است.»

بن دینری، تحلیلگر مصدومیت‌ها و بنیانگذار پایگاه Premier Injuries می‌گوید: «این موضوع چندوجهی است. اگر قرار بود فقط یک عامل باشد، باشگاه‌ها همان را برطرف می‌کردند. اما مجموعه‌ای از عوامل است که با هم تلاقی می‌کنند و نوعی توفان کامل می‌سازند.»

طبق داده‌های Premier Injuries هر دو تیم منچسترسیتی (که تا مرحله یک‌هشتم نهایی جام جهانی باشگاه‌ها پیش رفت و چهار بازی انجام داد) و چلسی در شش هفته ابتدایی لیگ برتر نسبت به سال‌های گذشته کمی مصدومیت بیشتری داشته‌اند، اما افزایش چشمگیری مشاهده نشده است.

اما در بخش مصدومیت‌های بافت نرم (عضلانی و تاندونی) آمار چلسی نگران‌کننده‌تر است. تیم مارسکا در شش هفته نخست لیگ برتر شش مصدومیت از نوع بافت نرم داشته به اندازه مجموع سه فصل گذشته در همین بازه. بیشتر این موارد شامل کشیدگی یا پارگی عضلات است.

دینری هشدار می‌دهد که این می‌تواند یک مورد استثنایی باشد: «این نخستین جام جهانی باشگاه‌ها در این قالب و در این زمان از سال است، بنابراین داده تاریخی کافی برای مقایسه نداریم.»

به همین دلیل، نتیجه‌گیری قطعی فعلا ممکن نیست. تنها با گذشت یک دوره از جام جهانی باشگاه‌ها در قالب جدید (تابستان نیمکره شمالی) نمی‌توان قاطعانه گفت که این تورنمنت موجب افزایش مصدومیت‌ها شده است. با این حال، مشکلات چلسی و پاری‌سن‌ژرمن پس از مسابقات، بحث درباره درس‌هایی که باشگاه‌ها می‌توانند برای آینده بگیرند را ضروری کرده است.

فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) که برگزارکننده این مسابقات است، فعلا تمایلی به کاهش تقویم شلوغ فوتبال ندارد. برعکس، گزارش‌ها حاکی از آن است که فیفا قصد دارد مسابقات را حتی گسترش بدهد چه از نظر تعداد تیم‌ها (بیش از ۳۲ تیم) و چه از نظر دفعات برگزاری (بیش از هر چهار سال یک‌بار). پرسش اصلی این است که باشگاه‌ها چگونه می‌توانند خود را با این وضعیت وفق بدهند؟

رابین تورپ، مدیر سابق عملکرد در گروه ردبول و عضو پیشین کادر فنی منچستریونایتد، می‌گوید:

«ما تا به حال چنین فشاری را روی بازیکنان نخبه تجربه نکرده‌ایم. سوال بزرگ این است که چطور باید بازیکنان را طوری مدیریت کرد که نه فقط در یک فصل، بلکه در بلندمدت بتوانند دوام بیاورند.»

موضوع دیگر، فشردگی تقویم است که باعث کوتاه شدن دوران استراحت و پیش‌فصل تیم‌ها شده است. طبق گزارش اتحادیه جهانی بازیکنان (FIFPro) هیچ یک از تیم‌های حاضر در جام جهانی باشگاه‌ها نتوانستند به بازیکنان خود حداقل ۲۸ روز استراحت میان پایان فصل ۲۰۲۴-۲۵ و آغاز فصل بعدی بدهند و بیشترشان حتی پیش‌فصل ۲۸ روزه توصیه شده را نیز نداشتند.

یک کارشناس می‌گوید: «داشتن فاصله کافی بین پایان یک فصل و شروع بعدی، کلید موفقیت در آینده است. مدت زمان استراحت بین فصول احتمالا یکی از عوامل مهم در عملکرد و خطر مصدومیت است.»

او بازیابی بدن را به شارژ کردن چند باتری تشبیه می‌کند از جمله سیستم عصبی، خستگی عضلانی و تمرکز ذهنی: «وقتی جام جهانی باشگاه‌ها در تقویم جا داده می‌شود و بازیکنان فرصت استراحت ندارند، ممکن است این فرآیند بازیابی دچار اختلال شود. در نتیجه، بدن در فصل بعد به همان اندازه شارژ نخواهد شد.»

با وجود همه این چالش‌ها، چلسی تمایل خود را برای دفاع از عنوان قهرمانی در آینده پنهان نمی‌کند. مارسکا هفته گذشته گفت: «قطعا می‌خواهیم در جام جهانی باشگاه‌های بعدی حضور داشته باشیم، اما باید شرایط را به درستی مدیریت کنیم.»

چلسی، تابستان امسال از قهرمانی در امریکا حدود ۱۱۴۶ میلیون دلار (معادل ۸۶.۲ میلیون پوند) درآمد داشت؛ مبلغی که هیچ باشگاهی از آن چشم‌پوشی نمی‌کند. به نظر می‌رسد بهترین استفاده از این درآمد، سرمایه‌گذاری در بازیکنان و سیستم‌هایی است که بتوانند با فشار چنین رقابت‌هایی کنار بیایند.

پیشخوان
Pishkhan.com

یادداشت

لاسلو کراسناهورکایی، نویسنده‌ای که از تلخی الهام می‌گیرد

کاوشگر زیبایی در جهنم

شبنم کهن‌چی

برنده نوبل ادبیات امسال می‌گوید برای کسانی می‌نویسد که به‌دنبال یافتن زیبایی در دل جهنم‌اند؛ صداهایی که در ذهنش می‌پیچند و او با قلمش ترجمه‌شان می‌کند، جهانی را شکل می‌دهند که هم مسحورکننده و هم آشفته است. جملات بلند و جریان سیال روایت او، خواننده را به اعماق روان انسان و تاریخ می‌برد، جایی که خشونت، امید و پوچی در کنار هم معنا پیدا می‌کنند. نوبل ادبیات ۲۰۲۵ به کراسناهورکایی رسید به عنوان «نویسنده بزرگ حماسی در سنت ادبیات اروپای مرکزی» که آثارش با ویژگی‌هایی چون ابزوردیسم و افراط‌های گوتیک شناخته می‌شود.

در بیانیه آندرس اولسون، نویسنده، منتقد و رییس آکادمی نوبل به موارد مختلفی درباره برنده امسال از جمله رمان «تانگوی شیطان» اشاره شده است: «این رمان به طرزی نیرومند و نمادین، گروهی از ساکنان درمانده را در مزرعه‌ای اشتراکی و متروک در روستای مجارستانی، اندکی پیش از فروپاشی کمونیسم به تصویر می‌کشد. در این رمان، هر کسی در انتظار وقوع معجزه‌ای است، اما این امید ممکن است زیر بار خود انتظار خرد شود، همچون نقل قول کافکا در آغاز کتاب: «...آن چیز را از دست خواهم داد، چون منتظرش مانده‌ام.» اولسون که خود از منتقدان برجسته و قدیمی است به دومین اثر این نویسنده یعنی «اندوه مقاومت» اشاره می‌کند که سوزان سانتاگ به خاطرش، کراسناهورکایی را «استاد آخرالزمان در ادبیات معاصر» نامید. اثری کابوس‌وار و تب‌آلود که نشانه‌های شوم در تمام صفحات آن آشکار است. اولسون می‌گوید: «کراسناهورکایی با بهره‌گیری از صحنه‌هایی رویاگونه و شخصیت‌پردازی گروتسک، به استادی نبرد بی‌رحمانه میان نظم و بی‌نظمی را به تصویر می‌کشد. در این رمان هیچ‌کس از تاثیر ترس در امان نمی‌ماند.» اما یکی از معروف‌ترین رمان‌های این نویسنده، «جنگ و جنگ» است که سال ۱۹۹۹ منتشر و سال ۲۰۰۶ به انگلیسی ترجمه شد. او در این رمان توجه خود را به فراتر از مرزهای وطن مجازی‌اش معطوف می‌کند. قهرمان فروتن داستان تصمیم می‌گیرد آخرین کنش زندگی‌اش این باشد که از حاشیه‌های بوداپست به نیویورک سفر کند تا بتواند حتی برای لحظه‌ای در «مرکز جهان» بایستد. اولسون درباره نثر کراسناهورکایی در این رمان می‌گوید: «نثر او به سوی نحوی سیال و جاری پیش می‌رود، با جمله‌هایی بلند و پرپیچ و خم که بی‌وقفه‌اند و نقطه در آنها تقریبا وجود ندارد؛ ویژگی‌ای که به امضای سبک کار او تبدیل شده است.» خود کراسناهورکایی در یکی از گفت‌وگوهایش گفته نقطه پایان «از آن خداست.»

«جنگ و جنگ» پیش‌درآمدی بر رمان بزرگ‌تر و متاخر «بازگشت بارون ونکهایم» است که سال ۲۰۱۶ نوشته و سال ۲۰۱۹ به انگلیسی ترجمه شد. رمانی که تمرکزش بر «بازگشت به وطن» است و نویسنده با زبانش با سنت‌های ادبی بازی می‌کند. به نظر اولسون «در این رمان، «ابله» داستایوفسکی در قالب بارونی بیچاره و عاشق‌پیشه که گرفتار اعتیاد به قمار است، دوباره زاده می‌شود. او پس از سال‌ها تبعید در آرژانتین، راهی مجارستان می‌شود به امید آنکه معشوقه کودکی‌اش را که هرگز فراموشش نکرده، بازیابد. اما در طول سفر زندگی‌اش را به دست مردی خیانتکار به نام دانته می‌سپارد، دغل‌بازی که یادآور سانچو پانزای دون کیشوت است، اما در هیئتی تیره و کثیف. نقطه اوج رمان، استقبال باشکوهی است که مردم شهر برای بازگشت بارون تدارک می‌بینند؛ مراسمی که قهرمان اندوهگین داستان با تمام وجود می‌کوشد از آن بگریزد.»

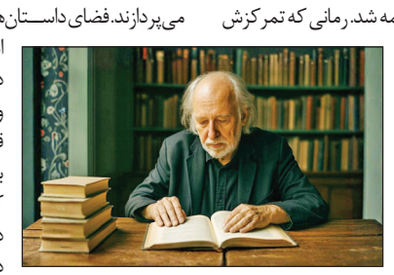

اولسون معتقد است که «در «هرشت ۰۷۷۶۹» دیگر با کابوسی تب‌زده روبه‌رو نیستیم، بلکه با بازنمایی باورپذیر از شهری کوچک در ایالت تورینگن آلمان سروکار داریم که با این حال گرفتار بی‌نظمی اجتماعی، قتل و آتش‌سوزی است. در عین حال، وحشت در این رمان بر بستر میراث عظیم یوهان سباستیان باخ جریان دارد. کتابی درباره خشونت و زیبایی‌ای که به شکلی «غیرممکن» در کنار هم قرار گرفته‌اند.» کراسناهورکایی که در روستایی کوچک به دنیا آمد و بزرگ شده در یکی از گفت‌وگوهای خود که در سایت wordswithoutborders.org منتشر شده توضیح داده نویسندگان در مجارستان کمونیستی از نوشتن بازداشته می‌شدند، اما اجازه ترجمه داشتند و به همین دلیل حتی در آن روستای دورافتاده نیز کراسناهورکایی به کتاب‌های کلاسیک نویسندگانی مانند داستایوفسکی و فاکنر دسترسی داشت. با این حال، پس از آنکه او توانست سفر کند این محدودیت را به خوبی جبران کرد. او زمان زیادی را در آسیا و اروپا گذراند. به نیویورک رفت تا برای رمان «جنگ و جنگ» جزییات پژوهشی گردآوری کند و در آنجا همراه با آلن گینزبرگ اقامت داشت. او به خوبی با فرهنگ ژاپن، اسپانیا، ایتالیا و یونان آشناست و همزمان به ذهن و عمل انسان‌هایی از دو هزار سال تاریخ بشر نفوذ می‌کند. آثار کراسناهورکایی با سبک نوشتاری منحصر به‌فرد و موضوعات عمیق و فلسفی خود، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات معاصر جهان دارد. نمونه‌هایی از ادبیات پست‌مدرن که وضعیت پیچیده انسان معاصر را دستمایه قرار می‌دهد. آثار او اغلب به دلیل جملات طولانی و ساختارهای پیچیده نحوی، نیازمند تمرکز و دقت بالای خواننده هستند. این ویژگی‌ها آثار کراسناهورکایی را در دسته ادبیات تجربی و پست‌مدرن قرار می‌دهند.

او گفته است: «بدون کافکا، من وجود نداشتم.» علاوه بر کافکا، تاثیر نویسندگان دیگری نیز بر سبک نوشتاری او مشهود است. منتقدان ادبی، سبک نوشتاری کراسناهورکایی را با نویسندگانی چون کافکا، گوگول و توماس برنهارد مقایسه کرده‌اند و البته از تاثیر داستایفسکی و جیمی هندریکس بر جهان داستانی او نیز نباید غافل شد.

کراسناهورکایی در آثار خود از جملات طولانی و پیچیده استفاده می‌کند که اغلب نقطه پایان ندارند. این جملات، با ساختار پیچیده و استفاده مکرر از جملات معترضه، به نوعی جریان سیال ذهن را در روایت ایجاد می‌کنند. برای مثال در رمان «تانگوی شیطان»، جملات طولانی و پیچیده‌ای به کار رفته است که خواننده را در دنیای درونی شخصیت‌ها غرق می‌کند. رمان‌های این نویسنده، ترکیبی از ظرافت هنرمندانه و سیلابی از حاشیه‌روی‌هاست و به نوعی انگیزه بکت گونه اشاره دارند که در سیطره تمایلات وسواسی غرق شده است. طول جمله‌های کراسناهورکایی واقعیت خود را به تدریج نشان می‌دهد، بند به بند، تا سرانجام تاریکی هولناکی را که در درون خود پنهان کرده، آزاد کند. بسیاری از نشانه‌های ادبی او مانند تک‌گویی وسواس‌گونه، خروج آخرالزمانی و تیرگی مرگبار جهانش، به‌وضوح متعلق به دوران مدرن است. از سوی دیگر فروپاشی افراطی و بازیگوشی آثارش، یکی از امضاهای او به شمار می‌رود.

تک‌گویی شخصیت «پروفسور» یکی از چهره‌های محوری رمان «مالیخولیای مقاومت» که سال ۱۴۰۱ در ایران ترجمه و منتشر شد، یکی از نمونه‌های برجسته زبان سیال و جمله‌سازی طولانی کراسناهورکای است که در مرز میان عقل و جنون حرکت می‌کند؛ همان نقطه‌ای که ذهن شخصیت‌هایش اغلب در آن فرو می‌پاشد و از دل آن، جهان داستانی به سوی نوعی آخرالزمان درونی می‌رود. در آثار کراسناهورکایی، فروپاشی ذهنی یا روحی اغلب پیش‌درآمد کنشی آخرالزمانی است.

«پروفسور» که پس از شلیک به یکی از افراد باند موتورسواران در دفاع از خود در حال فرار است، مرگ خود را جعل می‌کند و از شهر می‌گریزد. پیش از ناپدید شدن کامل از رمان، و اپسین تک‌گویی تب‌آلود خود را بیان می‌کند. او می‌گوید: «تلاش برای نابود کردن اندیشه بیهوده است؛ کوشش سختگیرانه، وحشتناک و مداومی که باید همواره به خرج دهیم تا مانع از آن شویم که به نتیجه‌ای در اندیشیدن برسیم. جهان چیزی نیست جز رویداد، دیوانگی، دیوانگی میلیاردها و میلیاردها رویداد و هیچ چیز ثابت نیست، هیچ چیز محدود نیست، هیچ چیز قابل لمس نیست، همه چیز می‌گریزد اگر بخواهیم به آن چنگ بزنیم.» جورج سیرتس، مترجم انگلیسی زبان آثار کراسناهورکایی معتقد است او نویسنده‌ای هیپنوتیزم کننده است. او در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه گفته: «او تو را در خود می‌کشد تا جهانی که می‌آفریند درونت پژواک یابد، آنقدر که نظم و هرج و مرج او، به دیدِ خودت بدل می‌شود.»

گفتنی است رمان‌ها، داستان‌های کوتاه و مقالات او بیش از هر جا در آلمان شناخته شده‌اند، کشوری که سال‌ها در آن زیسته و نیز در مجارستان، جایی که بسیاری او را مهم‌ترین نویسنده زنده کشور می‌دانند. آثار کراسناهورکایی معمولا به موضوعاتی مانند انزوا، فساد، پوچی و بحران‌های انسانی می‌پردازند. فضای داستان‌های او اغلب تیره و پر از تنش است، جایی که شخصیت‌ها در مواجهه با شرایط پیچیده و بی‌رحمانه جهان معاصر قرار دارند. این فضاها معمولا به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که خواننده را به تفکر عمیق درباره وضعیت انسان در دنیای مدرن وادار می‌کنند. برای مثال، در رمان «مالیخولیای مقاومت» ورود یک سیرک به یک شهر کوچک مجاری، تحولی عظیم در جامعه محلی ایجاد می‌کند و مفاهیمی چون قدرت، فساد و هویت را به چالش می‌کشد یا رمان «تانگوی شیطان» درباره زندگی در یک مزرعه اشتراکی در دوران پیش از فروپاشی کمونیسم است. شخصیت‌ها در این داستان با بحران‌های اخلاقی و اجتماعی مواجه هستند و تلاش می‌کنند تا معنای زندگی خود را در دنیای پرآشوب پیدا کنند. «جنگ و جنگ»، داستان مردی به نام کورین است که تلاش می‌کند کتابی درباره جنگ بنویسد، در حالی که خود درگیر جنگ‌های داخلی و جهانی است. روایتی که به بررسی مفاهیم جنگ، تاریخ و هویت پرداخته و خواننده را به چالش می‌کشد تا درباره این مفاهیم تامل کند.

«فرشته‌ای بر فراز ما گذشت» آخرین داستانی است که کراسناهورکایی اخیرا در The Yale Review منتشر کرده است. داستانی درباره خندق‌های گل‌آلود جنگ در اوکراین. او در آخرین گفت‌وگویی که با یال ریویو درباره امید، آخرالزمان و هنر داستان‌نویسی داشته، تاکید کرده که نویسنده باید با واقعیت‌های موجود روبه‌رو شود و از آنها برای خلق آثار خود بهره ببرد. او همچنین به اهمیت توجه به جزییات و استفاده از زبان به عنوان ابزاری برای بیان عمیق‌ترین احساسات و تفکرات اشاره کرده است. کراسناهورکایی معتقد است: «ما تنها می‌توانیم خودمان را با آینده فریب بدهیم؛ امید همیشه متعلق به آینده است و آینده هرگز نمی‌آید. همیشه در شرف آمدن است. تنها چیزی که وجود دارد، اکنون است.»

او به این ایده که هنر بهترین منبع ما برای جلوگیری از سقوط به بربریت است، اعتقاد دارد و می‌گوید: «هنر پاسخ فوق‌العاده بشریت به حس گمشدگی است که سرنوشت ماست. زیبایی وجود دارد. این زیبایی فراتر از مرزی است که ما دایما باید در آن توقف کنیم؛ ما نمی‌توانیم جلوتر برویم تا زیبایی را درک یا لمس کنیم ما تنها می‌توانیم از این مرز به آن نگاه کنیم و اذعان کنیم که بله، واقعا چیزی در دوردست وجود دارد. زیبایی یک ساختار است، یک آفرینش پیچیده از امید و نظم برتر.» بعد از دریافت جایزه نوبل از او پرسیده می‌شود، می‌توانید بزرگ‌ترین منابع الهام خود را به ما بگویید؟ و کراسناهورکایی می‌گوید: «تلخی؛ وقتی به وضعیت جهان در حال حاضر فکر می‌کنم، بسیار ناراحت می‌شوم. این عمیق‌ترین الهام من است. این می‌تواند الهام‌بخش نسل یا نسل‌های بعدی در ادبیات نیز باشد. الهام‌بخشی برای نسل بعدی، به نحوی برای زنده ماندن در این دوران، زیرا این دوران، بسیار بسیار تاریک است و ما برای زنده ماندن در این دوران به قدرت بسیار بیشتری نسبت به قبل نیاز داریم.»

گفت‌وگو

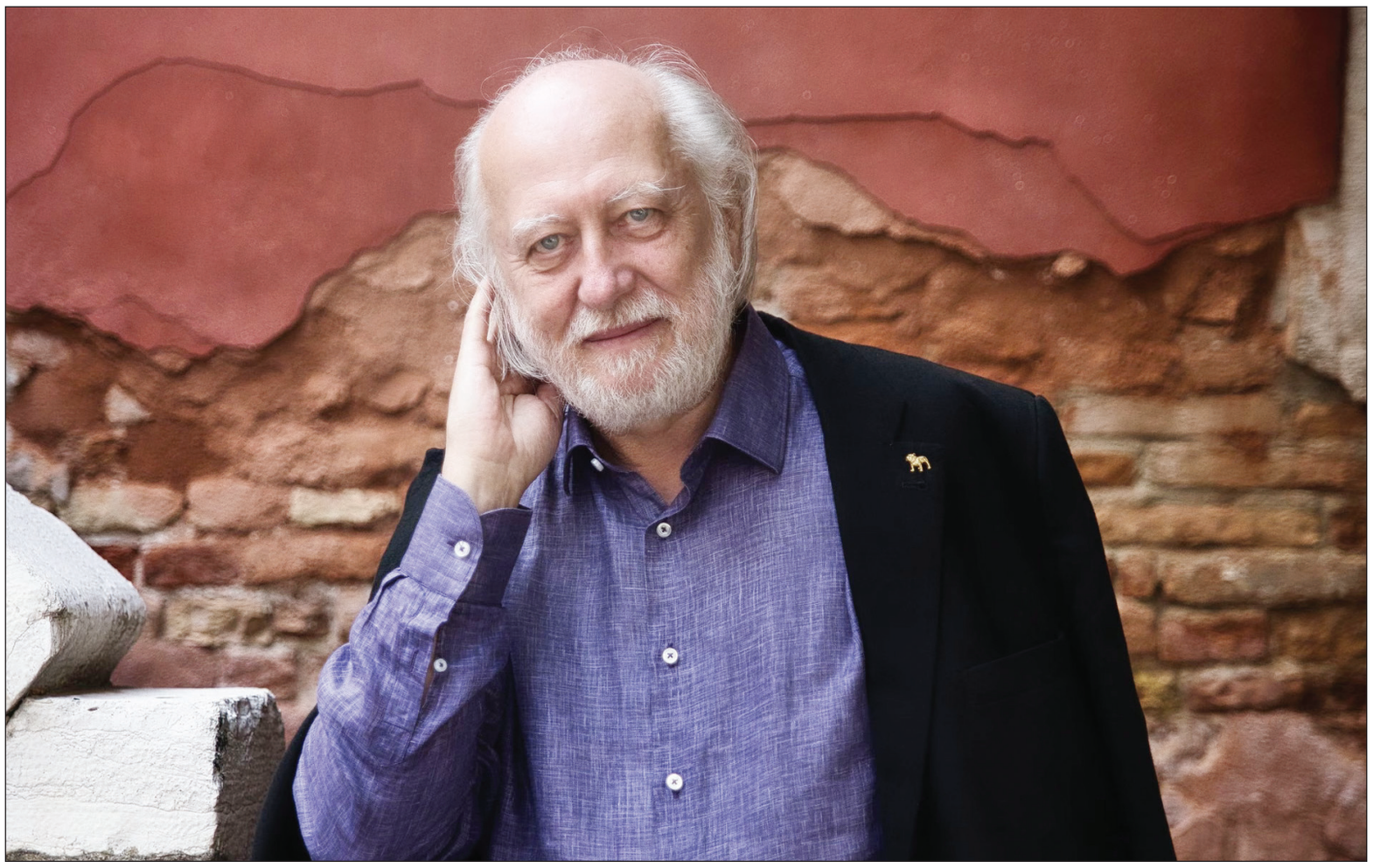

گفت‌وگو با لاسلو کراسناهورکایی، برنده نوبل ادبیات ۲۰۲۵

فقط انسان معمولی وجود دارد و او مقدس است

هنر پاسخ فوق‌العاده بشر به حس گمگشتگی اوست

هاری کونزرو

ترجمه: فاطمه رحمانی

گروه هنر و ادبیات: جایزه نوبل ادبیات امسال به لاسلو کراسناهورکایی، نویسنده مجارستانی رسید. او که ۱۰ سال پیش برنده جایزه جهانی من‌بوکر شد، نویسنده صاحب‌سبکی است که او را با نام آورانی همچون فرانتس کافکا و ساموئل بکت مقایسه کرده‌اند. شهرت جهانی کراسناهورکایی از ۴۰ سال پیش آغاز شد. زمانی که رمان «تانگوی شیطان» را منتشر کرد. ۱۳ سال پیش این رمان به انگلیسی ترجمه و منتشر شد. گرچه پیش از آن و در سال ۱۹۹۴ بلاتار، فیلمساز مجارستانی، فیلمی بیش از هفت ساعته با اقتباس از این رمان ساخت.

آنچه می‌خوانید، گفت‌وگوی هاری کونزرو با لاسلو کراسناهورکایی است. کونزرو، رمان‌نویس و روزنامه‌نگار شهیر بریتانیایی و نویسنده هفت رمان است که با نشریات ادبی و بخش ادبی مجلات مختلف انگلیسی زبان، عمدتا در امریکا همکاری دارد. از گفت‌وگوی او با کراسناهورکایی کمتر از یک سال می‌گذرد؛ از فوریه ۲۰۲۵ که هیچ کس نمی‌دانست نوبل بعدی ادبیات از آن این نویسنده مجارستانی خواهد بود.

■■■

آخرین باری که لاسلو کراسناهورکایی را دیدم، بسیار با اشتیاق با من روبه‌رو شد. در یک گالری هنری در مقابل تماشاگران صحبت می‌کردیم و او داشت در مورد سبک نثرش حرف می‌زد و آشکارا و بی‌کم‌وکاست آن را «نثر منحصر به فرد» می‌دانست. نکته بلاغی را بیان می‌کرد و وقت حرف زدن، حس خوبی داشت.

کراسناهورکایی، نویسنده داستان‌های خارق‌العاده‌ای است و این، او را به یکی از برجسته‌ترین نویسندگان مجارستان تبدیل کرده است. از سالیانی پیش‌تر تاکنون (فوریه ۲۰۲۵) از او به عنوان یکی از بخت‌های دریافت جایزه نوبل ادبیات نام می‌برند. همکاری‌های او با بلاتار، فیلمساز مجارستانی، فضای اندوه‌بار و هستی‌شناسانه و کاوشگرانه آثار اولیه او را به مخاطبان سینما در سراسر جهان منتقل کرد. جملات بلند و تودرتویی که به نظر می‌رسد انعطاف‌پذیری بی‌حد و حصری دارند، از ویژگی‌های نثر و روایت کراسناهورکایی است. نثری در پیوند با درون‌مایه آثار او که دامنه‌ای به وسعت و پیچیدگی تفکرات فلسفی او دارند و گاه به بیانی همراه با طنزی به قاعده زمینی تغییر جهت می‌دهند. به نظر کراسناهورکایی، تجربیاتی مانند عشق را -به‌ویژه عشقی که بیان آن مستلزم صرف زمان و به خرج دادن شجاعت است- نمی‌توان در عبارات کوتاه گنجاند. او جایی گفته است که «نقطه پایان متعلق به خداست» و [در عین حال] جریان نوشته‌های او انسان‌گرایی عمیقی دارد.

این درون‌بودگی تکه‌تکه‌شده را نباید با پای «جریان سیال ذهن» به آن معنای متعارفش که در مدرنیسم ادبی درک کرده‌ایم، بگذاریم. این تکه‌تکه‌شدگی به هیچ‌رو «قدیمی» نیست، بلکه نوعی کنجکاوی فراگیر است درباره جهان که خواننده را با جریان خود همراه می‌کند.

کراسناهورکایی در سال ۱۹۵۴ در مجارستان متولد شد. اوایل دوران حرفه‌ای او با ناتوانی‌اش در سفر مشخص می‌شد و رمان‌هایش، مانند «تانگوی شیطان» و «مالیخولیای مقاومت» حس خفگی تقریبا تحمل‌ناپذیری را منتقل می‌کنند. پس از سقوط پرده آهنین، او سبکی یافت که خود را در آثاری مانند «سیوبو، آنجا در پایین» بیان کرد که عمیقا با هنر و فلسفه آسیایی، به‌ویژه بودیسم، درگیر می‌شود. رمان دیگر او «هرشت ۰۷۷۶۹» باخ را در مقابل نئوناز یسم آلمانی قرار می‌دهد. داستانی که او به تازگی در «بیل ریویو» با عنوان «فرشته‌ای بر فراز ما گذشت» منتشر کرده است، سنگرهای گل‌آلود جنگ در اوکراین را با وعده‌های وهم‌آلود جهانی شدن فناوری در تضاد قرار می‌دهد. چند ماه پیش، در همان هفته‌ای که مراسم تحلیف دونالد ترامپ برگزار شد، با لاسلو کراسناهورکایی گفت‌وگو کردم. گفت‌وگویی که از طریق پست الکترونیک میسر شد و حالا ویرایش جدید و طولانی‌تری از آن را می‌خوانید.

■ داستان شما «فرشته‌ای بر فراز ما گذشت» در اوکراین اتفاق می‌افتد. جنگ در اوکراین برای شما چه معنایی دارد؟ شنیدن دیدگاه شما در مورد این درگیری، به عنوان یک اروپایی، یک مجارستانی و کسی که مدت‌ها در آلمان زندگی کرده، برای ما جالب و خواندنی خواهد بود.

اینکه جنگ جهانی اول دارد تکرار می‌شود؟ نظر من چیست؟ راستش این وضع مرا وحشت‌زده می‌کند. مجارستان همسایه اوکراین است و رژیم ویکتور اوربان، موضعی بی‌سابقه در ارتباط با مساله [جنگ اوکراین] در این دوره اتخاذ کرده است. طوری که می‌توان گفت [چنین موضعی] تقریبا در تاریخ مجارستان بی‌نظیر است. بخشی به این دلیل که تاکنون همیشه ما بودیم که مورد حمله قرار می‌گرفتیم و بازنده می‌شدیم. دلیل دیگر این است که این واکنش [از سوی دولت مجارستان] غیرمنتظره بوده، چون هرگز نمی‌توانستم تصور کنم که رهبری سیاسی مجارستان در این مورد از به اصطلاح «بی‌طرفی» حرف بزند!

■ چطور؟ یعنی فکر می‌کردید مجارستان موضع‌گیری شفافی داشته باشد؟

آخر یک کشور چطور می‌تواند بی‌طرف باشد وقتی روس‌ها به همسایه‌اش حمله می‌کنند؟ و مگر نمی‌بینیم که نزدیک به سه سال است دارند اوکراینی‌ها را می‌کشند؟ یعنی چه که «این یک مساله داخلی اسلاوهاست»؟! این را نخست‌وزیر مجارستان می‌گوید. کشته شدن آدم‌ها در همسایگی یک کشور چطور می‌تواند تنها یک مساله داخلی همان کشور باشد وقتی که می‌بینیم انسان‌ها دارند کشته می‌شوند؟ و عجیب‌تر اینکه این را نه هر کسی که مقامی در سطح نخست‌وزیر یک کشور می‌گوید! کدام کشور؟ مجارستان. کشوری که در طول تاریخ مدام مورد حمله قرار گرفته است. از جمله، توسط روس‌ها و این روس‌ها، همان روس‌های سابق هستند.

■ چرا؟ فکر می‌کنید چرا مجارستان ترجیح داده در این مورد اعلام بی‌طرفی کند؟

موضع‌گیری رژیم مجارستان را باید به عنوان یک مورد روانپزشکی دید. یک محاسبه غیرانسانی پشت آن وجود دارد. محاسبه‌ای با این استدلال که مثلا «اگرچه آنها دخترم را کشته‌اند، اما ترجیح می‌دهم با کشته شدن او کنار بیایم تا به مادرم آسیب نزنند.» در حالی که روشن است آنها به مادر او هم آسیب خواهند زد. او را هم خواهند کشت. درک این موضوع چندان سخت نیست.

■ «فرشته‌ای بر فراز ما گذشت» موقعیت دو مرد در حال مرگ را در یک سنگر روایت می‌کند که یکی از آنها دارد یک جور افسانه را درباره شگفتی‌های جهانی شدن برای دیگری تعریف می‌کند. این افسانه در آن موقعیت که دو مرد در حال مرگ هستند، با واقعیتِ پیش روی آنها تقابلی می‌سازد که در نوع خود بسیار تند و تیز است. به نظر می‌رسد این تقابل، کارکرد مهمی دارد و آن، این است که لحنِ خوشبینانه و برآمده از درونمایه تکنولوژیک داستان درباره دنیای شتابان را خنثی می‌کند. دوست دارم درباره این تقابل بیشتر توضیح بدهید و بگویید که چرا این دو عنصر را در کنار هم قرار دادید؟

یک جنگ فرساینده در برابر چشمانم جریان دارد. جنگی که با همه کثیفی‌اش دنیا دارد به آن عادت می‌کند. من نمی‌توانم به آن عادت کنم. من از پذیرش اینکه انسان‌ها، انسان‌های دیگر را می‌کشند، ناتوانم. شاید من یک مورد روانپزشکی باشم. همه اینها در حالی اتفاق می‌افتد که در فضای دیجیتال، چشم‌اندازی از آینده وعده می‌دهد که پیشرفت تکنولوژی، همین پیشرفت سریع و ترسناک، به زودی دنیای جدید و زیبایی برای ما خواهد آورد. این یک دیوانگی کامل است. در حالی که یک جنگ اساسا مربوط به قرن بیست و یکم در جریان است، یک نفر دارد از این حرف می‌زند که ما به زودی به مریخ خواهیم رفت. امیدوارم پوتین و هوادارانش اولین مسافران آن باشند.

■ راوی داستان شما اصرار دارد بگوید «او یک تحلیلگر آینده نبود، بلکه یک تحلیلگر روندها، داده‌ها و واقعیت‌ها بود.» او با سطح «کیهانی» و سطح «روانشناختی» فردی راحت نیست و سطح اجتماعی را ترجیح می‌دهد. آیا شناخت «آینده» چیزی روحانی یا متافیزیکی است و فراتر از این نوع شناخت تجربی و «مبتنی بر داده»؟

این یک سوال ناراحت‌کننده است. در این اثر، رویدادها در یک زمینه کلی خود را آشکار نمی‌کنند؛ بلکه یک مرد زخمی سعی دارد مرد دیگری را که به‌طور مرگباری زخمی شده، در یک سنگر با صحبت کردن درباره امید، درباره یک دنیای جدید و زیبا که در آن همه‌چیز متفاوت و فوق‌العاده خواهد بود، زنده نگه دارد. یک غریزه اساسی انسانی او را وادار می‌کند تا به دیگری تسلی بدهد. آنها هیچ امید دیگری ندارند و حتی کسی هم که داستان جهان دیجیتال آینده را تعریف می‌کند، می‌داند که فقط برای کش دادن زمان است که دارد صحبت می‌کند، به این امید که شاید هم‌رده‌هایشان برای نجات آنها برگردند. حتی با اینکه می‌داند، همان‌طور که آن دیگری نیز می‌داند که در وضعیت کنونی آنها این امر غیرممکن است. پس نه، این سخنرانی بُعد روحانی یا متافیزیکی ندارد؛ در واقع، به‌شدت کاربردی است: زنده نگه داشتن مرد شدیدتر زخمی‌شده از طریق القای امید، امیدی حتی بیهوده.

■ این فضاسازی - ساختن خط مقدم و سنگرها و... در یک جنگ بی‌رحم - به نحوی در نوشته‌های شما آشناست. می‌دانم که توصیف سانتاگ از شما به عنوان «استاد آخرالزمان» همچنان دنبالتان می‌کند، اما اگر نوشته‌های شما درباره تجربه آخرالزمان است، به نظر نمی‌رسد که یک رویداد ناگهانی باشد، بلکه چیزی کند و فرسایشی است. رابطه ما با آینده چیست؟ آیا اینها نشانه‌های پایان است؟ یا اینکه ما داریم در دوره پس از یک رویداد آخرالزمانی زندگی می‌کنیم؟

آخرالزمان یک رویداد واحد نیست، همان‌طور که پیشگویی عهد جدید ما را از داوری نهایی باز می‌دارد. آخرالزمان یک فرآیند است که برای مدتی بسیار طولانی در جریان بوده و برای مدتی بسیار طولانی ادامه خواهد داشت. آخرالزمان اکنون است. آخرالزمان یک داوری مستمر است. ما فقط می‌توانیم خودمان را با آینده فریب دهیم؛ امید همیشه به آینده تعلق دارد و آینده هرگز نمی‌رسد. همیشه در شرف آمدن است. فقط آنچه اکنون وجود دارد، هست. ما چیزی درباره گذشته نمی‌دانیم، زیرا آنچه به عنوان گذشته در نظر می‌گیریم، فقط یک داستان درباره گذشته است. در واقعیت، حال نیز فقط یک داستان است. این داستان هم گذشته و هم آینده‌ای را که هرگز نخواهد آمد، در خود دارد، اما دست کم آنچه ما به عنوان زمان حال در آن زندگی می‌کنیم، وجود دارد و فقط همان است که وجود دارد. جهنم و بهشت هر دو روی زمین و اکنون اینجا هستند. ما مجبور نیستیم منتظر آنها بمانیم. با این حال، ما این کار را می‌کنیم و با نمره‌ای که از امید می‌گیریم، به خودمان تسلی می‌دهیم.

■ شما درباره هنر زیاد نوشته‌اید. به ویژه در «سیبو آن پایین» این درون‌مایه بیشتر مشهود است. نقش هنر در آینده چیست؟ در تصور کردن آن یا به وجود آوردنش؟ آیا چیزی رهایی‌بخش یا نجات‌دهنده در مورد هنر وجود دارد؟

هنر پاسخ فوق‌العاده بشریت به حس گمگشتگی است که سرنوشت ماست. زیبایی وجود دارد اما آن سوی مرزی که ما ناگزیریم این طرفش توقف کنیم. ما نمی‌توانیم از آن مرز فراتر برویم تا زیبایی را درک یا لمسش کنیم. فقط می‌توانیم از این مرز به آن خیره شویم و تایید کنیم که بله، واقعا چیزی آن بیرون در دوردست‌ها وجود دارد که زیبایی است. زیبایی یک ساختار است، یک آفرینش پیچیده است از امید و نظمی برتر.

■ قبلا در گفت‌وگویی دیگر، در مورد نحوه به وجود آمدن شخصیت‌های داستانی که از سوی نویسندگان به متن احضار و ماندگار می‌شوند، صحبت کردید. در یک گفت‌وگو با پاریس ریویو گفتید: «هر شخصیت در به اصطلاح داستان جاودان، از طریق انسان‌های معمولی آمده است. این یک روند پنهان است و من به تمامی اطمینان دارم که درست است.» ممکن است در این باره بیشتر توضیح بدهید؟

فقط انسان معمولی وجود دارد و او مقدس است.

■ یک جنگ فرساینده [بین روسیه و اوکراین] در برابر چشمانم جریان دارد که با همه کثیفی‌اش دنیا دارد به آن عادت می‌کند. من از پذیرش اینکه انسان‌ها، انسان‌های دیگر را می‌کشند، ناتوانم. یعنی چه که «این یک مساله داخلی اسلاوهاست»؟! این را نخست‌وزیر مجارستان می‌گوید. اینها در حالی اتفاق می‌افتد که فضای دیجیتال وعده می‌دهد که پیشرفت تکنولوژی، همین پیشرفت سریع و ترسناک، به زودی دنیای زیبایی خواهد آورد. این یک دیوانگی کامل است

■ زیبایی وجود دارد اما آن سوی مرزی که ما ناگزیریم این طرفش توقف کنیم. ما نمی‌توانیم از آن مرز فراتر برویم تا زیبایی را درک یا لمسش کنیم. فقط می‌توانیم از این مرز به آن خیره شویم و تایید کنیم که بله، واقعا چیزی آن بیرون در دوردست‌ها وجود دارد که زیبایی است. زیبایی یک ساختار است، یک آفرینش پیچیده است از امید و نظمی برتر

پیشخوان Pishkhan.com

هنر و تفکر

چگونه آثار هنری روایتگر زمان و مکان هستند؟

بازتاب تاریخ از سپیده‌دم تمدن تا جهان معاصر

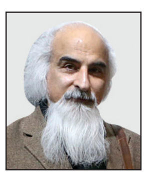

علیرضا کریمی صارمی

آیا تاریخ تنها در متن‌ها و اسناد مکتوب خلاصه می‌شود یا می‌توان آن را در رنگ‌ها، خطوط و فرم‌های هنری نیز بازجست؟ آیا می‌توان از خلال هنر، به حافظه تاریخی بشر دست یافت؟ آیا تاریخ را می‌توان از منظری هنری بازخوانی و بازسازی کرد؟ تاریخ، فراتر از متن و مدرک، در تجلی‌های بصری و هنری نیز حضور دارد. هنر یکی از زنده‌ترین و ماندگارترین روایتگران تاریخ بشر است. هر رنگ، خط و شکل می‌تواند حامل روایتی از گذشته باشد. از نقاشی‌های غارهای باستانی که سبک زندگی و باورهای انسان‌های نخستین را بازتاب می‌دهند تا نقوش کاخ‌ها و معابد تمدن‌های بزرگ که شکوه فرهنگی و دینی زمانه خود را منعکس می‌کنند، هنر همچون آیینه‌ای از روح زمانه، باورها، ترس‌ها و آرمان‌های انسان‌ها عمل کرده است. از دیرباز انسان‌ها از هنر برای مستندسازی رویدادهای مهم و بیان تجربیات فرهنگی و اجتماعی خود بهره برده‌اند. آثار هنری -از نقاشی‌های غارهای پیشاتاریخی گرفته تا پرده‌های رنگارنگ رنسانسی و عکس‌های مستند معاصر- همواره همچون شاهدانی از تاریخ به جای مانده‌اند. در این میان، پرسشی مهم پدیدار می‌شود: آیا هنر قادر است تاریخ را به تمامی روایت کند یا تنها بخش‌هایی از آن را در قالب احساسات، نمادها و اشارات بصری بازتاب می‌دهد؟ برای پاسخ به این پرسش می‌توان به برخی آثار هنری شاخص اشاره کرد که نه تنها بازتاب دوران خود بوده‌اند، بلکه روایت‌هایی ژرف از تاریخ در دل آنها نهفته است. نقاشی «شام آخر» اثر لئوناردو داوینچی، نه تنها بازمانده‌ای درخشان از دوران رنسانس است، بلکه بازتابی از تاریخ مذهبی و اجتماعی قرن پانزدهم اروپا نیز در خود دارد. این اثر که روایتی از انجیل را به تصویر می‌کشد، از طریق چینش شخصیت‌ها، حالات چهره‌ها و ترکیب‌بندی صحنه، وضعیت پیچیده دینی و فرهنگی عصر خویش را بازتاب می‌دهد. این تابلو، نه فقط یک اثر زیبا، بلکه سندی بصری از ساختار اندیشه و روایت مسیحی آن زمان است.

در فرهنگ و هنر ایرانی نیز می‌توان نمونه‌هایی یافت که هنر را به مثابه روایتگر تاریخ مطرح می‌سازند. حجاری‌ها و نقوش برجسته تخت‌جمشید، نه تنها نمایشگر عظمت و نظم امپراتوری هخامنشی‌اند، بلکه بازتابی بصری از روابط سیاسی، آیین‌های رسمی و ساختار قدرت در ایران باستان را عرضه می‌کنند. این تصاویر، در سکوت سنگ، داستان‌هایی از مناسبات اجتماعی، احترام به اقوام گوناگون و آیین پادشاهی را روایت می‌کنند. همچنین نگارگری‌های مکتب تبریز و اصفهان -به‌ویژه در نسخه‌های مصور شاهنامه- فراتر از زیبایی‌شناسی، حامل نوعی از حافظه تاریخی‌اند: تاریخ ایران، نه فقط در واژگان حماسی شاهنامه، بلکه در رنگ‌ها و ترکیب‌بندی‌ها و خطوط روان قلم نگارگران، جاری است. در هنر معاصر، این مسیر همچنان ادامه دارد. برای نمونه، عکس‌های سعید صادقی از جنگ ایران و عراق، تنها مستنداتی از رویدادهای جنگی نیستند، بلکه روایت‌هایی انسانی و اجتماعی‌اند. این عکس‌ها، رنج، امید، فداکاری و آشفتگی را در بستر یک واقعه تاریخی ثبت می‌کنند؛ تجربه‌ای که هم جمعی است و هم فردی. باید توجه داشت که هنر، صرفا تصویر نیست، بلکه تاریخ است. هنر همواره از مهم‌ترین ابزارهای بشر برای بیان، یادآوری و درک واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی بوده است. در طول سده‌ها، انسان‌ها از طریق هنر، احساسات، هویت، و نقدهای‌شان نسبت به زمانه را به تصویر کشیده‌اند. رابطه نزدیک میان تاریخ و هنر، بازتاب‌دهنده ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر دوره است. هنر توانایی بی‌مانندی دارد که می‌تواند به‌عنوان سندی تاریخی عمل کرده و جهان‌بینی، تجربه‌ها و امیدهای افراد و جوامع را به ثبت رساند. مطالعه آثار هنری در زمینه تاریخی‌شان، امکان فهم عمیق‌تری از ارزش‌ها و ساختارهای اندیشه‌ای یک زمان خاص را فراهم می‌آورد. بسیاری از تمدن‌ها، تاریخ خود را نه در کتاب، بلکه در نقش و حجم و رنگ ثبت کرده‌اند: نقاشی‌ها، مجسمه‌ها، معماری‌ها. این آثار، هم گواهی فرهنگی‌اند و هم بازتابی از تفکر، سیاست، اقتصاد و دین. افزون بر این، آثار هنری می‌توانند نگاهی به پیشرفت‌های علمی و فنی دوران خود نیز ارایه دهند، و راهی برای بازشناسی نوآوری‌ها و کشفیات تمدن‌ها فراهم کنند. با واکاوی آثار هنری در بستر تاریخی‌شان، می‌توانیم درک ژرف‌تری از گذشته و تمدن‌های پیشین به دست آوریم و نقش هنر را در شکل دادن به هویت جهان بشری بازشناسیم. از همین رو، ضروری است که نگاهی گذرا اما هدفمند به ادوار تاریخی مختلف بیندازیم تا درک کنیم چگونه هنر، تاریخ را روایت کرده است.

هنر در دوران کهن؛ از ماقبل تاریخ تا عصر آهن

۱-هنر در دوران ماقبل تاریخ و نوسنگی

پیش از ظهور خط و نوشتار، هنر نخستین زبان بشر برای بیان تجربه‌ها، باورها و احساسات بود. نقاشی‌های غاری، سنگ‌نگاره‌ها و ابزارهای تزیینی، نه تنها جلوه‌ای از زیبایی‌شناسی، بلکه وسیله‌ای برای انتقال دانش، شناخت محیط و بیان مفاهیم آیینی و اسطوره‌ای بودند. این آثار که اغلب صحنه‌های شکار، حیوانات و آیین‌های جادویی یا باروری را به تصویر می‌کشند، بازتاب‌دهنده پیوند ژرف انسان با طبیعت و نیروهای ناشناخته‌اند.

ویل دورانت بر این باور است که این آثار، تنها زاده نیازهای عملی نبوده، بلکه بیانگر میل درونی انسان اولیه به خلق زیبایی و ثبت تجربه‌ها از طریق زبان تصویر هستند.

در ایران نیز، هنر دوران ماقبل تاریخ و نوسنگی جایگاه ویژه‌ای دارد. در تپه چُگاسُفلی، سفالینه‌های ابتدایی با نقش‌های هندسی و گیاهی کشف شده‌اند که نشان‌دهنده نخستین تلاش‌ها برای رمزگذاری و آرایش ابزارهای روزمره‌اند. در غار کوه‌خاک، نقاشی‌های دیواری یافت شده که ارتباط انسان با محیط طبیعی را به تصویر می‌کشند. همچنین، مجسمه‌های کوچک زنانه از مناطقی مانند هلیل‌رود و جنوب‌شرق ایران، نمادهایی از باروری، زمین مادر و مفاهیم آیینی‌اند که نشان از پیدایش تفکر نمادین و دینی دارند. تمدن‌های نوسنگی ایران، که بر پایه کشاورزی و دامداری شکل گرفتند، از طریق هنر خود نخستین نشانه‌های جهان‌بینی انسان را به نسل‌های آینده منتقل کرده‌اند.

۲-هنر در عصر برنز

با ورود به عصر برنز، هنر وارد مرحله‌ای پیشرفته‌تر از نظر فناوری، ساختار اجتماعی و نمادپردازی شد. کشف آلیاژ برنز (ترکیب مس و قلع)، زمینه‌ساز تولید ابزار، سلاح و اشیای تزیینی سخت‌تر و بادوام‌تر شد. آثار هنری این دوره -شامل مجسمه‌ها، سفالینه‌ها، و اشیای فلزی- نه تنها تجلی ذوق هنری بودند، بلکه ابزارهایی برای نمایش قدرت سیاسی، منزلت اجتماعی و باورهای دینی به شمار می‌آمد. در منطقه شهداد (خبیص) در دشت لوت، گورستانی وسیع مربوط به دوره پروتو-ایلامی شناسایی شده که حاوی ابزارهای فلزی، زیورآلات عقیق و کارنلین، و سفال‌های منقوش است. این منطقه، به‌ویژه در نیمه دوم هزاره سوم پیش از میلاد، به مرکزی برای تولید اشیای فلزی و سنگ‌های تزیینی بدل شده بود و نشان‌دهنده شکل‌گیری تخصص‌گرایی در صنایع هنری است. در این دوران، هنر نه فقط بازتاب فردی یا آیینی، بلکه در خدمت نهادهای سیاسی و اقتصادی قرار گرفت و نقش فعالی در ایجاد هویت فرهنگی ایفا کرد.

۳-هنر در عصر آهن

عصر آهن نقطه‌عطفی در تاریخ هنر و تمدن به شمار می‌رود. بهره‌گیری از آهن برای تولید ابزار، سلاح و زیورآلات، تحولی بنیادین در زندگی بشر ایجاد کرد. آثار هنری این دوره نشان‌دهنده پیشرفت‌های فنی، ساختارهای اجتماعی پیچیده و شکل‌گیری مفاهیم تازه‌ای از قدرت، آیین و زیبایی هستند. ویل دورانت یادآور می‌شود که انسان، نخستین بار آهن را از شهاب‌سنگ‌ها شناخت و سپس با گداختن سنگ آهن توانست آن را به کار گیرد. این کشف، افق‌های تازه‌ای برای خلق آثار هنری گشود.

در ایران، منطقه لرستان یکی از شاخص‌ترین مراکز تولید اشیای آهنی در هزاره اول پیش از میلاد بوده است. در گورستان‌های این منطقه، انواع سلاح‌ها، جواهرات، زین‌افزارها و اشیای تزیینی از آهن و برنز کشف شده‌اند. گرچه ساختار دقیق جامعه سازنده این اشیا همچنان محل بحث است، اما شواهد حاکی از آن‌اند که احتمالا با جوامع کوچ‌نشین سازمان‌یافته‌ای سروکار داریم که هنر و صنعت را با یکدیگر تلفیق کرده بودند. این آثار با نقوش حیوانی، هندسی و نمادین، نه تنها برای کاربرد روزمره، بلکه برای بیان مفاهیم آیینی، اجتماعی و زیباشناختی خلق شده‌اند. هنر عصر آهن، به عنوان ابزاری برای تزیین، آیین، و تثبیت قدرت، تأثیر عمیقی بر ساختار اجتماعی، فرهنگ بصری و معماری تمدن‌های بعدی بر جای نهاد.

هنر و معماری از ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰ پیش از میلاد

در بازه زمانی ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰ پیش از میلاد، تمدن‌های بزرگی چون ایران، بین‌النهرین، مصر، دره سند، چین و یونان، آثار هنری و معماری ماندگاری خلق کردند که بازتابی از اندیشه‌ها، جهان‌بینی‌ها و سنت‌های آنهاست. هنر هر قوم، آیینه باورها و هویت فرهنگی آن قوم است. هر چه تمدنی ریشه‌دارتر و پایدارتر باشد، تجلیات هنری آن در طول زمان یکپارچه‌تر و کمتر تحت تأثیر نوسان‌های تاریخی قرار می‌گیرد. معماری، به عنوان یکی از برجسته‌ترین نمودهای تمدن‌ها، نحوه مواجهه ملت‌ها با مسائل هستی‌شناسانه، اجتماعی و زیباشناختی را به نمایش می‌گذارد. معماری ایران، همانند دیگر مظاهر فرهنگی‌اش، از تداوم و پیوستگی چشمگیری برخوردار بوده است. به گفته اکبر تجویدی، کهن‌ترین بنای شناخته‌شده در ایران، معبد چغازنبیل است که در سده سیزدهم پیش از میلاد در منطقه ایلام ساخته شد و نمونه‌ای برجسته از معماری پیشرفته آن دوران به شمار می‌آید. از آغاز، معماری ایرانی تحت تأثیر تفکر یکتاپرستی شکل گرفت. این اندیشه الهام‌بخش هنرمندان بود تا به جای پیکره‌سازی و شمایل‌نگاری، از نقوش هندسی، انتزاعی و تزیینات مینیمالیستی بهره گیرند. این سنت در دوران ساسانی به اوج خود رسید و منجر به ظهور سبکی متمایز در معماری مذهبی شد؛ بناهایی که در آنها هیچ تصویر یا تندیسی از خدایان یا بت‌ها دیده نمی‌شود و همه‌چیز در خدمت نمایش وحدانیت الهی است. پرویز ورجاوند معتقد است که معماری گوتیک غربی به‌ویژه در کاربرد قوس‌ها، طاق‌ها و گنبدها، تحت تأثیر مستقیم نوآوری‌های معماران ایرانی، به‌ویژه در دوره‌های پیش از اسلام قرار داشته است.

هنر از ۱۰۰۰ پیش از میلاد تا ۱۰۰۰ میلادی

این دوره، عرصه شکوفایی سبک‌های تازه و تبلور اندیشه‌های فرهنگی شکل گرفته در تمدن‌های کهن است. یکی از مهم‌ترین آثار این دوران در ایران، آتشکده نوشیجان مربوط به دوره مادها (۹۰۰—۶۰۰ پ.م) است که در نزدیکی شهر ملایر قرار دارد. این بنای مذهبی با تالارهای مرکزی، طاق‌های جناغی و آجرچینی مهندسی‌شده، نمایانگر آغاز معماری آیینی منسجم در فلات ایران است. طراحی ضخامت دیوارها به منظور مهار رانش طاق، و حضور تاق‌نماهای زیبای پیرامونی نمایانگر توجه به تزیینات نیز هستند. این دستاوردها، بستر شکل‌گیری سبک‌های برجسته‌تر در دوران هخامنشی و ساسانی شدند. در دوران هخامنشیان (۵۵۰—۳۳۰ پ.م)، ایران یکی از مراکز عمده قدرت جهانی بود و تخت‌جمشید، با ستون‌های بلند، سنگ‌نگاره‌های آیینی و ترکیب معماری بومی با تأثیرات بین‌المللی، نمونه‌ای کم‌نظیر از وحدت سیاست، هنر و مذهب به شمار می‌رود. در دوران ساسانیان (۲۲۴—۶۵۱ م)، معماری ایرانی به اوج بلوغ خود رسید. بناهایی چون تاق کسری، نمونه‌ای از مهندسی پیچیده و فرم‌های قدرتمند فضایی هستند. همچنین، هنرهایی چون موزاییک‌سازی، حجاری‌های نمادین، فلزکاری با نقش‌های حیوانی، سفال‌نگاری و بافته‌های نفیس، بیانگر ذوق هنری و روح معنوی تمدن ساسانی‌اند. ایران در این دوران، یکی از کانون‌های اصلی تبادل فرهنگی شرق و غرب بود. تأثیر هنر ایرانی بر تمدن‌های دیگر، از جمله یونان و روم، در معماری، فلزکاری و تزیینات بصری آشکار است.

در مقابل، هنر مصر و بین‌النهرین بیشتر بازتاب آیین‌های مذهبی و قدرت سیاسی بود، در حالی که هنر یونان و روم بر زیبایی‌شناسی انسانی و اسطوره‌های خدایان تمرکز داشت. این تنوع فرهنگی، گنجینه‌ای از روایت‌های هنری و معماری را در این هزارساله خلق کرد.

هنر از ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی

این دوران، عصر طلایی بسیاری از تمدن‌ها بود؛ عصری که هنر تحت تأثیر فرهنگ‌های محلی، ادیان و تحولاتی چون گوتیک، رنسانس، هنر اسلامی و هنر پیشاکلمبی شکل گرفت. در اروپا، معماری گوتیک با قوس‌های نوک‌تیز، شیشه‌های رنگی و فرم‌های عمودی پدید آمد. در ایتالیا، زمینه‌های رنسانس با تأکید بر واقع‌گرایی، پرسپکتیو و انسان‌محوری، بنیان‌گذار هنر مدرن شدند. در جهان اسلام، و به‌ویژه ایران، هنر به شکوهی بی‌سابقه رسید. سلسله‌هایی مانند غزنویان، سلجوقیان، ایلخانیان و تیموریان، هر یک در گسترش معماری، خوشنویسی، نگارگری و صنایع دستی نقش کلیدی ایفا کردند. آثاری چون گنبد سلطانیه (ایلخانیان)، مسجد جامع اصفهان (سلجوقیان)، و مکتب هرات در نگارگری (تیموریان) نمونه‌هایی از این شکوفایی‌اند. از ویژگی‌های برجسته این دوره می‌توان به کاشی‌کاری‌های خلاقانه، نقوش هندسی، خطاطی کوفی و نستعلیق، مقرنس‌کاری و تزیینات پیچیده اشاره کرد. در معماری اسلامی ایرانی، مفاهیمی چون نور، تقارن، بی‌زمانی و تقدس فضا، به فرم‌هایی شاعرانه و رازآلود تبدیل شدند. در آن سوی جهان اسلام نیز، قصر الحمرا در اسپانیا، نمونه‌ای درخشان از پیوند میان هنر اسلامی و عناصر محلی به شمار می‌رود. در امریکای مرکزی، تمدن‌هایی چون مایا و آزتک در معماری، مجسمه‌سازی و نجوم، به دستاوردهایی چشمگیر رسیدند. در آفریقا نیز، هنر در قالب نقاب‌های آیینی، منسوجات، و معماری گلی در مناطقی چون مالی، نیجریه و اتیوپی شکوفا شد. بدین ترتیب، این دوره نه تنها اوج هنر قرون میانه، بلکه پایه‌گذار تحولات بصری و فرهنگی سده‌های آینده بود.

هنر در قرن‌های پانزدهم تا نوزدهم میلادی

سده‌های پانزدهم تا نوزدهم میلادی، عصری پُرتحول در تاریخ هنر جهان بود؛ دوره‌ای که در آن هنر کلاسیک اروپایی، سنت‌های آسیایی و سبک‌های بومی آفریقا و امریکا هر یک به شیوه‌ای منحصربه‌فرد شکوفا شدند. رنسانس در اروپا آغازگر نوزایی فرهنگی بود که با آثاری از لئوناردو داوینچی و میکل آنژ، مفاهیم انسانی، تناسبات طبیعی، و زیبایی‌شناسی عقل‌گرایانه را در مرکز توجه قرار داد. در آسیا، کشورهایی چون ژاپن با حفظ هویت هنری خود، سبک‌هایی چون اوکی‌یو-ئه را توسعه دادند. در آفریقا و امریکا، هنرهای بومی با عناصر اروپایی تلفیق شدند و شکل‌هایی تازه به خود گرفتند.

در ایران، همزمان با ظهور سلسله صفویه، یکی از باشکوه‌ترین دوره‌های فرهنگی و هنری تاریخ این سرزمین رقم خورد. شهر اصفهان در این دوران به کانون هنر و معماری بدل شد. آثاری چون میدان نقش جهان، مسجد شاه (امام)، کاخ چهل‌ستون و مسجد شیخ لطف‌الله، نمادهای بی‌بدیل این شکوفایی‌اند. نقاشی‌های دیواری در کاخ‌ها، رنگ‌های زنده و طرح‌های الهام گرفته از طبیعت، همگی بازتاب‌دهنده ذوق هنری این دوره‌اند. هنر صفوی، تلفیقی از الگوهای اسلامی، عناصر ایرانی، و تأثیراتی از آسیای میانه و عثمانی بود. از شاهکارهای این دوران می‌توان به سفالینه‌های لعاب‌دار، نسخه‌های خطی نفیس و فرش‌های دست‌باف هنری اشاره کرد. کارگاه‌های نگارگری و خوشنویسی نیز در این دوره به اوج رسیدند. با آغاز قرن هجدهم، و همزمان با افول صفویه، ایران وارد دوره‌های ناپایدار سیاسی شد؛ با این حال، در دوران زندیه، آثار معمارانه‌ای چون ارگ کریم‌خان در شیراز خلق شد که تلفیقی از کارکرد نظامی و زیبایی‌شناسی سنتی است. هنرهای دستی همچون فرش‌بافی، نقاشی و خوشنویسی، گرچه از حمایت ساختارمند حکومتی فاصله گرفتند، اما همچنان به حیات خود ادامه دادند و به عنوان میراث فرهنگی منتقل شدند. در قرن نوزدهم میلادی، با تثبیت استعمار اروپایی و انقلاب صنعتی، تغییرات بنیادینی در ساختار جهانی و هنر پدید آمد. جنبش رمانتیسیسم، واکنشی به روشنگری و عقل‌گرایی، با تأکید بر احساسات، طبیعت و فردگرایی، به گفتمان حاکم در فضای هنری آن دوران بدل شد. در امریکا، مکتب هادسون ریور، و در فرانسه، مکتب باربیزون با نگاه عاشقانه به مناظر طبیعی، شیوه‌های نوینی در نقاشی منظره پدید آوردند. در آسیا، هنرهای سنتی در چین و ژاپن همچنان ادامه داشتند. در هندِ تحت سلطه بریتانیا، نقاشی‌های مدرسه کمپانی پدید آمدند که ترکیبی از واقع‌گرایی اروپایی و سنت‌های محلی بودند. در آفریقا نیز، هنر سنتی با موضوعات و تکنیک‌های غربی آمیخته شد. در ایرانِ دوره قاجار، با نفوذ هنر اروپایی، شیوه‌های بازنمایی تغییر یافت. در سال ۱۸۴۲م، تنها سه سال پس از ابداع عکاسی در فرانسه، این رسانه نوین وارد ایران شد. ناصرالدین شاه، از نخستین حامیان آن بود و خود نیز به عکاسی پرداخت. عکاسی در کنار نقاشی پرتره، ابزارهایی برای مستندسازی دربار و جامعه شدند. هنر دوره قاجار، ترکیبی از سنت‌های ایرانی و تأثیرات فرنگی بود. نقاشی قهوه‌خانه‌ای نیز، با روایت داستان‌های حماسی و مذهبی، سبک بومی و مردمی خود را توسعه داد. در سده بیستم، تحولات جهانی از جمله جنگ‌های جهانی و جنبش‌های سیاسی، هنر را به مسیرهای تازه‌ای کشاندند. حرکت از رئالیسم به سوی انتزاع، استفاده نوین از رنگ و فرم و واکنش‌های ضدجنگ از ویژگی‌های این دوره بودند. تابلوی «گرنیکا» اثر پابلو پیکاسو، واکنشی تکان‌دهنده به بمباران دهکده‌ای در اسپانیا توسط نازی‌ها، به نمادی از اعتراض هنری علیه خشونت بدل شد. در ایران نیز، چهره‌هایی چون کمال‌الملک، با نقاشی واقع‌گرایانه، و معماران نوگرا، با تلفیق الگوهای غربی در شهرسازی، زمینه‌ساز تحولات هنری شدند. هنر در این دوران، بازتاب‌دهنده دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی بود و به‌تدریج، به سوی تجربه‌گرایی، ترکیب رسانه‌ها و بیان مفاهیم مدرن حرکت کرد. رکود بزرگ در امریکا در دهه ۱۹۳۰م، با بیکاری گسترده و شکل‌گیری جنبش‌های کارگری، نقش هنر اجتماعی را پررنگ کرد. هنرمندانی چون لوئیس هاین (Lewis Hine)، با ثبت تصاویر کودکان کار و کارگران، نقش بسزایی در اصلاح قوانین کار ایفا کردند. او کارگران را نه قربانی، بلکه انسان‌هایی مقاوم و شایسته احترام نمایش داد. هنرمندانی مانند الیزابت اولدز (Elizabeth Olds) نیز، با تمرکز بر موضوعات اجتماعی، به نقش هنر در آگاهی‌بخشی و عدالت اجتماعی معنا بخشیدند.

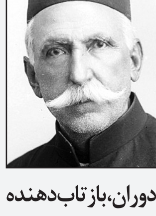

در ایران نیز، چهره‌هایی چون کمال‌الملک، با نقاشی واقع‌گرایانه، و معماران نوگرا، با تلفیق الگوهای غربی در شهرسازی، زمینه‌ساز تحولات هنری شدند. هنر در این دوران، بازتاب‌دهنده دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی بود و به‌تدریج، به سوی تجربه‌گرایی، ترکیب رسانه‌ها و بیان مفاهیم مدرن حرکت کرد.

جنبش هنر پاپ مرزهای سنتی هنر را شکست و فرهنگ عامه را به حوزه هنر کشاند. این جنبش که در بریتانیا آغاز و با آثار اندی وارهول در امریکا به اوج رسید، تصاویری آشنا مانند قوطی سوپ کمپبل یا مرلین مونرو را به نمادهای هنری بدل ساخت. وارهول با تأکید بر «تکرار» و «مصرف»، انتقادی پنهان از جامعه سرمایه‌داری ارایه داد.

هنر پیشاصنعتی تا معاصر: بازنمایی کار، جامعه و هویت

بازنمایی صنعت و کارگران در هنر

گروه Precisionists که ابتدا به تصویرسازی از ماشین‌آلات صنعتی می‌پرداختند، پس از رکود اقتصادی، نگاه خود را به وضعیت دشوار کارگران معطوف کردند. این تغییر در آثار هنری‌شان، به‌ویژه در تقابل انسان‌ها با ماشین‌آلات، نمایان شد و جنبه‌هایی از نظریه‌های کارل مارکس درباره استثمار سرمایه‌داری را به تصویر کشید. هوگو گلرت، هنرمند کمونیست، در سال ۱۹۳۴م با خلق تصاویری بر اساس سرمایه مارکس، ماهیت استثمارگرانه نظام سرمایه‌داری را افشا کرد. آثار او نه تنها همدردی با کارگران، بلکه نقدی جدی بر ساختارهای قدرت اقتصادی زمان خود بود.

هنر معاصر و جنبش‌های اجتماعی دهه ۱۹۶۰ میلادی

دهه ۱۹۶۰م، عصری از رادیکالیسم و تحول اجتماعی بود. اعتراضات دانشجویی، انقلاب‌های فرهنگی، و جنبش‌های ضدجنگ، فضای اجتماعی و سیاسی جهان را دگرگون ساختند. در این دوران، نیویورک به مرکز آوانگارد هنری غرب تبدیل شد، جایی که هنرمندان و متفکران در تلاش برای بازتعریف هنر، رسانه و سیاست بودند. این روند از دهه ۱۹۵۰م با هنرمندانی چون جکسون پولاک، مارک روتکو و ویلم دکونینگ آغاز شده بود.

تا اواسط دهه ۱۹۶۰م، دیدگاه‌های کلمنت گرینبرگ بر هنر انتزاعی مسلط شد، اما آوانگارد به‌تدریج از فرم‌های صِرف بصری فراتر رفت و به رسانه‌ها و مسائل اجتماعی نیز پرداخت. نظریه‌پردازانی مانند فوکو، دریدا و مک‌لوهان هنر را از منظری تازه مورد تأمل قرار دادند و مفاهیمی چون مولف، نشانه و میانجی‌گری در تحلیل‌های هنری جایگاهی ویژه یافتند.

هنر پاپ و اندی وارهول

جنبش هنر پاپ مرزهای سنتی هنر را شکست و فرهنگ عامه را به حوزه هنر کشاند. این جنبش که در بریتانیا آغاز و با آثار اندی وارهول در امریکا به اوج رسید، تصاویری آشنا مانند قوطی سوپ کمپبل یا مرلین مونرو را به نمادهای هنری بدل ساخت. وارهول با تأکید بر «تکرار» و «مصرف»، انتقادی پنهان از جامعه سرمایه‌داری ارایه داد.

مینیمالیسم

در نقطه مقابل پاپ آرت، مینیمالیسم بر ساده‌سازی و حذف عناصر اضافی تمرکز داشت. هنرمندانی مانند دونالد جاد با استفاده از مصالحی چون پلکسی گلاس و فلز، آثاری خلق کردند که بر فرم ناب و فضای ذهنی تأکید داشتند. مینیمالیسم راه را برای نوعی تأمل نظری در هنر گشود.

هنر مفهومی

هنر مفهومی در دهه ۱۹۶۰م مفهوم را بر فرم مقدم دانست. هنرمندانی چون سول لِوویت و جوزف کاسوت با حذف عناصر بصری مرسوم، به تحلیل شرایط اجتماعی، سیاسی و هنری زمان خود پرداختند. جان کیج نیز با تأثیراتش در موسیقی و هنر اجرایی، عرصه هنر را به تجربه‌ای زنده و در حال رخداد بدل کرد.

جنبش فلوکسوس

جنبش فلوکسوس، به رهبری جرج ماسیوناس، مرز میان هنر و زندگی را حذف کرد. هنرمندانی همچون جوزف بویس و جون پایک با ترکیب هنر اجرایی و فناوری، هنر را به کنشی اجتماعی و آزاد تبدیل کردند.

آرت پوورا

در ایتالیا، جنبش آرت پوورا به رهبری جرمانو چلانت از مواد ناچیز و روزمره برای نقد جامعه مصرف‌گرا استفاده کرد. این هنرمندان باور داشتند که حتی زباله‌ها و اشیاء فراموش‌شده می‌توانند حامل معناهای جدید باشند.

هنر در هزاره نو

سده بیست‌ویکم ادامه مسیر تحولات سده بیستم است، اما با امکاناتی نوین. هنر دیجیتال، تجربه‌های چندرسانه‌ای، هنر ویدئویی و چیدمان، مرزهای سنتی را شکسته‌اند. مفاهیمی چون پست‌مدرنیسم، متامدرنیسم و پساانسان‌گرایی، هنر امروز را شکل می‌دهند، و هنر خیابانی نیز با نگاهی انتقادی به مسائل اجتماعی جایگاهی تازه یافته است. در پایان، یادآوری این نکته بایسته است که در تمامی ادوار تاریخ، هنر آیینه تمام‌نمای جوامع بشری بوده است؛ از نقاشی‌های دیواره غارها تا جلوه‌های واقعیت مجازی، هنر همواره با تحولات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در پیوندی ژرف و ناگسستنی بوده است. از «گرنیکا»ی پیکاسو تا آثار دیجیتال معاصر، هر اثر پژواکی است از درد، امید و پرسش‌های بی‌پایان انسان؛ چرا که هنر، نه تنها بازتاب واقعیت، بلکه نیرویی برای آفرینش آن است. در جهانی پرآشوب و پرشتاب، هنر همچنان زبانی زنده و پویاست؛ زبانی برای بیان دغدغه‌ها، الهام‌بخشی به دگرگونی و گشودن چشم‌اندازهای نو. هنر، فانوس راهی است که ما را در تاریکی‌های تاریخ، بحران‌ها، و دوگانگی‌های زیستی امروز هدایت می‌کند و یادآور می‌شود که در دل هر بحران، بذر تحول نهفته است. هنر، نه یادگاری مرده از گذشته، بلکه نیرویی زاینده است؛ پلی میان دیروز و فردا، میان اسطوره و فناوری، میان خاطره و رویا. از نخستین نقوش تا پیکسل‌های جهان دیجیتال، این نیروی خلاق، انسان را از درون خویش به بیرون پرتاب می‌کند تا جهان را نه فقط ببیند، بلکه بازسازی کند. از این رو، هنر نه تنها آیینه تاریخ است، بلکه خود، تاریخ‌ساز است؛ زاینده آینده‌ای انسانی‌تر، آگاهانه‌تر و سرشار از امکان.

عکاس-مدرس دانشگاه علم و صنعت ایران

هوش مصنوعی

چه چیزی انسان را تعریف می‌کند؟

کامران مشفق آرانی

کیست که در آینه به من خیره شده؟ یک مجموعه زیستی حاصل میلیون‌ها سال تکامل؟ یا چیزی فراتر از این ساختار فیزیکی که من را تبدیل به «من» کرده؟ این پرسش قدیمی است، خیلی‌ها پیش از من و شاید اکثر این افراد این سوال را به روش‌های گوناگون و در شرایط‌های متفاوت از خودشان پرسیده‌اند. امروزه با ظهور هوش مصنوعی و مهندسی ژنتیک، ابعاد این پرسش تازه‌تر و پیچیده‌تر شده. دیگر به راحتی نمی‌توان با اطمینان گفت مرز میان انسان و غیرانسان کجاست، یعنی معنی حیات و ساختار زیستی از اساس در حال تغییر است.

در روایت‌های علمی-تخیلی معاصر، مثل آنچه اخیرا در سریال Alien: Earth می‌بینیم، این مرزها مدام به چالش کشیده می‌شوند. تصور کنید ذهن انسانی را در کالبدی مصنوعی قرار دهند، آیا آن موجود همچنان انسان است؟ اگر خاطرات، احساسات و افکار همان باشند، اما بدن متفاوت، کدام یک تعیین‌کننده هویت ماست؟ این دیگر فقط سرگرمی سینمایی نیست؛ دانشمندان خیلی وقت است که به صورت عملی و واقعی روی مساله انتقال آگاهی کار می‌کنند.

ما عادت داریم انسان بودن را با ویژگی‌های ملموس و از دیدگاه سنتی خودمان تعریف کنیم: قلبی که می‌تپد، مغزی که فکر می‌کند، دستانی که لمس می‌کنند، اما حالا باید بپرسیم آیا اینها ضروری‌اند یا فقط تصادفی؟ اگر کسی با قلب مصنوعی زندگی کند، کمتر انسان است؟ اگر بخشی از مغزش را جایگزین کنند چطور؟ کجای این طیف گسترده است که دیگر انسانیت گم می‌شود؟

این روزها کم نیستند تبلیغات شرکت‌های بزرگ فناوری که وعده جاودانگی را در آینده نه چندان دور می‌دهند، مدعی هستند که می‌توانند مرگ را شکست دهند، ذهن را در فضای دیجیتال ذخیره کنند و برخی خواص شاید برای همیشه زنده بمانند. اما آیا زندگی بدون مرگ همچنان زندگی است؟ آیا انسانی که نمی‌میرد، انسان می‌ماند؟ به عقیده من بخشی از آنچه ما را تعریف می‌کند، همین فناپذیریمان است، همین آگاهی از پایان است که به لحظاتمان معنا می‌بخشد.

پارادوکس جالب ماجرا اینجاست؛ هر چه بیشتر تلاش می‌کنیم انسان را بازتعریف و بازسازی کنیم، بیشتر از خودمان دور می‌شویم. گویی در تلاش برای کامل شدن، هر لحظه بیش از گذشته چیزی اساسی را از دست می‌دهیم. مثل کسی که آنقدر عکس یک منظره را ویرایش کند که دیگر شباهتی به واقعیت نداشته باشد.

فیلسوفان قرن بیستم، از فوکو تا هایدگر، هشدار می‌دادند که قدرت‌های اقتصادی و سیاسی به تدریج کنترل بیشتری بر بدن و زندگی ما پیدا می‌کنند. امروز این هشدارها برای ما عینی‌تر شده‌اند، شرکت‌هایی که داده‌های ژنتیکی ما را جمع می‌کنند، اپلیکیشن‌هایی که احساساتمان را رصد می‌کنند، الگوریتم‌هایی که تصمیماتمان را پیش‌بینی می‌کنند. انگار داریم به مجموعه‌ای از اطلاعات قابل دستکاری تبدیل می‌شویم. اما شاید مشکل از جای دیگری شروع شود، از همان لحظه که فکر کردیم می‌توانیم انسان را مثل ماشین تجزیه و ترکیب کنیم. وقتی گفتیم مغز فقط کامپیوتری پیچیده است، قلب فقط پمپی برای خون، احساسات و عشق فقط واکنش‌های شیمیایی‌اند و هزاران مثال قابل دسترس از همین دست، این تقلیل‌گرایی راه را برای دستکاری‌های بیشتر باز کرد.

نکته اینجاست که وقتی با موجودی غیرانسانی؛ چه هوش مصنوعی، چه موجود فضایی فرضی مواجه می‌شویم، ناگهان متوجه می‌شویم، نمی‌دانیم چطور انسانیت خودمان را توضیح دهیم. می‌گوییم ما احساس داریم، اما ماشین‌ها هم ممکن است ادعای احساس کنند، می‌گوییم ما خلاق هستیم، اما الگوریتم‌ها هم موسیقی می‌سازند و نقاشی می‌کشند، می‌گوییم ما آگاهیم، اما آگاهی را نمی‌توانیم تعریف کنیم.

این سردرگمی فقط فلسفی نیست، وقتی قوانین باید تصمیم بگیرند یک موجود پیوندی انسان-ماشین چه حقوقی دارد، وقتی پزشکان باید بگویند تا کجا می‌توان بدن را تغییر داد، وقتی والدین باید انتخاب کنند ژن فرزندشان را ویرایش کنند یا نه، این پرسش‌ها عملی و فوری می‌شوند. شاید پاسخ در پذیرش این باشد که انسان هرگز چیز ثابتی نبوده، همیشه در حال تغییر بوده‌ایم، با ابزارهایمان، با محیط‌مان، با یکدیگر. آنچه ما را انسان می‌کند شاید نه در ذات ثابتی، بلکه در همین توانایی تغییر و انطباق باشد. در توانایی پرسیدن «من کیستم؟» حتی وقتی پاسخی نداریم. اما باید مراقب باشیم در این مسیر، در تلاش برای فراتر رفتن از خودمان، آن چیز نامشخص، اما حیاتی را که انسانیت‌مان می‌نامیم از دست ندهیم، چون وقتی آن را از دست بدهیم، دیگر حتی نمی‌دانیم چه چیزی را گم کرده‌ایم.

اگر روزی برسد که همه چیز درباره‌مان قابل اندازه‌گیری و پیش‌بینی باشد، اگر دیگر جایی برای پرسش بی‌جواب باقی نماند، آن وقت شاید به نهایت شباهت با همان دستگاه‌هایی رسیده‌ایم که امروز ساخته‌ایم. زیبایی و راز انسان بودن در همین ناتمام بودن به‌طور استمراری است، در همین حفره‌ای که هیچ فناوری‌ای و هیچ علمی قادر به پر کردنش دست کم تا آینده نزدیک نیست و شاید بهتر باشد به جای فرار از این نقص، آن را به عنوان عمیق‌ترین امکان زندگی بپذیریم، جایی که تخیل، احساس، شهود و میل بی‌پایان به آفرینش همچنان ما را به حرکت وادار می‌کند و مانع از فراموشی اصالت وجودیمان می‌شود.

نگاه

هزینه سنگین تاخیر در تصمیم‌گیری با چه کسی است؟

پیمان مولوی

در حالی که اقتصاد ایران سال‌هاست زیر فشار تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت‌های بانکی دست‌وپا می‌زند، تصویب لوایح پالرمو و CFT پس از حدود شش تا هفت سال تاخیر، بار دیگر موضوع ارتباط کشور با نظام مالی جهانی را در مرکز توجه قرار داده است. پرسش کلیدی اینجاست که چرا تصمیمی که می‌توانست سال‌ها پیش گرفته شود، اکنون و پس از پرداخت هزینه‌های فراوان برای اقتصاد و جامعه عملی شده است؟ این لوایح در واقع بخشی از الزامات گروه ویژه اقدام مالی (FATF) هستند که هدف آن شفافیت مالی، مقابله با پولشویی و مبارزه با تامین مالی تروریسم است. بسیاری از کشورهای جهان، از جمله همسایگان ایران، برای تسهیل روابط بانکی خود این مقررات را پذیرفته‌اند. با این حال، در ایران، پذیرش یا رد این لوایح سال‌ها در پیچ‌وخم منازعات سیاسی و امنیتی گرفتار ماند و حالا که دوباره از تصویب آنها سخن به میان آمده، باید از خود پرسید: هزینه این سال‌های از دست رفته را چه کسی پرداخت کرده است؟ تا پیش از این، مخالفان تصویب لوایح استدلال می‌کردند که پذیرش این تعهدات می‌تواند به محدودیت در فعالیت‌های اقتصادی خاص یا فشار بر برخی نهادها بینجامد. اما تجربه عملی کشور نشان داد که رد یا تعویق این تصمیم‌ها نه‌تنها از فشارهای خارجی نکاست، بلکه هزینه‌های مالی و بانکی ایران را چند برابر کرد. وقتی کشوری در فهرست سیاه FATF قرار می‌گیرد، هرگونه تراکنش مالی بین‌المللی آن با سوءظن همراه است، نرخ کارمزدها بالا می‌رود، شرکت‌ها ناچار به استفاده از واسطه‌ها و شرکت‌های تراستی می‌شوند و در نتیجه، هزینه پول و تجارت خارجی افزایش می‌یابد. در عمل، هزینه این وضعیت را نه سیاستگذاران، بلکه مردم و فعالان اقتصادی پرداخت کرده‌اند؛ از صادرکننده‌ای که برای انتقال درآمدش باید چند مسیر غیررسمی و پرهزینه را طی کند تا وارد کننده‌ای که برای تامین مواد اولیه دچار سردرگمی و زیان می‌شود. حتی بانک‌های داخلی نیز در نبود ارتباطات رسمی، از دسترسی به سیستم‌های مالی جهانی محروم ماندند و این یعنی عقب‌ماندگی ساختاری در اقتصاد پولی کشور. اکنون که بار دیگر سخن از تصویب و اجرای این لوایح به میان آمده، خوش‌بینی محتاطانه‌ای در میان فعالان اقتصادی دیده می‌شود. اما پرسش اساسی این است که چه تغییری رخ داده است؟ آیا ساختار سیاسی کشور به ضرورت تعامل مالی جهانی پی برده یا صرفا فشار شرایط اقتصادی و بانکی کشور را به این نقطه رسانده است؟ اگر قرار است با پذیرش پالرمو و CFT مسیر تبادلات مالی کشور باز شود و زمینه برای خروج از فهرست سیاه فراهم آید، این گام هر چند دیر، مثبت تلقی می‌شود. با این حال، نمی‌توان از این واقعیت چشم پوشید که تصمیم‌های دیرهنگام نیز هزینه دارند. به تعویق انداختن چنین تصمیم‌هایی، میلیاردها دلار خسارت مستقیم و غیرمستقیم به اقتصاد ایران وارد کرده است؛ خسارتی که در قالب کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش هزینه مبادله، فرار سرمایه و فشار تورمی بر زندگی میلیون‌ها ایرانی نمایان شده است. بنابراین تصویب امروز پالرمو و CFT به خودی خود دستاوردی نیست، بلکه تاخیر در تصمیم‌گیری، نماد ناکارآمدی سیاستگذاری در حوزه اقتصادی و مالی کشور است. پرسش اصلی این نیست که حالا تصویب شده یا نه، بلکه این است که چرا تا امروز معطل مانده بود؟ چه کسانی مانع از تصمیم‌گیری به موقع شدند و چه کسانی هزینه آن را بر دوش ملت گذاشتند؟ در نهایت اگر این لوایح بتوانند مسیر تعاملات مالی کشور را حتی اندکی هموارتر کنند، باید از تصویب آنها استقبال کرد. اما فراتر از آن، باید از نظام تصمیم‌سازی کشور انتظار داشت که در آینده، چنین تصمیم‌هایی را نه پس از سال‌ها تاخیر، بلکه بر پایه منافع اقتصادی و ملی و در زمان مناسب اتخاذ کند، زیرا در جهانی که سرعت تصمیم‌گیری تعیین‌کننده بقاست، تعلل و تاخیر، گران‌ترین هزینه‌ای است که یک ملت می‌پردازد.

اقتصاددان

رویداد

بازگشت به کانال ۳ میلیون واحد

گروه اقتصادی | در پایان معاملات یکشنبه شاخص کل بورس تهران ۶۸ هزار و ۴۱۲ واحد رشد کرد و با عبور از نقطه تعادلی سه میلیون واحدی به تراز سه میلیون و ۱۸ هزار واحد دست یافت. بیشترین تراز شاخص کل بورس تهران در سال اخیر، سه میلیون و ۲۵۲ هزار واحد در ۲۸ اردیبهشت امسال بوده است که به نظر می‌رسد بازار سهام می‌تواند این نقطه (۳.۲ میلیون واحد) را در ماه جاری فتح کند. شاخص هم‌وزن ۱۵ هزار و ۷۵۸ واحد مثبت و وارد کانال ۸۶۰ هزار واحد شد. بالاترین تراز شاخص هم‌وزن در سال جاری نیز در معاملات ۲۸ اردیبهشت امسال اتفاق افتاد که ۹۷۷ هزار واحد بود. به نقل از ایرنا، نمادهای فارس و فملی در مجموع ۱۵ هزار واحد در رشد شاخص موثر بودند. نمادهای وبملت و فملی نیز پرتراکنش‌ترین‌های معاملات دیروز بودند که ارزش جابه‌جایی سهام در وبملت ۳۷۶ و فملی ۳۹۰ میلیارد تومان بود.

ویژه

دیدار دبیر کل سندیکای بیمه‌گران ایران با مدیرعامل جدید بیمه ملت

محسن پورکیانی، دبیر کل سندیکای بیمه‌گران ایران با محمدرضا فرهادی‌پور، مدیرعامل جدید شرکت بیمه ملت، دیدار و گفت‌وگو کرد. به گزارش روابط عمومی بیمه ملت، محسن پورکیانی، دبیر کل سندیکای بیمه‌گران ایران با حضور در ساختمان مرکزی این شرکت، انتصاب آقای محمدرضا فرهادی‌پور را به سمت مدیرعاملی بیمه ملت تبریک گفت. دبیر کل سندیکای بیمه‌گران ایران در این دیدار به جایگاه مهم و ظرفیت‌های قابل توجه بیمه ملت در صنعت بیمه کشور اشاره و بر ضرورت توسعه همه‌جانبه و ارتقای نقش موثر این شرکت در صنعت بیمه کشور تاکید کرد. در ادامه فرهادی‌پور نیز ضمن قدردانی از حضور دبیر کل سندیکای بیمه‌گران ایران با اشاره به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ارزشمند بیمه ملت در حوزه‌های مختلف، بر برنامه‌ریزی هدفمند برای توسعه فعالیت‌ها، ارتقای بهره‌وری و خدمت‌رسانی موثر در صنعت بیمه کشور تاکید کرد. وی همچنین آمادگی بیمه ملت برای گسترش همکاری‌ها با سندیکای بیمه‌گران ایران را اعلام کرد.

خوانش روز

در نشست فعالان اقتصاد دیجیتال و فرزین چه گذشت؟

باید و نبایدهای رییس کل

گروه اقتصادی | در حالی که اقتصاد دیجیتال و فین‌تک‌ها به سرعت در حال تبدیل شدن به یکی از پیشران‌های اصلی رشد اقتصادی کشور هستند، بانک مرکزی تلاش دارد تا میان توسعه این حوزه و ضرورت‌های نظارتی و شفافیت مالی، توازن برقرار کند. سیاست‌گذار پولی کشور در تازه‌ترین نشست هم‌اندیشی با فعالان عرصه «اقتصاد دیجیتال و فین‌تک»، بر این رویکرد تأکید کرده که تنظیم‌گری نباید مانعی در مسیر نوآوری و گسترش کسب‌وکارهای دیجیتال باشد، بلکه باید با رشد سریع دانش و فناوری، خود را به‌روز کرده و به بستری اعتمادآفرین برای تعامل دوسویه دولت و بخش خصوصی تبدیل شود. به باور مقام‌های پولی، چارچوب‌های جدید نظارتی در این حوزه باید به گونه‌ای طراحی شود که از پدیده‌هایی مانند پولشویی، سوداگری و خروج سرمایه جلوگیری کند، بی‌آنکه مسیر خلاقیت و توسعه شرکت‌های نوآور را مسدود سازد. رییس کل همچنین بر شفافیت اطلاعات مالی و نظارت دقیق بر جریان‌های پولی تاکید می‌کند و هدف خود را محدود کردن فعالیت فین‌تک‌ها نمی‌داند، بلکه معتقد است تدوین مقررات حرفه‌ای، زمینه‌ای برای اعتماد بیشتر مردم و سرمایه‌گذاران به این بازار نوپا خواهد بود. در حوزه پلتفرم‌های خرید و فروش آنلاین طلا نیز سیاست‌گذار پولی و ارزی بر ضرورت شفافیت، مالکیت واقعی طلا و پرهیز از فعالیت‌های شبه‌سپرده‌گذاری تأکید می‌کند؛ اقدامی که با هدف حفظ حقوق خریداران و جلوگیری از بروز تخلفات مالی و شرعی دنبال می‌شود. تعیین تکلیف محل نگهداری منابع مالی، تضمین بازپرداخت وجوه در صورت بروز بحران و ضرورت برای عملیات تسویه شفاف از دیگر محورهای مورد توجه نهاد ناظر است. در مجموع، راهبرد جدید رییس کل را می‌توان حرکتی در جهت ایجاد «نظم هوشمند» در اکوسیستم مالی دیجیتال دانست؛ نظمی که می‌کوشد با تلفیق نظارت و توسعه، آینده‌ای مطمئن‌تر و شفاف‌تر برای اقتصاد دیجیتال ایران رقم بزند.

پولشویی ممنوع

در جلسه هم‌اندیشی فعالان اقتصاد دیجیتال با محمدرضا فرزین، رییس کل اعلام می‌کند که نگاه بانک مرکزی در این حوزه با محوریت تنظیم‌گری و تعامل و اعتماد دوسویه است. او می‌افزاید: با توجه به نوظهور بودن و رشد سریع این حوزه، ابهامات آن در حوزه تنظیم‌گری نیز جدید است، بنابراین حوزه تنظیم‌گری باید متناسب با رشد سریع دانش در این حوزه، خود را تطبیق دهد ضمن اینکه تنظیم‌گری در این حوزه نباید به گونه‌ای باشد که مانع از رشد کسب و کارها شود. رییس کل در این نشست مطرح می‌کند: بانک مرکزی در شورای راهبردی تنظیم‌گری حوزه «اقتصاد دیجیتال و فین‌تک‌ها» بر ضرورت توسعه این بخش نیز تاکید دارد. بانک مرکزی چند اصل را در حوزه تنظیم‌گری این بخش به عنوان خط قرمز تعیین کرده است. نخست آنکه فعالیت در حوزه «فین‌تک» نباید به پولشویی منتهی شود به عبارت دیگر هر فعالیتی که طبق قانون ممنوع است، مبادلات پولی آن نیز ممنوع است و در بخش فین‌تک‌ها باید مقررات مشخصی برای جلوگیری از این پدیده تدوین شود. طبق اعلام بانک مرکزی، فرزین ادامه می‌دهد: هر چند کسب سود در ذات این فعالیت است اما با توجه به شرایط خاص تحریمی کشور و تلاش دشمن برای شعله‌ور کردن جنگ روانی و انتظارات تورمی در شرایط خاص؛ سوداگری در این حوزه باید کنترل شود. او تدوین قوانین و توسعه اعتمادآفرینی در حوزه اقتصاد دیجیتال و فین‌تک‌ها را گامی در جهت هماهنگی منافع بخش خصوصی و بخش عمومی کشور در فعالیت‌های اقتصادی می‌خواند و تاکید می‌کند: تنظیم‌گری در این حوزه به هیچ‌وجه نباید مانع از توسعه و گسترش فعالیت کسب و کارها شود چرا که تنظیم‌گری در نهایت به سود تمامی فعالان است. هر چند ممکن است در برخی مقاطع منافع فعالان آن به‌طور کامل تامین نشود اما تعریف اصول فعالیت در نهایت در خدمت توسعه این بخش خواهد بود. فرزین خطاب به فعالان حوزه فین‌تک‌ها می‌گوید: در راستای مقرارت تنظیم شده تمامی فعالان این حوزه باید اطلاعات خود را در اختیار بانک مرکزی قرار دهند چرا که با توجه به تکلیف بانک مرکزی برای پاسخگویی در حوزه پولشویی، این اطلاعات باید در اختیار بانک مرکزی باشد و هدف این بانک، محدود کردن فعالیت فین‌تک‌ها نیست و این اقدام جزو اصول حرفه‌ای تنظیم‌گری است.

خط و نشان فرزین

رییس کل بانک مرکزی خط قرمز دیگر بانک مرکزی برای فعالان این حوزه را خروج سرمایه از کشور می‌خواند و می‌افزاید: این محدودیت در تمامی کشورها حاکم است و نگرانی از خروج سرمایه نگرانی ذاتی تمامی بانک‌های مرکزی است. او با بیان اینکه بانک مرکزی آماده شنیدن حرف‌های فعالان حوزه «اقتصاد دیجیتال و فین تک» و گسترش فعالیت در این حوزه است، تاکید می‌کند: در کنار توسعه فعالیت باید از ایجاد انحصار نیز مراقبت کرد و فعالیت شرکت‌های کوچک نباید در سایه فعالیت شرکت‌های بزرگ مخدوش شود.

باید و نبایدهای پلتفرم‌های طلا

رییس کل بانک مرکزی در ادامه با اشاره به چارچوب مد نظر این نهاد تنظیم‌گر در خصوص فعالیت پلتفرم‌های فروش آنلاین طلا اعلام می‌کند: این پلتفرم‌ها نباید کارکرد سپرده‌پذیری مبتنی بر طلا داشته باشند بلکه باید معامله کنند. همچنین باید میزان طلایی را که می‌فروشند در اختیار داشته باشند نه آنکه ابتدا بفروشند بعد آن را بخرند؛ این رویکرد هم اشکال شرعی و هم اشکال قانونی دارد. او می‌افزاید: باید تکلیف منابع مالی جذب شده از سوی پلتفرم‌های طلا در یک بانک مشخص باشد تا در صورت ورشکستگی یا متواری شدن گردانندگان پلتفرم پول مردم محفوظ باشد. ضمن اینکه شفافیت در عملیات تسویه پلتفرم‌ها از دیگر موارد مورد تاکید بانک مرکزی است. فرزین با اشاره به درخواست فعالان پلتفرم طلا برای فعالیت ۲۴ ساعته در تمامی ایام هفته می‌گوید: این حوزه نیز باید مانند تمامی بازارها آغاز و پایان مشخصی داشته باشد و برای چنین درخواستی باید کار کارشناسی صورت گیرد. او اعتماد را مهم‌ترین سرمایه فعالان حوزه مالی نزد مردم اعلام می‌کند: تمامی سخت‌گیری‌های بانک مرکزی برای حفظ این سرمایه است. فرزین در ادامه با اشاره به موضع بانک مرکزی در زمینه مدیریت خطرپذیری در حوزه رمزارزها تاکید می‌کند: ذات فعالیت اقتصادی در این حوزه مبتنی بر خطرپذیری است، بنابراین طبیعی است که فعالان این حوزه با اشخاص تحت نظارت بانک مرکزی در حوزه بانکی را نمی‌توان یکسان در نظر گرفت و طبیعی است که مردم باید بخشی از این خطرپذیری را بپذیرند. اما اصول تنظیم‌گری حکم می‌کند بخشی از این ریسک از سوی فعالان این حوزه و بخشی از سوی مشتریان پذیرفته شود و مقررات در حوز تنظیم‌گری باید در جهت کاستن از ریسک فعالیت در این حوزه باشد تا ثبات مالی حفظ شود.

دستور رییس کل

رییس کل بانک مرکزی در ادامه این نشست می‌گوید: ما آماده برگزاری جلسات کارشناسی و تخصصی برای بررسی مسائل فعالان حوزه اقتصاد دیجیتال و فین‌تک‌ها هستیم و تاکنون چند طرح پژوهشی نیز به پژوهشکده در این زمینه واگذار شده است و این آمادگی وجود دارد که در حوزه تنظیم‌گری و توسعه کسب و کار از نظر مشورتی فعالان این بخش استفاده کنیم. فرزین توضیح می‌دهد که مواقع نوسان نرخ ارز بانک مرکزی موظف به تصمیم‌گیری است و از سویی نقش اطلاعات در حوزه فعالیت حوزه «اقتصاد دیجیتال و فین‌تک‌ها» برای تصمیم‌گیری در این ایام مهم است. بنابراین در صورت وجود چارچوب مشخص از فعالیت در این حوزه حتی در مواقع نوسان ارز هم می‌توان با برگزاری جلسات مشترک بهترین تصمیم را گرفت. در این نشست رییس کل بانک مرکزی با اشاره به مشکلات مطرح شده از سوی یکی از فعالان حوزه فین‌تک در زمینه تامین ارز مورد نیاز سرمایه‌گذاران حوزه گردشگری و حمل و نقل هوایی به معاون ارزی بانک مرکزی دستور می‌دهد تا این مشکل را در قالب کار گروه مشترکی با وزارت صمت پیگیری کند تا تامین ارز مورد نیاز فعالان این حوزه در اولویت وزارت صمت قرار گیرد.

خواسته‌های نظام صنفی رایانه‌ای

در این نشست مشترک علی حکیم‌جوادی رییس سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور در زمینه تدوین مقررات فعالیت در حوزه «اقتصاد دیجیتال و فین‌تک‌ها» ابراز امیدواری می‌کند این مقررات بسترساز توسعه این بخش باشد. چرا که این رویکرد بانک مرکزی امید را در فعالان حوزه اقتصاد دیجیتال و فین‌تک در دیگر بخش‌های فعال در حوزه فناوری‌های نوین مالی ایجاد کرد و مشتاقانه منتظر تسهیل‌گری‌های بانک مرکزی هستند. او با بیان اینکه هم‌اکنون ایران در رتبه سوم فناوری‌های نوین مالی در منطقه قرار دارد، تصریح می‌کند: با وجود این توانمندی وجود چالش‌هایی همچون وجود متولیان متعدد در حوزه تنظیم‌گری، زمان‌بر بودن صدور مجوزهای فعالیت، تحریم‌های ظالمانه و چالش فرهنگی ناآشنایی با فعالیت‌ها و خدمات این حوزه توسعه آن را با مشکل مواجه کرده است. رییس سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور در ادامه خواستار تدوین مقررات شفاف در حوزه تنظیم‌گری، توسعه «سند باکس» تنظیم‌گری، تقویت امنیت سایبری و افزایش سرمایه‌گذاری خطرپذیر و آموزش مالی دیجیتال و تسهیل‌گری در صدور مجوزهای فعالیت بخش خصوصی در این حوزه می‌شود. ضرورت تبیین ویژگی مشاهده‌پذیر بودن فعالیت در حوزه فین‌تک‌ها و استفاده از این ویژگی در تقویت حکمرانی بانک مرکزی، ضرورت پیش‌بینی پیوست کسب و کار در تدوین مقررات تنظیم‌گری، به‌کارگیری از ظرفیت فعالان این حوزه در تامین مالی جمعی با هدف کاهش هزینه‌های تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی، استفاده بهینه از فرصت «سند باکس» در تدوین مقررات، ضرورت حمایت از پلت‌فرم‌های طلا که قانونمند و شفاف فعالیت می‌کنند، نقش فین‌تک‌ها در توسعه زیرساخت‌های اعتبارسنجی نوین، توجه به نقطه نظرات بخش خصوصی در تدوین مقررات، تقدیر و تشکر از تشکیل شورای راهبردی توسعه و تنظیم‌گری در حوزه فین‌تک‌ها و توجه جدی‌تر بانک مرکزی به تامین ارز مورد نیاز زیرساخت‌ها در حوزه آی‌تی از مهم‌ترین محورهای مورد تاکید فعالان این حوزه در دیدار با رییس کل بانک مرکزی بود. در این نشست علیرضا گچ‌پززاده نیز با اشاره به مباحث مطرح شده در زمینه تامین ارز مورد نیاز سرمایه‌گذاری در حوزه زیرساخت آی‌تی می‌گوید: از ابتدای سال جاری تاکنون تامین مالی سه طرح شاخص در حوزه آی‌تی با همکاری وزارت فناوری اطلاعات با مشارکت شرکای تجاری خارجی در دستور کار قرار گرفته است و در اولویت تامین ارز قرار دارند و تاکنون یک میلیارد دلار نیز در این زمینه سرمایه‌گذاری شده است تا نگرانی‌ها در زمینه نوسازی زیرساخت‌ها در این حوزه برطرف شود. همچنین جلساتی نیز با وزارت صمت در این زمینه برگزار شده تا تخصیص ارز مورد نیاز این حوزه در اولویت قرار گیرد.

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت و گاز پارس

آگهی مزایده های عمومی ۰۳۰۰۲
به شماره فراخوان ۱۰۰۴۰۰۱۰۳۴۰۰۰۰۰۲

نوبت اول

شرکت نفت و گاز پارس در نظر دارد اقلام به شرح جدول ذیل و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده را با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیک دولت (www.setadiran.ir) به صورت الکترونیک به فروش برساند.

زمان انتشار در سایت: بلافاصله پس از چاپ آگهی	مهلت دریافت اسناد مزایده: ۵ روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم
تاریخ بازدید: پس از چاپ آگهی شماره تماس جهت هماهنگی: آقای رمضانی ۰۹۱۷۶۴۳۴۶۰۴ آقای آزادیخواه ۰۹۳۹۶۹۹۰۵۵۵ تلفن داخلی ۷۲۸۲ یا ۷۴۷۳ هماهنگی برای بازدید از اقلام مورد مزایده از ساعت ۸ الی ۱۶ به غیر از روز جمعه	آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت: دو هفته پس از مهلت دریافت اسناد
زمان بازگشایی: پنج روز پس از دریافت پیشنهادات	زمان اعلام برنده: پس از بازگشایی پیشنهادات

ضمنا رعایت موارد ذیل الزامی می باشد

۱ـ برگزاری مزایده صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت می باشد و کلیه مراحل فرآیند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده، پرداخت تضمین شرکت در مزایده (ودیعه)، ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکات، اعلام به برنده، واریز وجه مزایده و تحویل کالا در بستر سامانه از این طریق امکان پذیر می باشد.
۲ـ پیشنهاد می گردد با توجه به تنوع کالاهای مطرح شده در مزایده قبل از ارائه پیشنهاد از اقلام موضوع مزایده بازدید بعمل آورید.
۳ـ علاقمندان به شرکت در مزایده می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) با شماره های ذیل تماس حاصل نمایند:
مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه: ۱۴۵۶-۰۲۱ اطلاعات تماس دفاتر سایر استان ها در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش " ثبت نام/پروفایل مزایده گر" موجود است.

نوع مزایده	شماره مزایده	شرح اقلام ضایعاتی / از رده خارج	مقدارتقریبی	محل استقرار و رویت
مزایده عمومی	۰۳۰۰۲	بشکه های فلزی ضایعاتی و بشکه های پلاستیکی ضایعاتی	۵/۰۰۰ عدد و ۵۰/۰۰۰ عدد	عسلویه، بین سه راه عسلویه و نخل تقی، سایت اداری و مسکونی شرکت نفت و گاز پارس آدرس اینترنتی: www.pogc.ir

شناسه آگهی ۲۰۲۳۱۱۱

شرکت نفت و گاز پارس روابط عمومی

شرکت مخابرات ایران (سهامی عام) منطقه فارس

آگهی تجدید مزایده استانی ۱۴۰۴/۱۰ (مرتبه سوم)
املاک مازاد شرکت مخابرات ایران - منطقه فارس

شرکت مدیریت سامان سازه غدیر به نمایندگی از شرکت مخابرات ایران در نظر دارد نسبت به فروش ۳ فقره از املاک خود در منطقه فارس به شرح جدول پیوست از طریق مزایده عمومی و بر اساس مشخصات موجود در اسناد مزایده اقدام نماید. لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط، دعوت به عمل می آید.
متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مزایده به پرتال این منطقه به آدرس WWW.TCI.IR.FA مراجعه نمایند.

ردیف	استان	آدرس ملک	پلاک ثبتی	عرصه (متر مربع)	اعیان (متر مربع)	نوع ملک	سند مالکیت	نوع کاربری	قیمت پایه مزایده (ریال)	توضیحات
۱	فارس	فیروز آباد پشت مرکز شهید حق‌شناس	۱۱۵ اصلی واقع در قطعه ۱	178	ندارد	زمین- شهری	دفترچه‌ای	اداری- خدماتی	8,000,000,000	ملک با وضع موجود و کاربری موجود واگذار می گردد. (نقد)
۲		جهرم-خفر- روستای نعمت‌آباد- مرکز مخابراتی	137/890	803/75	100	روستایی	تک برگ	اداری	10,000,000,000	دکل مخابراتی نصب می باشد. ملک با وضع موجود و کاربری موجود واگذار می گردد. (نقد)
۳		داریون- روستای علی آباد	.....	2300	ندارد	زمین- روستایی	صورتجسه واگذاری	اداری- خدماتی	10,000,000,000	ملک با وضع موجود و کاربری موجود واگذار می گردد. (نقد)

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی
شرکت پالایش نفت آبادان (سهامی عام)

فراخوان مناقصه همراه با ارزیابی کیفی

نوبت اول
شناسه آگهی: ۲۰۱۹۶۱۹

شرکت پالایش نفت آبادان در نظر دارد مناقصه مشروحه ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت برگزار نماید، کلیه مراحل برگزاری تشریفات مناقصه از دریافت اسناد ارزیابی کیفی و سایر مراحل بعدی مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد.

ردیف	شماره مناقصه در دستگاه مناقصه گزار	شماره مناقصه در سامانه ستاد	شماره تقاضا	موضوع	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به ریال	برنامه زمان بندی مراحل مناقصه
۱	ک/403/128	2004092179000551	40-90-0242400043/P08	توربین بخار واحد تبدیل کاتالیستی	3/300/000/000	الف- مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد ۱۴۰۴/۰۷/۲۰ لغایت ۱۴۰۴/۰۳/۰۸ ب- آخرین مهلت ارائه و بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی توسط مناقصه‌گران: مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۷

روابط عمومی - شرکت پالایش نفت آبادان

شرکت ملی حفاری ایران (سهامی خاص)
شرکت ملی نفت ایران

آگهی مناقصه
مناقصه عمومی دو مرحله ایی با ارزیابی کیفی

نوبت اول
شناسه آگهی: ۲۰۱۵۴۴۲

مشخصات مناقصه:

نام مناقصه گزار	شماره تقاضا/مناقصه	شرح تقاضا	شماره فراخوان	مبلغ برآورد (یورو)	مبلغ تضمین (یورو)
شرکت ملی حفاری ایران	08-22-01-0345407 FP/12-04/083	P/F:"CAMERON" RAM TYPE B.O.P "U"	2004093985000657	403,624	20,182

روش ارزیابی: بر اساس کسب حداقل امتیاز مربوط به معیارهای موجود در استعلام های ارزیابی کیفی که توسط متقاضیان شرکت در مناقصه تکمیل می شود، انجام می گردد. (حداقل امتیاز ۵۰)
تاریخ شروع دریافت: توزیع اسناد از یک روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم آغاز شده و تا ۱۰ روز پس از آن ادامه خواهد داشت. تاریخ شروع: (از ۱۴۰۴/۰۷/۲۳ لغایت ۱۴۰۴/۰۸/۰۳)
آخرین مهلت: ☑ ۱۴ روز پس از آخرین روز دریافت اسناد : (۱۴۰۴/۰۸/۱۸)
انواع تضامین قابل قبول: ضمانتنامه بانکی و یا ضمانتنامه های صادره از سوی موسسات اعتباری غیر بانکی دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی اصل فیش واریز وجه نقد به حساب شماره ۴۰۰۱۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۳۶ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان تمرکز وجوه سپرده شرکت ملی حفاری ایران (شماره شبا IR۳۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۳۶) و سایر تضمین های معتبر در آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۵۹ ت / ۱۲۳۴۰۲ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ مورد قبول و پذیرش می باشد. (به اطلاع می رساند ارائه ضمانتنامه صادره از بانک پاسارگاد و سیه مورد پذیرش نخواهد بود.)
مدت اعتبار پیشنهاد / تضمین: ۹۰ روز (برای یک بار در سقف مدت اعتبار اولیه قابل تمدید باشد)
تذکر * تحویل اسناد به شرکت: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir و اصل ضمانت نامه به آدرس اهواز - بلوار پاسداران بالاتر از میدان فرودگاه - شرکت ملی حفاری ایران - ساختمان پایگاه عملیاتی طبقه اول پارت B - اتاق ۱۰۷ - دبیرخانه کمیسیون مناقصات - شماره تماس ۳۴۱۴۸۵۶۹ - ۳۴۱۴۸۵۸۰ - ۰۶۱

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
کانال های اطلاع رسانی شرکت ملی حفاری ایران http://sapp.ir/nidc_pr www.nidc.ir
اداره تدارکات خارجی کالا

Pishkhan.com

رویکرد

نگاه پرتردید بخش خصوصی به آینده اقتصاد ایران

رکود همچنان ادامه دارد

گروه اقتصادی

باتوجه‌به‌نااطمینانی سیاسی، نگرانی از تحریم‌ها و ناپایداری بازار ارز فضای انتظارات فعالان اقتصادی منفی و چشم‌انداز کوتاه‌مدت اقتصاد ایران مبهم و شکننده ارزیابی می‌شود. هر چند نشانه‌هایی از توقف روند نزولی تولید در بخش صنعت مشاهده شده است، اما طبق گزارش تحلیلگران اتاق بازرگانی ایران، تداوم چالش‌های همچون «کمبود انرژی و کمبود مواد اولیه»، «کاهش فرصت‌های شغلی در سمت تقاضا» و «کمبود نیروی کار متخصص در سمت عرضه» در کنار «افت انگیزه نیروی کار» همراه با «کاهش ظرفیت تولید، کمبود نقدینگی» و همتراز آنها افزایش نرخ ارز، مانع از استمرار این روند در ماه‌های آینده خواهد شد.

رکود ادامه دارد

آخرین نظرسنجی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران از فعالان اقتصادی و تجاری کشور حاکی از استمرار و تداوم رکود ماه‌های اخیر در شهریور ماه است. بر مبنای این نظرسنجی شاخص مدیران خرید کل اقتصاد ایران برای شهریور ماه برابر با ۴۵.۵ است که بسیار جزیی نسبت به ماه قبل کاهش یافته است. ماه گذشته این رقم ۴۵.۰ برآورد شده بود. بدین ترتیب هنوز شاخص مدیران از محدوده خنثی یعنی ۵۰ فاصله دارد. به عبارت بهتر وضعیت کسب‌وکارها در این ماه برای هجدهمین ماه متوالی، روند رو به کاهشی داشته است. نکته قابل تامل این است که در شهریور همچون دو ماه قبل آن، میزان سفارشات جدید مشتریان، میزان تولید محصول یا ارائه خدمت، موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده، میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی و سرعت انجام و تحویل سفارش مانند ماه قبل روندی نزولی نشان می‌دهد. میزان تولید محصول یا ارائه خدمات در شهریور ماه، معادل ۴۵.۳ محاسبه شده که با وجود کاهش ملایم‌تر نسبت به ماه قبل، همچنان برای هجدهمین ماه متوالی، کمتر از محدوده خنثی ۵۰ باقی مانده است. در این ماه نیز تداوم محدودیت منابع مالی و قطعی‌های برق و کاهش تقاضا به خصوص تقاضای داخلی از مهم‌ترین عوامل افت تولید بوده است. شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان در شهریور ماه برای نوزدهمین ماه متوالی روندی کاهشی داشته اگرچه شدت کاهش در این ماه نسبت به ماه قبل اندکی ملایم‌تر بوده اما یکی از پایین‌ترین سطوح خود را ثبت کرده است. ضعف قدرت خرید مصرف کنندگان در پی تورم بالا و افزایش هزینه‌های زندگی، همراه با نااطمینانی‌های ناشی از احتمال برقراری و فعال شدن مکانیسم ماشه، نااطمینانی سمت تقاضا را نسبت به آینده افزایش داده که باعث شده تا با تردید در خرید مواجه باشند.

سفارشات همچنان کاهشی است

در بخش تجارت خارجی نیز میزان صادرات کالا و خدمت، به عنوان عاملی تاثیرگذار در شاخص سفارشات جدید مشتریان، در شهریور ماه همچنان کاهشی بوده است. به‌رغم کاهش نسبی در نرخ ریال که موجب رقابتی‌تر شدن کوتاه‌مدت قیمت محصولات ایرانی شده، اما مشکلات رفع تعهد ارزی و نگرانی‌های منطقه‌ای، مانع رشد صادرات غیرنفتی به خصوص به کشورهای منطقه‌ای شده‌اند. در همین حال، نگرانی ناشی از اعمال احتمالی مکانیسم ماشه، صادرات را برای کسب و کارها محدود و دشوار خواهد کرد و ریسک فعالیت‌های صادراتی را افزایش داده است که در نهایت به کاهش درآمدهای ارزی و کاهش توان رقابتی در صادرات خواهد انجامید. موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده در شهریور ماه برای سیزدهمین ماه متوالی کاهشی و کمترین میزان ۳۱ ماهه خود را از اسفند ۱۴۰۱ به ثبت رسانده است. تامین مواد اولیه و ملزومات تولید با محدودیت‌های تخصیص ارز و ترخیص به موقع مواد اولیه وارداتی از گمرک، زنجیره تامین را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. علاوه بر این، افزایش قیمت مواد اولیه با توجه به محدودیت‌های مالی شرکت‌ها، فشار مضاعفی بر کسب و کارها وارد می‌کند. این در حالی است که شدت افزایش در قیمت مواد اولیه یا لوازم خریداری شده به بالاترین نرخ خود طی هفت ماه اخیر رسیده است. همزمان شاخص قیمت محصولات تولید شده یا خدمات ارایه شده نیز بیشترین میزان سه ماهه خود را به ثبت رسانده که نشان‌دهنده تداوم فشارهای تورمی در بخش تولید است.

تعدیل‌ها ادامه دارد

میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی در شهریور ماه، برای پنجمین بار از ابتدای سال جاری و چهارمین ماه متوالی کاهشی است که نتیجه شرایط رکودی و تورمی حاکم بر فضای تولید و تقاضا در اقتصاد است. بنگاه‌ها در تلاش برای کنترل هزینه‌ها، جذب نیروی جدید را متوقف یا اقدام به تعدیل نیرو کرده‌اند. از سوی دیگر فشار هزینه‌های زندگی موجب کاهش انگیزه نیروی کار و بروز کمبود نیروی انسانی ماهر شده است. این شرایط بازار کار را در موقعیتی دوگانه قرار داده است، به‌طوری که از یک سو کاهش فرصت‌های شغلی و از سوی دیگر کمبود نیروی کار متخصص را موجب شده است. بنابراین محدودیت‌های منابع مالی بیمه بیکاری برای تعدیل شدگان منابع انسانی در بنگاه‌ها، چالش‌هایی را برای صندوق بیمه بیکاری سازمان تامین اجتماعی به همراه دارد.

اثر ماشه بر بنگاه‌ها

موجودی محصول نهایی در انبار یا کارهای معوق و ناتمام کمترین میزان چهار ماه اخیر را به ثبت رسانده است. با توجه به محدودیت‌های موجود در تولید از مالی تا زیرساختی و چشم‌انداز منفی نسبت به آینده، شرکت‌ها از موجودی انبار خود به میزان بیشتری برای تامین سفارشات محدود مشتریان استفاده کرده‌اند.

انتظارات در مورد میزان فعالیت‌های اقتصادی در ماه آینده، در شهریور ماه برای سومین ماه پیاپی کاهشی و کمترین مقدار خود را طی ۷۲ دوره اجرای طرح به ثبت رسانده است. تداوم و تشدید نااطمینانی نسبت به عواقب احتمال برقراری مکانیسم ماشه، اعتماد بنگاه‌ها و چشم‌انداز مثبت نسبت به آینده به شدت کاهش داشته است.

موانع از نگاه فعالان اقتصادی

■ **ناترازی انرژی و قطعی برق:** تداوم قطعی مکرر برق و محدودیت سهمیه انرژی، در بسیاری موارد منجر به خسارت تجهیزات شده و در کل کاهش یا توقف تولید را به دنبال داشته است.

■ **کمبود نقدینگی و مشکلات مالی:** مشکل کمبود نقدینگی و چک‌های برگشتی، تولیدکنندگان را در تامین مالی با مشکل روبه‌رو کرده است. از طرفی هزینه‌های بالای مالیاتی و تغییرات در قوانین تقسیط و افزایش پرداخت اولیه یکجا فشار مضاعف بر آنها وارد کرده است.

■ **نوسانات و بی‌ثباتی نرخ ارز، عدم تخصیص ارز، کمبود مواد اولیه:** افزایش شدید قیمت مواد اولیه، مشکلات در تامین و واردات آن و همچنین تاخیر در ترخیص گمرک و بروکراسی و هزینه‌های بالای گمرکی و سهمیه‌بندی تخصیص ارز، شرکت‌ها را با کمبود مواد اولیه روبه‌رو کرده است. همچنین نوسانات شدید و عدم ثبات نرخ ارز باعث بلاتکلیفی در قیمت‌گذاری شده و کاهش اعتماد مشتریان را به همراه داشته است.

■ **رفع تعهد ارزی:** تاخیر در تخصیص ارز، سهمیه‌بندی ارزی، مشکلات رفع تعهد ارزی، هزینه‌های بالای گمرک به همراه نوسانات ارزی، تحریم‌ها، زمان کوتاه رفع تعهد ارزی، هزینه‌های سرسام‌آور گمرک، حذف ارز ترجیحی و کاهش توان مالی مردم، می‌تواند به زودی باعث نابودی شرکت‌ها و بحران‌های اجتماعی شود. با توجه به مشکلات بازار ارز پیشنهاد می‌شود دولت مشکل رفع تعهد ارزی را برطرف کند تا صادرات رونق بیشتری بگیرد.

■ **رکود بازار و کاهش تقاضا:** کمبود تقاضا و مشتری، رکود شدید در بازار داخلی به همراه داشته و باعث توقف تولید به علت نبود تقاضا و کاهش سفارشات شده است. افزایش هزینه‌های زندگی، کاهش توان خرید، اثر مستقیم بر فروش و تقاضای بازار داشته است.

■ **تحریم‌ها و شرایط سیاسی - بین‌المللی:** تحریم‌ها، احتمال فعال شدن مکانیزم ماشه و نگرانی از ریسک‌های غیراقتصادی را افزایش داده و تاثیر مستقیم بر بازار و سرمایه‌گذاری داشته است.

■ **نیروی انسانی:** کمبود نیروی انسانی ماهر، مشکلات مدیریتی داخلی و ضعف در پشتیبانی از تولیدکنندگان باعث تضعیف شدید صنایع شده است.

توقف رکود صنعت

تحلیلگران مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران معتقدند، تحلیل کلی نتایج شهریور ماه نشان می‌دهد که اقتصاد ایران همچنان در مسیر رکودی حرکت می‌کند، با این تفاوت که بخش صنعت نشانه‌هایی از توقف روند نزولی از خود بروز داده است. در شهریور ماه، تمامی مولفه‌های اصلی شاخ کل اقتصاد شامل تولید، سفارشات جدید، موجودی مواد اولیه، استخدام و زمان تحویل سفارشات روندی نزولی را تجربه کردند که شرایط مناسبی را نشان نمی‌دهد. کاهش قدرت خرید خانوارها به دلیل تورم بالا، افزایش هزینه‌های زندگی و بی‌ثباتی سیاسی باعث شده تا تقاضای داخلی در پایین‌ترین سطوح خود باقی بماند. در بخش تجارت خارجی نیز با وجود کاهش ارزش ریال و افزایش رقابت‌پذیری کالاهای ایرانی، مشکلات رفع تعهد ارزی، محدودیت‌های بانکی و نوسانات ارزی مانع از رشد پایدار صادرات شده است. در همین حال، موجودی مواد اولیه برای سیزدهمین ماه متوالی کاهش یافته و زنجیره تامین به دلیل تاخیر در تخصیص ارز، مشکلات گمرکی و رشد قیمت نهاده‌ها با چالش جدی روبه‌رو شده است. افزایش قیمت مواد اولیه و با توجه به رشد نرخ ارز و محدودیت دسترسی به منابع مالی فشار تورمی قابل توجهی را بر تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان وارد کرده و موجب افزایش قیمت فروش شده است. در بخش صنعت، شاخص تولید برای نخستین بار پس از چهار ماه افزایش یافته است. این رشد می‌تواند امیدواری نسبی را به همراه داشته باشد که عمدتا ناشی از افزایش تقاضای موقت در بازار پیش از رشد احتمالی قیمت‌ها و بهبود نسبی در تامین انرژی بوده است. با این حال، این روند پایدار نیست، چراکه تولیدکنندگان به دلیل نااطمینانی نسبت به آینده و کمبود منابع مالی، بیشتر از موجودی انبار برای پاسخ به سفارشات کوتاه‌مدت استفاده کرده‌اند. اگرچه فروش داخلی و صادراتی برخی صنایع نسبت به ماه‌های گذشته اندکی بهبود یافته است، اما رشد صادرات عمدتا ناشی از تضعیف ارزش ریال بوده و با موانعی چون رفع تعهد ارزی و دشواری نقل و انتقال پول مواجه است. تحلیل کلی نتایج شهریور ماه نشان می‌دهد که اقتصاد ایران همچنان در مسیر رکودی حرکت می‌کند، با این تفاوت که بخش صنعت ناشی از عوامل گذرا همچون نشانه‌هایی از توقف روند نزولی از خود بروز داده است. با وجود این، افزایش موقت تولید و فروش عمدتا نگرانی از افزایش قیمت‌ها بوده است، نه رشد واقعی تقاضا یا سرمایه‌گذاری جدید. افزایش نرخ ارز در کوتاه‌مدت توانسته رقابت‌پذیری برخی صنایع صادرات‌محور را تقویت کند، اما محدودیت‌های ساختاری در نظام ارزی و مالی اجازه استفاده موثر از این فرصت را نداده است. از سوی دیگر، رشد شدید قیمت مواد اولیه، هزینه مالیات و کمبود انرژی فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد کرده و حاشیه سود آنها را کاهش داده است. در فضای بازار کار نیز کاهش ظرفیت تولید، کمبود نقدینگی و افت انگیزه نیروی کار منجر به تداوم رکود در اشتغال شده است. در نتیجه، بسیاری از بنگاه‌ها در تلاشند با حفظ سطح حداقلی فعالیت، از زیان بیشتر جلوگیری کنند. مجموعه این عوامل، چشم‌انداز کوتاه‌مدت اقتصاد را شکننده کرده و نیازمند تدابیر مشخص است. در فضای بازار کار در شرایطی که بسیاری از بنگاه‌ها ماه‌هاست با ریسک‌های سیاسی، محدودیت‌های مالی و کاهش تقاضا روبه‌رو هستند، توان حفظ سطح اشتغال پیشین خود را از دست داده‌اند. نگرانی از کاهش مداوم سفارشات جدید، افزایش هزینه‌های تولید، کمبود انرژی و کمبود مواد اولیه باعث شده است که شرکت‌ها برای جلوگیری از زیان‌های بیشتر، اقدام به کاهش هزینه‌ها و تعدیل نیروی انسانی یا از جذب نیروهای جدید خودداری کنند. همچنین افزایش هزینه‌های زندگی و تورم بالا نیز باعث شده دستمزد واقعی کارگران کاهش یابد و جذابیت اشتغال در سطوح درآمدی فعلی کمتر شود. این موضوع از یک سو موجب کاهش عرضه نیروی کار و از سوی دیگر باعث کمبود نیروی انسانی ماهر در برخی صنایع شده است. در نتیجه، بازار کار با یک دوگانگی کم‌سابقه روبه‌رو است. همزمان کاهش فرصت‌های شغلی در سمت تقاضا و کمبود نیروی کار متخصص در سمت عرضه؛ این وضعیت منجر به شکل‌گیری بازاری ناپایدار و نامطمئن شده است که در آن شرکت‌ها توان توسعه یا سرمایه‌گذاری جدید ندارند و نیروی کار نیز انگیزه‌ای برای ماندگاری ندارد که در غیاب سیاست‌های حمایتی مالی، بهبود در کوتاه‌مدت را با تردید مواجه کرده و نیاز به تدابیر جدید و مهم است. ضمن اینکه تعدیل‌های مستمر بنگاه‌ها در سه ماه اخیر همراه با کاهش ورودی و منبع به صندوق تامین اجتماعی ناترازی‌های این صندوق را افزایش خواهد داد. در حالی که برخی شاخص‌ها از توقف نسبی رکود در بخش صنعت حکایت دارند، تداوم نااطمینانی‌های سیاسی، نوسانات ارزی، مشکلات مالی و کمبود انرژی می‌تواند بار دیگر فعالیت‌های اقتصادی را در مسیر نزولی قرار دهد. پایداری هرگونه بهبود در ماه‌های آینده، منوط به کنترل نوسانات ارزی، رفع محدودیت‌های ارزی و مالی، بهبود زیرساخت‌های انرژی و بازگرداندن اعتماد به بازار داخلی و سرمایه‌گذاران است.

جدول۱: شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد در دو ماه منتهی به شهریور ۱۴۰۴

	شاخص	تعدیل‌فصلی نشده		تعدیل‌فصلی شده	
		مرداد ۱۴۰۴	شهریور ۱۴۰۴	مرداد ۱۴۰۴	شهریور ۱۴۰۴
	شامخ کل اقتصاد	۴۱/۴	۴۷/۳	۴۵/۰	۴۵/۵
مولفه‌های اصلی	میزان تولید محصول یا ارائه خدمت	۳۶/۸	۴۸/۴	۴۳/۹	۴۵/۳
	میزان سفارشات جدید مشتریان	۳۵/۴	۴۶/۴	۴۱/۴	۴۳/۰
	سرعت انجام وتحویل سفارش	۴۸/۹	۵۱/۴	۴۸/۹	۴۹/۴
	موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری‌شده	۴۴/۲	۴۱/۱	۴۴/۲	۴۳/۵
	میزان استخدام و بکارگیری نیروی انسانی	۴۹/۰	۴۷/۵	۴۹/۰	۴۷/۵
مولفه‌های کمکی	قیمت مواد اولیه یا لوازم خریداری شده	۷۶/۳	۷۸/۲	۷۶/۳	۷۸/۲
	موجودی محصول نهایی در انبار یا کارهای در حال تکمیل	۵۲/۴	۴۸/۲	۴۹/۷	۴۸/۱
	میزان صادرات کالا یا خدمات	۴۰/۰	۴۸/۶	۴۳/۱	۴۴/۹
	قیمت محصولات تولیدشده و خدمات ارائه شده	۵۴/۶	۵۸/۵	۵۴/۶	۵۸/۵
	مصرف حامل‌های انرژی	۴۱/۳	۴۵/۱	۴۵/۲	۵۱/۸
	میزان فروش کالاها یا خدمات	۴۲/۷	۵۳/۸	۴۸/۱	۵۲/۱
	انتظارات در مورد میزان فعالیت اقتصادی در ماه آینده	۵۰/۹	۳۹/۸	۴۵/۶	۳۸/۴

ماخذ: مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران، مرداد و شهریور ۱۴۰۴

نمودار ۱: شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد

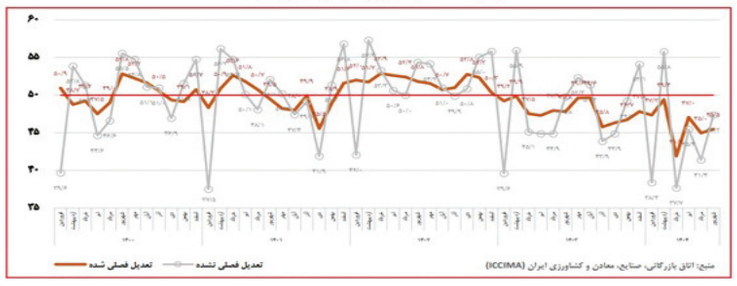

تحلیل

FATF قربانی وقت‌کشی سیاسی

سیدمرتضی افقه

روابط سیاسی و اقتصادی ایران با جهان در دهه‌های اخیر به شدت در هم تنیده شده است. هر تغییر و تحولی در سیاست خارجی، خواه مثبت باشد یا منفی، بلافاصله در معیشت مردم، نرخ ارز، تورم و شاخص‌های کلان اقتصادی اثر خود را نشان می‌دهد. تجربه نشان داده که اقتصاد ایران در برابر تحولات بین‌المللی حساس است و سیاست خارجی کشور نقشی تعیین‌کننده در ثبات یا نوسان بازارها دارد. پس از تشدید تحریم‌ها، اقتصاد ایران از دو مسیر اصلی آسیب دید، نخست، مبادلات تجاری و فیزیکی کشور که با محدودیت‌های گسترده روبه‌رو شد. بسیاری از مسیرهای رسمی صادرات و واردات بسته شد و شرکت‌ها برای انتقال کالا یا خدمات ناچار به استفاده از واسطه‌ها شدند. دوم، بخش بانکی و مالی که به دلیل قرار گرفتن در فهرست سیاه FATF، عملا از شبکه بانکی بین‌المللی کنار گذاشته شد. در نتیجه، نقل و انتقال پول برای صادرات و واردات بسیار پرهزینه شد و فعالان اقتصادی مجبور شدند از صرافی‌ها و شبکه‌های غیررسمی استفاده کنند. در چنین شرایطی، پیوستن به FATF از نظر اقتصادی می‌تواند گامی مثبت باشد و این سازوکار بین‌المللی با هدف شفاف‌سازی جریان‌های مالی و جلوگیری از پولشویی و تأمین مالی تروریسم طراحی شده است، اما برای ایران، معنای اقتصادی‌اش کاهش هزینه مبادلات، تسهیل روابط بانکی و افزایش اطمینان شرکای تجاری خارجی است. در واقع عضویت در FATF می‌تواند هزینه‌های ناشی از نقل و انتقال غیرمستقیم ارز را حذف و فضای تجارت را قابل پیش‌بینی‌تر کند.

با این حال، تأخیر پنج تا شش ساله در تصویب لوایح مربوطه، از جمله پالرمو و CFT، موجب شده فرصت‌های اثربخش آن تا حد زیادی از دست برود. در سال‌هایی که اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری نیاز به ارتباط بانکی با جهان داشت، این مصوبه در پیچ‌وخم‌های سیاسی گرفتار ماند. اکنون که شورای نگهبان پس از سال‌ها آن را تأیید کرده، شرایط بین‌المللی تغییر کرده و ایران با مجموعه‌ای جدید از تحریم‌های ایالات متحده و حتی شورای امنیت روبه‌رو است.

در چنین وضعیتی، انتظار نمی‌رود که اجرای FATF به تنهایی بتواند گرهی از مشکلات اقتصادی باز کند، مگر آنکه همزمان با آن، مسیرهای جدیدی برای تعامل مالی با جهان گشوده شود. اگر ایران بتواند از طریق راه‌های غیرمستقیم اما مشروع، روابط بانکی خود را فعال کند، آنگاه اجرای این مصوبه می‌تواند نشانه‌ای مثبت برای بازسازی اعتماد در نظام مالی جهانی باشد.

به هر حال، واقعیت این است که گذر زمان، بزرگ‌ترین عامل از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی است و اگر تصمیم‌گیری درباره پیوستن به FATF در زمان مناسب انجام می‌شد، می‌توانست بخش مهمی از هزینه‌های پنهان مبادلات را حذف کند. امروز هم هرچند این اقدام در مسیر درستی قرار دارد، اما اثرگذاری آن به شرایط سیاسی و اراده حاکمیت برای بازسازی روابط بین‌المللی وابسته است.

اقتصاددان و استاد دانشگاه شهید چمران اهواز

پیشخوان
Pishkhan.com

رویداد

۶۶ درصد حجم سدهای مهم خالی است

بر اساس آخرین آمار ارز ابتدای سال آبی تا تاریخ نوزدهم مهرماه از وضعیت سدهای کشور ۸ سد زیر ۵ درصد آب دارند و میزان بارش‌ها در ۲۱ استان صفر میلی‌متر ثبت شده است. به نقل از ایسنا، میزان ورودی مخازن کل کشور از ابتدای سال آبی (ابتدای مهرماه) تا ۱۹ مهرماه معادل ۰.۵۴ میلیارد متر مکعب بوده که در قیاس با سال گذشته که عددی معادل ۰.۹۹ میلیارد متر مکعب بوده ۴۵ درصد کاهش داشته است. همچنین میزان کل خروجی سدهای کشور نیز نسبت به سال قبل با ۳۱ درصد کاهش مواجه بوده است. حجم آب موجود مخازن اکنون ۱۷.۹۰ میلیارد متر مکعب ثبت شده که این عدد نسبت به سال قبل که عددی معادل ۲۳.۶۱ میلیارد متر مکعب بوده ۲۴ درصد کاهش یافته است. همچنین حجم پرشدگی سدهای کشور نیز تا این تاریخ ۳۴ درصد است. وضعیت برخی از سدهای مهم کشور بیانگر این است که در ۸ سد درصد پرشدگی کمتر از ۵ درصد است، به‌طوری که سد لار تهران ۲ درصد، سد دوستی و طرق خراسان رضوی هر کدام ۳ و ۵ درصد، سد استقلال و شمیل و نیان استان هرمزگان به ترتیب صفر و ۳ درصد، سد وشمگیر، گلستان و بوستان استان گلستان و زودبال داراب استان فارس صفر و سد سفیدرود گیلان ۳ درصد آب دارند. همچنین ارتفاع کل ریزش‌های جوی کشور معادل ۱.۶ میلی‌متر است. این مقدار بارندگی نسبت به میانگین دوره‌های مشابه درازمدت ۳.۹ میلی‌متر و نسبت به دوره مشابه سال آبی گذشته ۳.۶ میلی‌متر را نشان می‌دهد.

فروش بنزین سوپر در بورس انرژی

حمید یاری، معاون نظارت بر بورس‌ها و ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار گفت که با تجربه موفق عرضه گازوئیل با قیمت واقعی در بورس انرژی، زمینه‌های اجتماعی فروش بنزین سوپر در بورس انرژی فراهم شده است. او افزود: واقعیت این است که در بحث انرژی به نوعی در کشور ما از حالت اقتصادی وارد فضای سیاسی، اجتماعی و امنیتی شده و مشکلاتی ایجاد کرده که هیچ کس نمی‌تواند راه‌حل خاصی برای آن طراحی کند. به نقل از ایرنا، یاری گفت: دستکاری در قیمت‌های شرکت‌های پالایشی ایجاد کردیم و مشکل را از سطح جامعه به سطح شرکت‌ها و ناشران برده‌ایم و وقتی صورت‌های مالی پالایشی‌ها را می‌بینیم، می‌فهمیم که دیگر نمی‌توان با این روش ادامه داد. یاری ادامه داد: ابزارهای بورس انرژی کامل است و می‌تواند مشکلات را حل کند و گواهی‌های صرفه‌جویی بسیار کارآمد بوده است. در جلسات مختلف وقتی مشکلات صنایع را می‌بینیم یکی از ابزارهای بورس انرژی به عنوان راه‌حل به ذهن‌مان می‌آید. وی تاکید کرد: شرایط این روزهای اقتصاد ما به گونه‌ای نیست که بتوان با شوک‌درمانی آن را حل کرد. معاون رییس سازمان بورس گفت: با استفاده از همین تجربه عرضه گازوئیل در بورس انرژی که شروع شده می‌توان فضای امنیتی را حل کرد؛ به طور مثال در بحث بنزین سوپر فکر می‌کردیم اگر وارد و با قیمت بالا فروخته شود، مشکل‌ساز است اما دیدیم که در بحث گازوئیل این فضا شکسته شد و با ورودمان توانستیم ثابت کنیم که این حساسیت نیست. یا مثلا در موضوع عرضه گاز و برق در بورس انرژی که قطع نشدن برق تحویلی به صنایع که در بورس انرژی فروخته شده بود، با استقبال فعالان اقتصادی مواجه شد. وی اعلام کرد: در بورس کالا به خاطر ماهیت آن، بلوغ شکل گرفت، خود ذی‌نفعان اجازه ندادند فضای بازار از بین برود، اما در بورس انرژی چون سمت دیگر دولت است این همگنی وجود ندارد و باعث شده عمق بازار انرژی شکل نگیرد. یاری بیان داشت: اگر قرار است ناترازی‌های ما حل شود و بحث شوک‌درمانی از سمت دولت نباشد، راهکاری غیر از بورس انرژی نداریم تا قیمت‌های واقعی را مشخص کنیم. در این صورت مسائل اجتماعی خاصی شکل نمی‌گیرد، بازار را شکل می‌دهیم و نیاز مصرف‌کننده را برطرف می‌کنیم. وی ادامه داد: مصرف‌کنندگان هم به سمت به‌روزرسانی تجهیزات می‌روند، با بازارهایی که در بورس انرژی شکل داده‌ایم امیدواریم بتوانیم تا حدی ناترازی‌ها را کمتر کنیم.

هشدار به مشترکان پرمصرف گاز

علیرضا اعوانی، مدیرعامل شرکت گاز استان تهران با اشاره به نزدیک شدن فصل سرما و افزایش تدریجی مصرف گاز در بخش خانگی اظهار داشت: در روزهای اخیر پیامک‌هایی برای مشترکان پرمصرف تهرانی ارسال شده تا نسبت به مدیریت و اصلاح الگوی مصرف خود اقدام کنند. هدف از این اقدام، پیشگیری از ناترازی در شبکه گاز و تضمین پایداری جریان گاز در زمستان است. به نقل از تسنیم، وی با بیان اینکه شرکت ملی گاز ایران دستورالعملی را برای کنترل مصرف در مناطق مختلف کشور ابلاغ کرده، افزود: در صورتی که مشترکان پرمصرف، مانند سال گذشته رفتار مصرفی خود را اصلاح نکنند، گازبهای آنان بر اساس بالاترین نرخ تعرفه خانگی محاسبه می‌شود. این اقدام با هدف بازدارندگی از مصرف بی‌رویه و تشویق به صرفه‌جویی اجرا خواهد شد. اعوانی همچنین از شهروندان خواست پیش از آغاز فصل سرما، نسبت به سرویس و بررسی کامل وسایل گرمایشی از جمله بخاری‌ها، پکیج‌ها و آبگرمکن‌ها اقدام کنند و از سلامت دودکش‌ها و تهویه مناسب محیط اطمینان حاصل نمایند. وی گفت: انجام سرویس دوره‌ای تجهیزات، علاوه بر افزایش راندمان و کاهش مصرف، از بروز خطرات احتمالی نظیر گازگرفتگی جلوگیری می‌کند. مدیرعامل شرکت گاز استان تهران ضمن تأکید بر اهمیت رعایت اصول ایمنی در مصرف گاز اظهار داشت: مصرف ایمن و بهینه، مسوولیت مشترک همه خانوارهاست و بی‌توجهی به آن می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری به دنبال داشته باشد. وی با اشاره به آمادگی شرکت گاز استان تهران برای پاسخگویی به شهروندان افزود: مشترکان می‌توانند در صورت نیاز به راهنمایی با شماره ۱۵۹۴ تماس گرفته و در صورت مشاهده هرگونه نشت یا حادثه گازی، با مرکز امداد و حوادث شرکت گاز استان تهران به شماره ۱۹۴ تماس بگیرند تا کارشناسان در کوتاه‌ترین زمان اقدام کنند.

واردات ۲۵ هزار خودرو در ۶ ماه

بر اساس تازه‌ترین آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران، در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۴ حدود ۲۵ هزار دستگاه خودرو به ارزش تقریبی ۵۰۰ میلیون دلار از گمرکات کشور ترخیص شده است. به نقل از تسنیم، مقایسه این ارقام با دوره مشابه سال گذشته نشان می‌دهد که واردات خودرو روندی صعودی داشته است؛ به طوری که در پنج ماهه نخست سال ۱۴۰۴، حدود ۱۹ هزار و ۵۸۶ دستگاه خودرو به ارزش ۴۳۲ میلیون دلار وارد کشور شده بود، در حالی که در پنج ماهه نخست سال ۱۴۰۳ این رقم تنها ۱۵ هزار و ۵۰۴ دستگاه با ارزش ۳۱۷ میلیون دلار بود. در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۴ حدود ۲۵ هزار دستگاه خودرو به ارزش تقریبی ۵۰۰ میلیون دلار از گمرکات کشور ترخیص شده است. به این ترتیب، میزان واردات خودرو در شش ماهه سال جاری نسبت به پنج ماهه سال جاری از نظر تعداد بیش از ۳۰ درصد و از نظر ارزش حدود ۲۷ درصد رشد نشان می‌دهد. بر اساس اعلام منابع گمرکی، هم‌اکنون ترخیص خودرو از ۲۵ گمرک اجرایی کشور انجام می‌شود و روند ورود خودروهای جدید به بازار در ماه‌های آینده نیز تابع سیاست‌های ارزی و تصمیمات وزارت صمت در خصوص ثبت سفارش و تخصیص ارز خواهد بود.

یادداشت

آرامش در سایه عقل

قادر باستانی تبریزی

گروهی از نمایندگان به دولت تذکر داده‌اند که چرا پیام‌رسان واتساپ را رفع فیلتر کرده است. به نظر می‌رسد، امروز مواضع تُندروانه، به‌طور ناخواسته ظرفیت‌های دشمنان را در تخریب اعتماد عمومی و تضعیف انسجام ملی تقویت می‌کند. راهبرد امریکا در قبال ایران، مبتنی بر سیاست «تحلیل بردن» و رگ‌زنی تدریجی توان ملی، تضعیف اقتصاد، خسته‌سازی جامعه و تخریب امید عمومی است. این راهبرد مزورانه، به زعم خودشان پیروزی بدون جنگ و تسلیم حریف از درون است، بی‌آنکه گلوله‌ای شلیک شود. در چنین شرایطی، تُندروهایی که در داخل با رفتار و گفتار خود، جامعه را دچار دوقطبی و ستیز می‌کنند، عملا مکمل همین راهبردند؛ لابد بی‌آنکه خود بدانند.

تُندروها انگار حیات خود را در التهاب و تنش می‌یابند که با هر نشانه‌ای از گفت‌وگو، مدارا یا اصلاح، به‌یک‌باره فریاد برمی‌آورند تا فضا را دوباره قطبی کنند. این صداها از تریبون‌های رسمی، از برخی منابر نماز جمعه گرفته تا نطق‌های تُند و اهانت‌آمیز در مجلس، به گوش می‌رسد و گاه رنگ تهدید و گاه بوی تحقیر دارد. واکنش اخیر به سخنان معتدل محمدرضا باهنر، نمونه‌ای گویا از این خشم سازمان‌یافته است. در حالی که باهنر سخن از عقلانیت و میانه‌روی می‌گفت، برخی چنان بی‌پروا به او تاختند که گویی هر صدای عاقلی، تهدیدی برای بقای آنان است. همین جماعت، رییس دولت را نیز بی‌وقفه آماج حمله قرار می‌دهند؛ دولتی که بیش از هر چیز، به اعتماد و تمرکز و آرامش نیاز دارد.

وضعیت کنونی کشور عادی نیست. ایران در چهار دهه گذشته، هیچگاه تا این اندازه با تهدیدات فشرده، همزمان و چندلایه دشمنان قسم‌خورده روبه‌رو نبوده است. «در انتظار جنگ بودن» از خود جنگ فرساینده‌تر است، چون جامعه را در حالت انفعال و رکود نگاه می‌دارد و ذهن‌ها را از اندیشیدن به اصلاحات واقعی بازمی‌دارد. برخی حتی بر این باورند که ما از این مرحله بدون جنگ عبور نخواهیم کرد و قفل‌شدگی سیاسی و روانی کشور، محصول همین انتظار است.

در همین روزها، دولت بر اساس وعده‌های انتخاباتی‌اش، در پی رفع فیلتر تلگرام است که اقدامی بجا، عقلانی و در جهت اعتمادسازی است. همه دریافتند که سیاست فیلترینگ جز زیان اقتصادی و گسترش بی‌اعتمادی ثمری نداشته است. با این حال، عده‌ای با تذکر به وزیر ارتباطات به بهانه رفع فیلتر واتساپ، کوشیدند او را از ادامه مسیر بترسانند. این رفتار، اگرچه در ظاهر سیاسی است، اما در باطن این پیام روشن را دارد که هرگامی به سمت عادی‌سازی زندگی مردم، با واکنش عصبی روبه‌رو می‌شود. این اقدام را باید در کنار موج‌سازی اخیر پیرامون مساله حجاب و نیز حمله به نمادهای دولت دید؛ حلقه‌هایی از یک زنجیر برای بازگرداندن کشور به مدار تنش. اما جامعه ایران، برخلاف تصور تُندروها، خواهان زندگی عادی است. پیمایش‌ها و نظرسنجی‌های معتبر نشان می‌دهد اکثریت مردم، سیاست را از منظر کارکردی می‌سنجند. آنان از دولت انتظار دارند که اقتصاد را سامان دهد و درگیر جدال‌های فرساینده نشود. بیشتر مردم از وضعیت معیشتی ناراضی‌اند و اگر اقدامات ملموس و امیدآفرین صورت نگیرد، یأس و نارضایتی گسترش می‌یابد.

در عین حال، همین مردم به توان نظامی کشور و اقتدار دفاعی آن اعتماد دارند. از حمایت از آرمان فلسطین نیز در چارچوب منافع ملی استقبال می‌کنند. مردم به حجاب باور دارند، اما نه به شیوه اجباری و تنبیهی؛ آنان پوشش را مساله‌ای فرهنگی می‌دانند نه سیاسی، و دولت اگر بخواهد در این زمینه موفق شود باید سیاست‌زدایی کند، نه سیاست‌گذاری.

مشکل اصلی در نگاه تُندروها به فرهنگ و جامعه، نوعی سندروم کنترل است، همان رویکردی که هر پدیده نو را تهدید می‌بیند و در برابرش دیوار می‌کشد. این همان خطای تاریخی است که از استالین تا امروز مدام تکرار شده، به تصور اینکه می‌توان جامعه را از بالا مهندسی کرد و انسان جدید آفرید. نتیجه همیشه یکسان بوده است؛ رکود فرهنگی، سرکوب خلاقیت و گسترش نافرمانی پنهان. در ایران نیز هرگاه سیاست رسمی درِ گفت‌وگو را بسته، جامعه راه خود را یافته؛ از موسیقی و اینترنت تا پوشش و سبک زندگی.

در پسِ همه این تحولات، مساله‌ای عمیق‌تر نهفته است: اقدامات تُندروانه در دهه‌های اخیر، موجب گسترش فاصله میان قدرت رسمی و افکار عمومی شده و با پیشرفت فناوری‌های نوین، این شکاف به مراتب عمیق‌تر گردیده است. نسل جدید ایران در بستر رسانه‌های اجتماعی رشد کرده که ارزش‌هایش را نه از نهادهای رسمی، بلکه از تجربه زیسته در جهان شبکه‌ای می‌گیرد. این نسل، اقتدار را زمانی می‌پذیرد که بر اعتماد استوار باشد. اگر این واقعیت درک شود، نظام سیاسی فرصت خواهد یافت تا با جامعه‌ای ارتباط برقرار کند که بر پایه اعتماد و گفت‌وگو آماده تعامل است، نه فرمان و ترس.

در سال‌های اخیر، وفاداری جای کارآمدی را گرفته و تصمیم‌سازی به حلقه‌ای محدود سپرده شده است. این تمرکز قدرت، سرمایه اجتماعی نظام را مستهلک کرده و حس حذف و بی‌نقشی را در بدنه جامعه تقویت می‌کند. با این حال، اگر قرار است کیان ایران در این بزنگاه تاریخی حفظ شود، امکان اصلاح و بازتعریف توازن میان وفاداری و کارآمدی وجود دارد و همین اقدام می‌تواند مسیر اعتمادسازی و تقویت انسجام ملی را هموار سازد.

اکنون زمان تصمیم است. مسوولان مرز خود را با تُندروها روشن کنند و اجازه ندهند، صدای عقل و اعتدال در هیاهوی تهمت و تُندگویی خاموش شود. جامعه ایران بیش از هر زمان به گفت‌وگو، به امید و به اعتماد نیاز دارد. هیچ قدرتی با خشم اقلیت، دوام نمی‌آورد، اما ملتی که بر مدار عقل و احترام حرکت کند، در برابر بزرگ‌ترین تهدیدها نیز پابرجا می‌ماند.

و حرف آخر اینکه، آنچه امروز بیش از هر چیز تعیین‌کننده است، توانایی مسوولان کشورمان در مدیریت همزمان سه لایه پیچیده و در عین حال مرتبط است: اول، مدیریت تنش‌های داخلی و مهار تُندروهایی که با هیاهو و قطبی‌سازی، سرمایه اعتماد عمومی و نیز توان دولت پزشکیان را تحلیل می‌برند. دوم، تثبیت اعتماد و امید عمومی از طریق فراهم کردن بستر لازم برای ایفای نقش موفق دولت در اجرای اقدامات ملموس اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که زندگی مردم را بهبود بخشد و به پیامدهای مثبت عقلانیت اعتبار دهد و سوم، حفظ اقتدار ملی در برابر تهدیدات خارجی، به‌ویژه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های دفاعی، دیپلماتیک و استراتژیک کشور، بدون آنکه جامعه از مسیر توسعه و آرامش فاصله گیرد.

دیدگاه

«وفاق» حرکت در جهت منافع جمعی است نه در سخنرانی‌ها

رضا فضلعلی

وفاق در سایه اعتماد اجتماعی حاصل می‌شود، در یک جامعه اگر «من» و «دیگری» مطرح شود و «ما» وجود نداشته باشد، وفاق هم پایدار نخواهد بود؛ از پیامدهای اعتماد و وفاق، مسلما ایجاد وحدت و همبستگی اجتماعی است، لذا در چنین جامعه‌ای ابزارهای امنیتی، نظامی با زور و اجبار کارایی ندارند. لیکن بازگویی لزوم حفظ و ارتقای وفاق و اعتماد همگانی به تنهایی کافی نیست؛ زیرا لوازم و شرایط پدیدآورنده اقتدار و امنیت در ابتدا وجود احساس و عوامل و پیش‌نیازهای آن است. بر این باورم از شرایط اعتماد و همبستگی اجتماعی، آفرینش و تغییر و اصلاح جامعه، با تولید، مصرف و رشد مطابق نیازهای جامعه اتفاق می‌افتد و ملاک‌ها صرفا محور حیات اجتماعی نیست. از این جهت اصالت در همزیستی و داد و پس داد بر مبنای نیازهای رشد انسانی است. سیاستی که نهادهای مردمی (احزاب، اصناف، شوراها، سندیکاها و...) در جهت احیای دموکراسی واقعی در زندگی روزمره مردم به صورت بالقوه نه فقط در سخنرانی‌ها و هنگام انتخابات در کنار حاکمیت باید به کار گرفته شود. در چنین موقعیتی افراد خود را بدهکار جامعه، در درون جامعه و برای جامعه احساس می‌کنند؛ و جامعه نیز باید به شکلی متقابل وظیفه خود بداند که نیازهای او را با انواع حمایت‌ها برطرف کند. این یک مبادله دوسویه است که هر دو طرف بهره‌مند خواهند شد نه معامله (میانه‌ای از دیگرخواهی و خودخواهی!) فروپاشی نظام‌های قدیم به معنای فراگیر شدن ارزش‌های جدیدی است که بخش‌هایی از جامعه علیه ارزش‌های قدیم و مسلط آن پا به عرصه میدان گذاشته‌اند و نشانه گسست از سنت‌های قدیمی با تمامی مقاومتش در برابر آنچه نیاز و درخواست‌های جامعه امروزی است که به آن پاسخی منطقی داده نشده است. بر این اساس باور دارم به دلیل گسست و تغییر نیازهای انسانی و پدیده‌های مختلف در جهان، هیچ پارادایمی در عصر حاضر نمی‌تواند همیشگی و پایدار باشد، مگر کنترلی پویا و مستمر تا چالش‌های موجود را با عقلانیت، بتواند در زمان مناسب به فرصت تبدیل کند. در قرن گذشته دغدغه اصلی علوم انسانی، آزادی انسان‌ها بود، ولی در حال حاضر تمرکز بر عدالت و کرامت انسانی است و این عدالت به سرانجام مقصود نخواهد رسید، مگر در سایه همکاری و وفاق اجتماعی که با چارچوب‌های مناسبات عادلانه ساماندهی شده باشد. آری، راهی به جز وجود صداقت، دانش، مسوولیت‌پذیری و البته پاسخگویی تصمیم‌گیران به عملکرد گذشته و حال خود وجود ندارد.

شوربختانه تکرار آزمون و خطاهای بی‌فرجام دور باطلی است که ناشی از ماجرای شعارهایی است، که اغلب برای خرید محبوبیت، یا جلب آراء مردمی، نه در زمانی مناسب توسط برخی، بدون آنکه هیچ طرح و برنامه‌ای در چگونگی تبدیل آن شعارها برای اجرا و اقدامی پایدار در عمل ارایه کنند در کشور مطرح شده و می‌شود؛ متاسفانه تا به امروز حتی نهادهای مدنی از طریق ثبت و ضبط آنها امکان پیشگیری از تکرار این خطاهای پر هزینه را نیز فراهم نکرده‌اند؛ برای نمونه، شعارهای ابتدایی قابل پیگیری یکی از دولت‌های گذشته در زمینه عدالت اجتماعی: سهام عدالت، مسکن مهر، بنگاه‌های زود بازده و برنامه موسوم به هدفمندی یارانه‌ها، که تقریبا هیچ کدام به سرانجام مقصود نرسید، نمونه دیگر شرکت‌های دولتی یا شبه دولتی که در بسیاری از موارد فراتر از اراده دولت‌ها عمل می‌کنند، هیچ مسوولیت‌پذیری در مورد درآمدها و مخارج‌شان یا زیان‌شان نیز ندارند، همچنین تصمیمات غیر تخصصی و ناکارآمد در مواردی همچون ارزش پول ملی و ارزهای خارجی، مسکن، جمعیت، بهداشت، آموزش و...! آری، عدالت اجتماعی در سایه رویکردهای مبتنی بر مشارکت عامه و افزایش بهره‌وری امکان‌پذیر خواهد بود، نه تحریک و تشویق به مصرف! برای اینکه به واقعیت‌ها نزدیک‌تر شویم و از چگونگی سست شدن و افزایش تدریجی همبستگی در جامعه آگاه بشویم، کافی است با نگاهی گذرا به آگهی‌های رسانه ملی، ایستگاه‌های مترو یا تابلوهای بزرگ در اتوبان‌ها و میدان‌های شهر اندکی توجه کنیم، با عناوینی همچون: اینترنت (بیشتر مصرف کن تا بیشتر جایزه و تخفیف بگیری)، انواع شهرهای لوازم خانگی (هر جوری خواستی قسط بده)، فروش موتورسیکلت قسطی (با بهره و بی‌بهره)، خرید از فروشگاه‌های زنجیره‌ای (برای میلیاردر شدن)، تبلیغات بانک‌ها (بهره بیشتر)، فروش انواع بیمه توسط شرکت‌هایی در فضای مجازی (قسطی با تخفیف‌های باور نکردنی) و ده‌ها مورد دیگر که بدون تردید گوشه‌ای از آرزوهای سخت یا دست‌نیافتنی اکثریت جامعه و فریادی از اقتصاد بیمار است؛ آیا با چنین وضعی می‌توان به پایداری مشارکت یا وفاق اجتماعی امیدوار بود؟ این گونه آگهی‌ها برای سود بیشتر به ما می‌گویند: از چه استفاده کنیم، چگونه استفاده کنیم، چه مقدار استفاده کنیم و از چه چیزهایی استفاده نکنیم. در حقیقت سبک زندگی خاصی را در میان مخاطبان خود ترویج می‌کنند، به همین علت پیام‌های بازرگانی فقط ابزاری برای معرفی کالاها نیستند، بلکه امیدهای دست نیافتنی جامعه در آن نهفته است. به راستی این پیام‌ها چه نوع زندگی پیشنهاد می‌کنند؛ کدام یک شبیه فرهنگ اصیل اسلامی یا ایرانی است؟!

بدون تردید فرق است بین آنچه آرمان ما می‌باشد و آنچه قدرت و توان ما در عمل و واقعیت وجود دارد لذا آرمانگرایی واقع‌نگر باید بر مبنای عقلانیت همراه با اخلاق اجتماعی و توانایی در خروج از وضعیت‌های بحرانی با توجه به ساختارهای خرد و کلان در سطوح سرزمینی و فراسرزمینی باشد. بر این اساس اگر واقعا اراده‌ای و برنامه‌ای برای همبستگی جمعی وجود داشته باشد در مواردی مانند: تولید، اشتغال، تغییر یا اصلاح ساختارهای نهادی به صورت نظام‌مند، مبارزه واقعی بر علیه رانت، ربا، فساد و واسطه‌گری بایستی در عمل آشکار شود. فیلمی قدیمی را به خاطر دارم، به نام «مردی که زیاد می‌دانست» در آن فیلم بر اثر یک اتفاق، فردی یک روز زودتر روزنامه‌های فردا به دستش می‌رسید؛ به همین دلیل بیشتر از دیگران و زودتر از دیگران اتفاق‌ها را پیش‌بینی می‌کرد. قصدم از بیان این خاطره این است: هنگامی که در یک نظام اقتصادی گروهی سودجو و قدرت‌طلب، خبرها را زودتر از دیگران توسط رانت یا نفوذ خود به دست می‌آورند، نتیجه‌اش می‌شود گرانی ارز، طلا یا احتکار برخی از کالاها! بر این باورم از عوامل مهم عدم وجود وفاق در این دوران به جز جنگ و انقلاب، هیچ چیز دیگری از نظر گستردگی و تاثیرگذاری مستقیم و با سرعت، نمی‌تواند با موضوع روانی تورم در هر جامعه‌ای رقابت کند. در هنگام تورم پول به صورت ناگهانی شخصیت و ارزش خود را از دست می‌دهد و سبب می‌شود تا مردم به سوی خصیصه‌های قابل اعتمادتر تمایل پیدا کنند، آنگاه چیزهای دیگر با نامی دیگر پول رایج می‌شود و پول واقعی گذشته هر روز وضعیتش بدتر از دیروز می‌شود لذا هر حاکمیتی می‌باید از آن بهراسد، زیرا جامعه مورد نظر تا دیروز مثلا میلیون، برایش بسیار بود ولی به ناگاه همان میلیونی که واحدی برای اعتماد به رای دادن‌ها یا مشارکت‌های جمعی به حساب می‌آمد امروز در حساب‌های بانکی‌اش دیگر ارزشی ندارد؛ لذا انسان‌هایی که به دلایل متفاوت پیوندهایی با یکدیگر داشتند دیگر توان تحمل این دوگانگی در واژه‌ها را ندارد به همین علت آرام آرام از یکدیگر فاصله می‌گیرند.

فراموش نکنیم، ایران به دلیل تنوع قومی، زبانی، دینی، مذهبی و فرهنگی دارای ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و فرهنگی متفاوتی است که بتوان با یک قانون و معیار خاص نظم و همدلی را برقرار کرد. جامعه همانند یک متن باید از اجزا و مفاهیم مختلف و در مواقعی نیز، متکثر تشکیل شده باشد؛ که در عین تکثر، در درون خویش به دنبال فهم و وحدتی از خودش است. مشارکت اجتماعی مشابه سیستمی است که کارکرد عناصر و اجزای آن منجر به تعادل و موازنه در جامعه می‌شود؛ در واقع افراد باید در یک فرآیندی عمومی و اجتماعی در عین مسوولیت‌پذیری و احساس تعلق به کل سیستم برای رسیدن به کنشی هدفمند، فعالیتی پویا داشته باشند.

لذا معتقدم تا زمانی که ساختارها با الگوی ناقص کار کنند، دستکاری‌های جزیی و موضعی فقط زمان را هدر می‌دهند و هزینه‌های ناشی از افزایش نابرابری‌ها، باعث تضعیف توانایی تولید ملی و تشدید ناهنجاری‌های اجتماعی خواهد شد. شعار مبارزه با فساد به صورت افراطی در جامعه امروز بسیار شنیده می‌شود ولی متاسفانه عدالت اجتماعی واقعی در یک اقتصاد سیاسی رانتی نمی‌تواند مبارزه جدی با فساد تلقی شود. به تعبیر شهید بهشتی «عدالت در اخلاق زیربنای تمامی عدالت‌هاست» وفاق و عدالت زمانی در جامعه پایدار خواهد بود که بنیان‌های اولیه اخلاقی در درون جامعه نهادینه شده باشد؛ امروزه در رسانه‌ها و فضای مجازی بسیاری از مسوولان گذشته و حال با متهم کردن دیگران از وضع موجود گلایه‌مند هستند و همه اصلاح وضع موجود را در حد شعارهای عدالت‌خواهانه، بدون آنکه راه‌حلی ارایه دهند را فقط پیشنهاد می‌کنند. سخنان وزیر امور خارجه هند را در آخرین مجمع عمومی سازمان ملل به خاطر دارم که هشدار می‌داد «این سازمان در وضعیت بحرانی و دچار بن‌بست است و خواستار پرداختن هدفمند به دستور کار اصلاحی و تقویت همکاری بین‌المللی برای مقابله با چالش‌های موجود جهان شد، وی وضعیت کنونی همبستگی جهانی را نامناسب توصیف کرد و پیشرفت در تحقق اهداف توسعه پایدار تا ۲۰۳۰ را «تصویری تأسف‌بار» خواند. همچنین کشورهای ثروتمند را متهم کرد که خود را در برابر ناامنی‌های جهان امروز مصون نگاه داشته‌اند، در حالی که کشورهایی با محدودیت منابع، برای بقا می‌جنگند، از کشورهای قدرتمند (صاحب حق وتو) فقط «موعظه‌های اخلاقی» شنیده می‌شود.» آری او در سطح بین‌المللی موضوع مهمی را مطرح کرد، که ما باید با عقلانیت در سطح ملی به آن توجه کنیم، زیرا ادامه وضع موجود با متهم کردن یکدیگر عواقب جبران‌ناپذیری خواهد داشت، که سود آن به جز بدخواهان به کسی نخواهد رسید.

به یقین با وجود رقابت بر سر منافع و آرمان‌ها، باید حرکت‌ها به سمت عدالت در توزیع منابع همگانی استوار باشد؛ تمامی حاکمیت‌ها مدعی حرکت به سوی توسعه‌ای نظام‌مند در خصوص عدالت هستند، در حالی که باید تابع مشروعیت باشند، تا دال بر محق بودن خود در اعمالشان، و همچنین بر کسانی که مخالف جریان موجود هستند را بتوانند ارائه بدهند، پس حفظ کرامت و حرمت اشخاص با وجود پذیرش اختلاف نظر در مسیر تصمیمات، مدام چالشی است که نیازمند اقتدار واقعی است، اقتداری که قبل از هر چیزی مشروعیت لازمه آن است؛ مشروعیتی که از نگاه لیبرال‌ها به میزان آن وابسته است و گرنه در اصل بود و نبود آن شکی نیست. در نتیجه تا دیرتر از این نشده باید صداهایی که شنیده نمی‌شوند را شنید و افرادی را که به حاشیه فرستاده شده‌اند را با روی خوش به جامعه باز گرداند، زیرا تنها راه وفاق جمعی حرکت به سوی منافع جمعی با هر عقیده و نگاهی است، هر چند که مخالف نظر ما باشند.

دکترای علوم سیاسی - مسائل ایران

شهرداری اهواز

آگهی مناقصه عمومی

نوبت دوم

شناسه آگهی: ۲۰۲۴۱۵۸

شهرداری اهواز در نظر دارد پروژه مشروحه ذیل را از طریق مناقصه به شرکت‌های واجد شرایط واگذار می‌نماید.

ردیف	عنوان مناقصه	مبلغ برآورد / ریال	مبلغ تضمین ۵٪ شرکت در مناقصه	حداقل رتبه مورد نیاز
۱	احداث دیوارنگار فلکه شهدا در حوزه خدماتی منطقه یک شهرداری	۶۰/۹۹۹/۶۵۹/۵۱۲ ریال	۳/۰۵۰/۰۰۰/۰۰۰	رتبه ۵ ابنیه سازمان مدیریت و برنامه ریزی

از پیمانکاران واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید. جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ لغایت ۱۴۰۴/۰۷/۲۸ (ساعت ۱۹) به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مواجه نمائید.

- در شرایط یکسان اولویت با پیمانکاران بومی خواهد بود.
- آخرین مهلت قبول پیشنهادهای مناقصه‌گران از آخرین روز دریافت اسناد به مدت ۱۰ روز کاری در سامانه ستاد است. حداکثر مهلت بارگذاری اسناد در سامانه ستاد تا روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۴/۸/۸ (ساعت ۱۹) می‌باشند. ضمنا آخرین مهلت تحویل پاکات فیزیکی تا قبل از گشایش پاکات روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ به اداره قراردادهای مستقر ساختمان شماره ۳ شهرداری می‌باشد.
- لازم به ذکر است مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد قیمت می‌بایست از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) www.setadiran.ir به آدرس مذکور صورت پذیرد و مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی (توکن) را جهت شرکت در مناقصه را محقق سازند.
- پرداخت هزینه انتشار آگهی و وجوه قانونی سامانه ستاد به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
- پیشنهاد قیمت‌ها در صورتی قابل بررسی می‌باشد که اسناد فیزیکی قبلا در سامانه ستاد بارگذاری و مورد تایید باشند.
- شهرداری در رد یک یا تمام پیشنهادها مختار می‌باشد.
- مبلغ ضمانتنامه شرکت در مناقصه پنج درصد اولیه می‌باشند که می‌بایست به یکی از دو طریق ذیل ارائه شود.

«الف» - فیش واریزی مبلغ فوق به حساب ۰۲۰۳۹۹۴۳۹۸۰۰۱ شهرداری اهواز نزد بانک ملی به نام شهردار اهواز

«ب» به صورت ضمانتنامه بانکی به نام شهرداری اهواز و به مدت سه ماه از تاریخ افتتاح پیشنهادها.

تبصره: محل اعتبارات این مناقصه از بودجه جاری شهرداری (منابع داخلی) می‌باشد.

- برندگان اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنها ضبط خواهد شد.
- تاریخ برگزاری کمیسیون مناقصه روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ در ساعت ۱۱ صبح در محل ساختمان شماره ۳ شهرداری (اداره قراردادها) می‌باشد.

نتیجه کمیسیون مطابق آیین نامه معاملات شهرداری تهران (کلانشهرها) اعلام خواهد شد.

- به استناد بند ۵ ماده ۱۱ آیین نامه معاملات شهرداری تهران (کلانشهرها) میزان تضمین حسن انجام تعهدات قرارداد معادل ۵٪ مبلغ قرارداد می‌باشد.
- شرکت در مناقصه و دادن پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف شهرداری موضوع ماده ۱۰ آیین نامه معاملات شهرداری تهران (کلانشهرها)
- به برنده مناقصه پیش پرداخت داده نخواهد شد.
- کلیه شرکتهای محروم از اجرای کار، حق شرکت در این مناقصه را ندارند.
- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج شده است.

اداره کل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری اهواز

مجتمع فولاد مبارکه

آگهی فراخوان شرکت فولاد مبارکه اصفهان

ردیف	نوع آگهی	شماره آگهی	موضوع	مهلت ارسال مدارک
۱	مناقصه عمومی	۴۸۶۲۶۸۷۴ ۴۸۶۱۶۹۰۵	طراحی، خرید نصب و اجرای پنج دستگاه پینس جهت جابه‌جایی ورق‌های گرم در ناحیه نورد گرم در شرکت فولاد مبارکه.	۱۴۰۴/۰۸/۱۰
۲	مناقصه عمومی	۴۸۵۹۹۶۶۴ ۴۸۵۹۹۶۶۵	طراحی، خرید تجهیزات اصلی و قطعات یدکی، نصب، راه‌اندازی و آموزش سیستم اتوماسیون صنعتی و دیتالاگر کوره‌های قوس الکتریکی فولادسازی در شرکت فولاد مبارکه.	۱۴۰۴/۰۸/۱۰
۳	مزایده	۱۴۰۴۴۰۰۱۶۴	فروش انواع ضایعات نسوز از طریق مزایده عمومی، پیشنهادات خود را در پاکت دربسته قرار داده و از ساعت ۱۰ تا ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ به آدرس اصفهان - کیلومتر ۷۵ جنوب غربی - شرکت فولاد مبارکه (ورود از درب زرین شهر) - ساختمان مرکزی - واحد اقلام مازاد به نماینده واحد اقلام مازاد تحویل نمایند. بازدید از اقلام مزایده روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ رأس ساعت ۹ صبح با مکانیزم داخلی از محل درب زرین شهر انجام می‌گیرد. پیشنهادات واصله در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ در محل شرکت فولاد مبارکه گشایش و صور تجلسه خواهد شد. اقلام مورد مزایده: ۴۰۰۰ تن ضایعات نسوز شامل آجر کربن، AMC، آلومینا، شاموت، انواع جرم و... بصورت درهم - ۲۵۰ تن آجر آلومینایی ضد اسید ضایعاتی - ۲۰۰ تن آجر منیزیت کرومیت واحد گاززدایی ۵۰۰۰ - RH تن آجر منیزیت کربن کوره‌های قوس الکتریکی و خط سرباره پاتیل به صورت جاروبکش - ۱۰۰۰۰ تن آجر AMC (آلومینا-منیزیت-گرافیت) بدنه و کف پاتیل به صورت جاروبکش شماره تماس: ۰۳۱۵۲۷۳۳۱۹۳	۱۴۰۴/۰۸/۱۱
۴	مزایده	۱۴۰۴۴۰۰۱۶۶	فروش ماهیان دریاچه از طریق برگزاری مزایده عمومی، پیشنهادات خود را حداکثر از ساعت ۱۰ لغایت ۱۲ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۹ به آدرس اصفهان - کیلومتر ۷۵ جنوب غربی - شرکت فولاد مبارکه (ورود از درب زرین شهر) - ساختمان مرکزی - واحد اقلام مازاد، به نماینده واحد اقلام مازاد تحویل نمایند. پیشنهادات واصله در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ در محل شرکت فولاد مبارکه گشایش و صور تجلسه خواهد شد. بازدید از اقلام مزایده روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۶ در یک نوبت، رأس ساعت ۹ صبح در محل شرکت فولاد مبارکه (حرکت از درب زرین شهر) با مکانیزم داخلی انجام می‌گیرد. شماره تماس: ۰۳۱۵۲۷۳۳۴۲۸ (آقای غلامی) اقلام مورد مزایده: ماهیان دریاچه از نوع کپور، آمور و فیتوفاگ	۱۴۰۴/۰۷/۲۹

جهت دریافت اسناد و کسب اطلاعات بیشتر در خصوص فراخوان‌های عمومی ارزیابی کیفی مناقصات و مزایدات به وبسایت شرکت به نشانی www.msc.ir قسمت مناقصات مراجعه و طبق راهنمای موجود نسبت به انتخاب فراخوان مورد نظر اقدام نمایید. اطلاعات سایر فراخوان‌ها از طریق سایت شرکت و صفحه رسمی فراخوان‌های شرکت در شبکه‌های اجتماعی به نشانی Ads-msc@ یا شماره تماس‌های ۰۳۱۵۲۷۳۳۶۹۰ - ۰۹۰۱۰۰۴۲۶۲۷ قابل دسترس می‌باشد.

مدیریت ارتباطات و برند سازمانی گروه فولاد مبارکه

۱۴۰۴-۳۴

پیشخوان Pishkhan.com

پیشخوان Pishkhan.com

گزارش

طبق بررسی‌های «اعتماد»؛ در نیمه اول مهر ماه جاری دست‌کم ۳۲ تصادف مرگبار در جاده‌ها رخ داده است

سفر به مقصد مرگ

گروه حوادث

بیش از ۵۰ درصد تصادفات به علت خطای انسانی و اشتباه راننده از جمله سرعت و سبقت غیرمجاز، خستگی و خواب‌آلودگی راننده، مصرف مواد مخدر یا الکل و استفاده از موبایل هنگام رانندگی رخ داده است. همچنین وضعیت نامناسب جاده‌ها نیز در وقوع تصادفات جاده‌ای بی‌تاثیر نبوده است؛ هفدهم مهر ماه «احمد کرمی‌اسد»، رییس پلیس راه کشور از شناسایی ۸۸۷ نقطه حادثه‌خیز جاده‌ای در کشور خبر داد و گفت: «از سال گذشته تاکنون، ۸۸۷ نقطه حادثه‌خیز در سراسر کشور شناسایی و اقدامات لازم برای رفع آنها انجام شده است، به‌طوری که تقریبا کمتر از ۱۰۰ نقطه مانده تا رفع آنها انجام شود.»

طبق بررسی‌های «اعتماد» از اخبار رسمی در نیمه اول مهر ماه دست‌کم ۳۲ تصادفات جاده‌ای در ایران رخ داده که اکثرا منجر به جان باختن رانندگان یا سرنشینان شده است. هر چند آمار تصادفات در تهران نیز نگران‌کننده شده و هفته گذشته «رابعه جوانبخت»، رییس اداره تصادفات پلیس راهور تهران نسبت به افزایش شمار قربانیان تصادفات در تهران هشدار داده است. همچنین «فیروز کشیر»، معاون اجتماعی پلیس راهور تهران گفت: «طی هفته اول مهر ۱۴۰۴ در تهران ۵۲۸ تصادف جرحی ثبت شده که بر اساس نوع کاربری؛ تعداد ۲۹۹ مورد موتورسیکلت، ۱۰۰ مورد عابر پیاده و ۲۹ مورد خودرو بوده است. بیشترین تصادفات جرحی در بازه زمانی ۱۶ تا ۲۰ به تعداد ۹۶ فقره رخ داده است که رتبه اول را به خود اختصاص داده، پس از آن بازه ۸ تا ۱۲ با ۸۶ فقره و بازه ۱۲ تا ۱۶ با ۸۲ فقره قرار دارند. گروه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال با ۱۴۰ نفر رتبه اول، گروه ۳۰ تا ۴۰ سال با ۱۱۲ نفر رتبه دوم و گروه ۴۰ تا ۵۰ سال با ۸۳ نفر رتبه سوم را در آمار تصادفات جرحی داشته‌اند. هفته اول مهر، ۱۳۱ فقره تصادف در بزرگراه‌ها، ۲۳۷ فقره در خیابان‌های اصلی و ۶۰ فقره در خیابان‌های فرعی ثبت شده است.» «اعتماد» در این گزارش با استناد به خبرگزاری‌های رسمی به مهم‌ترین اخبار تصادفات جاده‌ای در نیمه اول مهر ماه جاری پرداخته است.

چهار کشته در تصادف جاده‌ای کرمانشاه

پانزدهم مهر ماه، سانحه رانندگی در محور کرمانشاه به روانسر چهار کشته و یک مصدوم برجای گذاشت. مسعود قلعه‌سفیدی، رییس اورژانس پیش‌بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در تشریح جزییات این سانحه توضیح داد که این حادثه در نزدیکی روستای کانی‌شریف رخ داد و بر اثر آن یک دستگاه خودروی پراید با پژو پارس باعث این تصادف مرگبار شد. مصدوم این حادثه توسط آمبولانس اورژانس ۱۱۵ به بیمارستان طالقانی کرمانشاه منتقل شد.

تصادف مرگبار موتور با شتر در هرمزگان

سیزدهم مهر ماه، برخورد یک دستگاه موتورسیکلت با شتر در مسیر روستای زیارت در شرق هرمزگان موجب برخورد تریلی با راکبان شد و حادثه‌ای مرگبار رقم زد که در پی آن دو نفر جان خود را از دست دادند و یک نفر دیگر به شدت مصدوم شد. به گفته منابع محلی بر اثر برخورد یک دستگاه موتورسیکلت با شتر در مسیر روستای زیارت در منطقه سیریک به میناب در شرق هرمزگان و بعد موجب برخورد راکبان با یک دستگاه تریلی عبوری شد. در پی این حادثه دلخراش که حدود ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه شب رخ داد، دو نفر در دم جان باختند و حال یکی دیگر از سرنشینان به شدت وخیم گزارش شده است. شترهای سرگردان در محورهای مواصلاتی شرق هرمزگان به بحرانی مرگبار برای شهروندان تبدیل شده‌اند. سال گذشته، چندین نفر از جمله رییس دادگستری این شهرستان بر اثر برخورد با این حیوانات جان خود را از دست داده‌اند. با وجود آنکه اخیرا دادستان جاسک دستور ساماندهی و نصب شبرنگ روی شترها را صادر کرده است، این معضل همچنان ادامه دارد و هر از چند گاهی جان هموطنان را در جاده‌های این شهرستان می‌گیرد.

فوت چهار دانش‌آموز بر اثر تصادف در جاده اندیمشک

سیزدهم مهر ماه، مهران احمدی‌بلوطکی از تصادف ۲ موتورسیکلت در جاده اندیمشک به سد سرخه خبر داد و گفت: «در یک حادثه در مسیر اندیمشک به سمت سد کرخه ۲ دستگاه موتورسیکلت با یکدیگر برخورد کردند که نیروهای اورژانس بلافاصله در محل حاضر شدند. این حادثه منجر به فوت چهار نوجوان با سنین ۱۳،۱۲ و ۱۴ ساله شد.»

تصادف مرگبار در مرز تایباد

سیزدهم مهر ماه، احمد کرمی‌اسد، رییس پلیس راه فراجا اعلام کرد: «استان خراسان رضوی، مرز تایباد، یک دستگاه سمند حامل ۱۰ تبعه غیرمجاز هنگام تردد با شرایط نامناسب، به دلیل عبور از مسیر غیرایمن و تلاش برای فرار از کنترل همکاران انتظامی، با یک دستگاه کامیون شاخ به شاخ و این حادثه منجر به فوت ۳ نفر و مصدومیت ۷ نفر دیگر شد. رانندگان این خودروها به دلیل تخلفات خود عمدتا از مسیرهای غیرایمن عبور می‌کنند و وقوع چنین حوادثی اجتناب‌ناپذیر است مگر آنکه اقدامات کنترلی و انتظامی تقویت شود.»

تصادف مرگبار در محور نقده به پیرانشهر

دوازدهم مهر ماه، امیر آقاعلی‌نژاد، مسوول اورژانس و فوریت‌های پزشکی ۱۱۵ نقده گفت: «گزارشی مبنی بر تصادف یک دستگاه تریلی با خودروهای پژو ۴۰۵ و خودرو پراید در نزدیکی روستای قارنه نقده دریافت شد. در این حادثه یک نفر در صحنه تصادف فوت کرد و چهار نفر دیگر به بیمارستان منتقل شدند که یکی از آنان نیز در بیمارستان جان خود را از دست داد.»

تصادف در آزادراه قم- تهران

دوازدهم مهر ماه، محمدجواد باقری، رییس اورژانس پیش‌بیمارستانی و مدیریت حوادث ۱۱۵ استان قم گفت: «یک دستگاه پژو ۴۰۵ در آزادراه قم- تهران واژگون که منجر به مصدومیت ۴ نفر شد. در این حادثه مورد فوتی یا بدحال گزارش نشد.»

تصادف مرگبار در بلوار بروجردی

دوازدهم مهر ماه، محمدجواد باقری، رییس اورژانس پیش‌بیمارستانی و مدیریت حوادث ۱۱۵ استان قم اعلام کرد: «یک تصادف در بلوار بروجردی به سمت مرجعیت اتفاق افتاد که برخورد پراید با تانکر آب، منجر به فوت راننده‌ای ۴۲ ساله شد.»

تصادف مرگبار در جاده قم به کاشان

دوازدهم مهر ماه، محمدجواد باقری، رییس اورژانس پیش‌بیمارستانی و مدیریت حوادث ۱۱۵ استان قم گفت: «در جاده قدیم قم- کاشان و محدوده سی‌متری سنگبری‌ها تصادفی رخ داد که در آن برخورد یک دستگاه تریلی با موتور منجر به فوت یک آقا شد.»

تصادف در جاده دماوند فیروزکوه

یازدهم مهر ماه، ابوالفضل زمانی‌نژاد، فرماندار فیروزکوه گفت: «قبل از ساعت ۸ صبح، یک دستگاه اتوبوس حامل ۳۴ سرنشین از مسیر دماوند فیروزکوه منحرف و در دره‌ای در مجاورت جاده اصلی واژگونی شد. این حادثه منجر به فوت سه خانم و یک آقا شد. از میان ۳۰ نفری که در این حادثه آسیب دیدند، سه نفر به صورت سرپایی درمان و ۲۷ نفر دیگر برای دریافت خدمات درمانی اعزام شدند. از میان این ۲۷ نفر، چهار نفر از مجروحان با امداد هوایی به بیمارستان امام خمینی تهران انتقال یافتند و دیگر مجروحان نیز به بیمارستان امام خمینی شهرستان فیروزکوه و برخی به بیمارستان دماوند منتقل شدند.»

تصادف زنجیره‌ای ۱۲ خودرو در شرق مازندران

یازدهم مهر ماه، غلامعلی فخاری، مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر مازندران گفت: «حادثه تصادف زنجیره‌ای میان ۱۲ دستگاه خودروی سواری در کیلومتر ۹ محور گلوگاه به بهشهر، ساعت ۱۷ و ۵۸ دقیقه به مرکز کنترل و هماهنگی عملیات استان گزارش و بلافاصله یک گروه عملیاتی از پایگاه امداد و نجات پاسند به همراه یک دستگاه آمبولانس به محل حادثه اعزام شد. این سانحه ۲۹ نفر حادثه‌دیده داشت که ۷ نفر مصدوم شدند.»

تصادف زنجیره‌ای در گرگان

یازدهم مهر ماه، مرتضی سلیمی، سرپرست جمعیت هلال‌احمر گلستان اعلام کرد: «یک تصادف زنجیره‌ای حوالی میدان مفتح گرگان که طی آن سه خودروی سواری ساینا، پژو ۲۰۷ و پژو پارس به شدت با یکدیگر برخورد کردند و ۱۱ نفر مصدوم شدند. نجاتگران هلال‌احمر در هماهنگی با نیروهای اورژانس، اقدامات اولیه امدادی را به سرعت انجام دادند و تمامی ۱۱ مصدوم این حادثه را برای مداوا به مراکز درمانی منتقل کردند.»

تصادف در محور پردیسان تقاطع شهرک قدس

یازدهم مهر ماه، محمدجواد باقری، رییس اورژانس پیش‌بیمارستانی و مدیریت حوادث ۱۱۵ استان قم اعلام کرد: «در محور پردیسان به مرجعیت و قبل از تقاطع شهرک قدس رخ داد که سه دستگاه خودروی سواری با یکدیگر برخورد کردند. این حادثه ۹ مصدوم برجای گذاشت که خوشبختانه مورد فوتی یا بدحال نداشت.»

تصادف مرگبار در محور میرجاوه

یازدهم مهر ماه، حسن شه‌بخش، معاون اورژانس پیش‌بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان گفت: «روز جمعه در محور میرجاوه به زاهدان یک خودرو پژو و پیکان وانت با یکدیگر برخورد داشتند که در این سانحه دو نفر کشته و سه نفر مصدوم شدند. برای امدادرسانی به این مصدومان، دو دستگاه آمبولانس از پایگاه میرجاوه به محل حادثه اعزام و مجروحان پس از اقدامات اولیه درمانی به مراکز درمانی منتقل شدند. یکی از علت‌های اصلی تصادفات جاده‌ای در استان، سرعت زیاد و عدم توجه به علایم رانندگی است.»

تصادف زنجیره‌ای در اهواز

دهم مهر ماه، مهران احمدی‌بلوطکی، رییس اورژانس پیش‌بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز از مصدوم شدن پنج نفر در پی برخورد زنجیره‌ای چند خودرو در محور هفتکل -اهواز خبر داد و گفت: «در پی برخورد زنجیره‌ای سه خودرو که ساعت ۱۲ و ۳۸ دقیقه در کیلومتر ۱۵ محور هفتکل- اهواز رخ داد، پنج نفر مصدوم شدند. مصدومان این حادثه سه مرد ۴۷، ۴۲ و ۴۱ ساله و دو زن ۲۱ و ۵۷ ساله بودند که توسط دو دستگاه آمبولانس اورژانس و یک دستگاه آمبولانس جمعیت هلال‌احمر به درمانگاه درمان بستر هفتکل منتقل شدند.»

تصادف در خراسان شمالی با ۹ مصدوم

دهم مهر ماه، ابوالفضل محبان، مدیرعامل جمعیت هلال احمر خراسان شمالی اعلام کرد: «برخورد ۲ دستگاه پراید در حوالی روستای تنگه ترکمن به سمت پاسگاه شهرستان راز و جرگلان خراسان شمالی ۹ نفر را مصدوم کرد و باعث ایجاد ترافیک و نگرانی در مسیر شد.»

تصادف مرگبار در محور شهرضا اصفهان

دهم مهر ماه، روابط عمومی اورژانس پیش‌بیمارستانی استان اصفهان اعلام کرد: «برخورد یک دستگاه کامیونت با خودروی لیفان در محور شهرضا -اصفهان، تقاطع شاهزاده علی‌اکبر، چهار نفر کشته و یک مصدوم برجای گذاشت. قربانیان شامل ۲ زن و ۲ مرد ۳۰ تا ۴۰ ساله بودند که در محل حادثه جان باختند.»

تصادف زنجیره‌ای مرگبار در محور کامیاران

نهم مهر ماه، بابک هدایتی، رییس اورژانس پیش‌بیمارستانی استان کردستان گفت: «گزارشی از وقوع یک تصادف زنجیره‌ای در کیلومتر ۲۵ محور کامیاران به سمت پالنگان به مرکز پیام اورژانس ۱۱۵ اعلام شد که بلافاصله سه دستگاه آمبولانس از نزدیک‌ترین پایگاه‌های اورژانس به محل حادثه اعزام شد. در این حادثه که میان ۲ دستگاه پژو ۴۰۵ و یک دستگاه پیکان رخ داد، یکی از سرنشینان در صحنه جان باخت. چهار نفر دیگر هم در جریان این سانحه دچار مصدومیت شدند که توسط کارشناسان اورژانس پس از اقدامات اولیه درمانی در محل، برای ادامه مراقبت‌های پزشکی به بیمارستان سینا کامیاران منتقل شدند.»

تصادف مرگبار در محور سمنان

هشتم مهر ماه، حسین درخشان، مدیرعامل هلال‌احمر استان سمنان از تصادف یک دستگاه اتوبوس حامل دانشجویان در جاده سمنان به سرخه خبر داد و گفت: «تصادف و خروج از جاده یک دستگاه اتوبوس در جاده سمنان به سرخه به مرگ دو نفر از سرنشینان اتوبوس دانشجویان دانشکده پیراپزشکی انجامید. اتوبوس از سمنان به سمت سرخه در حرکت بوده که بعد از برخورد آن با یک تریلی از جاده خارج می‌شود.» این حادثه منجر به کشته شدن سه دانشجو و مصدومیت بیش از ۲۰ دانشجو شده است.

تصادف در محور شوش با دو کشته و سه مصدوم

هفتم مهر ماه، مهران احمدی‌بلوطکی، رییس اورژانس پیش‌بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز گفت: «در ساعت ۱۷ و ۵۸ دقیقه حادثه‌ای دلخراش در محور شوش به اهواز و در محدوده سه‌راهی چغازنبیل رخ داد. این سانحه رانندگی منجر به جان باختن دو نفر و مصدومیت سه نفر شد. به محض اطلاع از وقوع حادثه، سه دستگاه آمبولانس به محل اعزام شدند. تیم‌های امدادی با حضور سریع در صحنه، اقدامات اولیه درمانی را آغاز کردند و دو نفر از مصدومان که در وضعیت وخیم قرار داشتند، به بیمارستان شوش منتقل شدند.»

تصادف زنجیره‌ای در محور مریوان-سنندج

هفتم مهر ماه، پیام جلالی، مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر کردستان از وقوع تصادف زنجیره‌ای در محور مریوان- سنندج و جان باختن یک نفر و مصدومیت پنج نفر دیگر خبر داد و گفت: «این حادثه بر اثر برخورد زنجیره‌ای میان ۲ دستگاه خودروی سواری و یک دستگاه کامیون رخ داد که بلافاصله نیروهای عملیاتی پایگاه امداد و نجات باغان شهرستان مریوان به محل حادثه اعزام شدند. تیم‌های عملیاتی هلال‌احمر بلافاصله در محل حادثه حاضر شده و پس از انجام اقدامات رهاسازی برای یک نفر محبوس در خودرو انجام و با همکاری عوامل اورژانس ۱۱۵ مصدومین را به مراکز درمانی منتقل کردند.»

تصادف در شادگان

ششم مهر ماه، یاسین افرا، رییس اورژانس پیش‌بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی آبادان گفت: «بر اثر برخورد ۲ خودروی پراید و شاهین در روبه‌روی نهر سلطان در محور سه‌راهی خوردورق شادگان، هفت نفر مصدوم شدند. در این سانحه پنج مرد در سنین ۸۳، ۶۲، ۵۰، ۳۸ ساله و یک پسربچه ۶ ساله و یک زن ۳۷ ساله مصدوم شدند.»

تصادف مرگبار در جاده قره کهریز اراک

ششم مهر ماه، بهروز ایران‌نژاد، رییس اورژانس پیش‌بیمارستانی و حوادث دانشگاه علوم پزشکی استان مرکزی گفت: «تصادف در جاده قره کهریز، زیر پل ضامنجان در محدوده شهر اراک ۲ فوتی برجای گذاشت. در این سانحه، مردی حدود ۳۰ ساله در صحنه حادثه در دم جان خود را از دست داد. همچنین مرد ۴۵ ساله دیگری به‌رغم انجام عملیات احیای قلبی- ریوی و تلاش‌های انجام شده و انتقال به بیمارستان امیرالمومنین به دلیل شدت جراحات وارده فوت شد.»

تصادف مرگبار در خواف

ششم مهر ماه، یونس بهره‌مند، مدیر روابط عمومی شبکه بهداشت و درمان خواف گفت: «تصادف خودروی حامل دانش‌آموزان در جاده شهر سده از توابع شهرستان خواف، موجب مصدومیت سه دانش‌آموز و فوت راننده شد. در این حادثه یک خودروی سواری پراید در جاده شهر سده از توابع خواف با یک درخت برخورد کرد. مصدومان با آمبولانس‌های اورژانس ۱۱۵ حوزه سلامی و چمن‌آباد بعد از اقدامات پیش‌بیمارستانی برای تکمیل معاینات پزشکی و درمان به بیمارستان ۲۲ بهمن خواف منتقل شدند.»

تصادف خودرو با کودکان در نسیم‌شهر

ششم مهر ماه، شروین تبریزی، سخنگوی اورژانس تهران از مصدومیت ۶ کودک بر اثر برخورد یک خودرو سواری در نسیم‌شهر خبر داد و گفت: «در ساعت ۱۸ و ۳۲ دقیقه، گزارش وقوع تصادف بین یک دستگاه خودروی سواری و ۶ کودک عابر پیاده در نسیم‌شهر به مرکز ارتباطات اورژانس استان تهران اعلام شد. با اعلام این حادثه، بلافاصله ۳ دستگاه آمبولانس و یک دستگاه خودروی فرماندهی به محل اعزام شدند. متاسفانه ۶ نفر مصدوم که پس از دریافت اقدامات اولیه درمانی توسط کارشناسان اورژانس استان تهران، جهت ادامه درمان به بیمارستان امام حسین(ع) سبزدشت منتقل شدند.»

تصادف در هشتگرد

ششم مهر ماه، بر اثر برخورد دو دستگاه تاکسی پراید و جرثقیل در میدان سپاه هشتگرد ۵ نفر مصدوم شدند. احمد مهدوی، رییس اورژانس استان البرز گفت: «حادثه تصادف در ساعت ۱۴ و ۲۹ دقیقه در میدان سپاه هشتگرد رخ داد و بلافاصله دو دستگاه آمبولانس برای رسیدگی به حادثه اعزام شدند. در این حادثه ۵ نفر مصدوم پس از انجام اقدامات اولیه درمانی توسط اورژانس به بیمارستان امام جعفر صادق(ع) منتقل شدند.»

تصادف مرگبار پژو و مینی‌بوس در محور تیران

پنجم مهر ماه، عباس عابدی، سخنگوی مرکز اورژانس استان اصفهان گفت: «تصادف پژو و مینی‌بوس در محور تیران و کرون ۴ مصدوم و یک فوتی برجای گذاشت. این حادثه ساعت ۶ و ۳۵ دقیقه به مرکز فرماندهی عملیات اورژانس استان اصفهان گزارش شده است. در این حادثه یک دستگاه پژو و یک دستگاه مینی‌بوس کارکنان یک شرکت با یکدیگر برخورد کرده و ۴ مصدوم زن ۳۶ تا ۵۲ ساله داشته که پس از انجام اقدامات فوری توسط کارشناسان اورژانس به بیمارستان بهنیا تیران منتقل شده‌اند. در این تصادف مرد ۳۹ ساله که راننده پژو بوده نیز بر اثر شدن جراحات در دم جان باخته است.»

تصادف مرگبار در قصرشیرین

پنجم مهر ماه، سیروس فلاحی، فرمانده پلیس راه قصرشیرین اعلام کرد: «برخورد ۲ دستگاه خودروی سواری سمند در مسیر قصرشیرین به سرپل‌ذهاب در غرب کرمانشاه سه نفر کشته برجای گذاشت. در جریان این سانحه، راننده ۲ سواری سمند و یکی از سرنشینان به دلیل جراحات وارده فوت کردند. این تصادف رانندگی در حد فاصل قراویز به روستای فتاح‌بگ در مسیر قصرشیرین به سرپل ذهاب رخ داد که علت این حادثه توسط کارشناسان در حال بررسی است.»

تصادف زنجیره‌ای در فارس با سه کشته

چهارم مهر ماه، صادق سلیمی، رییس پلیس راه شمال استان فارس گفت: «در پی اعلام وقوع یک فقره تصادف در محور مواصلاتی مرودشت به درودزن، بلافاصله ماموران به همراه دیگر نیروهای امدادی برای بررسی حادثه به محل اعزام شدند. ماموران در بررسی‌های اولیه مشاهده کردند سواری پژو با ۲ سرنشین به شدت با سواری پراید با ۲ سرنشین و پراید دیگر برخورد کرده است. در این حادثه راننده و سرنشین پژو و یکی از رانندگان پراید در دم فوت شدند و یک نفر هم نیز مجروح و راهی بیمارستان شده است.»

تصادف مرگبار در محور دارالمیزان

چهارم مهر ماه، محمدرضا وکیل‌زاده، مدیر روابط عمومی مرکز اورژانس فارس گفت: «در پی برخورد دو دستگاه خودرو سواری در محور دارالمیزان - مهر، نیروهای اورژانس ۱۱۵ به محل حادثه اعزام شدند. یک نفر از سرنشینان به علت شدت حادثه و جراحات وارده جان خود را از دست داد. همچنین ۵ نفر مصدوم شدند که پس از دریافت اقدامات درمانی اولیه توسط نیروهای اورژانس، برای ادامه درمان به بیمارستان توحید جم انتقال یافتند.»

تصادف مرگبار در جاده کرمانشاه به روانسر

چهارم مهر ماه، قلعه سفیدی، رییس اورژانس پیش‌بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه گفت: «بر اثر تصادف دو دستگاه پژو پارس در جاده قزانچی به سمت روانسر، حوالی روستای نوروزآباد، چهار نفر نفر جان خود را از دست دادند و سه نفر هم مصدوم شدند. مصدومان توسط سه دستگاه آمبولانس اورژانس به بیمارستان آیت‌الله طالقانی کرمانشاه منتقل شدند.»

تصادف مرگبار در ازنا

سوم مهر ماه، علی‌اکبر جاهد، فرماندار ازنا گفت: «یک دستگاه وانت آریسان در حوالی دربند واژگون شد که دو سرنشین آن به دلیل شدت حادثه جان باختند.»

تصادف مرگبار دو خودرو در محور گچساران

دوم مهر ماه، پرویز غفارفرد، سرپرست اورژانس ۱۱۵ استان کهگیلویه و بویراحمد گفت: «بر اثر برخورد یک دستگاه پراید با پژو ۴۰۵ در محور بعد از روستای دژسلیمان، یک نفر در صحنه جان باخت و چهار نفر دیگر مصدوم شدند. مصدومان این حادثه پس از انجام اقدامات درمانی اولیه توسط تیم‌های اورژانس، با استفاده از آمبولانس پایگاه دژسلیمان، کد ۲ و کد ۱ شهری به بیمارستان شهید رجایی گچساران انتقال داده شدند.»

اخبار

انفجار خانه‌ای در جویبار

فرماندار جویبار گفت: «انفجار ناشی از نشت گاز در یکی از مجتمع‌های مسکونی این شهرستان، موجب خسارت و تخریب چند واحد مسکونی و مصدومیت چهار نفر شد.»

محمد مدانلو در مورد تشریح این خبر گفت: «حادثه انفجار گاز در یکی از واحدهای مسکونی شامگاه چهارشنبه رخ داد و به محض اطلاع، تیم‌های امداد و نجات، آتش‌نشانی، اداره برق، شرکت گاز و نیروهای انتظامی در محل حاضر شده و اقدامات لازم برای مهار حادثه و تامین ایمنی انجام شد.» او با اشاره به جزییات این حادثه گفت: «بر اساس بررسی‌های اولیه، نشت گاز عامل وقوع انفجار بوده است. شدت انفجار به حدی بوده که واحدهای همجوار دچار خسارات شدند و شیشه‌های ساختمان‌های اطراف نیز شکست.» فرماندار جویبار با تاکید بر اینکه در زمان وقوع انفجار فردی در واحد مبدا حضور نداشته است، گفت: «خوشبختانه این حادثه تلفات جانی در پی نداشت، اما چهار نفر مصدوم و به مراکز درمانی منتقل شدند.» او همچنین بر لزوم رعایت نکات ایمنی و بررسی دوره‌ای سیستم‌های گازرسانی در خانه‌ها تاکید کرد و از شهروندان خواست در صورت مشاهده هر گونه نشتی یا بوی گاز، فورا با مراکز امدادی تماس بگیرند.

دستگیری دو سارق طلاحین سرقت

سرکلانتر هشتم پلیس پیشگیری پایتخت از دستگیری ۲ سارق طلاحین سرقت از یک مغازه طلافروشی خبر داد.

عبدالرضا محمدی در تشریح این خبر گفت: «طی گشت‌زنی‌های هدفمند ماموران کلانتری ۱۰۸ نواب در حوزه استحفاظی یک دستگاه موتورسیکلت با پلاک مخدوش و چهره‌های پوشیده شده ۲ راکب آن که در حال زاغ‌زنی یک طلافروشی بودند توجه ماموران را جلب کرده و برای دستگیری آنها وارد عمل شدند.» این مقام انتظامی در ادامه گفت: «سارقان پس از مشاهده ماموران با موتورسیکلت خود متواری و پلیس در یک تعقیب و گریز با استفاده از طرح مهار هر دو را دستگیر کرد.» او گفت: «در بازرسی‌های اولیه از متهمان یک قبضه سلاح گرم و هشت تیر جنگی، یک عدد شوکر، یک قبضه سلاح سرد و ابزارآلات و ادوات مخصوص سرقت کشف شد.» سرکلانتر هشتم گفت: «متهمان پس از انتقال به کلانتری به سرقت از طلافروشی‌ها به روش کش‌روی اعتراف کردند و برای بررسی‌های بیشتر به دستگاه قضایی تحویل داده شدند.»

ادامه از صفحه اول

معنای یک دروغ

کار خیر یه امری داوطلبانه است و دولت و حکومت بهترین کاری که می‌توانند و باید انجام بدهند؛ باز گذاشتن راه برای مردم جهت انجام این کار خیر یا مشارکت کردن با آنان در ساخت یا تجهیز وسایل است و اینکه نخواهند آن را به نام خود جا بزنند، که متأسفانه مواردی از این کارها دیده شده است. همچنین باید نیکوکاران مدرسه‌ساز را در اداره مدرسه نیز مشارکت داد تا انگیزه بیشتری پیدا کنند.

کار دولت و حکومت ساخت مدرسه با بودجه عمومی است. اولین پرسشی که باید پاسخ داده شود این است که چرا پس از حدود نیم قرن که از انقلاب می‌گذرد، هنوز مدارس کپرنشین یا غیراستاندارد وجود دارد یا حتی مدرسه‌ای هم در دسترس مردم نیست؟ دولت باید پاسخی برای این پرسش داشته باشد. شاید بگوییم این به قبلی‌ها ربط دارد. بله به آنها ربط دارد ولی پاسخ آن برای تغییر سیاست امروز ما لازم است. چگونه؟

همین الان چنان اتلاف منابع بزرگی در کشور و بودجه داریم که اگر فقط جزو کوچکی از آنها به مدرسه‌سازی اختصاص یابد، همه کمبودها برطرف می‌شود و نیازی به فعالیت خیرین نیست. مبالغ ناشی از فساد، اتلاف قیمت‌های انرژی، ارقامی که در اتلاف صادرات و واردات و انتقال پول به وجود می‌آید و... از این نوع است. خبرگزاری تسنیم که قاعدتا دسترسی خوبی به منابع اطلاعاتی دارد، مدعی شده که از سال ۱۳۹۷ تاکنون (حدود ۷ سال)، ۲۷۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داشته‌ایم که ۳۵ درصد یعنی ۹۵ میلیارد دلار آن هنوز به چرخه اقتصاد کشور بازنگشته است. اگر همین مقدار را برای صادرات نفتی و ارزان‌فروشی آن حساب کنیم سر به فلک می‌زند. وظیفه دولت حل این مسائل است و اگر فقط ۱۰ درصد منابع آن را صرف آموزش و پرورش کند، هیچ کمبودی در آن نخواهد بود. ساختن مدرسه از طریق فعالیت‌های نیکوکاری خوب است ولی وظیفه دولت نیست. کار اصلی دولت در حوزه آموزش فراتر از مدرسه‌سازی است، وظیفه مهم‌تر اصلاح نظام آموزشی است. در همه زمینه‌ها از جمله در تربیت و تنبیه، در انتخاب و آموزش آموزگاران مجرب، در فلسفه آموزش، در مفاد درسی، در علاقه‌مند کردن کودکان و جوانان به محیط آموزشی و در یاد دادن ابعاد گوناگون «سواد زندگی» یا «مهارت‌های زندگی» تا توانمندی‌های جوانان برای یک زندگی سالم افزایش یابد. تقریبا در همه موارد عقب‌گرد رفته‌ایم. حالا بیایید به آخرین دستاوردهای نظام آموزشی موجود نگاه کنیم. یکی از سوالات آزمون ضمن خدمت فرهنگیان (نه حتی دانش‌آموزان) که باید از امور آگاه باشند این است: «کدام کشور برای اولین بار در دنیا موفق شد، چهار فروند از جنگنده‌های F-۳۵ را منهدم کند؟»

گزینه‌ها: ۱ـ روسیه ۲ـ کره‌شمالی ۳ـ ایران ۴ـ امریکا

جناب آقای پزشکیان! این یک اشتباه عادی نیست. این یک دروغ نظام‌مند است که حتی هدف آن القای مطلب دروغ هم نیست، بلکه به ابتذال کشیدن شخصیت پاسخگو است. می‌گوید که ما و تو می‌دانیم که این دروغ است ولی تو باید برای آموزگار شدن رسما پاسخ دروغ را انتخاب و خود را تحقیر کنی. باید دانش‌آموزان خود را هم بر همین سیاق و روش آموزش بدهی. به نظر شما اگر کلاس و مدرسه نداشته باشیم بهتر است یا هنگامی که کلاس داریم و چنین آموزگاری را روانه کلاس کنیم؟ کدام آدم باوجدان و عاقلی حاضر می‌شود، فرزند خود را روانه این محیط ضدآموزشی کند؟ مساله شما و دولت در درجه اول اصلاح این است و نه ساختن مدرسه و کلاس.

جهان

زلزله ۷،۶ ریشتری فیلیپین را لرزاند

سازمان زمین‌شناسی فیلیپین اعلام کرد که زلزله‌ای به قدرت ۷.۶ در مقیاس امواج درونی زمین مناطق جنوبی این کشور را لرزاند.

سازمان زمین‌شناسی فیلیپین صبح روز گذشته اعلام کرد که هشدار سونامی برای چندین کشور منطقه ارسال و از مردم ساکن در مناطق ساحلی خواسته شده به مناطق مرتفع‌تر بروند. سازمان زمین‌شناسی فیلیپین موسوم به فیولکس در مورد خسارات و پس‌لرزه‌های ناشی از این زلزله قوی که در آب‌های شهر مانای در داوائو اورینتال در منطقه میندانائو رخ داد، هشدار داد. این آژانس اعلام کرد که این زلزله در عمق ۱۰ کیلومتری زمین رخ داده است.

همچنین در اندونزی برای مناطق شمالی سولاوسی و پاپوآ هشدار سونامی صادر و اعلام شد که ممکن است امواجی به ارتفاع ۵۰ سانتی‌متر به خطوط ساحلی اندونزی برخورد کنند. سیستم هشدار سونامی امریکا نسبت به خطر سونامی هشدار داده و اعلام کرد که امواج خطرناک سونامی برای سواحل واقع در فاصله ۳۰۰ کیلومتری از مرکز زلزله محتمل است. مرکز هشدار سونامی اقیانوس آرام اعلام کرد که امواج ۱ تا ۳ متر بالاتر از سطح جزر و مد در فیلیپین محتمل است و همچنین اعلام کرد که برخی سواحل اندونزی و پالائو ممکن است با امواجی تا یک متر مواجه شوند. فرماندار استان داوائو اورینتال در جنوب فیلیپین گفت که مردم به دلیل وقوع زلزله وحشت‌زده به خیابان‌ها آمدند.

ادوین جوباهیب به یک رسانه محلی گفت: «گزارش شده است که برخی ساختمان‌ها آسیب دیده‌اند. زلزله بسیار شدید بود.» با این حال هنوز گزارشی از تلفات احتمالی این زلزله منتشر نشده است. این زلزله شدید دو هفته پس از وقوع مرگبارترین زلزله فیلیپین در بیش از یک دهه گذشته رخ داد؛ این زلزله ۷ ریشتری منجر به کشته شدن ۷۲ نفر شد.

در مرداد ماه سال گذشته بود که زمین لرزه‌ای به بزرگی ۶.۷ در مقیاس امواج درونی زمین (ریشتر) سواحل شرقی جزیره میندانائو در فیلیپین را لرزاند.

کتاب روز

«طبقه بر پرده سینما: طبقه کارگر جهانی در سینمای معاصر

کتاب «طبقه بر پرده سینما: طبقه کارگر جهانی در سینمای معاصر»، اثر پژوهشی سارا آتفیلد، با برگردان سروش خانی منتشر شد. در معرفی این کتاب آمده است: «این کتاب که در سپتامبر ۲۰۲۰ منتشر شده بود، به تحلیلی عمیق از نحوه بازنمایی تجربه طبقه کارگر در هنر هفتم می‌پردازد. کتاب آتفیلد استدلال می‌کند که بازنمایی طبقه کارگر در فیلم‌ها اهمیت حیاتی دارد، زیرا برداشت عمومی را از زندگی کارگری شکل می‌دهد و می‌تواند کلیشه‌های رایج را تقویت کند یا به چالش بکشد. نویسنده با تحلیل فیلم‌های معاصری که بر زندگی طبقه کارگر تمرکز دارند، مانند «متاسفم که مزاحمتان می‌شوم» (Sorry To Bother You)، «این است انگلستان» (This is England)، «لو آور» (Le Havre) و... نشان می‌دهد که با وجود تنوع نژادی، قومیتی و فرهنگی در میان کارگران سراسر جهان، اشتراکات تجربی مهمی بین آنها وجود دارد. موضوعات اصلی کتاب شامل کار، فرهنگ، دیاسپورا (جوامع مهاجر)، جنسیت، تمایلات جنسی و نژاد است. این اثر برای علاقه‌مندان به مطالعات سینمایی، جامعه‌شناسی و تحلیل‌های فرهنگی، منبعی ارزشمند به شمار می‌آید». کتاب «طبقه بر پرده سینما: طبقه کارگر جهانی در سینمای معاصر»، اثر سارا آتفیلد، با ترجمه سروش خانی در ۳۹۰ صفحه و قیمت ۶۵۰ هزار تومان از سوی نشر افکار جدید منتشر شده است.

info@etemadnewspaper.ir
www.etemadnewspaper.ir
آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید
■ صاحب امتیاز : موسسه رسانه‌نگاران خوب‌اندیش
■ نشانی: خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، بن‌بست مینو
■ تلفنخانه: ۶۶۱۲۴۰۲۵ - ۶۶۱۲۴۰۲۴ ■ نمابر: ۶۶۱۲۴۰۲۱
■ ایمیل: etemaddaily@hotmail.com
■ توزیع: نشر گستر امروز ■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ چاپ: همشهری ۲ ■ تلفن: ۶۶۲۸۳۲۴۲

■ اذان ظهر ۱۱:۵۱ ■ اذان صبح فردا: ۰۴:۴۷
■ غروب آفتاب: ۱۷:۳۱ ■ طلوع آفتاب فردا : ۰۶:۱۰
■ اذان مغرب: ۱۷:۵۰

شکایت به دوستان

راهی به جز جلو رفتن نداریم

نیوشا طبیبی

بعد از جنگ دوازده روزه و مقاومت ایران، توجه مردم - لااقل آنهایی که من در اسپانیا با آنها معاشرت دارم - به کشور ما بیش از پیش شده است. مردم اسپانیا معمولا درباره ملیت خارجی‌ها کنجکاوی نمی‌کنند. کمتر از خارجی می‌پرسند که اهل کجاست و اینجا چه می‌کند؟ اما آنهایی که می‌پرسیدند یا برحسب اتفاق متوجه می‌شدند که ایرانی هستم، لبخندی می‌زدند و می‌گفتند: «اوه، بله پرسا» و پرسا هم که همان پرشیا و پارس است. بعد از جنگ اخیر وقتی کسی از ملیت ما باخبر می‌شود معمولا خیلی با احتیاط و مودبانه درباره حمله اسراییل می‌پرسد. حتما از میزان تنفر مردم اسپانیا از جنایات اسراییل باخبر هستید. روزی نیست که در گوشه‌ای از مادرید تجمعی علیه رژیم کودک‌کش برپا نشود و عده زیادی از پیر و جوان و کوچک و بزرگ در آن شرکت نکنند. توجه مردم به ایران بعد از چند دهه که ما مورد سنگین‌ترین هجوم تبلیغاتی تاریخ قرار داشته‌ایم، اتفاق بسیار مبارکی است. از آن فرصت‌هایی است که بارها و بارها در عرصه‌های مختلف نصیب ما شده و ما در بیشتر موارد دچار چنان کندی در تصمیم‌گیری و تصلب و محافظه‌کاری بوده‌ایم که نتوانسته‌ایم از موقعیت پیش آمده به نفع خود و ایران بهره‌برداری کنیم. عرض کردم چند دهه است که مورد هجوم قرار گرفته‌ایم، البته درست‌تر آن است که بگویم از تولد پدیده رسانه هیچ زمانی نبوده که ما زیر فشار کارزار تبلیغاتی ضد ایرانی نبوده باشیم. از چند کشور اروپایی که آنها با ما سابقه استعماری و دشمنی ندارند، مثل اسپانیا و یکی، دو کشور دیگر مانند هلند و فنلاند و سوئد بگذرید. آنگلوساکسون‌ها به‌طور عام و البته فرانسه و آلمان و ایتالیا و بلژیک، از زمانی که سری میان سرها درآوردند، در پی تحقیر ملل دیگر بوده‌اند. در نظر بسیاری از سیاستمداران نژادپرست غربی - که تعدادشان هم کم نیست - ملل غیر اروپایی مستحق داشتن چنین ثروت و امکانات طبیعی نیستند، حق ندارند برای صنعتی شدن تلاش کنند و شیوه حکومتداری را هم باید از دموکراسی‌های غربی بیاموزند. مشکل آنها با ایران، به دلیل اراده و عادت مردمان کشور ما به ساختن است. تفاوت ما با بسیاری از همسایگانمان به صورت تاریخی چنین است: ما ملتی تولیدکننده هستیم و علاقه داریم هر کالای مورد نیاز خود را تولید کنیم و بسیاری از ملل دیگر منطقه، از اصل و اساس بازرگان بوده و هستند و علاقه چندانی به تولید ندارند. طبیعی است که وجود ما و تمایلی که به تولید داریم، برای آنانی که خود را قطب و مرکز صنعت و فناوری جهان می‌دانند، خوشایند نیست. کافی است نگاهی به تاریخ تلاش‌های دو قرن اخیر ما برای دستیابی به فنون جدید بیندازید تا صحت عرض من مشخص شود. اولین تلاش ما برای آموختن فناوری‌های جدید و خیز برداشتن برای آنکه از قافله عقب نمانیم، تدبیر مرحوم شاهزاده عباس میرزا در فرستادن چند جوان ایرانی برای آموختن اسلحه‌سازی و چاپ و فنون دیگر بود. حکایت آنچه بر سر این شش جوان رفت در کتاب‌های متعددی آمده، اما نایل گرین در کتاب «عشق غریبه‌ها: سرگذشت شش محصل ایرانی در انگلستان جین آستین» شرحی مفصل در بدعهدی انگلیسی‌ها و ممانعت جدی آنها از دستیابی این محصلان به علوم و فناوری جدید آورده. اما این جوانان ایرانی با انگیزه فراوان در به در به دنبال آموختن بوده‌اند. وقتی بودجه تمام می‌شود و افرادی که قول همراهی و همکاری به شاهزاده داده بودند، بدعهدی می‌کنند، این جوانان عقب نمی‌نشینند. آن زمان تب آموختن زبان فارسی در لندن و در بین خانواده‌های اعیان و اشراف چنان بالا بوده که طبق گزارش نویسنده کتاب، دختر انگلیسی لندنی شعر فارسی می‌سروده! پس محصلان ما، از آموزگاری زبان فارسی خرج تحصیل خودشان را فراهم می‌کنند و در به در به دنبال استادان فن جست‌وجو می‌کنند تا چیزی بیاموزند. پس از این هم تمامی تلاش‌های ما برای دستیابی به فناوری‌های جدید با سنگ‌اندازی مواجه شد. خاطرات خیامی در تولید پیکان، علی‌اکبر رفوگران در تولید خودکار بیک و تا همین امروز خاطره آقای رفتاری در تلاش برای راه‌اندازی کارخانه و در سطح کلان تلاش شصت‌ساله ما برای راه‌اندازی چرخه کامل انرژی هسته‌ای - گفت‌وگوی زنده یاد اکبر اعتماد با بی‌بی‌سی در این موضوع شنیدنی است - نمونه‌هایی از این دست هستند. تاسیس ذوب‌آهن که پایه کشور برای توسعه به حساب می‌آمد و کشورهای غربی مطلقا علاقه‌ای به همکاری در این زمینه‌ها با ایران نداشته و البته هیچ‌وقت هم نخواهند داشت، نشان‌دهنده نگاه واقعی غربی‌ها به ماست. هنوز هم به عیان ما را مستحق پیشرفت نمی‌دانند و اعتقاد دارند که ما باید مواد خام بفروشیم و محصولات آنها را خریداری کنیم. ما حداکثر اجازه داریم مانند چند کشور ثروتمند دیگر به مراکز تجاری و تفریحی جهان مبدل شویم، اما تولید صنعتی خط قرمز است.

اینکه می‌گویم غربی‌ها علاقه‌ای به پیشرفت ما ندارند و تا آنجا که بتوانند در مسیر ما سنگ‌اندازی می‌کنند، به این معنی نیست که شرقی‌ها ایران پیشرفته و قوی را دوست دارند. واقعیت این است که ما راهی جز قدرتمند شدن نداریم، چون در این گوشه جهان مانند تمام تاریخ‌مان تنهای تنها و بی‌متحد هستیم و البته ما هم تن به حرف شنوی از هیچ قدرتمندی در عالم را نمی‌دهیم. اما درباره اینکه مردم آزاداندیش جهان به تکاپوی بازشناسی ایران افتاده‌اند برای ما فرصت بی‌مانندی ایجاد کرده که باید از آن بهره‌مند شویم. متاسفانه در این گیرودار ما باز هم دچار رکود و کندی در تصمیم‌گیری و محافظه‌کاری هستیم‌ای کاش دستگاهی برای مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی و تبلیغی مختص خارج از ایران وجود داشت.

در همین حوالی

چند سطری از داستان پرآبِ چشم «آب» در ایران

ماهی که بر خشک اوفتد قیمت بداند آب را*

حمیدرضا محمدی

رندان تشنه‌لب را، آبی نمی‌دهد کس / گویی ولی‌شناسان، رفتند از این ولایت

حافظ شیرازی

داستان «آب» در ایران به هولناک‌ترین و فاجعه‌بارترین و البته غم‌انگیزترین روزهایش رسیده است و عملا دیگر چنان کار از کار گذشته و دیگر حتی رعایت الگوی مصرف شهروندان هم این درد بی‌درمان را افاقه نمی‌کند. سرزمین فی‌نفسه و بالذات خشکی که مدیریت آبِ انسانِ عاقبت‌اندیش ایرانی در آن، در همه این چندهزار سالهَ چنان حیرت‌آور و شگفت‌انگیز و مهندسی‌شده بود که دشوارترین خشکسالی‌ها و بی‌آبی‌ها را از سر گذراند و به‌ویژه به مدد قنات‌ها و آب‌انبارها و یخچال‌ها و برکه‌ها از این مهلکه‌ها عبور کرد و خود را به امروز رساند بی‌آنکه رودی و رودخانه‌ای و چشمه‌ای را بخشکاند و خود محیط زیست پیرامونش عطشان بماند. اما ایرانی به‌اصطلاح مدرنِ قرن بیست‌ویکم که به‌جای تمشیت صحیح‌تر و دقیق‌تر، مانند دیگر ممالک راقیه با آن همه بارش که از هر راهی برای حفاظت و حراست از آب و حتی تولید آن سود می‌جویند، چنان وحشیانه به جان منابع آب روزمینی و زیرزمینی افتاد و آنقدر چاه غیرمجاز حفر کرد و بی‌رویه و بی‌برنامه سد ساخت و کشاورزی پرآب را در مناطق بی‌آب گسترش داد و در پهنه‌های کویری صنایع آب‌بر احداث کرد و به انبان پرنشدنی منافع و مطامعش ریخت که هرچه داشتیم تمام شد و این خشکسالی پی‌درپی تمام‌نشدنی هم مزید بر علت شد و شد امری علی‌حده تا باقیمانده‌ها هم از کف بروند. بر این علاوه کنید جمعیت لجام‌گسیخته‌ای که به شهرها هجوم بردند و آب را بلعیدند و آبی که به ثمن بخس به جماعت فروخته شد و تدبیر مصرف آن یا آموزش داده نشد یا در مدارس از سر رفع تکلیف چیزهایی گفته شد.

حالا ما مانده‌ایم با دریاچه‌های ارومیه، هامون، مهارلو، بختگان و پریشانِ خشکیده، رودخانه‌های اترک، هیرمند و زاینده‌رودِ خشکیده، چشمه‌علی خشکیده، سراب نیلوفرِ خشکیده، قنات نبادانِ خشکیده، تالاب‌های میانگران و شیمبار و گاوخونی خشکیده، سدهای مارون، وشمگیر و رودبالِ خشکیده و خیلی پهنه‌های آبی تفتیده دیگر که شمارشان از این مجال و مقال بیرون است و اکنون باید چوب مدیران نامدیری را بخوریم که پس از زدوبند با این و آن و از سر بی‌شرفی و خیره‌سری این سرزمین را گداختند و زیست انسانی، گیاهی و جانوری‌اش را شوربختانه و تیره‌روزانه تشنه گذاشتند و حتی وقتی داشتند پای کاغذها را برای احداث آن کلان‌طرح‌ها امضا می‌کردند، حتی لحظه‌ای به فکر آینده فرزندنشان که هیچ، آتیه خویش هم نبودند و سنگ جیب مبارک را به سینه می‌زدند.

این روزها بیش از همه دارم به سرو ابر کوه فکر می‌کنم که ۵ هزار و ۵۰۰ سال سرفراز و سربلند ایستاد و سایه‌گستری کرد، اما امروز از قفای خشک شدن قنات نبادان، لابد باید تا چندی دیگر خبر نابودی‌اش را بشنویم. حیات گیاهی و جانوری ایران، این میراث بی‌جایگزین که حالا با فزونی فرونشست‌ها، میراث فرهنگی‌اش را هم تهدید می‌کند، ما مردم را نخواهد بخشید.

*مصراعی از سعدی شیرازی

عکس‌نوشت

همزمان با روز حافظ خبرگزاری ایسنا با انتشار مجموعه عکس و گزارشی نوشت: «کنشگران و مرمتگران آثار تاریخی در استان فارس، وضعیت آرامگاه‌های حافظیه را وخیم ارزیابی کردند. تصاویری از سوی متخصصان مرمت و کنشگران میراث فرهنگی در اختیار ایسنا قرار گرفته که وضعیت آرامگاه‌هایی که در عرصه حافظیه قرار دارند را چندان مناسب نشان نمی‌دهد. یکی از این مرمتگران به ایسنا گفت: آرامگاه‌های مهمی در حافظیه هستند که به افراد سرشناسی چون شعرا، عرفا و خاندان «قوام» اختصاص دارند، اما بررسی‌ها از وضعیت وخیم و مرمت‌های غیراصولی این آرامگاه‌ها که برخی از آنها دارای تزیینات ارزشمند هستند، حکایت دارد. بنا بر بررسی‌های این مرمتگران، درها و پنجره‌های چوبی این آرامگاه‌ها موریانه‌زده شده و بخش‌هایی از آنها، غیراصولی و غلط مرمت شده‌اند؛ مرمت‌هایی که به جای چوب، با سیمان و نئوپان انجام شده است. از طرفی ترک‌های بسیار زیادی در درها و پنجره‌ها مشاهده می‌شود. نوعی آشفتگی و بی‌نظمی در مقبره‌ها وجود دارد. در داخل بیشتر مقبره‌ها پر از زباله است. بنا بر این اظهارات، برخی از این آرامگاه‌ها حدود پنج، شش سال پیش توسط شخصی غیرمتخصص مرمت شده است و اکنون به مرمت اصولی نیاز دارند تا از آسیب بیشتر جلوگیری شود».

تیتر مصور | غزه

ریفایی

روایت‌هایی از تاریخ ما

روایت هفتاد و هفتم: خاطرات سیاسی امین‌الدوله (۳)

مرتضی میرحسینی

با مخالفت‌های بی‌پایان جنگید. برای تغییری که مصمم به ایجادش بود، با درباریان جنگید. مصمم بود درآمدهای دولت را بالا ببرد و دخل و خرج‌ها را هم به دقت ثبت کند. روی خزانه نشست و دست‌هایی را که به سمت آن دراز می‌شدند، قطع کرد. «برای اصلاح مالیه و تکثیر عواید مملکت جدیتی داشت. مواجب بی‌جا نمی‌داد، انعامات بی‌مورد را تصدیق نمی‌کرد، مخارج بیهوده را که بر اثر غلط‌بخشی امین‌السلطان عادت دربار و ادارات شده بود، امضا نداشت. صورت جمع و خرج ایران را در نظر گرفته بود، بلکه بتواند جمع و خرج را تطبیق و تصحیح کند.» دشمنی درباری‌ها را به جان خرید و آزردگی و خشم آنان را به چیزی نگرفت. آنان دست به ضدحمله زدند و هر چه داشتند برای شکست و سرنگونی صدراعظم - و عقیم ماندن اصلاحاتش - رو کردند. «در نتیجه این دقت و جلوگیری، درباری‌ها و استفاده‌چی‌ها و مستوفی‌ها که اصل مساله در کیسه آنها و اگر کار صورت اصلاحی به خود می‌گرفت نانشان آجر بود، ملتفت شدند این ترتیب برایشان مضر و باید علاجی کرد هر دسته با هم همداستان و از هر طریقی بنای تحریک و فساد را گذاشتند. فرمانفرما که از وزارت جنگ معزول و حس می‌کرد شاه با او قلبا بی‌میل است به دسته‌جات مخالف، موافقت و دامن به آتش می‌زد و وعده می‌داد و خرج می‌کرد، قسمت عمده درباری‌ها یعنی حکیم‌الملک و حزب او را ربوده و با میرزا حسن آشتیانی و اولاد و اعوان او خصوصیت داشت و نقشه فساد می‌کشید.» روس‌ها هم که قطعا از او خوش‌شان نمی‌آمد. شاید تقصیر خودش بود. انگشت در لانه اجنبی کرد و کوشید تشکیلات حکومت و ادارات مالی را سروسامانی بدهد. نه اینکه در نوسازی کامیاب شد. نه، نشد. فقط چند گام، آن هم در مواردی از برنامه‌هایش جلو رفت. همین را هم تحمل نکردند. البته طبیعی بود که تحمل نکنند. امین‌الدوله عادت‌های قدیمی را به چالش کشید و رخوت پایتخت را به هم زد. دشمنان داخلی و خارجی‌اش نیز - با همه اختلافاتی که با یکدیگر داشتند - دست به دست هم دادند و به بهانه بی‌اعتباری اسکناس‌های بانک شاهنشاهی، تهران را به آشوب و بلوا کشیدند. «جزییات این قضایا را که حکومت تهران و پلیس به امین‌الدوله ساعت به ساعت خبر می‌داد، او به شاه اطلاع و خاطرنشان می‌کرد که من تا آخرین ساعت مقاومت می‌کنم و از این حرکات وحشت و باکی ندارم، ولی نمی‌خواهم خاطر شما رنجه و مملکت دچار ناراحتی باشد و سلیقه من در نوکری دولت و عقیده‌ام همین است که چند ماه است مستحضر هستید، نمی‌توانم مثل سابقین منافع شخصی را بر نفع وطن خودم ترجیح و برای بقای خود در ریاست تحمل ناحساب خارجی‌ها و توقعات نامحدود... و از مال مملکت و مالیات ایران حاتم‌بخشی کنم. می‌خواهم برخلاف خرابی که سابقین در آخر عصر ناصری مرتکب شده طوری بشود که نام نیکی از دوره سلطنت شما بماند. به جهات مذکوره صلاح شما و خودم را در کناره‌جویی می‌دانم. مزاجم کسل است و نمی‌توانم در عوض کار، شب و روز با درباری‌های شما و علما و خارجی‌ها مشاجره کنم.» شاید واقعا به تنگ آمده بود. شاید هم تصمیم داشت شاه را مجبور به انتخاب کند تا در این ماجرا، یکی از دو طرف بایستد. نقشه‌اش گرفت. شاه موقتا او را انتخاب کرد. «شاه ملتفت بود که امین‌الدوله حق دارد و آنچه می‌گوید به صلاح اوست. با اصرار زیاد ذکر دلایلی کرد که درین موقع اگر شما کنار بروید اثبات ضعف من و تجری دیگران خواهد شد. شما هر نوع تقویتی که صلاح می‌دانید، مضایقه نمی‌کنم.» اما مخالفت‌ها تمامی نداشتند. حتی تهمت‌هایی به امین‌الدوله بستند و انگ بی‌دینی به او چسباندند. گفتند با تاسیس مدارس جدید، زمینه فساد مردم را فراهم می‌کند و عزمش را جزم کرده است تا بی‌دینی را در جامعه گسترش دهد. بعد هم گفتند دلبسته سیدجمال و افکار او است و هدف نهایی‌اش تضعیف نهاد سلطنت و کاهش اختیارات شاه و سرانجام هم تغییر نظام سیاسی ایران است. دشمنانش قلب شاه را هدف گرفته بودند و می‌خواستند ترس از صدراعظم را به جان او بیندازند.

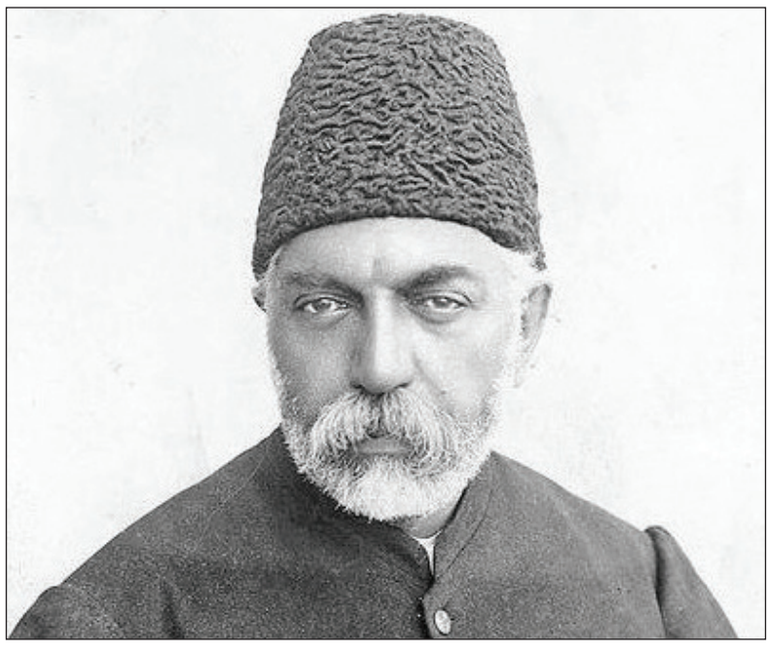

پیشخوان
Pishkhan.com